



ارائه و تحلیل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آبادی‌های کشور در سال ۱۳۹۰ و مقایسه‌ی آن با سال ۱۳۸۵

نریمان یوسفی

بتول خوندابی

محمد حداد سلیمانی

مرضیه اربابی



پژوهشکده‌ی آمار

گروه پژوهشی پردازش داده‌ها و اطلاع‌رسانی

زمستان ۱۳۹۲

پیش‌گفتار

کمبرود اطلاعات صحیح و دسته‌بندی‌شده‌ی آبادی‌ها همواره یکی از مشکلات پیش روی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور بوده است و کارشناسان مسائل روستایی را نیز با مشکلات عدیده‌ای در برنامه‌ریزی و ارزیابی برنامه‌های اجرا شده مواجه ساخته است. سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن با ارائه‌ی اطلاعات کلی از ساختار جمعیتی، اقلیمی و امکانات مستقر در آبادی‌ها یکی از جامع‌ترین دادگان‌های آبادی‌ها بوده و به‌عنوان فرصتی مغتنم، زمینه‌ی بررسی‌های متعدد را برای پژوهشگران فراهم ساخته است.

گزارش حاضر با عنوان «ارائه و تحلیل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آبادی‌های کشور در سال ۱۳۹۰ و مقایسه‌ی آن با سال ۱۳۸۵»، نتیجه‌ی بررسی‌ای در خصوص شاخص‌های اجتماعی-جمعیتی و امکانات آبادی‌ها و مقایسه‌ی تطبیقی آن با وضعیت آبادی‌ها در سرشماری ۱۳۸۵ است که می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای برنامه‌ریزی و ارزیابی برنامه‌ریزی‌های روستایی در سطح ملی و استانی مورد استفاده قرار گیرد.

این بررسی در گروه پژوهشی پردازش داده‌ها و اطلاع‌رسانی پژوهشکده‌ی آمار با همکاری آقایان نریمان یوسفی و محمد حداد سلیمانی و خانم‌ها بتول خوندابی و مرضیه اربابی اجرا شده است، که از ایشان تشکر و قدردانی می‌شود. پژوهشکده‌ی آمار در انجام این بررسی از همکاری‌های مالی و فنی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) بهره برده است که از همکاری آن سازمان صمیمانه تشکر می‌شود. از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود نظرات اصلاحی خود را در ارتباط با محتوای مجموعه‌ی حاضر به گروه پژوهشی پردازش داده‌ها و اطلاع‌رسانی پژوهشکده‌ی آمار منعکس نمایند.

گروه پژوهشی پردازش داده‌ها و اطلاع‌رسانی
پژوهشکده‌ی آمار

فهرست

عنوان	صفحه
فصل ۱: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- بیان مسئله	۱
۳-۱- اهداف	۲
۴-۱- فرضیه‌های کلی	۲
۵-۱- پیشینه‌ی تحقیق	۲
۶-۱- تاریخچه	۵
۷-۱- مبانی نظری	۷
۱-۷-۱- تعریف و تحدید مفاهیم ده، روستا و آبادی	۷
۲-۷-۱- تغییر ساختار خانواده	۸
۳-۷-۱- ساختار سنی جمعیت	۱۲
۴-۷-۱- ساختار جنسی جمعیت	۱۳
۵-۷-۱- مهاجرت	۱۴
۶-۷-۱- توسعه‌ی انسانی	۱۵
۷-۷-۱- توسعه‌ی روستایی	۱۷
۸-۷-۱- اشتغال و بیکاری	۲۳
فصل ۲: روش‌شناسی پژوهش	۲۵
۱-۲- روش تحقیق	۲۵
۲-۲- جامعه‌ی آماری	۲۵
۳-۲- داده‌های مورد استفاده برای تحلیل	۲۵
۴-۲- روش بررسی نتایج	۲۵
۱-۴-۲- خوشه‌بندی انحصاری و خوشه‌بندی با هم‌پوشی	۲۷
۲-۴-۲- خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی و خوشه‌بندی سطح	۲۷
۳-۴-۲- الگوریتم‌های خوشه‌بندی	۲۸
۵-۲- تعریف مفاهیم	۳۴

عنوانصفحه

۳۶	۲-۶- تعریف شاخص‌ها
۳۹	فصل ۳: یافته‌های پژوهش
۳۹	۳-۱- مقدمه
۴۰	۳-۲-۱- تعداد آبادی‌ها
۴۹	۳-۲-۳- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی
۵۴	۳-۲-۴- آبادی‌های بر حسب وضع طبیعی آبادی و به تفکیک استان
۵۶	۳-۲-۵- آبادی‌های بر حسب وضع طبیعی آبادی و وضعیت سکونت
۶۳	۳-۲-۶- آبادی‌های دارای سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی
۶۵	۳-۲-۷- آبادی‌های خالی از سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی
۶۷	۳-۳- شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی
۶۷	۳-۳-۱- جمعیت آبادی‌ها
۶۹	۳-۳-۲- جمعیت آبادی‌ها بر حسب جنس و نسبت جنسی
۷۱	۳-۳-۳- تعداد و بعد خانوار آبادی‌های
۷۶	۳-۳-۴- وضعیت زناشویی و عمومیت ازدواج در آبادی‌ها
۷۹	۳-۳-۵- جمعیت در سن تحصیل آبادی‌ها بر حسب وضع سواد
۹۳	۳-۴- شاخص‌های امکانات زندگی در آبادی‌ها
۹۳	۳-۴-۱- شاخص زیرساخت‌های ارتباطی
۹۶	۳-۴-۲- شاخص طرح هادی
۹۸	۳-۴-۳- شاخص امکانات آموزشی
۱۰۳	۳-۴-۴- شاخص امکانات فرهنگی
۱۰۵	۳-۴-۵- شاخص امکانات ورزشی
۱۰۷	۳-۴-۶- شاخص امکانات مذهبی
۱۱۰	۳-۴-۷- شاخص امکانات سیاسی و اداری
۱۱۳	۳-۴-۸- شاخص امکانات انرژی
۱۱۶	۳-۴-۹- شاخص امکانات بهداشتی
۱۱۹	۳-۴-۱۰- شاخص امکانات درمانی
۱۲۳	۳-۴-۱۱- شاخص امکانات بهداشت دام
۱۲۵	۳-۴-۱۲- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات
۱۲۹	۳-۴-۱۳- شاخص امکانات مالی
۱۳۱	۳-۴-۱۴- شاخص امکانات ارتباطی
۱۳۴	۳-۴-۱۵- شاخص امکانات اطلاع‌رسانی
۱۳۶	۳-۵- تحلیل خوشه‌بندی
۱۴۴	۳-۶- مقایسه‌ی وضعیت آبادی‌ها در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰
۱۴۴	۳-۶-۱- مقایسه‌ی سیمای آبادی‌ها

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۵۱ ...	۳-۶-۲- شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی
۱۵۴ ...	۳-۶-۳- شاخص‌های امکانات زندگی
۱۷۱	فصل ۴: نتیجه‌گیری
۱۷۱ ...	۴-۱- نتیجه‌گیری
۱۷۳ ...	۴-۲- پیشنهادها
۱۷۵	پیوست‌ها
۱۷۹	مرجع‌ها

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۳۰	جدول ۱-۲- ماتریس فاصله بین ۶ نمونه داده
۳۰	جدول ۲-۲- ماتریس فاصله بین ۵ خوشه حاصل از تکرار اول
۳۱	جدول ۳-۲- ماتریس فاصله بین ۴ خوشه حاصل از تکرار دوم
۳۱	جدول ۴-۲- ماتریس فاصله بین ۳ خوشه حاصل از تکرار سوم
۳۱	جدول ۵-۲- ماتریس فاصله بین ۲ خوشه حاصل از تکرار چهارم
۴۰	جدول ۱-۳- آبادی‌ها به تفکیک استان
۴۱	جدول ۲-۳- آبادی‌ها بر حسب وضعیت سکونت در آبادی
۴۲	جدول ۳-۳- آبادی‌ها بر حسب نوع سکونت در آبادی
۴۴	جدول ۴-۳- آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی به تفکیک استان
۴۵	جدول ۵-۳- آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی به تفکیک استان
۴۶	جدول ۶-۳- آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی به تفکیک استان
۴۷	جدول ۷-۳- آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی به تفکیک استان
۴۹	جدول ۸-۳- آبادی‌ها بر حسب نوع سکونت در آبادی به تفکیک استان
۵۰	جدول ۹-۳- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی
۵۱	جدول ۱۰-۳- آبادی‌های دشتی به تفکیک استان
۵۲	جدول ۱۱-۳- آبادی‌های جنگلی واقع در دشت به تفکیک استان
۵۳	جدول ۱۲-۳- آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای به تفکیک استان
۵۴	جدول ۱۳-۳- آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه به تفکیک استان
۵۶	جدول ۱۴-۳- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی به تفکیک استان
۵۷	جدول ۱۵-۳- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی و وضعیت سکونت
۵۸	جدول ۱۶-۳- آبادی‌های دشتی بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان
۵۹	جدول ۱۷-۳- آبادی‌های جنگلی واقع در دشت بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان
۶۱	جدول ۱۸-۳- آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان
۶۳	جدول ۱۹-۳- آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان
۶۵	جدول ۲۰-۳- آبادی‌های دارای سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی به تفکیک استان

صفحه

عنوان

۶۷	جدول ۳-۲۱- آبادی‌های خالی از سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی به تفکیک استان
۶۸	جدول ۳-۲۲- جمعیت آبادی‌ها بر حسب سهم از کل به تفکیک استان
۷۰	جدول ۳-۲۳- جمعیت آبادی‌ها بر حسب جنس و نسبت جنسی به تفکیک استان
۷۲	جدول ۳-۲۴- تعداد و بعد خانوارهای آبادی‌ها به تفکیک استان
۷۴	جدول ۳-۲۵- جمعیت گروه‌های عمده سنی در آبادی‌ها به تفکیک استان
۷۵	جدول ۳-۲۶- شاخص جوانی و سالخوردگی آبادی‌ها به تفکیک استان
۷۷	جدول ۳-۲۷- وضعیت زناشویی جمعیت آبادی‌ها به تفکیک استان
۷۸	جدول ۳-۲۸- عمومیت ازدواج در آبادی‌ها به تفکیک استان
۸۰	جدول ۳-۲۹- جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر، بی سواد و باسواد
۸۲	جدول ۳-۳۰- جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان
۸۳	جدول ۳-۳۱- جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر فعال و غیرفعال آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان
۸۴	جدول ۳-۳۲- نرخ مشارکت اقتصادی در آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان
۸۶	جدول ۳-۳۳- ترکیب جمعیت فعال آبادی‌ها (شاغل و بیکار) به تفکیک استان
۸۷	جدول ۳-۳۴- جمعیت شاغل در آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان
۸۹	جدول ۳-۳۵- نرخ اشتغال در آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان
۹۱	جدول ۳-۳۶- جمعیت بیکار در آبادی‌ها به تفکیک استان
۹۲	جدول ۳-۳۷- نرخ بیکاری در آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان
۹۴	جدول ۳-۳۸- شاخص زیرساخت‌های ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۹۷	جدول ۳-۳۹- شاخص طرح هادی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۹۹	جدول ۳-۴۰- شاخص امکانات آموزشی در آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۰۴	جدول ۳-۴۱- شاخص امکانات فرهنگی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۰۶	جدول ۳-۴۲- شاخص امکانات ورزشی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۰۸	جدول ۳-۴۳- شاخص امکانات مذهبی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۱۱	جدول ۳-۴۴- شاخص امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۱۴	جدول ۳-۴۵- شاخص امکانات انرژی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۱۷	جدول ۳-۴۶- شاخص امکانات بهداشتی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۲۰	جدول ۳-۴۷- شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۲۴	جدول ۳-۴۸- شاخص امکانات بهداشت دام آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۲۶	جدول ۳-۴۹- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۳۰	جدول ۳-۵۰- شاخص امکانات مالی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۲۹	شکل ۱-۲- تفاوت بین روش‌های بالا به پایین با روش‌های پایین به بالا
۲۹	شکل ۲-۲- شباهت بین دو خوشه در روش Single-Link برابر است با کم‌ترین فاصله بین داده‌های دو خوشه
۳۲	شکل ۳-۲- دندروگرام حاصل از خوشه بندی به روش single-link
۳۲	شکل ۴-۲- شباهت بین دو خوشه در روش Complete-Link برابر است با بیش‌ترین فاصله بین داده‌های دو خوشه.
۳۳	شکل ۵-۲- شباهت بین دو خوشه در روش Average-Link برابر است با میانگین فاصله بین داده‌های دو خوشه
۴۱	شکل ۱-۳- آبادی‌ها به تفکیک استان
۴۲	شکل ۲-۳- وضع سکونت در آبادی‌ها
۴۳	شکل ۳-۳- وضعیت سکونت در آبادی‌ها
۵۰	شکل ۴-۳- تعداد آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی
۶۹	شکل ۵-۳- سهم استان‌های مختلف از جمعیت آبادی‌ها
۷۱	شکل ۶-۳- نسبت جنسی آبادی‌های کشور به تفکیک استان
۷۳	شکل ۷-۳- بعد خانوار آبادی‌ها به تفکیک استان
۷۶	شکل ۸-۳- شاخص‌های سالیانوردگی و جوانی آبادی‌ها به تفکیک استان
۷۹	شکل ۹-۳- عمومیت ازدواج در آبادی‌ها به تفکیک استان
۸۱	شکل ۱۰-۳- نرخ باسوادی در آبادی‌ها
۸۵	شکل ۱۱-۳- نرخ مشارکت اقتصادی آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان
۹۰	شکل ۱۲-۳- نرخ اشتغال کل کشور بر حسب جنس به تفکیک استان
۹۳	شکل ۱۳-۳- نرخ بیکاری کل کشور بر حسب جنس به تفکیک استان
۹۶	شکل ۱۴-۳- شاخص زیرساخت‌های ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان
۹۸	شکل ۱۵-۳- شاخص طرح هادی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان
۱۰۳	شکل ۱۶-۳- شاخص امکانات آموزشی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان
۱۰۵	شکل ۱۷-۳- شاخص امکانات فرهنگی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان

صفحه

عنوان

۱۰۷	شکل ۳-۱۸ - شاخص امکانات ورزشی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۱۰	شکل ۳-۱۹ - شاخص امکانات مذهبی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۱۳	شکل ۳-۲۰ - شاخص امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۱۶	شکل ۳-۲۱ - شاخص امکانات انرژی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۱۹	شکل ۳-۲۲ - شاخص امکانات بهداشتی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۲۳	شکل ۳-۲۳ - شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۲۵	شکل ۳-۲۴ - شاخص امکانات بهداشت دام آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۲۹	شکل ۳-۲۵ - شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۳۱	شکل ۳-۲۶ - شاخص امکانات مالی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۳۴	شکل ۳-۲۷ - شاخص امکانات ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۳۶	شکل ۳-۲۸ - شاخص امکانات اطلاع‌رسانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان
۱۳۷	شکل ۳-۲۹ - دندروگرام درصد جوانی جمعیت
۱۳۸	شکل ۳-۳۰ - دندروگرام درصد عمومیت ازدواج
۱۳۹	شکل ۳-۳۱ - دندروگرام نسبت جنسی
۱۴۰	شکل ۳-۳۲ - دندروگرام بعد خانوار
۱۴۱	شکل ۳-۳۳ - دندروگرام نرخ باسوادی
۱۴۲	شکل ۳-۳۴ - دندروگرام نرخ مشارکت اقتصادی
۱۴۳	شکل ۳-۳۵ - دندروگرام نرخ بیکاری
۱۴۴	شکل ۳-۳۶ - دندروگرام امکانات زندگی
۱۴۵	شکل ۳-۳۷ - آبادی‌ها بر حسب وضعیت سکونت در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰
۱۴۶	شکل ۳-۳۸ - آبادی‌ها بر حسب وضعیت سکونت به تفکیک دائمی و موسمی در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰
۱۴۸	شکل ۳-۳۹ - تعداد آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰
۱۵۲	شکل ۳-۴۰ - سهم جمعیت آبادی‌ها به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰
۱۵۲	شکل ۳-۴۱ - نسبت جنسی آبادی‌های کشور به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰
۱۵۴	شکل ۳-۴۲ - شاخص جوانی جمعیت در آبادی‌های کشور به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰
۱۵۴	شکل ۳-۴۳ - شاخص بزرگسالی جمعیت در آبادی‌های کشور به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰
۱۷۰	شکل ۳-۴۴ - مقایسه‌ی شاخص‌های امکانات زندگی آبادی‌ها در کل کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

فصل ۱

کلیات

۱-۱- مقدمه

کمبود اطلاعات صحیح، دسته‌بندی و بررسی آن‌ها یکی از معضلات برنامه‌ریزی و تحقیق در کشور ما است. در مقوله‌ی آبادی‌ها نیز این مسئله کم و بیش وجود دارد و کارشناسان مسائل روستایی را با مشکلات عدیده‌ای در برنامه‌ریزی و حتی ارزیابی برنامه‌های اجرا شده مواجه می‌سازد. در سال‌های اخیر با تفصیلی‌تر شدن فرم شناسنامه‌ی آبادی‌ها در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن که منجر به در اختیار گرفتن اطلاعات ارزشمندی در مورد آبادی‌ها شده است، انجام بررسی‌های مربوط ضرورت بیش‌تری می‌یابد. بر این اساس، تحقیق حاضر در صدد است که به ارائه‌ی شاخص‌های مختلف آبادی‌ها در سطح کل کشور، استان‌ها و مقایسه‌ی محورهای تحقیق در سرشماری اخیر با سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ بپردازد.

۱-۲- بیان مسئله

روستانشینی یکی از صور استقرار معیشت انسان و جلوه‌ی بارزی از حیات اجتماعی و اقتصادی در ایران است که با نظامی کم و بیش پایدار در طی قرون متمادی دوام یافته است. امروزه با وجود مهاجرت‌های گسترده‌ی روستا به شهر که باعث کاهش نسبت جمعیت روستاها شده، آبادی‌ها همچنان تعداد قابل توجهی از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند و جامعه‌ی آبادی‌ها نقش اساسی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور دارد که این امر ضرورت بازنگری در مسائل و مشکلات جامعه‌ی آبادی‌ها و برنامه‌ریزی مناسب و بهینه را گریز ناپذیر می‌سازد. آبادی‌ها به واسطه‌ی ارتباط تنگاتنگی که با کشاورزی دارند، نقش مهمی را در اقتصاد کشور ایفا می‌نمایند، به عبارتی توسعه شهرها و کل کشور به سهم خود به برنامه‌ریزی توسعه‌ی آبادی‌ها نیازمند است.

از سویی دیگر، گام اول در هر برنامه‌ریزی داشتن آگاهی از کم و کیف وضعیت موجود با هدف برنامه‌ریزی برای رسیدن به نقطه مشخص در آینده است. سرشماری اخیر (سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰) فرصتی ویژه را فراهم نموده تا با استخراج آمارهای مرتبط با آبادی‌ها و بررسی آن‌ها، بتوان برنامه‌ریزی مطلوب‌تری را در این خصوص در اختیار داشت. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است که با استفاده از این

اطلاعات شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی که نمایانگر کاملی از اوضاع آبادی‌ها باشد را ارائه دهد.

۱-۳- اهداف

۱- توصیف سیمای آبادی‌های کشور (وضع سکونت، وضع طبیعی و غیره)

۲- بررسی شاخص‌های اجتماعی برای آبادی‌ها (ویژگی‌های اجتماعی و جمعیتی) به تفکیک استان

۳- بررسی شاخص‌های اقتصادی برای آبادی‌ها (امکانات آبادی‌ها) به تفکیک استان

۴- بررسی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی به تفکیک وضع طبیعی آبادی‌ها

۵- تحلیل آماری شاخص‌های آبادی‌ها

۶- مقایسه شاخص‌های آبادی‌ها در سرشماری‌های ۱۳۹۰ با ۱۳۸۵

۱-۴- فرضیه‌های کلی

فرضیه‌های توصیفی

۱- وضعیت شاخص‌های اجتماعی آبادی‌ها (همانند نرخ بیکاری، نرخ باسوادی و غیره) در استان‌های مختلف چگونه است؟

۲- وضعیت شاخص‌های اقتصادی آبادی‌ها (همانند امکانات آموزشی، بهداشتی، حمل و نقل و غیره) در استان‌های مختلف چگونه است؟

فرضیه‌های تحلیلی

۱- جمعیت آبادی‌های کشور در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

۲- شاخص کهنسالی آبادی‌های کشور در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

۳- شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی (نرخ باسوادی، عمومیت ازدواج و غیره) در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

۴- شاخص‌های برخورداری امکانات زندگی (شاخص‌های فرهنگی، انرژی، بهداشت و غیره) در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.

۱-۵- پیشینه‌ی تحقیق

خسروی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «برآورد سرمایه‌ی انسانی در ایران با استفاده از نتایج سرشماری طی دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵»، پس از مروری اجمالی بر تعاریف و شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه‌ی انسانی، با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ پرداخته‌اند. ایشان نخست میانگین سطح تحصیلات افراد ۱۵-۲۵ سال و گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله به تفکیک جنسیت و شهر و روستا را محاسبه کردند و سپس با استفاده از روش درون‌یابی، سرمایه‌ی انسانی و چگونگی تحول آن طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ را محاسبه و مورد تحلیل قرار دادند.

شناخت روند حرکتی و چگونگی تغییرات آن در سطح کشور در رابطه با سطح توسعه‌ی مناطق کشور، می‌تواند حاوی پیام‌های سیاستی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمعیتی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی

کشور باشد. در این ارتباط، دامن‌کشیده و دیگران (۱۳۸۹) به منظور بررسی شاخص‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی و میزان مهاجرت مردان و زنان از مناطق روستایی به مناطق شهری، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در کل کشور را مورد تحلیل قرار داده‌اند. ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه در این طرح پژوهشی عبارت‌اند از: ساختار سنی-جنسی، وضع فعالیت اقتصادی، وضع سواد و تحصیلات و وضع زناشویی. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مهاجرت‌های شهر به روستا، روستا به روستا و روستا به شهر در سال ۱۳۸۵ در مقایسه با سال ۱۳۷۵ به ترتیب حدود ۱/۲، ۲ و ۲/۵ درصد کاهش داشته‌اند. همچنین مهم‌ترین عوامل در مهاجرت روستا به شهر، اشتغال به تحصیل و خدمت وظیفه (به غیر از پیروی از خانوار) بر شمرده شده است.

حیدری و دیگران (۱۳۸۷) نیز به بررسی شاخص خالص مهاجرت (مهاجرت‌پذیری و مهاجرت‌فرستی) در استان‌های کشور پرداختند و سپس استان‌های کشور را بر حسب شاخص‌های توسعه در چهار طبقه‌ی اجتماعی، محیطی، اقتصادی و نهادی رتبه‌بندی کردند. لازم به توضیح است که آن‌ها هر طبقه را به چند گروه اصلی و هر گروه اصلی را به چند گروه فرعی تقسیم کردند که در مجموع ۳۶ شاخص در چهار طبقه و ده گروه اصلی و ۲۲ گروه فرعی مورد استفاده قرار گرفتند. در این رتبه‌بندی استان‌های تهران، اصفهان، یزد، مازندران و خراسان رضوی با بیش‌ترین مقدار خالص مهاجرت به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم در مهاجرت‌پذیری را دارند و استان‌های آذربایجان شرقی، کرمانشاه، خوزستان، همدان و سیستان و بلوچستان با کم‌ترین مقدار خالص مهاجرت به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم در مهاجرت‌فرستی را دارند. البته نتایج حاصل دلالت بر آن دارند که رابطه‌ی معناداری بین خالص مهاجرت و سطح توسعه‌یافتگی ندارد.

دسترسی به امکانات و خدمات موجود در شهرها از یک سو و تهدیدهای بوم‌شناختی شهر، جذب جمعیت مهاجر و عوارض ناشی از آن از سوی دیگر شرایط پیچیده‌ای را در روستاهای پیرامون شهرها به وجود می‌آورد. از این رو خراسانی و دیگران (۱۳۹۱) با توجه به تاثیر روستاهای پیرامون شهری بر کیفیت زیست و نحوه‌ی تامین نیازهای ساکنان آن محل، به ارزیابی زیست‌پذیری در این روستاها با در نظر گرفتن عوامل تاثیرگذار بر این روستاها در سه بعد اقتصادی زیست‌پذیری، بعد اجتماعی زیست‌پذیری و بعد زیست‌محیطی مربوط به روستاهای شهرستان ورامین پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بعد اقتصادی و اجتماعی زیست‌پذیری روستاها در سطح متوسط و بعد زیست‌محیطی آن‌ها در وضعیت نامطلوبی است و در مجموع زیست‌پذیری روستاهای مورد نظر شرایط مطلوبی ندارد.

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی، شاخص گسترش فناوری اطلاعات است. از طرفی توسعه‌ی روستایی به عنوان یک فرایند تغییرات اجتماعی و فرهنگی در محیط روستا شامل بهبود بازدهی و افزایش اشتغال و درآمد روستاییان، تامین حداقل قابل قبول سطح تغذیه، آموزش و پرورش و بهداشت است. از این رو فراهانی و دیگران (۱۳۹۱) در تحقیق با عنوان «اثرات گسترش فناوری اطلاعات در توسعه‌ی روستایی» به ارزیابی میزان تاثیرگذاری فناوری اطلاعات بر اشتغال، خود اشتغالی، مهارت‌های شغلی، دانش عمومی و دانش تخصصی مهاجرت روستاییان به شهرها پرداختند. جامعه‌ی آماری این بررسی تمام روستاییان ۱۵ تا ۳۰ سال ساکن در مناطق روستایی استان خراسان جنوبی است که روستای آن‌ها در محدوده‌ی توسعه‌ی فناوری اطلاعات قرار گرفته است و به اینترنت و مراکز ICT دسترسی داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد توسعه‌ی فناوری اطلاعات در روستاها به گونه‌ای است که عمدتاً جوانان به آن توجه دارند. همچنین رابطه‌ی معناداری بین توسعه‌ی فناوری

اطلاعات و بهبود دانش عمومی و تخصصی روستاییان و نیز افزایش مهاجرت، بهبود خوداشتغالی و افزایش مهارت‌های شغلی وجود دارد.

موسوی و رجبی (۱۳۹۱) با هدف پیش‌بینی نیازها و کاستی‌های مناطق گردشگرپذیر روستایی و رفع کمبودها به برآورد تمایل به پرداخت (هزینه) گردشگران و تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر آن با بکارگیری روش ارزش‌گذاری مشروط در روستای ابیانه و در نظر گرفتن متغیرهایی مانند جنس، سن، بعد خانوار، تحصیلات، فاصله محل زندگی تا روستا، امکانات روستا و میزان مبلغ ورودی پرداختند و این نتیجه به دست آمد که ۷۵/۶ درصد گردشگران حاضر به پرداخت مبلغی برای بازدید و استفاده‌ی تفریحی از روستای ابیانه هستند. همچنین با استفاده از مدل پروبیت رتبه‌ای، این نتیجه حاصل شده است که عوامل تاثیرگذار بر تمایل به پرداخت عبارت از درآمد، سطح مبلغ پیشنهادی، تحصیلات گردشگر و جذابیت و امکانات روستا هستند. ایشان معتقدند که با توجه به مشکلات اقتصادی و مسائلی که جوامع روستایی با آن مواجه هستند، توجه به فعالیت‌های اقتصادی مانند گردشگری به منظور رفع چالش‌های اقتصادی موجود و دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار، امری ضروری است.

شیروانیان و بخشوده (۱۳۹۱) نیز به بررسی فقر مسکن روستایی کشور و اولویت‌بندی استراتژی مقابله با آن با استفاده از رویکرد چندبعدی فقر مسکن پرداختند. به این منظور، آن‌ها از شاخص‌های کیفی مسکن، شاخص‌های فقر و تکنیک رتبه‌بندی بر اساس شباهت به راه‌حل ایده‌آل استفاده کردند. آمار و اطلاعات مورد استفاده، داده‌های آمارگیری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷ است. شیروانیان و بخشوده (۱۳۹۱) با در نظر گرفتن شاخص تراکم توصیه شده و استاندارد بر حسب تراکم جمعیت در واحد مسکونی (تعداد افراد در واحد مسکونی و تعداد اتاق‌های واحد مسکونی)، شاخص مسکن را به چهار دسته‌ی شاخص امنیت، شاخص برخورداری، شاخص سیستم فاضلاب و شاخص تراکم تقسیم کرده‌اند. شاخص امنیت به دو دسته‌ی امنیت فیزیکی و امنیت معنوی که شامل تملک واحد مسکونی و بیمه‌ی واحد مسکونی تقسیم شده است. شاخص برخورداری نیز شامل وسیله‌ی نقلیه، تجهیزات نگهداری مواد غذایی، آب لوله‌کشی، برق خانگی، سوخت مناسب برای آشپزی، سوخت مناسب برای گرمایش منزل و سوخت مناسب برای آب گرم می‌شود و شاخص سیستم فاضلاب دو مورد حمام و آشپزخانه را در بر می‌گیرد. پس از رتبه‌بندی چهار شاخص نام‌برده، این نتیجه به دست آمد که پوشش فقر مسکن در جامعه‌ی روستایی از بیش‌ترین به کم‌ترین به ترتیب مربوط به بعد امنیت، بعد تراکم، بعد سیستم فاضلاب و بعد برخورداری است. همچنین عمق و کیفیت فقر مسکن حاکم بر خانوارهای روستایی به گونه‌ای است که به طور متوسط این خانوارها از دسترسی حدود دو پنجم شاخص‌های کیفی مسکن محروم هستند و تامین امنیت فیزیکی مسکن، بیمه واحد مسکونی و تامین آب لوله‌کشی از مهم‌ترین استراتژی مقابله با فقر مسکن روستایی در ایران را تشکیل می‌دهد.

یوسفی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «آبادی‌ها و ارائه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵» پرداخته است. پژوهش حاضر با ترکیبی از روش اسنادی- کتابخانه‌ای و روش تحلیل داده‌های ثانویه (با استفاده از نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵) انجام گرفته است. مروری بر نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تعداد کل آبادی‌های کشور ۹۱۳۱۰ مورد است که از این تعداد ۶۳۹۰۳ آبادی (۷۰ درصد) دارای سکنه و ۲۷۴۰۷ آبادی (۳۰ درصد) فاقد سکنه هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در اکثر استان‌های کشور بیش از نیمی از روستاهای دارای سکنه هستند.

توزیع وضعیت سکونت در آبادی ها برحسب وضع طبیعی آن ها نشان می دهد درحالی که بیشتر آبادی های کشور از نوع دشتی و کوهستانی یا تپه ای (جمعاً ۹۰/۲ درصد) هستند، ولیکن در مقایسه با گونه های دیگر (دشتی ۷۰/۲ درصد و کوهستانی یا تپه ای ۶۸/۴ درصد) کمتر دارای سکونت می باشند.

همچنین، بررسی ویژگی های اجتماعی و جمعیتی آبادی ها حاکی از آن است که بیشترین جمعیت ساکن در آبادی ها در استان خراسان رضوی سکونت دارند که این رقم ۸/۰۴ درصد از کل جمعیت آبادی کشور است. در مرتبه بعدی، استان فارس با سهم ۸/۰۴ درصدی از کل قرار دارد. استان های سیستان و بلوچستان، خوزستان، مازندران، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، گیلان و همدان هر کدام حداقل ۵ درصد از جمعیت آبادی ها را در خود جای دادند. از سوی دیگر، کمترین جمعیت ساکن در آبادی مربوط به استان قم با ۰/۲۹ درصد است. برخی از یافته های دیگر این پژوهش عبارتند از:

- نسبت جنسی آبادی های کشور ۱۰۳ به دست آمده که بیشترین آن مربوط به استان بوشهر با ۱۱۹ و کمترین مقدار مربوط به استان خراسان شمالی با ۹۶ است.
- بعد خانوار در آبادی های کشور ۴/۳۶ است. در این مورد بالاترین رقم مربوط به استان خوزستان (۵/۴۹ نفر) و پایینترین رقم مربوط به استان گیلان (۳/۶۸ نفر) است.
- به لحاظ وضعیت زناشویی، بیش از نیمی (۵۳/۹ درصد) از جمعیت آبادی های کشور دارای همسر می باشند و در مقابل ۴۰/۹ درصد هرگز ازدواج نکرده اند.
- به لحاظ وضع تحصیلی، در حالی که نرخ باسوادی ساکنین آبادی های کشور ۷۴/۵۹ است، بالاترین این نرخ (۸۱/۵۶ درصد) به استان فارس و کمترین آن به استان سیستان و بلوچستان (۵۹/۸۲ درصد) اختصاص دارد.
- در بخش بررسی امکانات آبادی ها؛ شاخص کل امکانات آموزشی از دبستان تا دبیرستان در نقاط روستایی کشور ۱۶/۷ درصد، شاخص برخورداری از کتابخانه عمومی (شاخص امکانات فرهنگی) ۳/۳۷ درصد، شاخص امکانات مذهبی آبادی ها ۱۹/۸۴، شاخص و مؤلفه های امکانات سیاسی آبادی ها ۲۴/۱۳ درصد، شاخص امکانات ورزشی آبادی ها ۴/۱۱ درصد، شاخص انرژی (برق، گاز و آب) ۵۱/۳۷ درصد، شاخص امکانات بهداشتی ۱۷/۰۷، شاخص امکانات درمانی ۴/۳۳ درصد، شاخص امکانات بهداشت دام ۱۲/۳۶ درصد، شاخص راه زمینی (انواع مختلف راه زمینی اعم از مالرو، جاده خاکی، جاده شوسه و جاده آسفالت) در آبادی های کشور ۹۹/۸ درصد، شاخص امکانات ارتباطی آبادی ها ۲۰/۶ درصد، شاخص امکانات اطلاع رسانی آبادی ها ۲/۶۱ درصد، شاخص امکانات بازرگانی و خدمات در آبادی ها ۱۵/۲۶ درصد و شاخص امکانات مالی و آبادی ها ۲/۱۴ درصد به دست آمده است.

۱-۶- تاریخچه

در زمانی که اقتصاد برپایه گردآوری خوراک و صید و شکار قرار داشت، انسان ها بر روی زمین در حال حرکت و کوچ بودند. اقوام شکارگر و گردآورندگان آذوقه اغلب جایگاه ثابتی نداشتند و همواره در پی صید و شکار و گردآوری آذوقه که معمولاً از ریشه گیاهان خوردنی و میوه های جنگلی تشکیل می شد، از سرزمینی به سرزمین دیگر کوچ می کردند. اوضاع و احوال طبیعی در اغلب مناطق چنان بود که تشکیل هر گونه اقامتگاه بزرگ و دائمی را غیرممکن می ساخت.

آشنا شدن انسان به امور کشاورزی و بارآوردن آذوقه و یافتن سرزمین‌های مستعد، اندک اندک او را از صورت صحرانشینی و بیابان‌گردی به یکجانشینی و تشکیل سکونتگاه‌های دائمی و دهکده‌های پایدار هدایت کرد. از این‌رو زندگی انسان بر روی زمین به دو گونه صحرانشینی و یکجانشینی پدیدار شده است لیکن میان این دو شکل زندگی حالت یا مرحله دیگری نیز وجود دارد که آن را نیمه کوچندگی یا نیمه یکجانشینی می‌توان نامید. نیمه کوچندگی نوعی سکونت دوگانه ییلاق- قشلاقی است و انسان‌ها با این شیوه‌ی زندگی نیمی از سال را در دشت‌ها و نیمی دیگر را در کوهستان‌ها می‌گذرانند و شاید بتوان این نوع زندگی را دو جانشینی یا سکونت دوگانه نیز اطلاق کرد.

به اعتقاد رالف لیتون^۱ مولف کتاب معروف شیر تمدن، در عصر نوسنگی یا حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد در بسیاری از سرزمین‌ها از جمله منطقه آسیای جنوب غربی زندگی دهشینی برقرار بوده و عموم قبایل مختلف با یک نوع الگوی کلی و متشابه به زندگی خود ادامه می‌دادند. بنابر پژوهش باستان‌شناسان قدیمی‌ترین دهکده‌های جهان که تاکنون به‌وسیله‌ی حفاران پیدا شده، در خاورمیانه واقع است. دو روستا در قلعه‌ی جرمو و تپه‌ی سربین واقع در ایران و عراق امروزی نشان می‌دهد که یکجانشینی با تشکیل اجتماعات روستایی دست‌کم در ۱۰۰۰۰ سال پیش آغاز شده است.

آخرین تحقیقات باستان‌شناسان همچنین نشان می‌دهد که بسیاری از مراکز اجتماعات انسانی از ۳۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قدمت دارد. مثلاً گنج‌تپه در انتهای شرقی دشت کرمانشاه ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد، تپه‌ی گوران لرستان ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد، گوی‌تپه نزدیک ارومیه ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد، تپه‌ی حصار دامغان ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد، تپه‌ی حسنلو و عقرب تپه ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، چراغعلی‌تپه ۱۱۰۰ سال قبل از میلاد، املش گیلان ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد و همچنین شوش، تپه‌ی گیان نهاوند، تپه‌ی جمشیدی (در شمال شرقی الشتر) تل بگوم تخت جمشید و کلاردشت هر یک از ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد قدمت دارند.

ساندرسن جامعه‌ی دهگانی را از لحاظ ثبات و تحرک به سه نوع تقسیم می‌کند:

- دهکده‌های ناپایدار

دهکده‌هایی هستند که هر چند در آن مختصری کشاورزی می‌شود، لیکن ساکنان آن زود به زود تغییر مکان می‌دهند. نمونه این دهکده‌ها در ناحیه‌ی آمازون و نیز نزد بومیان مالایا وجود داشته است.

- دهکده‌های نیمه پایدار

در این نوع دهکده‌ها انسان‌ها در محلی سکونت می‌گزینند و تا چند سال آذوقه خود را از زمین‌های حاصل‌خیز اطراف به دست می‌آورند و سپس به علت کاهش بازدهی زمین و بی‌مایه شدن خاک، آن منطقه را ترک می‌کنند و در سرزمین دیگری ساکن می‌شوند. این امر در گذشته به ویژه در نواحی کوهستانی جنوب شرقی آسیا وجود داشته است.

- دهکده‌های پایدار

از زمانی که فنون و ابزار کشاورزی پیشرفت کرد و به ویژه در منطقه‌ی آسیای جنوب شرقی که زراعت برنج معمول گردید و گاومیش اهلی و خیش اختراع شد و رواج یافت، دهکده‌های پایدار پدید آمد. کشت برنج آبی با استفاده

^۱ Ralph Linton

از گاو میش زمینه را برای استقرار جمعیت های انبوه فراهم کرد. همچنین در آسیای جنوب غربی ترکیب غله و گاو میش نیز سبب روی کار آمدن جمعیت های بزرگ شد (دانشنامه ی ویکی پدیا).

۱-۷- مبانی نظری

۱-۷-۱- تعریف و تحدید مفاهیم ده، روستا و آبادی

در ایران، ده (آبادی) از قدیمی ترین زمان یک واحد اجتماعی و تشکیلاتی و جایی بوده است که در آن گروه هایی از مردم روستایی برای همکاری در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرد هم تجمع یافته اند. ده اساس زندگی اجتماعی ایران را تشکیل می دهد و اهمیت آن به اعتبار این که یک واحد تشکیلاتی در زندگی روستایی است، در سراسر قرون وسطی و از آن پس تا به امروز برقرار بوده است.

در عرف، ده (آبادی) عبارت از محدوده ای از فضای جغرافیایی است که واحد اجتماعی کوچکی مرکب از تعدادی خانواده که نسبت به هم دارای نوعی احساس دلبستگی، عواطف و علائق مشترک هستند، در آن تجمع می یابند و بیش تر فعالیت هایی که برای تأمین نیازمندی های زندگی خود انجام می دهند، از طریق استفاده و بهره گیری از زمین و در درون محیط مسکونی شان صورت می گیرد و اکثریت آن ها به کار کشاورزی اشتغال دارند (یوسفی، ۱۳۸۶)

- پلاسید رامبود^۲ جامعه شناس فرانسوی می گوید: ده واحد اجتماعی ویژه ای است که با یک فضا در ارتباط متقابل است و این فضا به عنوان یک عنصر ضروری در نظام اجتماعی ده نقش دارد. به این ترتیب ده دارای بعد اجتماعی است که می تواند یکی از عوامل اساسی تشکیل دهنده آن به شمار رود. ده محصول کنش های متقابل گروه های انسانی و فضا است، میان اعضای ده رابطه ای محلی وجود دارد که نتیجه کنش های متقابل تاریخی است و موجب پیدا شدن حافظه ی جمعی و محلی است و در نتیجه نوعی وجدان یا شعور جمعی به وجود می آورد. همچنین، وی می گوید: ده برآیندی از عناصر طبیعی و عناصر ساخته شده است که به گونه ای زمینه سازگاری فرد را با جامعه فراهم می آورد و موجب جامعه پذیری می شود. در ده بین گروه و فضای جغرافیایی محدود و بسته و ثابت نوعی روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد و این روابط موجب پیدایش وحدت و یکپارچگی گروه می شود و آن را از گروه دیگر متمایز می سازد. اجتماع ده دارای نیروی معنوی مسلط بر اعضایش است که بر رفتار افراد نظارت عالیه شدید دارد و آن ها را به پیروی از هنجارهای اجتماعی وادار می کند و این نیروی معنوی همان سنت های روستایی و قوانین ثابتی است که بر جامعه ی ده حاکم است.
- تونیس^۳ می گوید: جامعه ی روستایی به عنوان یک جامعه ی آرمانی است که سرشار از تقدس، هماهنگی و صلح و صفا است.

- روث گلاس^۴ می نویسد: برای ما صفت روستایی دارای مفهوم خوشایند و مطمئنی است. زیبایی، سادگی، راحتی، فراغت، منظره های دلگشا، آزادی، صلح و صفا و آرامش است (دانشنامه ی ویکی پدیا).

با این حال، تفاوتی محدود و ظریف بین مفهوم آبادی با مفهوم روستا یا ده وجود دارد. آبادی مفهومی است که

^۲ Placide Ramboud

^۳ Tonnies

^۴ Ruth Glass

از آن بیش‌تر همان جای آباد استنباط شده و در سرشماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجایی که هدف اساسی سرشماری شمارش خانوارها و افراد است، بنابراین، به هر جایی که امکان زندگی خانوارها و افراد وجود داشته باشد (از جمله ابنیه، چاه‌های آب کشاورزی و امثال آن)، مراجعه می‌شود. چنین مکان‌هایی در اصطلاح عمومی روستا نیست ولیکن آبادی هستند. به عبارتی، هر روستایی آبادی هست ولی هر آبادی روستا نیست (یوسفی، ۱۳۸۶).

۱-۷-۲- تغییر ساختار خانواده

اصطلاح خانواده گاه به گروهی از افراد که روابط «زن و شوهری» یا «پدر و مادر و فرزندی» میان‌شان وجود دارد، اطلاق می‌شود و گاه مفهومی از یک گروه اجتماعی محدود را در بر دارد که افرادش با روابط گوناگونی، از جمله روابط خویشاوندی، به یکدیگر مربوطند. خانواده یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که همواره در طول تاریخ، از تمامی تغییر و تحولات نهادهای مختلف جامعه تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها تأثیر گذاشته است.

مفهوم خانواده تا نیمه سده نوزدهم، با افکار و دیدگاه‌های فلسفی همراه بود. خانواده پدیده‌ای مقدس و ایستا و بی‌تغییر در نظر گرفته می‌شد. خانواده مظهر عشق و عدالت بود؛ بنابراین، بحث پیرامون خانواده و قانون ازدواج و انواع روابط خویشاوندی، تا اندازه‌ای کفر و اهانت به مقدسات بود. اما بحث پیرامون خانواده از نیمه قرن نوزدهم، به تدریج در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفت؛ و گسترش نقطه نظرات و بحث‌های بی‌شماری را سبب گردید (مقصودی، ۱۳۸۶:۷).

نخستین کسانی که از اوایل سده نوزدهم به مطالعه خانواده و ازدواج در میان جوامع ابتدایی پرداختند، وکلا و حقوق‌دانان و دانشجویان رشته‌های حقوق بودند (همان، ۸). زیرا خانواده و ازدواج مجموعه‌ای از قوانین است که اعضای خانواده بر آن پایبندند. خانواده و ازدواج از سویی بر پایه مجموعه‌ای از پیوندهای عمیق عشقی و عاطفی شکل می‌گیرد و از دیگر سو، مجموعه‌ای از قوانین پیچیده عرفی و شرعی و مدنی است.

در دوره‌های بعد، تجمع اطلاعات پیرامون خانواده و خویشاوندی توسط میسیونرها، جهانگردان، تجار و پژوهشگران سبب می‌شود که به خانواده نگاهی نو افکنده شود و این نخستین بار است که متفکرین به خانواده، نه به صرف پدیده‌ای آسمانی، بلکه به صورت پدیده زمینی نگاه می‌کنند. به بیان دیگر، تقدس‌زدایی از خانواده، نهاد ازدواج و خویشاوندی را از آسمان به زیر می‌کشاند و آن را به شکل تعهدی انسانی و وفاداری ساده و قراردادی میان زن و مرد، در می‌آورد (مقصودی، ۱۳). از این هنگام تلاش گسترده‌ای برای مشاهده و تحلیل الگوهای مختلف خانواده در سراسر جهان و مقایسه آن‌ها با یکدیگر آغاز می‌گردد.

اساسی‌ترین دگرگونی‌هایی که در طی چند دهه اخیر در ساخت و روابط خانوادگی در اغلب نقاط دنیا روی داده است، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای است. از این رو وسعت ابعاد خانواده که به تدریج در طی سال‌های اخیر تقریباً در اغلب کشورها تنزل یافته و یا در حال تنزل است، در جامعه و فرهنگ ایران نیز بخصوص در شهرهای بزرگ قابل مشاهده است.

درحقیقت شرایط نهاد خانواده در سایر کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی- که تا حدودی موجب زوال و فروپاشی خانواده در آن جوامع شده است- نگرانی‌های بنیادی را برای متولیان، تصمیم‌گیرندگان و پژوهشگران

علوم اجتماعی ایجاد کرده است. هر چند به نظر می‌رسد، نهاد خانواده در ایران از لحاظ سنتی و تأثیرگذاری، نهاد بسیار مستحکمی به‌شمار می‌آید، ولی باید گفت: از آنجا که هر نوع اخلال و آشفتگی در نهاد خانواده در ایران تأثیرات شگرفی بر عملکرد سایر نهادهای اجتماعی خواهد داشت، دقت و رصد تحولات آن حائز اهمیت است. با این حال مقایسه بین خانواده گسترده و هسته‌ای و تغییرات آن طی زمان از جنبه فرهنگی نشان از یک گسست فرهنگی و تغییر عناصر فرهنگی در خانواده دارد.

خانواده را می‌توان با توجه به ملاک‌های مختلفی مورد طبقه‌بندی قرار داد؛ این ملاک‌ها شامل:

- الف- وسعت ابعاد خانواده، شامل گسترده و هسته‌ای
- ب- شیوه ازدواج، از نظر تک همسری و چند همسری
- پ- نحوه انتخاب همسر، به صورت درون گروهی و برون‌گروهی
- ت- مرکز ثقل قدرت، به مفهوم پدر سالار، تساوی‌گرا یا مادر سالار
- ث- منشأ و نسبت، به شکل پدر تبار یا مادر تبار
- ج- محل اقامت، به صورت پدر مکان، مادر مکان و یا نو مکان، دسته‌بندی نمود.

بررسی هر یک از انواع خانواده‌گویی تغییرات کلان در جوامع امروزی است از این رو در اینجا تنها به تغییرات خانواده در ابعاد آن که شامل خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای است توجه می‌شود.

خانواده گسترده خانواده‌ای است که بر اساس بستگی‌های نسبی و سببی استوار است و شامل چند گروه خونی و چند گروه زناشویی است. خانواده گسترده فرزندان خود را پس از ازدواج در خود جای می‌دهد و گسترش آن نیز به همین لحاظ است و به این ترتیب ممکن است چند نسل زیر یک سقف و در یک خانه مشترک زندگی کنند (وثوقی، ۱۳۷۱: ۱۶۸). در این شکل از خانواده، پدر و مادر اصلی، مرکز ثقل خانواده را تشکیل می‌دهند و پسرها و نوه‌ها و عروس‌ها از آن‌ها اطاعت می‌کنند و اگر پدر و مادر به علت سالخوردگی نتوانند وظایف سرپرستی را انجام دهند، پسر ارشد جای آن‌ها را می‌گیرد. دخترها پس از ازدواج خانه پدری را ترک می‌کنند؛ بنابراین غالباً خانواده گسترده به شکل پدرمکانی است و مواردی که داماد در خانه پدر زن مسکن‌گزیند، نادر است. پدر نقش اصلی را در تربیت فرزندان به عهده دارد، دایره همسرگزینی محدود و تعهدات اجتماعی زیاد است.

همچنین غالباً فرزندان دنبال شغل پدر را می‌گیرند و وظایف متعددی بر عهده خانواده است و شیوه تولید خانوادگی و همیاری و تعاون مترتب بر آن، اجتماعی کردن و فرهنگی کردن کودکان، نگهداری از پیران و حمایت کامل از اعضا، ازجمله وظایف سنگین این خانواده است (همان، ۱۶۹).

در حقیقت، دگرگونی خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر آرام و کند، اما مستمر و قاطع بوده است. زمانی دراز شکلی از خانواده در این سرزمین وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را با اصطلاح کلی «خانواده گسترده» وصف کرده‌اند. این خانواده بر اساس شرایع اسلام و سنت‌های ایرانی بود، مذهب و سنت و شیوه تولید اقتصادی جوامع کشاورزی مبانی آن را تشکیل می‌داد و این خانواده بر اساس «پدر تباری» و «پدر مکانی» و «اولویت جنس مذکر» استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. خانواده واحد تولید و مصرف بود و این امر نه تنها در روستاها بلکه در شهرها نیز، که مراکز مهم صنایع دستی بودند، به چشم می‌خورد. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزندآوری و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد. فرزندان نام و

نشان از پدر می‌بردند و سرای خانوادگی نسل‌های متعدد را در خود جای می‌داد و پاسداشت سنت‌ها بود. مقررات ازدواج و طلاق و ارث و نگهداری فرزندان بر اساس فقه اسلامی استوار بود و روابط افراد خانواده بر سلسله مراتبی مبتنی بود که همه قبول داشتند (بهنام، ۱۳، ۱۴: ۱۳۵۲).

اما خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است. خانواده هسته‌ای وجه مشخصه جوامع صنعتی جدید است. به نظر می‌رسد تسلط آن از تحرک اجتماعی و نیز از رشد فردگرایی که در مالکیت، حقوق و آرمان‌های اجتماعی عموم مردم در مورد سعادت و رضایت خاطر فردی منعکس است، ناشی شده باشد (باتامور، ۱۹۲: ۲۵۳۶).

مشخصات اصلی خانواده هسته‌ای عبارتست از:

الف) محدودیت ابعاد خانواده از نظر اسلاف: خانواده هسته‌ای معمولاً جدا از والدین و یا اقوام زوجین زندگی می‌کند؛

ب) محدودیت خانواده از نظر تعداد فرزندان: این نوع خانواده معمولاً با تعداد اندکی از کودکان تشکیل می‌شود، چنانچه در برخی موارد در کشورهای غربی جایگزینی نسل، به جهت کمی زاد و ولد، دچار اشکال گردیده است؛ ج) افقی بودن هرم قدرت: در خانواده هسته‌ای به طور معمول، تصمیمات اساسی خانه از طریق گفتگو و تبادل نظر اتخاذ می‌گردد. برخی همچون "پارسونز" معتقدند: چنین خانواده‌ای بسیار عقلانی است؛ زیرا، همواره عقل و منطق بر آن حاکم است و در اتخاذ تصمیمات اساسی، هر یک از ساکنان خانه که دارای منطق قوی‌تری است، حق تصمیم‌گیری می‌یابد؛

د) نو مکانی: خانواده هسته‌ای بر حسب معمول در محلی جدا از والدین یا اقوام زوجین تشکیل می‌شود و همین امر در افقی شدن هرم قدرت مؤثر است. هر چند خانواده هسته‌ای با جامعه جدید صنعتی سازگار است و بالاترین امکان تحرک جغرافیایی را فراهم می‌آورد اما، جدا شدن از پیران، سختی‌هایی را برای این نسل پدید خواهد آورد.

ه) از خصوصیات دیگر این نوع خانواده آن است که کارکردهای خانواده به دلیل اشتغال والدین و تخصصی شدن نهادها، به عهده مؤسساتی خارج از محیط خانواده قرار گرفته است؛ به عنوان مثال آموزش فرزندان و غیره) عدم گسترش خانواده هسته‌ای؛ خانواده هسته‌ای گسترش نمی‌یابد، زیرا به مجرد آن‌که فرزندان به سن قانونی برسند و وارد اجتماع شوند به عنوان عضوی فعال به دنبال اشتغال و تشکیل زندگی جدید می‌روند و خانواده‌ای مستقل و جدید پدید می‌آورند. همچنین خانواده هسته‌ای به سه حالت می‌تواند وجود داشته باشند:

۱- خانواده هسته‌ای یا خانواده زن و شوهری مستقل؛ که در این حالت خانواده، تعهدات اجتماعی کمی نسبت به شبکه خویشاوندی دارد و خانواده دارای استقلال مالی است؛

۲- خانواده هسته‌ای، تحت انقیاد خانواده چند همسری یا خانواده گسترده قرار دارد، مانند حالاتی که یک مرد دارای چندین زن است و یا زن و شوهر، چند سال ابتدایی زندگی خود را به دلیل عدم استقلال مالی نزد خانواده زن یا شوهر زندگی می‌کنند؛

۳- خانواده هسته‌ای مهاجر، که بیش‌تر به دلیل آن‌که شغل مناسبی در محیط‌های کوچک یا روستایی وجود ندارد پس از ازدواج، زن و شوهر از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند، از نمونه‌های آن می‌توان حاشیه نشینی در شهرها را نام برد. چنین خانواده هسته‌ای فقط به لحاظ مکانی مجزاً زندگی می‌کند، اما وابستگی‌های قبلی به خانواده پدر و مادری به شدت ادامه دارد (www.pajoohe.com).

وضع زناشویی جمعیت نیز یکی از جنبه‌های اساسی ساخت جمعیت است و در این رابطه عمومیت ازدواج، سن ازدواج، الگوی سنی ازدواج و میزان‌های ازدواج و طلاق مورد بررسی قرار می‌گیرند. عمومیت ازدواج نسبتی از جمعیت را نشان می‌دهد که در طول زندگی خود حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند. عمومیت ازدواج با نوع معیشت، سنت‌های مذهبی و معیارهای اخلاقی یک جامعه بستگی دارد. معمولاً عمومیت ازدواج بیش‌تر با سن ازدواج کم‌تر و میزان‌های ازدواج بالاتر همراه است، در حالی که عمومیت ازدواج کم‌تر با سن ازدواج بالاتر و میزان‌های ازدواج کم‌تر مشاهده می‌شود. عمومیت ازدواج را می‌توان از نسبت افرادی که تا سن ۵۰ سالگی ازدواج کرده‌اند تشخیص داد.

وضعیت افراد از نظر زناشویی که از اطلاعات به دست آمده از سرشماری‌ها، آمارگیری‌ها و نظام‌های ثبتی مشخص می‌شود، یکی از جنبه‌های اساسی ساخت خانواده و خانوار است. معمول‌ترین روش دسته‌بندی افراد از نظر وضع زناشویی که سازمان ملل متحد آن را توصیه کرده، متمایز کردن جمعیت به پنج دسته‌ی زیر است:

۱- افراد هرگز ازدواج نکرده

۲- افرادی که در حال حاضر همسر دارند

۳- افراد طلاق گرفته که دوباره ازدواج نکرده‌اند

۴- افراد بیوه که دوباره ازدواج نکرده‌اند

۵- افراد همسر دار که به‌طور قانونی جدا از همدیگر هستند

مجموع گروه‌های نام‌برده به جز گروه اول را افراد ازدواج کرده تشکیل می‌دهند. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران، جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر از نظر وضع زناشویی به چهار گروه اول تقسیم شده است. گزارش‌های تحقیقی درباره‌ی خانواده، حاکی از آن است که همراه با تغییر شکل، ساخت و نقش خانواده در سراسر جهان، میانگین سن ازدواج به ویژه سن ازدواج زنان در همه‌ی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه افزایش یافته که نتیجه‌ی آن تأخیر در تشکیل خانواده‌های جدید و در نهایت کاهش باروری بوده است. یکی از دلایل افزایش نسبتاً شدید میانگین سن ازدواج زنان روستایی را می‌توان کاهش فراوانی ازدواج به دلیل مهاجرت مردان مجرد روستایی به شهرها برشمرد. در افزایش سن ازدواج دو دسته عوامل خواسته و ناخواسته نقش دارند. از میان عوامل خواسته، بی‌شک سواد و تحصیلات باعث بالا رفتن سن ازدواج شده است. عوامل ناخواسته نیز شامل گرانی یا کمبود ملزومات اولیه‌ی تشکیل خانواده یعنی مسکن، شغل، هزینه ازدواج و هزینه جهیزیه می‌شود.

در چند دهه‌ی اخیر، به دلیل تحولات اجتماعی و تغییرات سریعی که در ساختار اجتماعی ایران پدید آمده، شکل، ساخت و نقش خانواده دگرگون شده و به تبع آن، وضع زناشویی جمعیت ایران نیز دستخوش تغییر گشته است. افزایش شهرنشینی، فروپاشی خانواده‌ی گسترده و شبکه‌ی خویشاوندی، افزایش سواد عمومی و تحصیلات، به ویژه تحصیلات زنان و اشتغال بیش‌تر آنان در فعالیت‌های برون خانواده، افزایش هزینه‌ی زندگی، به ویژه هزینه‌ی مسکن، ازدواج و جهیزیه، کاهش ارزش اقتصادی و افزایش هزینه‌ی فرزند، رواج نسبی تفکر عقلانی و اشاعه‌ی نوآوری‌ها، از جمله عوامل موثر در تحول وضع زناشویی جمعیت ایران بوده‌اند.

مهاجرانی (۱۳۸۹) از دیدگاه جمعیت‌شناسی و با استفاده از نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ و داده‌های آماری ازدواج و طلاق، وضع زناشویی جمعیت ایران و تغییرات آن در چند دهه‌ی گذشته را مورد بررسی قرار داد. وی با این فرض که سن ۵۰ سالگی، سن مجرد قطعی است و افرادی که تا سن ۵۰ سالگی مجرد مانده‌اند، دیگر ازدواج نمی‌کنند، نسبت (درصد) مجرد قطعی در مقابل نسبت (درصد) عمومیت ازدواج محاسبه کرد و به این نتیجه دست یافت که به دلیل ساختار فرهنگی-مذهبی، عمومیت ازدواج در ایران هنوز در سطح بالایی است و با توجه به افزایش درصد ازدواج نکرده‌ها در گروه‌های سنی ۳۰ سال به بالا، احتمال افزایش مجرد قطعی و کاهش عمومیت ازدواج در دهه‌های آینده وجود دارد. در ایران نیز سن ازدواج مردان و زنان در طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ افزایش یافته است که این افزایش برای مردان کم‌تر و برای زنان بیش‌تر بوده است. همچنین این نتیجه به دست آمد که همراه با افزایش سن ازدواج مردان و زنان از فاصله‌ی سنی ازدواج آنان کاسته شده است. این کاهش به ویژه در مناطق روستایی بیش‌تر بوده و میزان‌های ازدواج و طلاق در دهه‌ی گذشته رو به افزایش بوده است. علاوه بر آن، در جامعه‌ی روستایی که سن ازدواج، پایین‌تر از شهری و عمومیت ازدواج بیش‌تر است، کاهش قابل ملاحظه‌ای در نسبت ازدواج کرده‌ها در همه‌ی گروه‌های سنی مشاهده می‌شود و این کاهش در مقایسه با جامعه‌ی شهری چشم‌گیرتر است.

۱-۷-۳- ساختار سنی جمعیت

در حال حاضر جمعیت ایران همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دنبال کاهش مداوم و مستمر باروری و افزایش امید زندگی، تغییرات اساسی و مهمی را در ساختار سنی خود تجربه می‌کند که این تغییرات دارای ملاحظات مهم اقتصادی، اجتماعی از نظر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است.

طی دهه‌ی اخیر، جمعیت سنین زیر ۱۵ سال به‌طور اساسی رو به کاهش بوده و در مقابل تعداد جمعیت جوان و در سن کار افزایش یافته است، همچنین سرعت سالخوردگی جمعیت به کندی رو به افزایش است. جمعیت‌شناسان از این تغییرات و تحولات ساختار سنی تحت عنوان «گذار سنی» یاد می‌کنند. انتقال سنی جمعیت عبارت است از تغییرات اساسی ساختمان سنی جمعیت‌ها از حالتی کاملاً جوان به حالتی کاملاً سالخورده.

در مرحله‌ی اول انتقال سنی، کودکان و نوجوانان گروه‌های عمده‌ی جمعیتی را تشکیل می‌دهند و بخش مهمی از ظرفیت‌های اقتصادی کشور صرف برطرف نمودن نیازهای آن‌ها می‌شود، اما در مرحله‌ی دوم و سوم انتقال سنی، جمعیت واقع در سن کار (۶۴-۱۵ ساله)، در پی حجم وسیع جمعیت نسل‌های انفجار موالید به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌یابد که در ادبیات جمعیت‌شناسی تحت عنوان فرصت جمعیتی یا پنجره‌ی جمعیتی از آن یاد می‌شود. پنجره‌ی جمعیتی کمیت و کیفیت منابع انسانی را برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی فراهم می‌سازد.

به زعم اقتصاددانان، پنجره‌ی جمعیتی از سه طریق زمینه‌ی رشد تولید سرانه را فراهم می‌کند:

- افزایش جمعیت در سن کار موجب رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود.
- کاهش باروری منجر به نتایج ترکیبی می‌شود.
- کاهش باروری نتایج رفتاری را به دنبال دارد.

در مراحل گذار سنی، بسیاری از مسائل جدید اجتماعی و اقتصادی ظاهر می‌شوند و بسیاری از مسائل،

اهمیت و اولویت خود را از دست خواهند داد. این فرایند ناشی از دگردیسی نسلی-سنی جمعیت است که الزامات و ضرورت‌های سیاست‌گذاری خاص خود را در هر مرحله فرا می‌خواند. عدم توجه به الزامات سیاستی تحولات هرم‌های سنی، نظام کلان اقتصادی، اجتماعی را با مشکل یا بحران مواجه خواهد ساخت.

نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ کشور نشان می‌دهد در بسیاری از استان‌های کشور نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال، به حدود ۲۵ درصد از کل جمعیت کاهش یافته و تعداد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله‌ی کشور یعنی جمعیت در سن فعالیت به حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از کل جمعیت رسیده است. این تحول جمعیتی حاکی از آن است که در دهه جاری نسبت جمعیت در سن کار و فعالیت به بالاترین سطح خود در تاریخ تحولات جمعیتی کشور رسیده است (یوسفی، ۱۳۸۶).

مشفق و میرزایی (۱۳۸۹) با استفاده از نتایج سرشماری‌های کشور، تحولات ساختار سنی جمعیت را در گذشته و حال مورد بررسی قرار دادند و تحولات احتمالی آینده‌ی آن را در افق زمانی ۵۰ ساله ترسیم و الزامات سیاستی و برنامه‌ریزی برای مواجهه با پیامدهای ناشی از تحولات هرم‌های سنی کشور را تشریح کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که گذار سنی جمعیت در ایران یکی از مباحثی است که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است و اذعان داشتند که گذار سنی به موازات انتقال جمعیتی صورت می‌گیرد و تکمیل شدن مراحل آن حدود ۱۵۰ سال طول می‌کشد.

همچنین آنان نشان دادند که جمعیت ایران مرحله‌ی اول انتقال سنی (مرحله کودکان و نوجوانان) را طی کرده است و از اوایل سال ۱۳۷۵ دومین مرحله‌ی انتقال سنی (مرحله‌ی جوانی) شروع شده و تا سال ۱۳۹۰ ادامه داشته است. مرحله‌ی سوم انتقال سنی کشور (افزایش میانسالان) از اوایل سال ۱۳۹۰ آغاز و تا سال ۱۴۱۰ ادامه خواهد داشت. مرحله‌ی سالخوردگی از سال ۱۴۱۰ به بعد بر ساختمان سنی جمعیت کشور غالب خواهد شد. در این مرحله به تدریج و با سرعتی فزاینده تعداد و درصد سالمندان جمعیت کشور نسبت به سایر طبقات سنی رو به فزونی خواهد گذاشت، به‌طوری که نزدیک به ۲۶ درصد از جمعیت کشور در گروه‌های سنی ۵۵ تا ۷۴ ساله قرار خواهند گرفت و بیش از ۵ درصد جمعیت در سنین بالای ۷۵ سال خواهند بود. آن‌ها اذعان داشتند که ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و توانمندی‌های لازم برای ورود به مرحله‌ی سالمندی با اتخاذ سیاست‌های بلندمدت کارآمد و شفاف امکان‌پذیر خواهد بود. لذا اتخاذ سیاست‌های پیش‌دستانه جهت ورود به هر یک از مراحل انتقال سنی به ویژه مرحله‌ی سالخوردگی جمعیت الزامی و ضروری است.

۱-۷-۴- ساختار جنسی جمعیت

نسبت جنسی انسانی در دانش انسان‌شناسی و جمعیت‌شناسی به معنای نسبت جنسی بین دو جنس مرد و زن در گونه‌ی انسان است. همچون دیگر گونه‌های جنسی در گونه‌ی انسان نیز نسبت جنسیتی مرد به زن برابر با ۱:۱ است. نسبت جنسیتی ثانویه، نسبت جنسیت نوزادان پس از تولد است که مقدار آن برابر ۱۰۵ پسر در مقابل ۱۰۰ دختر است؛ مطلبی که همواره از نظر علمی مورد بحث بوده است این است که نسبت جنسی در تمام جمعیت جهان برابر با ۱۰۰ مرد در مقابل ۹۹ زن است. دلایل عدم توازن بین دو جنس ممکن است از عوامل طبیعی و تلفات جنگی تا کنترل عمدی جنس و کشتار جنسی در نوسان باشد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۹، ۱۵).

نسبت جنسی انسان را می‌توان از چهار منظر، چه در ابتدای تولد و چه در جامعه، مورد بررسی قرار داد:

- نسبت جنسی مرد به زن،
- نسبت جنسی زن به مرد،
- جمعیت مردان،
- جمعیت زنان؛

به عنوان مثال، اگر تعداد مردان ۸۰,۰۰۰ نفر و تعداد زنان ۱۰۰,۰۰۰ نفر باشد، نسبت جنسیتی با در نظر گرفتن هر یک از موارد بالا به ترتیب برابر با ۱,۰۸۰، ۰,۹۲۶، ۵۱۹٪ و ۴۸۱٪ خواهد بود. البته گاهی اوقات در دانش‌های مختلف نسبت جنسیتی را با جمعیت مردان می‌سنجند.

۱-۷-۵- مهاجرت

مهاجرت بی‌رویه یک بیماری اجتماعی و عامل بسیاری از نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در کشور در طول سال‌های گذشته مهاجرت وجود داشته و بعد از انقلاب به دلایل متعدد تشدید گردیده است. مسئله‌ی مهاجرت به صورت مهاجرت از روستا به شهر، از شهر به روستا، از روستا به روستا یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ در جامعه اتفاق می‌افتد.

مهاجرت یکی از ابعاد مهم فرایند توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی به حساب می‌آید. مهاجرت از مناطق روستایی به سوی شهرها در اغلب کشورها مشاهده می‌شود. لیکن، شیوه‌ی آن در کشورهای در حال توسعه با کشورهای پیشرفته تفاوت دارد. در حال حاضر آنچه برای جامعه مسئله است سطح مهاجرت از روستا به شهرها است.

بعضی از مدل‌های مهاجرت بیان می‌کنند که وجود نرخ بالای مهاجرت از روستا به شهر به دلیل نرخ بیکاری بالا است. مهاجرت از روستا به شهر تابعی از اختلاف دستمزدهای انتظاری شهر و روستا است. دستمزدهای انتظاری حداقل دستمزد در شهر، زمانی که احتمال به دست آوردن شغل در شهر وجود داشته باشد، تعریف می‌شود.

رنیس (۱۹۷۷) ضمن بررسی مهاجرت روستا به شهر، نشان می‌دهد که اگر فرض شود نرخ تخصیص مجدد از رشد جمعیت بیش‌تر شود و نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت منتقل شود، سطح بیکاری پنهان کاهش می‌یابد و ترکیب نیروی کار در بازده اقتصادی افزایش می‌یابد.

گلد اسمیت (۲۰۰۴) در بررسی مهاجرت از روستا به شهر و بهره‌وری بخش کشاورزی بیان می‌کند که مهاجرت از روستا به شهر تابعی مثبت از نرخ درآمد سرانه‌ی شهری به درآمد سرانه‌ی روستایی است و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌تواند باعث کاهش مهاجرت شود. تری (۲۰۰۴) نیز در مطالعه‌ی خود نشان داد که کاهش مالیات بر نیروی کار می‌تواند باعث کاهش مهاجرت از روستا به شهر شود.

همچنین ماهر (۱۳۷۵) به بررسی آثار سواد بر مهاجرت روستا به شهر پرداخت و نشان داد که از علل عمده‌ی مهاجرت، سواد و سطح مهارت است. تعلیم و تربیت روند مهاجرت را سرعت می‌بخشد و بخش اعظم مهاجران را نیروهای مولدتر بخش کشاورزی هم از لحاظ سن و هم از جهت سطح تعلیم و تربیت تشکیل

می‌دهد. در بین بیش‌تر مهاجران باسواد این فرض وجود دارد که در شهر بهتر می‌توانند از خدمات بهره بگیرند و از توانایی‌های خود برای بهبود شرایط زندگی استفاده کنند.

عظیمی (۱۳۸۱) نشان داد که مهاجرت از روستا به شهر، ضمن آن‌که ناگزیر است، پدیده‌ای نامیمون نیست و بر خلاف تصور رایج با توسعه‌ی کشاورزی منافات ندارد بلکه، بر عکس به توسعه‌ی آن کمک می‌کند. آسایش (۱۳۷۷) نیز به مطالعه‌ی حرکات داخلی جمعیت ایران و مسئله‌ی مهاجرت روستایی پرداخت. نتایج حاصل از حرکات داخلی جمعیت در ۴۰ سال گذشته نشان داد که ۲ درصد بر نسبت مهاجران و جابجایی جمعیت در داخل کشور اضافه شده که مربوط به مهاجرت روستاییان به شهرها است. همچنین روند افزایش مهاجرت از سال ۱۳۴۵ به بعد سرعت فوق‌العاده‌ای به خود گرفته که معلول اثرات شناخته شده‌ی اصلاحات ارضی و جذب اعتبارات عمرانی کشور در مناطق شهری می‌باشد. به‌طور کلی، رشد و گسترش خدمات و صنایع در شهرها و کاهش بازده نهایی کار در مناطق روستایی به دلیل ظاهر شدن اثرات اصلاحات ارضی و بالا رفتن قیمت نفت، موجب سر ریز جمعیت روستایی به شهرها شده است.

غفاری مقدم و صبحی (۱۳۸۵) نیز به بررسی عوامل موثر بر مهاجرت از روستا به شهر پرداختند و این نتایج به دست آمد که مقدار نیروی کار فعال در بخش کشاورزی، سرمایه و سطح سواد روستاییان اثر مثبت و سطح زیر کشت و ماشین‌آلات اثر منفی بر بهره‌وری کشاورزی دارد. افزایش دستمزد روستایی باعث کاهش مهاجرت و با افزایش دستمزد شهری نسبت به روستایی مهاجرت افزایش می‌یابد. بررسی ارتباط بین مهاجرت و نهاده‌های کشاورزی (شامل نیروی کار فعال، موجودی سرمایه، سطح سواد، ماشین‌آلات و سطح زیر کشت) نشان داد که افزایش سرمایه، نیروی کار و سطح سواد باعث کاهش مهاجرت و افزایش سطح زیر کشت و ماشین‌آلات باعث افزایش مهاجرت می‌شود. از آنجا که انگیزه‌های اقتصادی از عوامل موثر بر مهاجرت نیروی کار از بخش کشاورزی است، سرمایه‌گذاری در این بخش، بالا بردن سطح سواد، استفاده‌ی مناسب از ماشین‌آلات به منظور افزایش بهره‌وری کشاورزی می‌تواند باعث تعدیل مهاجرت به سمت شهرها شود.

۱-۷-۶- توسعه‌ی انسانی

توسعه مفهومی والاتر از رشد اقتصادی، یعنی درآمد سرانه است و کشورهایی که از درآمد سرانه‌ی بالا برخوردار هستند، الزاماً در دسته‌ی کشورهای توسعه یافته تلقی نمی‌شوند. این امر دلالت بر آن دارد که مفهوم توسعه در برگیرنده‌ی اجزای دیگری مثل کاهش فقر، توزیع عادلانه‌ی درآمدها و امثال آن‌ها است که در یک نگاه کلی‌تر به دنبال دستیابی به اموری است که مد نظر توسعه‌ی انسانی است. به بیان دیگر می‌توان توسعه‌ی انسانی را مهم‌ترین بعد توسعه دانست. شاخص توسعه که از سال ۱۹۹۰ هر سال از سوی برنامه توسعه‌ی سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و بر اساس آن کشورهای مختلف طبقه‌بندی می‌شوند، بر پایه‌ی داده‌های سطح امید به زندگی، وضع آموزش عمومی و درآمد خانوار استوار بوده و در حقیقت توسعه‌یافتگی را بر مبنای این اصول تعیین می‌کند (سالزمن، ۲۰۰۳).

شاخص توسعه‌ی انسانی^۵، شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه انسانی؛ زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب.

^۵ human development index (HDV)

از سال ۱۹۹۰، هر ساله گزارشی با نام گزارش توسعه انسانی توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و در آن کشورها در شاخص‌های مختلفی مانند شاخص‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی و غیره مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در اولین گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ آمده‌است: مردم، یعنی مردان و زنان، ثروت واقعی هر ملتی را تشکیل می‌دهند. هدف توسعه، خلق شرایطی است که مردم بتوانند در آن از عمر طولانی و زندگی سالم و سازنده‌ای بهره‌مند شوند.

در گزارش توسعه انسانی، کشورها را بر اساس میزان شاخص توسعه انسانی به گروه‌های کشورهای با توسعه انسانی بسیار زیاد، کشورهای با توسعه انسانی زیاد، کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با توسعه انسانی کم تقسیم می‌کنند. در گزارش سال ۲۰۱۰، ایران در گروه کشورهای با توسعه انسانی زیاد قرار گرفته‌است.

بر اساس گزارش‌های موجود، ارزش شاخص توسعه‌ی انسانی در ایران در سال ۲۰۰۴ برابر ۰/۷۳۲ بوده و در سال ۲۰۰۵ به مقدار ۰/۷۳۶ درصد افزایش یافته است و به این ترتیب ایران رتبه‌ی ۹۹ جهان را به خود اختصاص داده است.

بخشوده (۱۳۸۵) در تحقیقی به بررسی شاخص توسعه‌ی انسانی در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۲ پرداخته و این نتایج به دست آمده که در طول سال‌های مورد بررسی، امید به زندگی در بدو تولد ۶۳/۵ سال بوده که بین ۵۶/۵ و ۷۱ سال متغیر است. همچنین نرخ سواد بزرگسالان به‌طور متوسط ۶۰/۲ درصد بوده که حداقل برابر ۵۰ درصد در سال‌های ۶۲-۱۳۵۴ و حداکثر ۷۹ درصد در سال ۱۳۸۲ بوده است. متوسط نرخ ثبت‌نام در مدارس و دبیرستان‌ها نیز ۷۸/۱ درصد بوده و بین ۶۵/۵ و ۸۹ درصد در نوسان بوده است. اما به هر حال با کمی نوسان از ۶۹ درصد در سال ۱۳۵۴ به ۸۹ درصد در سال ۱۳۸۲ افزایش یافته است. در نهایت درآمد سرانه‌ی تعدیل‌شده بر حسب دلار آمریکا از ۱۵۵۵ دلار در سال ۱۳۵۴ به ۶۱۰۰ دلار در سال ۱۳۸۲ رسیده و به‌طور متوسط برابر با ۳۶۲۲ دلار بوده است. همچنین، وی اذعان داشت که روند کلی صعود شاخص توسعه‌ی انسانی در ایران به‌طور عمده ناشی از روند رو به رشد نرخ سواد بزرگسالان و نیز ثبت نام در مدارس و دبیرستان‌ها است که در قالب شاخص آموزش عمومی ملاحظه می‌شوند. به علاوه، تا حدودی نیز سطح استاندارد زندگی که در قالب شاخص امید به زندگی در بدو تولد نمایانگر است در رشد توسعه‌ی انسانی مؤثر است. البته شاخص درآمد سرانه‌ی تعدیل‌شده نیز که از سال ۱۳۶۸ به بعد به شدت نزول کرده مجدداً پس از آن با نرخ فزاینده‌ای افزایش یافته و به سطح سال‌های قبل از ۱۳۶۸ نزدیک می‌شود. بنابراین، در دوره‌ی اخیر رشد اقتصادی نیز به شدت بر رشد توسعه‌ی انسانی در ایران تأثیرگذار بوده است.

محمودی (۱۳۸۸) با بررسی شاخص توسعه‌ی منابع انسانی در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ به این نتیجه دست یافت که ایران در بین ۱۷۹ کشور جهان، با شاخص ۰/۷۷۷، رتبه‌ی ۸۴ را کسب نموده است و بدین ترتیب جایگاه مناسبی در بین کشورهای دارای توسعه‌ی انسانی متوسط رو به بالا احراز نموده است. این در حالی است که درآمد سرانه‌ی تعدیل‌شده به قدرت خرید (دلار) در ایران بیش از ۱۰۰۰۰ دلار ذکر شده است که چنانچه تنها کشورها را بر مبنای درآمد سرانه مورد سنجش قرار دهیم جایگاه ایران در بین کشورهای جهان رتبه‌ی ۶۸ را حائز خواهد شد که از این حیث وضعیت کشور ایران تقریباً بالاتر از اغلب کشورهای آسیایی و منطقه‌ی خاورمیانه و تقریباً نزدیک به کشورهای با سطح توسعه‌ی انسانی بالا است.

۱-۷-۷- توسعه‌ی روستایی

از سال ۱۹۸۰، مفهوم توسعه‌ی پایدار در قالب انگاره‌ای جدید برای رفع کاستی‌هایی مانند استفاده‌ی گسترده و بیش از حد جهان صنعتی از منابع طبیعی تجدید ناپذیر، آلودگی بیش از حد محیط زیست، مشکلات ناشی از مواد زائد صنایع، مهاجرت بی‌رویه‌ی روستاییان به شهرها و ایجاد نظام‌های تولیدی ناپایدار در انگاره‌های قدیم توسعه شکل گرفت.

«توسعه‌ی پایدار» مفهومی انتزاعی و اصطلاحی برای لقلقه‌ی زبان و سخنرانی‌های رسمی و غیررسمی نیست بلکه گذشته از پشتوانه‌های فلسفی و نظری، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، سیاسی و غیره دارای راهکارهای علمی و شاخص‌های معین و شفاف برای درک عموم و پیگیری اجرایی مسئولان دولتی و غیردولتی در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ی ملی است. با این همه، با وجود دگرگونی‌های عمیق در بسیاری از نماگرهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کشور در چند دهه‌ی اخیر، هنوز بسیاری از عوامل مؤثر برخاسته از شاخص‌های شفاف توسعه‌ی پایدار در بسیاری از مناطق شهری و به ویژه در مناطق روستایی کشورمان وجود ندارد و زمینه‌ی ایجاد آن‌ها نیز بدون برنامه‌ریزی‌های منسجم فراهم نخواهد شد (کریم و هاشمی، ۱۳۸۸).

توسعه‌ی پایدار عبارت است «توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون این‌که توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند». همچنین کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه نیز توسعه‌ی پایدار را چنین تعریف می‌کند: «جریان تغییری در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه‌ی فناوری و به‌طور کلی، تغییر نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد» (نصیری، ۱۳۷۹).

جمع‌بندی تعاریف و برداشت‌های مختلف از توسعه‌ی پایدار نشان می‌دهد که توسعه‌ی پایدار مفهومی ثابت و ایستا نیست بلکه حرکتی مستمر و رو به تحول از انطباق و سازگاری است که طی آن، بهره‌برداری از منابع برای سرمایه‌گذاری‌ها و جهت‌گیری توسعه‌ی فناوری به گونه‌ای صورت می‌گیرد که بتوان پاسخ‌گوی نیازهای بالقوه و بالفعل انسان بود. بنابراین، منظور از توسعه‌ی پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نیست بلکه مفهومی جدید از توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است، توسعه‌ای که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی مردم جهان مد نظر قرار می‌دهد.

از چند سده اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیش‌تر عیان گردیده است. از آن‌جایی که عموماً روستاییان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد کمتری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار هستند، اقشار روستایی فقیرتر و آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهرها نیز می‌شود. علت این امر نیز پراکندگی جغرافیایی روستاها، نبود صرفه اقتصادی برای ارایه خدمات اجتماعی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (کم‌بودن بهره‌وری)، محدودیت منابع ارضی (در مقابل رشد جمعیت) و عدم مدیریت صحیح مسئولان بوده است. به همین جهت، برای رفع فقر شدید مناطق روستایی، ارتقای سطح و کیفیت زندگی روستاییان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان، تمهید «توسعه‌ی روستایی» متولد گردید (کریم و هاشمی، ۱۳۸۸).

بنا بر تعریف، برنامه‌های توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور محسوب می‌شوند که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی بکار می‌روند. این‌گونه برنامه‌ها را که دولت‌ها و یا

عاملان آنان در مناطق روستایی پیاده می‌کنند، دگرگونی اجتماعی براساس طرح و نقشه نیز می‌گویند. این امر در میان کشورهای جهان سوم که دولت‌ها نقش اساسی در تجدید ساختار جامعه به منظور هماهنگی با اهداف سیاسی و اقتصادی خاصی به عهده دارند، مورد پیدا می‌کند. از سوی دیگر توسعه‌ی روستایی را می‌توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفاسازی آنان در روند توسعه کلان کشور دانست.

در گذشته بعضی مدیران و سیاست‌گذاران امر توسعه، صرفاً بر توسعه کشاورزی متمرکز می‌شدند که امروز نتایج نشان داده است که توسعه روستایی صرفاً از این طریق محقق نمی‌شود. روستا جامعه‌ای است که دارای ابعاد اجتماعی مختلف است و نیازمند توسعه همه‌جانبه (یعنی توسعه‌ی روستایی) است نه صرفاً توسعه کسب و کار و نظامی به نام کشاورزی. هرچند باید گفت که از طریق توسعه کشاورزی موفق نیز الزاماً توسعه روستایی محقق نمی‌شود. چون اولاً فواید توسعه کشاورزی عاید همه روستاییان نمی‌شود (بیش‌تر عاید زمین‌داران، به خصوص مالکان بزرگ می‌شود)، ثانیاً افزایش بهره‌وری کشاورزی باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی می‌شود (حداقل در درازمدت) و این خود باعث کاهش اشتغال روستاییان و فقر روزافزون آنان و مهاجرت بیش‌تر به سمت شهرها می‌شود.

رویکردها و استراتژی‌های توسعه‌ی روستایی را این‌گونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

الف: رویکردهای فیزیکی-کالبدی

استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

زیرساخت‌های روستایی را می‌توان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت توسعه این زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و نهادی باعث بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. به عنوان مثال، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی همچون تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی‌های آنان (در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این استراتژی، با همکاری مردم می‌تواند به‌طور آگاهانه، ارادی و موفقیت‌آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گذر کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد.

ب: رویکردهای اقتصادی

استراتژی انقلاب سبز:

این استراتژی دارای دو معنای به‌نسبه متفاوت است: یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی است به طوری‌که این تحول باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و مشکلات کشاورزی گردد. دیگری به معنی بهبود نباتات خاص (به ویژه گسترش انواع بذرهای اصلاح‌شده گندم و برنج) و تولید زیاد آنان است. براساس مطالعات میسرا، انقلاب سبز باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده است و بعضاً باعث بروز اختلافاتی مابین نواحی روستایی (به خاطر بازده متفاوت زمین‌ها در این محصولات اساسی) نیز شده است.

استراتژی اصلاحات ارضی:

اکثر کشورهای جهان، برای گذار از یک ساخت ارضی به ساختی دیگر، اصلاحات ارضی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی خود گنجانده‌اند. به عبارت دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران امر توسعه (همچون میردال و تودارو)، اصلاحات ارضی کلید توسعه کشاورزی است. البته در بعضی موارد نیز، به دلیل ساماندهی نامناسب خدمات پشتیبانی و تخصیص اعتبارات موردنیاز، چیزی به درآمد زارعان خرده‌پا افزوده نمی‌شود.

استراتژی صنعتی نمودن روستا:

اگرچه در این استراتژی، توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حایز اهمیت است اما در عین حال باید با توسعه فعالیت‌های صنعتی همراه شود. در بسیاری از کشورها (بخصوص آسیایی‌ها) صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین نیز محدود است) بدین جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیرزراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستانشینان افزایش نیافته و مهاجرت روستاییان به شهر کاهش یابد. در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد:

الف- ایجاد مشاغل غیرزراعی و فعالیت‌های درآمدزا

ب- رواج مراکز روستایی دست پایین.

اهداف عمده استراتژی صنعتی نمودن روستا را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه‌بیکار در یک منطقه
- همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری
- تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی
- استفاده کامل (بیش‌تر) از مهارت‌های موجود در یک ناحیه
- فرآوری تولیدات کشاورزی محلی
- تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی

بیش‌تر این‌گونه صنایع روستایی در کسب و کارهای خرد شکل می‌گیرند که می‌تواند بخش عمده‌ای از آن را صنایع دستی تشکیل دهد. این صنایع دستی می‌توانند از ابزارهای پیشرفته‌تر برای کار خود بهره برده و به دلیل سادگی و مقبولیت بیش‌تر در جوامع روستایی و امکانات اشتغالزایی بیش‌تر، کمک بیش‌تری به بهبود وضعیت روستاییان انجام دهند.

استراتژی رفع نیازهای اساسی

این استراتژی در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای است تا براساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت روستایی را به درآمد و خدمات (در طول یک نسل)، برطرف نماید. نیازهای اساسی شامل درآمد (کار مولد) و هم خدمات موردنیاز زندگی می‌شود. محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از:

- تغییر معیار برنامه‌های اجرایی از «رشد» به سمت «نیازهای اساسی» که از طریق اشتغال و توزیع مجدد

صورت می‌گیرد (به عبارت دیگر از «رشد اقتصادی» به «توسعه اقتصادی»)

- چرخش از اهداف ذهنی به سمت اهداف عینی و واقعی
- کاهش بیکاری

از این رو رفع نیازهای اساسی تهیدستان، در کانون مرکزی این استراتژی قرار می‌گیرد و اهداف رشدمحور جای خود را اهداف مصرفی می‌دهند که در مناطق روستایی با سرمایه و واردات کمتری (نسبت به بخش شهری) قابل انجام هستند.

ج: رویکردهای اجتماعی و فرهنگی

استراتژی توسعه اجتماعی

استراتژی توسعه اجتماعی محلی (جامعه‌ای)، اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی را توأم شامل می‌شود و نوید می‌دهد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا نهد و هم در تامین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید.

استراتژی مشارکت مردمی

از این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن. طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این استراتژی باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد. محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از:

- تاکید بیش‌تر بر نیازهای مردم
- تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی
- بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند
- کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان
- تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه (افزایش آگاهی‌های مردم و کاهش زمان و هزینه طرح‌ها و پروژه‌ها).

مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف اتخاذ تصمیم‌های جمعی، همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از ثمرات آن است. این مشارکت می‌تواند در تمامی مراحل مختلف تصمیم‌گیری، اجرا (عملیات، مدیریت و اطلاع‌رسانی)، تقسیم منافع و ارزیابی وجود داشته باشد (کریم و هاشمی، ۱۳۸۸).

د: رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای

استراتژی‌های تحلیل مکانی

والتر کریستالر (۱۹۳۳) بر مبنای نظریات جی. اچ. فون تونن و آلفرد وبر (۱۹۰۹) نظریه‌ی «مکان مرکزی» را ارائه نمود که براساس میزان جمعیت، نقش و کارکرد، فاصله، پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی به شرح و تبیین

ساختار (چارچوب) فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنان (و بالتبع سروساماندهی به نحوه چیدمان نقاط شهری و روستایی) می‌پردازد. متخصصان این زمینه با پذیرش علم جغرافیا (به عنوان تحلیل‌گر فضای زیست)، به استفاده از نظریات برجسته دیگر در رابطه با تقسیم‌بندی فضایی- مکانی و ساماندهی فضا نیز مبادرت نمودند. سه نظریه مطرح در این زمینه را می‌توان به طور خلاصه اینگونه معرفی نمود:

- نظریه زمین‌های کشاورزی (جی.اچ.فون تونن): این نظریه به تحلیل چگونگی استفاده و سروساماندهی به زمین‌های کشاورزی می‌پردازد. براساس این نظریه فعالیت‌های کشاورزی و ارزش زمین‌ها متناسب با فاصله آن‌ها از بازار (شهری) تعریف می‌شود (دوایر متحدالمرکزی حول شهرها).
- نظریه مکان‌یابی صنایع (آلفرد وبر): براساس این نظریه، صاحبان صنایع می‌کوشند مکانی را جهت استقرار کارخانه‌های خود برگزینند که با حداقل هزینه تولید محصول و توزیع آنان (هزینه‌های حمل‌ونقل) همراه باشد. در واقع زنجیره‌ای از جریان کالا، خدمات و اطلاعات (وزن و نحوه تعامل آن‌ها) ما را قادر به مکان‌یابی صحیح صنایع می‌کند.
- نظریه مکان مرکزی (والتر کریستالر): براساس این نظریه، هر مکانی که موقعیت مرکزی می‌یابد با تولید و توزیع هرچه بیش‌تر کالا و خدمات در حوزه‌های اطراف (یا منطقه نفوذ) به تحکیم موقعیت مرکزی خود می‌پردازد. به همین خاطر، چنین مکان‌های مرکزی، خدمات بیش‌تری را در خود متمرکز می‌سازند. برمبنای این نظریه، نقاط مرکزی در قالب نظامی سلسله مراتبی (مبتنی بر جمعیت، فاصله، نقش یا کارکرد) عمل می‌نمایند. طبق این نظریه، خریداران، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از نزدیک‌ترین بازار فروش در دسترس تهیه می‌کنند.

استراتژی توسعه‌ی روستا-شهری

از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از استراتژی «نیازهای پایه» سازمان جهانی کار استراتژی توسعه‌ی روستا-شهری یا منظومه کشت-شهری (اگروپولیتن) مطرح گردید. برای درک بهتر این استراتژی باید الگوی «مرکز-پیرامون» و استراتژی نیازهای پایه را دانست. تحقیقات فریدمن (در آمریکای جنوبی) نشان داده است که می‌توان فضای زندگی را به دو بخش «مرکز» و «پیرامون» تقسیم نمود که رابطه‌ی بین این دو نظام، استعماری است و پیامد آن قطبی‌شدن در مرکز و حاشیه‌ای‌شدن در پیرامون است. استراتژی نیازهای پایه نیز چرخش آشکاری بود از استراتژی‌های متداول تولیدمحور، صنعت‌مدار و شهرگرا به سمت استراتژی‌های مردم‌محور، کشاورزی‌مدار و روستاگرا. استراتژی روستا-شهری برمبنای الگوی مرکز-پیرامون (تجمع سرمایه و منافع در نقاط شهری) و متأثر از استراتژی نیازهای پایه (رفع فقر و ایجاد اشتغال، خوداتکایی و تامین مایحتاج اصلی)، این محورها را برای توسعه مناطق روستایی پیشنهاد می‌کند: درون‌گرایی، حفاظت‌گرایی، خودگردانی (خودکفایی) و نهادینه‌سازی مشارکت.

استراتژی یوفرد

این استراتژی برپایه نقش فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی (و منطقه‌ای) تعریف می‌شود که شامل این مراحل می‌گردد: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام

سکونت‌گاهی، تحلیل ارتباطات فضایی، تحلیل دسترسی‌ها (ارتباطات)، تحلیل شکاف عملکردی، تنظیم استراتژی‌های توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازبینی و نهادینه‌سازی تحلیل‌های فضایی در برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای.

در سال ۱۹۹۱، سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو) و دولت هلند بیانیه‌ای مشترک با عنوان «بیانیه و دستورالعمل دن بوش در ارتباط با اقدام برای توسعه‌ی کشاورزی و روستایی پایدار» را منتشر کردند که بر اساس فراخوان این بیانیه، باید استفاده‌ی گسترده و بیش از حد جهان صنعتی از منابع تجدیدنپذیر، آلودگی محیط زیست و مشکلات ناشی از مواد زائد صنایع، مهاجرت بیرویه‌ی روستاییان به شهرها، و ایجاد نظام‌های تولیدی ناپایدار دستخوش تغییرات و تعدیلات اساسی می‌شد (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۱). پس از آن، فائو به عنوان «سازمان راهبر بین‌المللی» تعیین شد تا از انجام این تغییر رهیافت‌ها در پیکره‌ی نظام تشکیلاتی سازمان ملل اطمینان حاصل شود. با توجه به اهمیت رهیافت توسعه‌ی پایدار روستایی، تاکنون تعاریف و برداشت‌هایی مختلف از آن ارائه شده است که یکی از این تعریف‌ها به صورت زیر است.

«توسعه‌ی پایدار روستایی، رهیافتی برای توسعه است که در آن، کارایی، عدالت و پایداری با هم تلفیق شده‌اند، به گونه‌ای که کارایی متضمن استفاده‌ی بهینه از منابع، عدالت متضمن فقرزدایی و کاهش شکاف بین فقرا و ثروتمندان، و هدف از پایداری نیز پایداری معیشت با حفظ امرار معاش آینده از طریق حفظ منابع طبیعی باشد» (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۱).

توسعه‌ی پایدار روستایی دارای مؤلفه‌های گوناگونی است که عبارتند از:

- انسان (با تأکید بر رفتار اجتماعات محلی)؛
- محیط زیست (شامل عناصر بوم‌شناختی پایه)؛
- زنان (به مثابه نیمی از جمعیت)؛
- کودکان و نوجوانان (به مثابه تصمیم‌گیرندگان آینده‌ی جامعه)؛
- فرهنگ (شامل نگرش، رفتار و ارزش‌های معنوی)؛
- آموزش (فرایندهای توانمندسازی و غیره)؛
- امنیت (اجتماعی، غذایی و غیره)؛
- مشارکت (در تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و منافع).

همه‌ی این عناصر در شکل‌گیری توسعه‌ی پایدار و استمرار آن نقش اساسی دارند (سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۱).

در بیش‌تر راهبردهای توسعه‌ی روستایی ایران، توسعه‌ی کشاورزی در کانون اصلی توجه قرار داشته است و در واقع، کشاورزی همه‌ی دارایی روستا و هر گونه تغییر در روستا نیز در گرو تغییر در بخش کشاورزی قلمداد شده است. اما در شرایط کنونی، اوضاع جوامع روستایی کشور به گونه‌ای دیگر است و این‌گونه راهبردها که توسعه‌ی روستایی و توسعه‌ی کشاورزی را یکسان می‌پندارند، دیگر با کارایی مطلوب همراه نخواهد بود. در واقع، باید توسعه‌ی کشاورزی را زیرمجموعه‌ی توسعه‌ی روستایی در نظر گرفت (کریم و هاشمی، ۱۳۸۸).

کمیسیون توسعه‌ی پایدار ملل متحد شاخص‌های توسعه‌ی پایدار روستایی و کشاورزی را در قالب ابعاد محیط اجتماعی، محیط بوم‌شناختی و زیست‌محیطی، محیط اقتصادی و محیط نهادی تقسیم‌بندی کرد که هر

یک از این ابعاد شامل چند گروه و هر یک از گروه‌ها چند شاخص را شامل می‌شوند. کریم و هاشمی (۱۳۸۸) به بررسی مشکلات و موانع موجود بر سر راه توسعه‌ی دهستان ساروق در شهرستان اراک پرداختند و به این نتایج دست یافتند که از دیدگاه روستاییان این دهستان چالش‌های پایداری مناطق جنگلی، آب و خاک ۲۵/۵ درصد، چالش‌های طرح‌های عمرانی دولتی ۱۴/۲ درصد، چالش‌های استفاده‌ی پایدار از ذخایر محیط ۱۳/۲ درصد چالش‌های اشتغال و درآمد ۱۰/۵ درصد، چالش‌های محیط‌نهادی ۱۰/۲ درصد، چالش‌های بهداشت و رفتار مطمئن با سموم و مواد شیمیایی ۷/۷ درصد و چالش‌های اشکال پایدار سکونتگاه‌های انسانی ۳/۳ درصد، و در مجموع این شش عامل ۸۵ درصد از واریانس چالش‌های توسعه‌ی پایدار روستایی را تبیین می‌کنند.

۱-۷-۸- اشتغال و بیکاری

وضع فعالیت اعضای جامعه یکی از پدیده‌هایی است که بر اقتصاد آن جامعه تأثیر مستقیم می‌گذارد. اشتغال و بیکاری، از جمله موضوع‌های اساسی اقتصاد هر کشوری است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع تلقی می‌شود. نرخ بیکاری یکی از شاخص‌هایی است که برای ارزیابی شرایط اقتصادی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بازار کار یکی از چهار بازار تعریف شده در اقتصاد است که وجود عامل انسانی آن را نسبت به بازارهای دیگر، همچون بازار پول، بازار سرمایه و بازار کالا متمایز می‌کند. فزونی عرضه‌ی نیروی انسانی نسبت به تقاضای آن در بازار کار یکی از عوامل اصلی بیکاری، به ویژه بیکاری جوانان، محسوب می‌شود و از این رو، استمرار بیکاری و نرخ فزاینده‌ی دو رقمی آن طی چند دهه‌ی گذشته در کشورها گویای عدم تعادل جدی در عرضه و تقاضا و نشانه‌ی مشکلات ساختاری این بازار است (نوبخت، ۱۳۸۶).

وجود عامل انسانی در عرضه و تقاضای بازار کار این بازار را از دیگر بازارهای اصلی همچون، بازار پول، بازار سرمایه و بازار کالا متمایز می‌کند. از این رو، شاخص نرخ بیکاری که نمادی از عدم تعادل بازار کار تلقی می‌شود همواره برای سیاست‌گذاران حساسیت بیشتری نسبت به شاخص نرخ بهره در بازار پول، شاخص سود سهام در بازار سرمایه و حتی شاخص نرخ تورم در بازار کالا دارد (نوبخت، ۱۳۸۶).

لازم به توضیح است که نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری در جهت عکس یکدیگر حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، با افزایش نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری کاهش می‌یابد و با افزایش نرخ بیکاری، نرخ مشارکت اقتصادی کاهش می‌یابد.

نوبخت (۱۳۸۶) به بررسی موانع اشتغال جوانان و راهبرد تعادل بازار کار در ایران پرداخت و اذعان کرد سختی و عدم انعطاف‌پذیری بازار کار ایران از موانع ساختاری، عدم سرمایه‌گذاری کافی و واردات گسترده از موانع اقتصادی، و نامتناسب بودن نظام آموزشی کشور با نیازهای بازار کار از جمله موانع آموزشی و فرهنگی عدم تعادل بازار کار، به ویژه اشتغال جوانان و نیروهای متخصص است.

فصل ۲

روش‌شناسی پژوهش

۲-۱- روش پژوهش

این پژوهش با ترکیبی از روش اسنادی- کتابخانه‌ای، روش تحلیل اطلاعات موجود^۶ و روش تحلیل مقایسه‌ای اطلاعات موجود انجام گرفته است.

۲-۲- جامعه‌ی آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه‌ی آبادی‌های کشور (دارای سکنه و فاقد سکنه) است. البته تمرکز اصلی تحقیق بر روی آبادی‌های دارای سکنه است و در چند مورد برای پوشش اهداف تحقیق از داده‌های آبادی‌های فاقد سکنه نیز استفاده شده است.

۲-۳- داده‌های مورد استفاده برای تحلیل

در این تحقیق از دو سری اطلاعات، اطلاعات شناسنامه‌ی آبادی‌ها و اطلاعات خانواری مربوط به آن‌ها استفاده شده است. لازم به ذکر است که اطلاعات شناسنامه‌ی آبادی‌ها، اطلاعات مربوط به وضع طبیعی، وضع سکونت در آن‌ها و امکانات مختلف آبادی‌ها از جمله امکانات آموزشی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اداری، برق، گاز و آب، بهداشت و درمان، مخابرات و ارتباطات، بازرگانی و خدمات و غیره است. همچنین از جمله اطلاعات خانواری مربوط که مورد استفاده قرار گرفته اند، عبارتند از: جمعیت، تعداد خانوار، جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر، جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر، جمعیت شاغل و بیکار و غیره.

۲-۴- روش بررسی نتایج

نتایج پژوهش با استفاده از جداول و اشکال توصیف و تحلیل شده است. در این راستا، نخست به توصیف

سیمای آبادی‌های کشور پرداخته شده است. سپس ضمن با استفاده از شاخص‌های اجتماعی، جمعیتی و امکاناتی توسعه داده شده به توصیف و تحلیل نتایج برای سال ۱۳۹۰ پرداخته شده است. همچنین، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای به خوشه‌بندی استان‌های کشور با توجه به صفات مورد بررسی آبادی‌های کشور پرداخته شده است. بررسی توصیفی و تحلیلی وضعیت آبادی‌های کشور حول محور شاخص‌های توسعه داده شده نیز انجام شده است.

تحلیل خوشه‌ای^۷ یکی از روش‌های آماری کاهش بعد^۸ است و راهی برای خلاصه کردن اطلاعات نهفته در تعدادی زیادی از متغیرهای موجود در یک مطالعه علمی، در قالب تعداد کم‌تری متغیر است. تجزیه و تحلیل خوشه‌ای روشی برای گروه‌بندی داده‌ها یا مشاهدات با توجه به شباهت یا درجه نزدیکی آن‌ها است. از طریق تجزیه و تحلیل خوشه‌ای داده‌ها یا مشاهدات به دسته‌های همگن و متمایز از هم تقسیم می‌شوند. در روش خوشه‌بندی هیچ دسته‌ای از قبل وجود ندارد و در واقع متغیرها به صورت مستقل و وابسته تقسیم نمی‌شوند. در این نوع تحلیل آماری گاهی به دنبال داده‌هایی هستیم که تفاوت چشم‌گیر با سایر داده‌ها دارند. از مزایای این روش آسان بودن و کاربرد آن برای انواع مختلف داده‌ها است.

مراحل انجام تجزیه و تحلیل خوشه‌ای عبارت‌اند از:

- انتخاب معیار شباهت
- انتخاب روش تجزیه و تحلیل خوشه‌ای
- تصمیم‌گیری در مورد تعداد خوشه‌ها
- تفسیر دسته‌ها یا گروه‌های تشکیل دهنده

در مورد مرحله اول که معرفی معیار شباهت است باید به معرفی فاصله و روش محاسبه آن پرداخته شود. ماتریس فواصل بین متغیرها با استفاده از عناصر $D(i, j)$ (فاصله بین دو نقطه i و j) با استفاده از روش‌های متفاوتی به دست می‌آید که از آن بین می‌توان به فواصل اقلیدسی^۹، مربع^{۱۰} اقلیدسی و بلوک شهری^{۱۱} اشاره نمود که در زیر فرمول‌های مربوط به هر یک ارائه شده است:

- ۱- فاصله‌ی اقلیدسی بین دو نقطه i و j برای دو متغیر X_1 و X_2 به صورت زیر است:

$$D_1(i, j) = \sqrt{(X_{1i} - X_{1j})^2 + (X_{2i} - X_{2j})^2}$$

- ۲- فاصله‌ی مربع اقلیدسی

$$D_2(i, j) = (X_{1i} - X_{1j})^2 + (X_{2i} - X_{2j})^2$$

- ۳- فاصله‌ی بلوک شهری

^۷ cluster analysis

^۸ dimension reduction

^۹ euclidean

^{۱۰} squared euclidean

^{۱۱} city block

$$D_{\tau}(i, j) = |X_{\tau i} - X_{\tau j}| + |X_{\tau i} - X_{\tau j}|$$

در هر یک از موارد زیر با شرط زیر فاصله بین دو نقطه i و j کم‌تر از فاصله بین دو نقطه i و k است:

$$D(i, j) < D(i, k)$$

فاصله‌ی بین دو نقطه می‌تواند برای بیش از دو متغیر به صورت زیربسط داده شود:

$$D(i, j) = \sqrt{(X_{\tau i} - X_{\tau j})^2 + (X_{\tau i} - X_{\tau j})^2 + \dots + (X_{ki} - X_{kj})^2}$$

مرحله‌ی دوم انجام این تحلیل که درباره تعداد خوشه‌ها است به انتخاب روش انجام تحلیل بستگی دارد که به دو دسته کلی زیر تقسیم می‌شود:

۲-۴-۱- خوشه‌بندی انحصاری و خوشه‌بندی با هم‌پوشی

در روش خوشه‌بندی انحصاری^{۱۲} پس از خوشه‌بندی هر داده دقیقاً به یک خوشه تعلق می‌گیرد مانند روش خوشه‌بندی K-Means. ولی در خوشه‌بندی با هم‌پوشی^{۱۳} پس از خوشه‌بندی به هر داده یک درجه تعلق به ازای هر خوشه نسبت داده می‌شود. به عبارتی یک داده می‌تواند بانسبتهای متفاوتی به چندین خوشه تعلق داشته باشد. نمونه‌ای از آن خوشه‌بندی فازی است.

روش خوشه‌بندی K-Means با وجود سادگی آن یک روش پایه برای بسیاری از روش‌های خوشه‌بندی دیگر (مانند خوشه‌بندی فازی) محسوب می‌شود. این روش روشی انحصاری و مسطح محسوب می‌شود. برای این الگوریتم شکل‌های مختلفی بیان شده است. ولی همه آن‌ها دارای روندی تکراری هستند که برای تعدادی ثابت از خوشه‌ها سعی در تخمین موارد زیر دارند:

- به دست آوردن نقاطی به عنوان مراکز خوشه‌ها این نقاط در واقع همان میانگین نقاط متعلق به هر خوشه هستند.

- نسبت دادن هر نمونه داده به یک خوشه که آن داده کم‌ترین فاصله تا مرکز آن خوشه را دارا باشد. در نوع ساده‌ای از این روش ابتدا به تعداد خوشه‌های مورد نیاز نقاطی به صورت تصادفی انتخاب می‌شود. سپس در داده‌ها با توجه با میزان نزدیکی (شباهت) به یکی از این خوشه‌ها نسبت داده می‌شوند و بدین ترتیب خوشه‌های جدیدی حاصل می‌شود. با تکرار همین روال می‌توان در هر تکرار با میانگین‌گیری از داده‌ها مراکز جدیدی برای آن‌ها محاسبه کرد و مجدداً داده‌ها را به خوشه‌های جدید نسبت داد.

۲-۴-۲- خوشه‌بندی سلسله مراتبی و خوشه‌بندی مسطح

در روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی^{۱۴}، به خوشه‌های نهایی بر اساس میزان عمومیت آن‌ها ساختاری سلسله

^{۱۲} exclusive or hard clustering

^{۱۳} overlapping or soft clustering

^{۱۴} hierarchical

مراتبی نسبت داده می‌شود. مانند روش Single Link. ولی در خوشه‌بندی مسطح تمامی خوشه‌های نهایی دارای یک میزان عمومیت هستند مانند K-Means. به ساختار سلسله مراتبی حاصل از روش‌های خوشه‌بندی سلسله مراتبی دندروگرام^{۱۵} گفته می‌شود.

با توجه با این‌که روش‌های خوشه‌بندی سلسله مراتبی اطلاعات بیش‌تر و دقیق‌تری تولید می‌کنند برای تحلیل داده‌های با جزئیات پیشنهاد می‌شوند ولی از طرفی چون پیچیدگی محاسباتی بالایی دارند برای مجموعه داده‌های بزرگ روش‌های خوشه‌بندی مسطح^{۱۶} پیشنهاد می‌شوند.

در روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی، به خوشه‌های نهایی بر اساس میزان عمومیت آن‌ها ساختاری سلسله مراتبی، معمولاً به صورت درختی نسبت داده می‌شود. به این درخت سلسله مراتبی دندروگرام می‌گویند. روش‌های خوشه‌بندی بر اساس ساختار سلسله مراتبی تولیدی توسط آن‌ها معمولاً به دو دسته‌ی زیر تقسیم می‌شوند:

۲-۴-۱-۲- بالا به پایین^{۱۷} یا تقسیم‌کننده^{۱۸}

در این روش ابتدا تمام داده‌ها به عنوان یک خوشه در نظر گرفته می‌شوند و سپس در طی یک فرایند تکراری در هر مرحله داده‌هایی شباهت کم‌تری به هم دارند به خوشه‌های مجزایی شکسته می‌شوند و این روال تا رسیدن به خوشه‌هایی که دارای یک عضو هستند ادامه پیدا می‌کند.

۲-۴-۲- پایین به بالا^{۱۹} یا متراکم شونده^{۲۰}

در این روش ابتدا هر داده‌ها به عنوان خوشه‌ای مجزا در نظر گرفته می‌شود و در طی فرایندی تکراری در هر مرحله خوشه‌هایی که شباهت بیش‌تری با یکدیگر با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا در نهایت یک خوشه و یا تعداد مشخصی خوشه حاصل شود.

۲-۴-۳- الگوریتم‌های خوشه‌بندی

از انواع الگوریتم‌های خوشه‌بندی سلسله مراتبی متراکم شونده رایج می‌توان از الگوریتم‌های Single-Link، Average-Link و Complete-Link نام برد.

تفاوت اصلی در بین تمام این روش‌ها به نحوه‌ی محاسبه‌ی شباهت بین خوشه‌ها مربوط می‌شود. که در بخش‌های بعد به تشریح هر یک پرداخته خواهد شد.

نمونه‌ای از روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی و تفاوت بین روش‌های بالا به پایین و پایین به بالا در شکل ۱-۲ مشاهده می‌شود.

^{۱۵} dendrogram

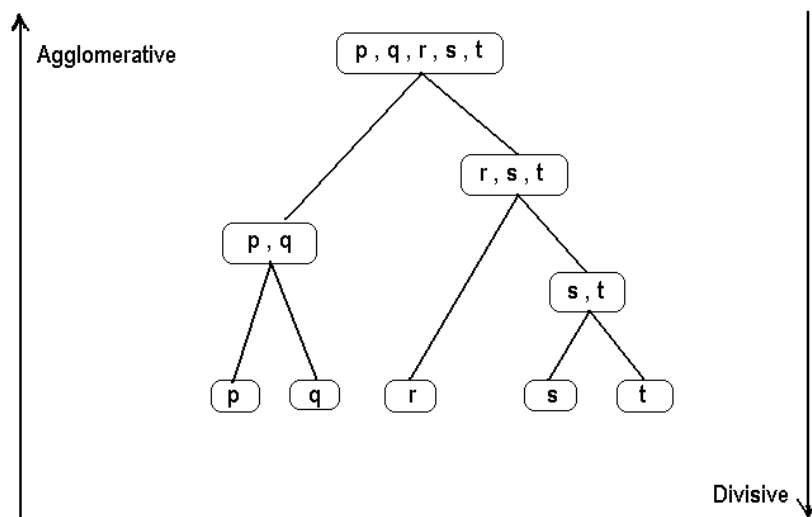
^{۱۶} flat

^{۱۷} top-down

^{۱۸} divisive

^{۱۹} bottom-up

^{۲۰} agglomerative



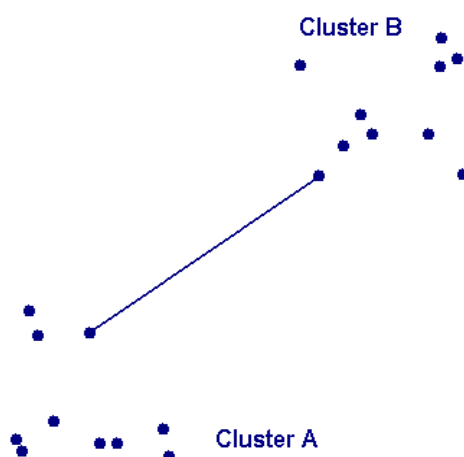
شکل ۲-۱- تفاوت بین روش‌های بالا به پایین با روش‌های پایین به بالا

۲-۳-۴-۱- خوشه‌بندی با روش Single-Link

این روش یکی از قدیمی‌ترین و ساده‌ترین روش‌های خوشه‌بندی است و جزء روش‌های خوشه‌بندی سلسله مراتبی و انحصاری محسوب می‌شود. به این روش خوشه‌بندی، تکنیک نزدیک‌ترین همسایه^{۲۱} نیز گفته می‌شود. در این روش برای محاسبه شباهت بین دو خوشه A و B از معیار زیر استفاده می‌شود:

$$d_{AB} = \min_{i \in A, j \in B} d_{ij}$$

که در آن i یک نمونه داده متعلق به خوشه A و j یک نمونه داده متعلق به خوشه B می‌باشد. در واقع در این روش شباهت بین دو خوشه، کم‌ترین فاصله بین یک عضو از یکی با یک عضو از دیگری است. در شکل ۲-۲ این مفهوم بهتر نشان داده شده است.



شکل ۲-۲- شباهت بین دو خوشه در روش Single-Link برابر است با کم‌ترین فاصله بین داده‌های دو خوشه

^{۲۱} nearest neighbour

مثال: در این قسمت سعی شده است تا در مثالی با فرض داشتن ۶ نمونه داده و ماتریس فاصله بین آن‌ها که در جدول ۱-۲ نشان داده شده است، نحوه اعمال روش خوشه‌بندی Single-Link بهتر تشریح شود.

جدول ۱-۲- ماتریس فاصله بین ۶ نمونه داده

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۸	۱۲	۲۴	۱۳	۴	۰	۱
۱۰	۱۱	۲۲	۱۰	۰		۲
۹	۳	۷	۰			۳
۱۸	۶	۰				۴
۵/۸	۰					۵
۰						۶

در ابتدا هر داده به عنوان یک خوشه در نظر گرفته می‌شود و یافتن نزدیکترین خوشه در واقع یافتن کم‌ترین فاصله بین داده‌های بالا خواهد بود. با توجه به جدول ۱-۲ مشخص است که داده‌های ۳ و ۵ کم‌ترین فاصله را دارا هستند. و در نتیجه آن‌ها را با هم ترکیب کرده و خوشه جدیدی حاصل می‌شود که فاصله آن از سایر خوشه‌ها برابر است با کم‌ترین فاصله‌ی بین ۳ و ۵ از سایر خوشه‌ها. نتیجه در جدول ۲-۲ نشان داده شده است.

جدول ۲-۲- ماتریس فاصله بین ۵ خوشه حاصل از تکرار اول

۶	۴	(۳ و ۵)	۲	۱	
۸	۲۴	۱۲	۴	۰	۱
۱۰	۲۲	۱۰	۰		۲
۵/۸	۶	۰			(۳ و ۵)
۱۸	۰				۴
۰					۶

با توجه به جدول ۲-۲ مشخص است که داده‌های ۱ و ۲ کم‌ترین فاصله را دارا هستند. و در نتیجه آن‌ها را با هم ترکیب کرده و خوشه جدیدی حاصل می‌شود که فاصله آن از سایر خوشه‌ها برابر با کم‌ترین فاصله بین ۱ و ۲ از سایر خوشه‌ها است.

نتیجه در جدول ۳-۲ نشان داده شده است.

جدول ۲-۳- ماتریس فاصله بین ۴ خوشه حاصل از تکرار دوم

۶	۴	(۵ و ۳)	(۲ و ۱)	
۸	۲۲	۱۰	۰	(۲ و ۱)
۵/۸	۶	۰		(۵ و ۳)
۱۸	۰			۴
۰				۶

با توجه به جدول ۲-۳ مشخص است که خوشه‌های (۵ و ۳) و ۴ کم‌ترین فاصله را دارا هستند. و در نتیجه آن‌ها را با هم ترکیب کرده و خوشه جدیدی حاصل می‌شود که فاصله آن از سایر خوشه‌ها برابر است با کم‌ترین فاصله بین (۵ و ۳) و یا ۴ از سایر خوشه‌ها. نتیجه در جدول ۲-۴ نشان داده شده است.

جدول ۲-۴- ماتریس فاصله بین ۳ خوشه حاصل از تکرار سوم

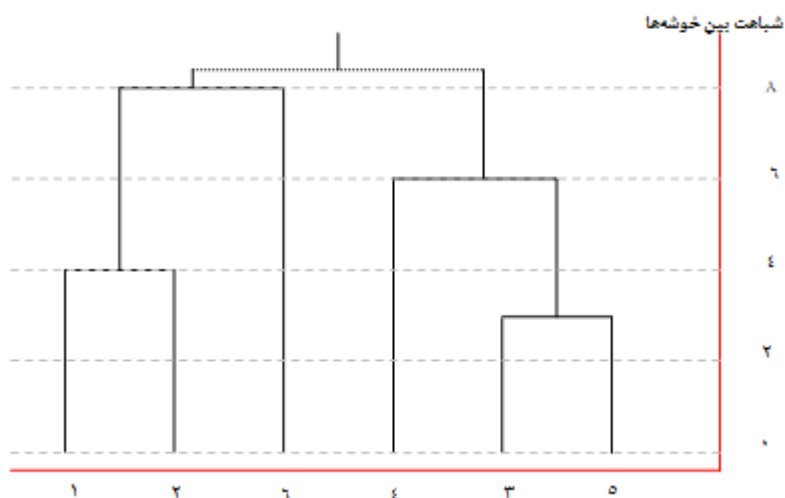
۶	(۵ و ۴، ۳)	(۲ و ۱)	
۸	۱۰	۰	(۲ و ۱)
۵/۸	۰		(۵ و ۴، ۳)
۰			۶

با توجه به جدول ۲-۴ مشخص است که خوشه‌های (۲ و ۱) و ۶ کم‌ترین فاصله را دارا هستند. و در نتیجه آن‌ها را با هم ترکیب کرده و خوشه جدیدی حاصل می‌شود که فاصله آن از سایر خوشه‌ها برابر است با کم‌ترین فاصله بین (۲ و ۱) و یا ۶ از سایر خوشه‌ها. نتیجه در جدول ۲-۵ نشان داده شده است.

جدول ۲-۵- ماتریس فاصله بین ۲ خوشه حاصل از تکرار چهارم

(۵ و ۴، ۳)	(۶ و ۲، ۱)	
۵/۸	۰	(۶ و ۲، ۱)
۰		(۵ و ۴، ۳)

در نهایت این دو خوشه حاصل با هم ترکیب می‌شوند. نتیجه در دندروگرام شکل ۲-۳ نشان داده شده است.



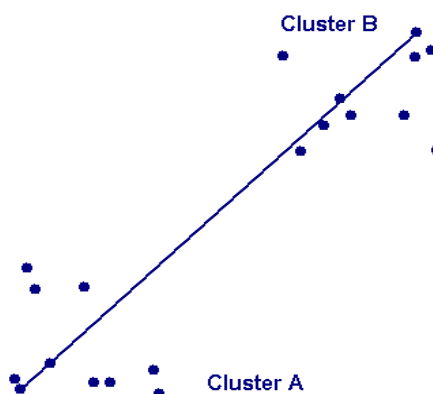
شکل ۲-۳- دندروگرام حاصل از خوشه‌بندی به روش single-link

۲-۳-۴-۲- خوشه‌بندی با روش Complete-Link

این روش همانند Single-Link جزء روش‌های خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی و انحصاری محسوب می‌شود. به این روش خوشه‌بندی، تکنیک دورترین همسایه (furthest Neighbour) نیز گفته می‌شود. در این روش برای محاسبه شباهت بین دو خوشه A و B از معیار زیر استفاده می‌شود:

$$d_{AB} = \max_{i \in A, j \in B} d_{ij}$$

که در آن i یک نمونه داده متعلق به خوشه A و j یک نمونه داده متعلق به خوشه B است. در واقع در این روش شباهت بین دو خوشه بیش‌ترین فاصله بین یک عضو از یکی با یک عضو از دیگری است. در شکل ۲-۴ این مفهوم بهتر نشان داده شده است.



شکل ۲-۴- شباهت بین دو خوشه در روش Complete-Link برابر است با بیش‌ترین فاصله بین داده‌های دو خوشه

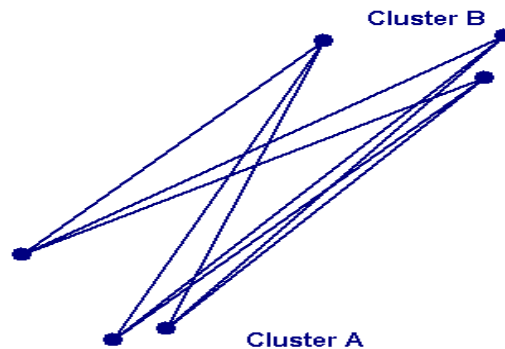
۲-۳-۴-۳- خوشه‌بندی با روش Average-Link

این روش همانند Single-Link جزء روش‌های خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی و انحصاری محسوب می‌شود. از

آن‌جا که هر دو روش خوشه‌بندی Single-link و Complete-link به شدت به نویز حساس می‌باشد، این روش که محاسبات بیش‌تری دارد، پیشنهاد شد. در این روش برای محاسبه شباهت بین دو خوشه A و B از معیار زیر استفاده می‌شود:

$$d_{AB} = \frac{\sum_{i \in A, j \in B} d_{ij}}{N_A N_B}$$

که در آن i یک نمونه داده متعلق به خوشه A و j یک نمونه داده متعلق به خوشه B می‌باشد و NA تعداد اعضاء خوشه A و NB تعداد اعضاء خوشه B است. در واقع در این روش، شباهت بین دو خوشه میانگین فاصله بین تمام اعضاء یکی با تمام اعضاء دیگری است (شکل ۲-۵).



شکل ۲-۵- شباهت بین دو خوشه در روش Average-Link برابر است با میانگین فاصله بین داده‌های دو خوشه

با توجه به مزیت اشاره شده برای پیوند میانگین بین گروه‌ها، برای خوشه‌بندی داده‌های مربوط به آبادی‌های کشور بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰ از این روش استفاده شده است.

شاخص‌های موجود برای آبادی‌های کشور در سرشماری ۱۳۹۰ به شش دسته شاخص‌های مربوط به ساختار خانوار، ساختار سنی، ساختار توسعه‌ی انسانی، ساختار جنسی، ساختار اقتصادی و امکانات زندگی تقسیم شدند. از آن بین، شاخص‌های بعد خانوار و عمومیت ازدواج مربوط به ساختار خانوار، شاخص نرخ باسوادی مربوط به توسعه‌ی انسانی، نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری مربوط به ساختار اقتصادی، شاخص جوانی جمعیت مربوط به ساختار سنی، شاخص نسبت جنسی مربوط به ساختار جنسی و شاخص امکانات زندگی مربوط به ساختار امکانات زندگی هستند.

دندروگرام یا شکل درختی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین شکل‌ها در توصیف و تحلیل اطلاعات و به ویژه در تحلیل خوشه‌بندی است. با استفاده از این شکل به صورت شهودی می‌توان واحدهایی را که پس از طی مراحل خوشه‌بندی در یک خوشه قرار می‌گیرند و بیش‌ترین میزان شباهت و نزدیکی به یکدیگر دارند را ملاحظه کرد. محورهای عمودی و افقی به ترتیب واحدهای مورد مطالعه و شاخص فاصله بین آن‌ها را نشان می‌دهند. اگر نقاط همبستگی زیادی به یکدیگر داشته باشند شاخص فاصله بین آن‌ها به صفر نزدیک خواهد بود و خوشه تشکیل دهنده آن به سطح صفر در دندروگرام نزدیکتر خواهد شد. نقاطی هم که دارای ارتباط منفی بزرگ باشند به سطوح بالاتر فاصله نزدیکتر هستند.

۲-۵- تعریف مفاهیم

مفاهیم واژه‌هایی هستند که بر اشیاء، افراد، روابط و غیره دلالت دارند و برای تسهیل در انتقال معنا به کار می‌روند و از آنجایی که مفاهیم، معمولاً انتزاعی و کلی بوده و بسته به علایق شناختی از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود، بنابراین برای انتقال منظور به خواننده، به تعریف مفاهیمی که براساس آن داده‌های سرشماری گردآوری شده و یا در این تحقیق از ترکیب آن‌ها شاخص یا متغیر جدید ساخته شده است، می‌پردازیم.

آبادی

آبادی به مجموعه‌ای از یک یا چند مکان و اراضی به هم پیوسته (اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی) گفته می‌شود که خارج از محدوده‌ی شهرها واقع شده و دارای محدوده‌ی ثبتي یا عرفی مستقل باشند. اگر آبادی در زمان سرشماری، محل سکونت خانوار یا خانوارها باشد، «دارای سکنه» و در غیر این صورت «خالی از سکنه» تلقی می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۶).

نقاط روستایی

نقاط روستایی به مکان‌هایی گفته می‌شود که بر اساس تقسیمات کشوری فاقد شهرداری باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

وضع طبیعی آبادی

منظور از وضع طبیعی آبادی، نوع و ویژگی‌های سرزمینی است که بیش‌تر خانه‌ها و ساختمان‌های آبادی در آن واقع شده است. در سرشماری ۱۳۹۰ تقسیم‌بندی وضع طبیعی آبادی‌ها در پنج گروه عمده قرار گرفته، که عبارت‌اند از: دشتی، کوهستانی یا تپه‌ای، جنگلی واقع در دشت، جنگلی واقع در کوهستان یا تپه و دره‌ای (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

وضع آبادی از نظر سکونت

بسته به این‌که آبادی در زمان سرشماری دارای سکنه و خالی از سکنه بوده است، دارای سکنه و یا فاقد سکنه به حساب می‌آید. همچنین در صورتی که آبادی در طول سال هیچ‌گاه خالی از سکنه نباشد، دارای سکنه دائمی و در غیر این صورت دارای سکنه‌ی موسمی است. همین‌طور اگر آبادی خالی از سکنه در زمان‌هایی از سال دارای سکنه شود، خالی سکنه‌ی موسمی و در غیر این صورت خالی از سکنه‌ی دائمی محسوب می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

امکانات آبادی

منظور از امکانات آبادی وجود بعضی از تاسیسات، تسهیلات (مدرسه، مسجد، آب و غیره) و افرادی (مثل پزشک، بهورز و غیره) است که وجود آن‌ها در آبادی به منزله‌ی امکانات آبادی محسوب می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت

منظور از جمعیت تعداد افرادی است که در زمان آمارگیری اقامتگاه معمولی آنان در آبادی مورد آمارگیری بوده است. اقامتگاه معمولی مکانی است که فرد بیش‌ترین مدت سال را در آنجا اقامت داشته باشد. این جمعیت در

زیر گروه‌های جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر، جمعیت ۶ سال و زیر گروه‌های سنی قابل تصور است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

خانوار معمولی

خانوار معمولی از افرادی تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم‌خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. بنابراین لازم نیست که اعضای یک خانوار حتماً با یکدیگر رابطه‌ی خویشاوندی داشته باشند. به عبارت دیگر، خانوار لزوماً با خانواده یکی نیست. فردی که به تنهایی زندگی می‌کند نیز، خانوار تلقی می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت فعال اقتصادی

تمام افراد ۱۰ ساله و بیش‌تر (حدقل سن تعیین شده) که در هفته‌ی آمارگیری (هفته‌ی مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند (بیکار)، جمعیت فعال اقتصادی محسوب می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت غیر فعال اقتصادی

تمام افراد ۱۰ ساله و بیش‌تر که در طول هفته مرجع طبق تعریف، در هیچ یک از دو گروه شاغلان و بیکاران قرار نمی‌گیرند، جمعیت غیر فعال اقتصادی محسوب می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت شاغل

تمام افراد ۱۰ ساله و بیش‌تر که در طول هفته‌ی مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. شاغلان به طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق‌بگیران و خوداشتغالان می‌شوند. ترک موقت کار در هفته‌ی مرجع با داشتن پیوند رسمی شغلی، برای مزد و حقوق‌بگیران و تداوم کسب و کار برای خوداشتغالان، به عنوان اشتغال محسوب می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت بیکار

بیکار به تمام افراد ۱۰ ساله و بیش‌تر اطلاق می‌شود که شرایط زیر را توأم با هم داشته باشند :

- ۱) در هفته‌ی مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی نباشند).
 - ۲) در هفته‌ی مرجع و یا هفته‌ی بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی آماده باشند).
 - ۳) در هفته‌ی مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی به عمل آورده باشند).
- بدیهی است افرادی که به دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده‌اند نیز بیکار محسوب می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت باسواد

جمعیت باسواد شامل آن دسته از افرادی است که می‌توانند به فارسی یا هر زبان دیگری متن ساده‌ای را بخوانند

و بنویسند، خواه مدرک رسمی داشته باشند یا نداشته باشند، باسواد محسوب می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

جمعیت بی‌سواد

کلیه افراد مشمول در سن تحصیل که باسواد نیستند، جزو جمعیت بی‌سواد به حساب می‌آیند. یعنی کسانی که نمی‌توانند بخوانند و بنویسند و کسانی که فقط می‌توانند بخوانند، بی‌سواد تلقی می‌شوند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

وضعیت زناشویی

براساس سرشماری ۱۳۹۰ وضع زناشویی از افراد ۱۰ ساله و بیشتر سوال شده و هر کدام از آن‌ها در یکی از چهار گروه زیر قرار گرفته‌اند:

۱- دارای همسر، برای کسانی که هنگام آمارگیری دارای همسر بوده‌اند. یعنی بین آن‌ها و همسرشان عقد جاری باشد.

۲- بی همسر بر اثر فوت، افرادی که در زمان آمارگیری به علت فوت همسرشان بدون همسر بوده و مجدداً ازدواج نکرده‌اند.

۳- بی همسر بر اثر طلاق، شامل کسانی می‌شود که تا زمان آمارگیری از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا آن زمان مجدداً ازدواج نکرده‌اند.

هرگز ازدواج نکرده، شامل کسانی است که تا زمان سرشماری هرگز ازدواج نکرده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

طرح هادی

منظور از طرح هادی اجرای عملیات بهسازی، تعریض، آسفالت احداث جوی و جدول و پیاده‌روسازی در یک یا چند معبر روستایی می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

۲-۶- تعریف شاخص‌ها

سهم جمعیت از کل

در این تحقیق منظور از سهم جمعیت کل، سهم هر استان از جمعیت کل جمعیت آبادی‌ها است و از حاصل تقسیم جمعیت آبادی‌های هر استان تقسیم بر کل جمعیت آبادی‌ها ضربدر ۱۰۰ به دست می‌آید.

بعد خانوار

این نسبت حاصل تقسیم تعداد جمعیت به تعداد خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

نسبت جنسی

نسبت جنسی عبارت است از تقسیم تعداد مردان به زنان یا زنان به مردان که معمولاً به صورت درصد بیان می‌شود. در این مورد، این نسبت حاصل تقسیم تعداد مردان به زنان ضربدر ۱۰۰ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

نرخ باسوادی

این نسبت در هر جامعه از تقسیم تعداد افراد باسواد (۶ ساله و بیشتر) به جمعیت آن سن جمعیت (۶ ساله و

بیش‌تر) کل است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

شاخص جوانی جمعیت

این شاخص از تقسیم جمعیت جوان (کم‌تر از ۱۵ سال) بر کل جمعیت به دست می‌آید. بر اساس این شاخص یک جمعیت جوان، ساخت جمعیتی خاصی است که در آن بیش از دو پنجم جمعیت کم‌تر از ۱۵ سال سن دارند. ورتهایم جمعیت‌شناس و جامعه‌شناس در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که این نسبت در کشورهای توسعه نیافته ۴۰ درصد و بیش‌تر است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که این رقم برای کشورهای جهان سوم ۴۷-۴۰ درصد و برای کشورهای پیشرفته ۲۵-۲۰ درصد است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۹).

شاخص سالخوردگی جمعیت

این شاخص حاصل تقسیم جمعیت ۶۵ ساله و بیش‌تر بر کل جمعیت است. مطالعات جمعیتی حاکی از آن است که این رقم در کشورهای در حال توسعه بسیار پایین و حداکثر ۵ درصد است، در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی ۱۶-۱۰ درصد است. با توجه به نسبت‌های سالخوردگی جمعیت در جهان امروز، می‌توان گفت که جمعیت سالخورده جمعیتی است که در آن نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال به کل جمعیت بیش از ۱۰ درصد است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۹).

عمومیت ازدواج

عمومیت ازدواج درجه‌ی شیوع و رواج ازدواج در جامعه را نشان می‌دهد. این نماگر از تقسیم جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر حداقل یک‌بار ازدواج کرده (مرد و زن) به کل جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر (مرد و زن) ضرب‌در ۱۰۰ به دست می‌آید (کاظمی‌پور، ۱۳۸۹).

نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)

عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیش‌تر به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیش‌تر، ضرب‌در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸).

نرخ اشتغال

عبارت است از نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضرب‌در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸).

نرخ بیکاری

عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضرب‌در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸).

شاخص‌های امکانات آبادی

این شاخص از حاصل جمع امکانات آبادی‌ها تقسیم بر تعداد امکانات آن‌ها به دست می‌آید.

فصل ۳

یافته‌های پژوهش

۳-۱- مقدمه

در این فصل ابتدا به ارائه‌ی تصویری کلی از سیمای آبادی‌ها به تفکیک استان پرداخته می‌شود تا براساس آن بتوان تصویری از وضعیت آبادی‌ها را در ذهن مجسم کرد. برای این منظور، جدول‌هایی در خصوص مباحثی از جمله تعداد کل آبادی‌ها، وضع سکونت در آبادی‌ها و وضع طبیعی آن‌ها ارائه شده است که به تفصیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

ذکر یک رهنمود کلی در مورد این تحقیق لازم است و آن این‌که پایه‌ی اصلی گزارش حاضر بر جدول ۳-۱ گذاشته شده است، به این صورت که این جدول براساس ترتیب الفبایی نام استان‌ها مرتب شده است و سعی شده که در سایر جداول کلی (نه ضرورتاً جداول فرعی) نیز این الگو رعایت شود، تا امکان مقایسه‌ی بهتر و راحت‌تر نتایج حاصل از دو سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نیز فراهم گردد.

در ادامه، به ارائه‌ی تصویری کلی از وضعیت آبادی‌ها به تفکیک استان بر اساس شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی پرداخته می‌شود. جدول‌های مرتبط به قسمت مربوط به جمعیت آبادی‌ها به تفکیک جنس و گروه‌های سنی و وضعیت تاهل و غیره است. کلیه‌ی جداول به تفکیک استان ارائه شده است تا امکان مقایسه و نگاهی دقیق‌تر به وضعیت آبادی‌ها در کل کشور را نمایان سازد.

به گونه‌ای که پس از تشریح شاخص‌های امکانات زندگی در آبادی‌های کشور پرداخته شده است. به عبارتی در این خصوص از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی شاخص‌ها (فراوانی و درصد) و شاخص ترکیبی ساخته شده برای هر مورد استفاده شده است. حسن روش مذکور این است که علاوه بر اینکه در کل دید واقع‌بینانه‌تری نسبت به امکانات آبادی‌ها در اختیار ما قرار می‌گیرد، امکان مقایسه بین استانی نیز فراهم می‌شود و خواننده قادر است که سهم هر عنصر را در شاخص کلی امکانات مربوط نیز بررسی نماید. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: شاخص زیرساخت‌های ارتباطی، شاخص طرح هادی، شاخص امکانات آموزشی، شاخص امکانات فرهنگی، شاخص امکانات ورزشی، شاخص امکانات مذهبی، شاخص امکانات سیاسی و اداری، شاخص امکانات انرژی، شاخص امکانات بهداشتی، شاخص امکانات درمانی، شاخص امکانات بهداشت دام، شاخص امکانات

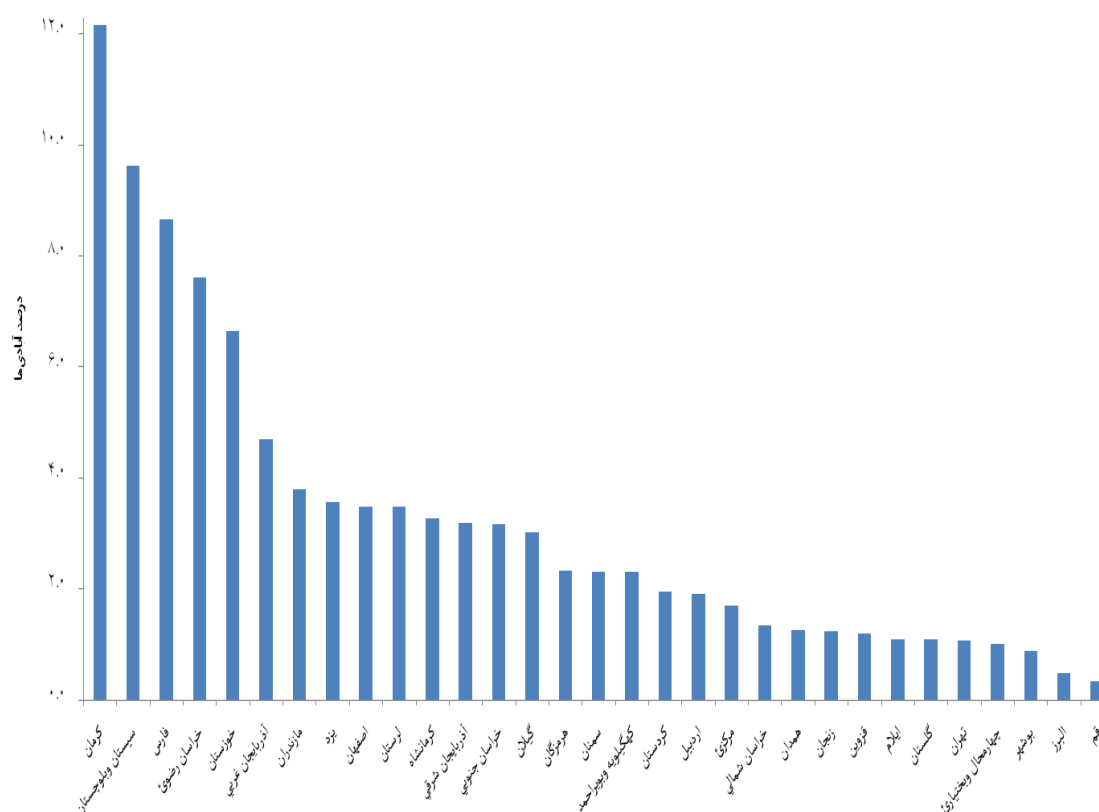
بازرگانی و خدمات، شاخص امکانات مالی، شاخص امکانات ارتباطی، شاخص امکانات اطلاع‌رسانی.

۳-۲-۱- تعداد آبادی‌ها

براساس نتایج جدول ۳-۱، تعداد کل آبادی‌های کشور ۹۶۵۴۹ آبادی است که استان کرمان دارای بیش‌ترین تعداد آبادی، یعنی ۱۱۷۴۰ آبادی معادل ۱۲/۲ درصد کل آبادی‌های کشور است. استان‌های سیستان و بلوچستان با تعداد ۹۲۸۵ آبادی معادل ۹/۶ درصد کل آبادی‌های کشور و فارس با تعداد ۸۳۵۵ آبادی معادل ۸/۶ درصد کل آبادی‌های کشور در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان قم نیز دارای کم‌ترین تعداد آبادی، یعنی ۳۳۰ آبادی معادل ۰/۳ درصد کل آبادی‌های کشور است که این تفاوت در تعداد غیر قابل اغماض است. شکل ۳-۲، درصد آبادی‌های هر استان را به ترتیب از بیش‌ترین مقدار به کم‌ترین مقدار نشان می‌دهد.

جدول ۳-۱- تعداد کل آبادی‌ها به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۹۶۵۴۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۳۰۸۳	۳/۲
آذربایجان غربی	۴۵۳۱	۴/۷
اردبیل	۱۸۵۵	۱/۹
اصفهان	۳۳۷۱	۳/۵
البرز	۴۷۵	۰/۵
ایلام	۱۰۶۴	۱/۱
بوشهر	۸۶۱	۰/۹
تهران	۱۰۴۷	۱/۱
چهارمحال و بختیاری	۹۸۲	۱/۰
خراسان جنوبی	۳۰۶۳	۳/۲
خراسان رضوی	۷۳۵۹	۷/۶
خراسان شمالی	۱۳۰۵	۱/۴
خوزستان	۶۴۱۹	۶/۶
زنجان	۱۱۸۹	۱/۲
سمنان	۲۲۳۲	۲/۳
سیستان و بلوچستان	۹۲۸۵	۹/۶
فارس	۸۳۵۵	۸/۶
قزوین	۱۱۵۰	۱/۲
قم	۳۳۰	۰/۳
کردستان	۱۸۸۹	۲/۰
کرمان	۱۱۷۴۰	۱۲/۲
کرمانشاه	۳۱۷۲	۳/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲۲۳۲	۲/۳
گلستان	۱۰۵۶	۱/۱
گیلان	۲۹۲۵	۳/۰
لرستان	۳۳۶۳	۳/۵
مازندران	۳۶۷۱	۳/۸
مرکزی	۱۶۳۹	۱/۷
هرمزگان	۲۲۵۷	۲/۳
همدان	۱۲۱۱	۱/۳
یزد	۳۴۳۸	۳/۶



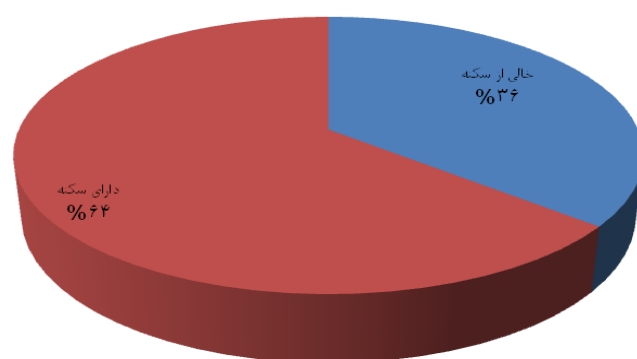
شکل ۳-۱- آبادی‌ها به تفکیک استان (درصد بیش از ۱۰۰)

۳-۲-۲-۱- تعداد آبادی‌ها بر حسب وضع سکونت

جدول ۳-۲-۱ تعداد کل آبادی‌های کشور بر حسب وضع سکونت (دارای سکنه و فاقد سکنه) را نشان می‌دهد. بر اساس این نتایج، از تعداد ۹۶۵۴۹ آبادی در کل کشور تعداد ۶۱۷۵۰ آبادی معادل ۶۴٪ درصد آبادی‌ها دارای سکنه (دائمی و موقت) و تعداد ۳۴۷۹۹ آبادی معادل ۳۶٪ درصد آبادی‌ها فاقد سکنه (دائمی و موقت) هستند.

جدول ۳-۲-۱- آبادی‌ها بر حسب وضع سکونت در آبادی

وضعیت سکونت در آبادی	تعداد	درصد
کل	۹۶۵۴۹	۱۰۰
دارای سکنه	۶۱۷۵۰	۶۴٪
خالی از سکنه	۳۴۷۹۹	۳۶٪



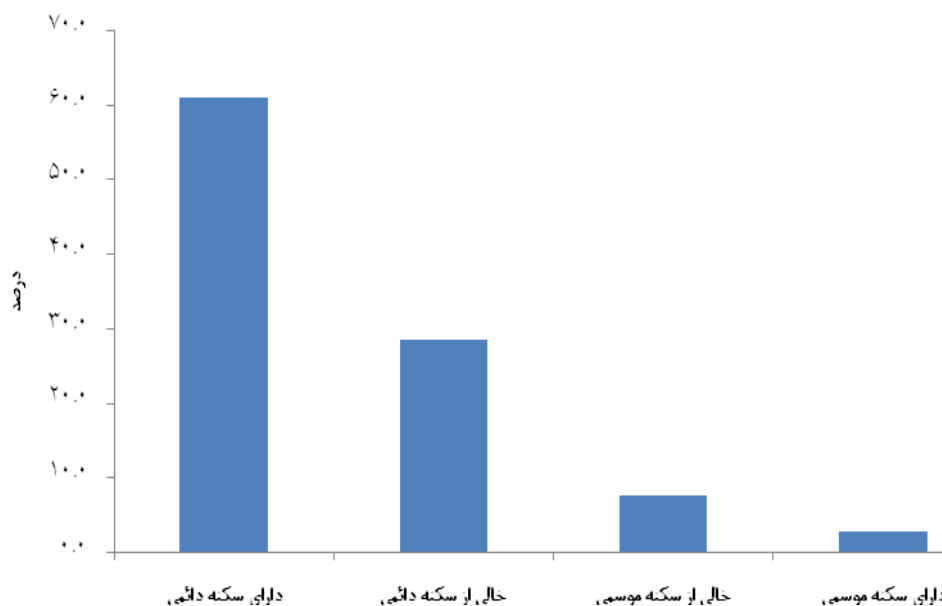
شکل ۲-۳- وضع سکونت در آبادی‌ها

۲-۲-۲-۳- تعداد کل آبادی‌ها بر حسب نوع سکونت

جدول ۳-۳- تعداد آبادی‌ها در کشور را به تفکیک دارای سکنه و خالی از سکنه با زیرگروه‌های دائمی و موسمی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعداد ۵۹۰۴۵ آبادی معادل ۶۱/۲ درصد آبادی‌ها دارای سکنه‌ی دائمی و تعداد ۲۷۵۱۰ آبادی معادل ۲۸/۵ درصد آن‌ها خالی از سکنه‌ی دائمی هستند. این در حالی است که تعداد ۷۲۸۹ آبادی معادل ۷/۵ درصد آبادی‌های کشور خالی از سکنه‌ی موسمی و تعداد ۲۷۰۵ آبادی معادل ۲/۸ درصد آن‌ها دارای سکنه‌ی موسمی هستند (شکل ۲-۳).

جدول ۳-۳- تعداد کل آبادی‌ها بر حسب نوع سکونت در آبادی

نوع سکونت در آبادی	تعداد	درصد
کل	۹۶۵۴۹	۱۰۰
دارای سکنه دائمی	۵۹۰۴۵	۶۱/۲
دارای سکنه موسمی	۲۷۰۵	۲/۸
خالی از سکنه دائمی	۲۷۵۱۰	۲۸/۵
خالی از سکنه موسمی	۷۲۸۹	۷/۵



شکل ۳-۳- وضعیت سکونت در آبادی‌ها

۳-۲-۲-۲-۱- آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی

جدول ۳-۴ تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را به تفکیک استان نشان می‌دهد. استان‌هایی که دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی هستند تقریباً همان استان‌هایی هستند که در جدول ۳-۱ دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌ها در کشور هستند. براین اساس از میان ۵۹۰۴۵ آبادی دارای سکنه‌ی دائمی در کشور، استان سیستان و بلوچستان با تعداد ۶۵۱۴ آبادی معادل ۱۱/۰ درصد رتبه‌ی نخست تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را به خود اختصاص داده است. استان کرمان با تعداد ۴۶۴۴ آبادی معادل ۷/۹ درصد و استان فارس با تعداد ۳۸۹۵ آبادی معادل ۶/۶ درصد به ترتیب، رتبه‌های دوم و سوم آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را به خود اختصاص دادند. به عبارت دیگر، این سه استان بیش از یک چهارم آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را در خود جای دادند. همانند جدول ۳-۱، در این مورد نیز استان‌های قم و البرز به ترتیب با تعداد ۲۰۳ آبادی معادل ۰/۳ درصد و ۳۳۲ آبادی معادل ۰/۶ درصد با کم‌ترین آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی در انتهای جدول قرار گرفته‌اند.

جدول ۳-۴- تعداد کل آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۵۹۰۴۵	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۲۵۶۸	۴/۳
آذربایجان غربی	۳۱۹۴	۵/۴
اردبیل	۱۴۷۷	۲/۵
اصفهان	۱۷۵۳	۳/۰
البرز	۳۳۲	۰/۶
ایلام	۶۴۵	۱/۱
بوشهر	۶۱۲	۱/۰
تهران	۶۸۳	۱/۲
چهارمحال و بختیاری	۷۲۹	۱/۲
خراسان جنوبی	۱۶۸۱	۲/۸
خراسان رضوی	۳۲۸۱	۵/۶
خراسان شمالی	۸۱۲	۱/۴
خوزستان	۳۷۷۱	۶/۴
زنجان	۹۲۵	۱/۶
سمنان	۵۶۴	۱/۰
سیستان و بلوچستان	۶۵۱۴	۱۱/۰
فارس	۳۸۹۵	۶/۶
قزوین	۷۹۵	۱/۳
قم	۲۰۳	۰/۳
کردستان	۱۶۸۹	۲/۹
کرمان	۴۶۴۴	۷/۹
کرمانشاه	۲۵۸۹	۴/۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۸۵	۲/۷
گلستان	۱۰۰۳	۱/۷
گیلان	۲۵۶۲	۴/۳
لرستان	۲۶۴۶	۴/۵
مازندران	۲۹۰۳	۴/۹
مرکزی	۱۱۸۷	۲/۰
هرمزگان	۱۷۰۹	۲/۹
همدان	۱۰۶۹	۱/۸
یزد	۱۰۲۵	۱/۷

۳-۲-۲-۲-۲- آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی

جدول ۳-۵ تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، از میان ۲۷۵۱۰ آبادی خالی از سکنه‌ی دائمی در کشور، استان کرمان با تعداد ۴۳۷۸ آبادی معادل ۱۵/۹ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی خالی از سکنه‌ی دائمی است. استان‌های خراسان رضوی و فارس به ترتیب با تعداد ۳۷۵۳ آبادی معادل ۱۳/۶ درصد و ۳۲۱۰ آبادی معادل ۱۱/۷ درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از سوی دیگر، استان‌های گلستان و اردبیل نیز به ترتیب با تعداد ۲۷ آبادی معادل ۰/۱ درصد و ۹۴ آبادی معادل ۰/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی خالی از سکنه‌ی دائمی هستند.

جدول ۳-۵- آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۲۷۵۱۰	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۲۸۲	۱/۰
آذربایجان غربی	۱۱۷۸	۴/۳
اردبیل	۹۴	۰/۳
اصفهان	۱۲۳۹	۴/۵
البرز	۱۰۱	۰/۴
ایلام	۳۲۰	۱/۲
بوشهر	۲۰۵	۰/۷
تهران	۲۱۱	۰/۸
چهارمحال و بختیاری	۹۸	۰/۴
خراسان جنوبی	۹۸۶	۳/۶
خراسان رضوی	۳۷۵۳	۱۳/۶
خراسان شمالی	۳۷۶	۱/۴
خوزستان	۲۱۱۸	۷/۷
زنجان	۲۰۲	۰/۷
سمنان	۱۳۶۳	۵/۰
سیستان و بلوچستان	۲۳۴۳	۸/۵
فارس	۳۲۱۰	۱۱/۷
قزوین	۲۰۷	۰/۸
قم	۱۲۵	۰/۵
کردستان	۱۵۴	۰/۶
کرمان	۴۳۷۸	۱۵/۹
کرمانشاه	۴۴۷	۱/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۳۳۴	۱/۲
گلستان	۲۷	۰/۱
گیلان	۱۴۸	۰/۵
لرستان	۳۴۶	۱/۳
مازندران	۳۷۶	۱/۴
مرکزی	۳۷۳	۱/۴
هرمزگان	۴۴۶	۱/۶
همدان	۱۲۵	۰/۵
یزد	۱۹۴۵	۷/۱

۳-۲-۲-۲-۳- آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی

جدول ۳-۶ تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، از بین ۲۷۰۵ آبادی دارای سکنه‌ی موسمی، استان کرمان با تعداد ۵۳۴ آبادی معادل ۱۹/۷ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی دارای بیش‌ترین تعداد آبادی سکنه‌ی موسمی است و استان‌های فارس و خوزستان به ترتیب با تعداد ۳۳۵ آبادی معادل ۱۲/۴ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی و تعداد ۲۸۴ آبادی معادل ۱۰/۵ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در این حالت نیز بیش از ۴۰ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی در این سه استان هستند. استان قم فاقد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی است و استان‌های گلستان و همدان به ترتیب با تعداد ۵ و ۶ آبادی دارای سکنه‌ی موسمی هر یک معادل ۰/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی هستند.

جدول ۳-۶- آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۲۷۰۵	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۱۴۴	۵/۳
آذربایجان غربی	۷۲	۲/۷
اردبیل	۲۱۹	۸/۱
اصفهان	۷۸	۲/۹
البرز	۲۳	۰/۹
ایلام	۲۳	۰/۹
بوشهر	۱۱	۰/۴
تهران	۷۴	۲/۷
چهارمحال و بختیاری	۳۷	۱/۴
خراسان جنوبی	۲۲	۰/۸
خراسان رضوی	۵۴	۲/۰
خراسان شمالی	۲۳	۰/۹
خوزستان	۲۸۴	۱۰/۵
زنجان	۱۰	۰/۴
سمنان	۲۵	۰/۹
سیستان و بلوچستان	۳۹	۱/۴
فارس	۳۳۵	۱۲/۴
قزوین	۴۷	۱/۷
قم	۰	۰/۰
کردستان	۱۳	۰/۵
کرمان	۵۳۴	۱۹/۷
کرمانشاه	۵۳	۲/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۹۱	۳/۴
گلستان	۵	۰/۲
گیلان	۲۹	۱/۱
لرستان	۲۱۸	۸/۱
مازندران	۷۲	۲/۷
مرکزی	۲۳	۰/۹
هرمزگان	۲۲	۰/۸
همدان	۶	۰/۲
یزد	۱۱۹	۴/۴

۳-۲-۲-۲-۴- آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی

جدول ۳-۷ تعداد و درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، از بین ۷۲۸۹ آبادی خالی از سکنه‌ی موسمی در کشور، استان کرمان با تعداد ۲۱۸۴ آبادی معادل ۳۰٪ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی خالی از سکنه‌ی موسمی است. استان فارس با ۹۱۵ آبادی معادل ۱۲/۶ درصد در رتبه‌ی بعدی قرار دارد که در مجموع این دو استان حدود ۴۲/۶ درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی در کشور را در خود جای داده‌اند. همانند جدول قبل، استان قم دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی یعنی تعداد ۲ آبادی است. استان‌های همدان و گلستان نیز به ترتیب با تعداد ۱۱ آبادی معادل ۰/۲ درصد و ۲۱ آبادی معادل ۰/۳ درصد کم‌ترین آبادی خالی از سکنه‌ی موسمی هستند.

جدول ۳-۷- آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۷۲۸۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۸۹	۱/۲
آذربایجان غربی	۸۷	۱/۲
اردبیل	۶۵	۰/۹
اصفهان	۳۰۱	۴/۱
البرز	۱۹	۰/۳
ایلام	۷۶	۱/۰
بوشهر	۳۳	۰/۵
تهران	۷۹	۱/۱
چهارمحال و بختیاری	۱۱۸	۱/۶
خراسان جنوبی	۳۷۴	۵/۱
خراسان رضوی	۲۷۱	۳/۷
خراسان شمالی	۹۴	۱/۳
خوزستان	۲۴۶	۳/۴
زنجان	۵۲	۰/۷
سمنان	۲۸۰	۳/۸
سیستان و بلوچستان	۳۸۹	۵/۳
فارس	۹۱۵	۱۲/۶
قزوین	۱۰۱	۱/۴
قم	۲	۰/۰
کردستان	۳۳	۰/۵
کرمان	۲۱۸۴	۳۰/۰
کرمانشاه	۸۳	۱/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۲۲۲	۳/۰
گلستان	۲۱	۰/۳
گیلان	۱۸۶	۲/۶
لرستان	۱۵۳	۲/۱
مازندران	۳۲۰	۴/۴
مرکزی	۵۶	۰/۸
هرمزگان	۸۰	۱/۱
همدان	۱۱	۰/۲
یزد	۳۴۹	۴/۸

۳-۲-۲-۳- آبادی‌ها بر حسب نوع سکونت

جدول ۳-۸ تعداد کل آبادی در کشور را بر حسب نوع سکونت و به تفکیک استان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود به جز استان‌های خراسان رضوی، سمنان، فارس، کرمان و یزد در سایر استان‌ها بیش از نیمی از آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را در خود جای داده‌اند. در این ارتباط، مقایسه‌ی تعداد آبادی‌ها با وضعیت‌های مختلف در استان‌های مختلف نشان می‌دهد که استان گلستان با ۹۵/۰ درصد و پس از آن استان‌های کردستان، همدان و گیلان به ترتیب با ۸۹/۴ درصد، ۸۸/۳ درصد و ۸۷/۶ درصد بیش‌ترین نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را دارا هستند.

بررسی ستون آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی نشان می‌دهد که حدود ۶۱/۱ درصد آبادی‌های استان

سمنان خالی از سکنه‌ی دائمی هستند و از این لحاظ رتبه‌ی نخست کشور را دارد. همچنین استان‌های یزد و خراسان رضوی به ترتیب با داشتن ۵۶/۵ درصد و ۵۱/۰ درصد از آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از سوی دیگر استان‌های گلستان با ۲/۶ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی است و استان‌های گیلان و اردبیل هر یک با ۵/۱ درصد از این لحاظ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. با مقایسه‌ی نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی در هر استان این نتیجه به دست می‌آید که ۶/۵ درصد از آبادی‌های استان لرستان دارای سکنه‌ی موسمی هستند که این مقدار در مقایسه با سایر استان‌های کشور بیش‌ترین مقدار است. در حالی که استان قم فاقد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی است و پس از آن استان سیستان و بلوچستان با ۰/۴ درصد و استان‌های گلستان و همدان هر یک با ۰/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی است.

در مورد نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی در استان‌های کشور نیز این نتیجه به دست می‌آید که استان کرمان با نسبت ۱۸/۶ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی است و استان‌های سمنان با ۱۲/۵ درصد، خراسان جنوبی با ۱۲/۲ درصد و استان چهارمحال و بختیاری با ۱۲/۰ درصد در رتبه‌های بعدی از این لحاظ قرار دارند. این در حالی است که استان قم با نسبت ۰/۶ درصد و پس از آن استان همدان با نسبت ۰/۹ درصد دارای کم‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی هستند.

جدول ۳-۸- تعداد کل آبادی‌ها بر حسب نوع سکونت در آبادی به تفکیک استان

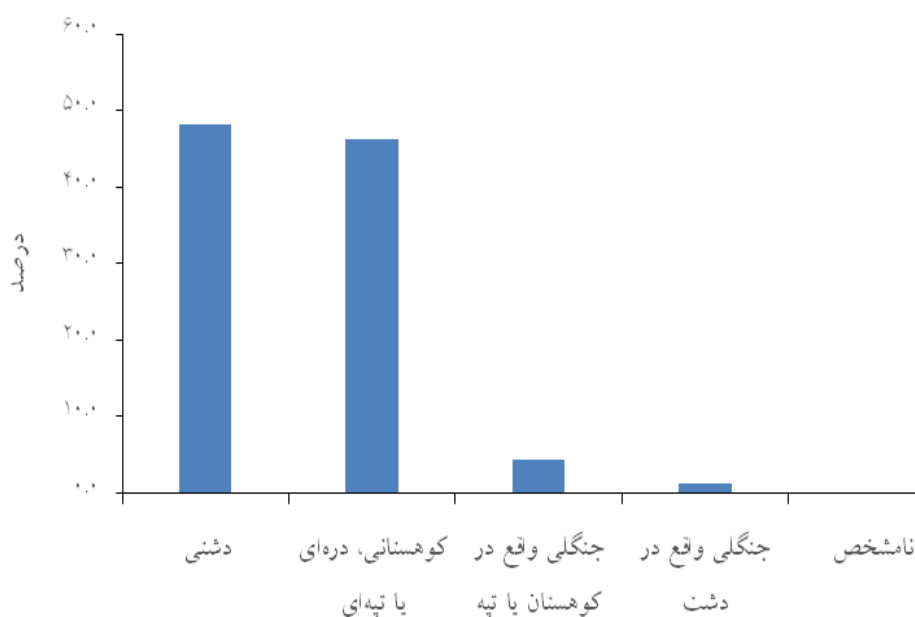
استان	نوع سکونت در آبادی									
	دارای سکته‌ی دائمی		دارای سکته‌ی		خالی از سکته‌ی دائمی		خالی از سکته‌ی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۵۹۰۴۵	۶۱/۲	۲۷۰۵	۲/۸	۲۷۵۱۰	۲۸/۵	۷۲۸۹	۷/۵	۹۶۵۴۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۲۵۶۸	۸۳/۳	۱۴۴	۴/۷	۲۸۲	۹/۱	۸۹	۲/۹	۳۰۸۳	۱۰۰
آذربایجان غربی	۳۱۹۴	۷۰/۵	۷۲	۱/۶	۱۱۷۸	۲۶/۰	۸۷	۱/۹	۴۵۳۱	۱۰۰
اردبیل	۱۴۷۷	۷۹/۶	۲۱۹	۱۱/۸	۹۴	۵/۱	۶۵	۳/۵	۱۸۵۵	۱۰۰
اصفهان	۱۷۵۳	۵۲/۰	۷۸	۲/۳	۱۲۳۹	۳۶/۸	۳۰۱	۸/۹	۳۳۷۱	۱۰۰
البرز	۳۳۲	۶۹/۹	۲۳	۴/۸	۱۰۱	۲۱/۳	۱۹	۴/۰	۴۷۵	۱۰۰
ایلام	۶۴۵	۶۰/۶	۲۳	۲/۲	۳۲۰	۳۰/۲	۷۶	۷/۱	۱۰۶۴	۱۰۰
بوشهر	۶۱۲	۷۱/۱	۱۱	۱/۳	۲۰۵	۲۳/۸	۳۳	۳/۸	۸۶۱	۱۰۰
تهران	۶۸۳	۶۵/۲	۷۴	۷/۱	۲۱۱	۲۰/۲	۷۹	۷/۵	۱۰۴۷	۱۰۰
چهارمحال و بختیاری	۷۲۹	۷۴/۲	۳۷	۳/۸	۹۸	۱۰/۰	۱۱۸	۱۲/۰	۹۸۲	۱۰۰
خراسان جنوبی	۱۶۸۱	۵۴/۹	۲۲	۰/۷	۹۸۶	۳۲/۲	۳۷۴	۱۲/۲	۳۰۶۳	۱۰۰
خراسان رضوی	۳۲۸۱	۴۴/۶	۵۴	۰/۷	۳۷۵۳	۵۱/۰	۲۷۱	۳/۷	۷۳۵۹	۱۰۰
خراسان شمالی	۸۱۲	۶۲/۲	۲۳	۱/۸	۳۷۶	۲۸/۸	۹۴	۷/۲	۱۳۰۵	۱۰۰
خوزستان	۳۷۷۱	۵۸/۷	۲۸۴	۴/۴	۲۱۱۸	۳۳/۰	۲۴۶	۳/۸	۶۴۱۹	۱۰۰
زنجان	۹۳۵	۷۷/۸	۱۰	۰/۸	۲۰۲	۱۷/۰	۵۲	۴/۴	۱۱۸۹	۱۰۰
سمنان	۵۶۴	۲۵/۳	۲۵	۱/۱	۱۳۶۳	۶۱/۱	۲۸۰	۱۲/۵	۲۲۳۲	۱۰۰
سیستان و بلوچستان	۶۵۱۴	۷۰/۲	۳۹	۰/۴	۲۳۴۳	۲۵/۲	۳۸۹	۴/۲	۹۲۸۵	۱۰۰
فارس	۳۸۹۵	۴۶/۶	۳۳۵	۴/۰	۳۲۱۰	۳۸/۴	۹۱۵	۱۱/۰	۸۳۵۵	۱۰۰
قزوین	۷۹۵	۶۹/۱	۴۷	۴/۱	۲۰۷	۱۸/۰	۱۰۱	۸/۸	۱۱۵۰	۱۰۰
قم	۲۰۳	۶۱/۵	۰	۰/۰	۱۲۵	۳۷/۹	۲	۰/۶	۳۳۰	۱۰۰
کردستان	۱۶۸۹	۸۹/۴	۱۳	۰/۷	۱۵۴	۸/۲	۳۳	۱/۷	۱۸۸۹	۱۰۰
کرمان	۴۶۴۴	۳۹/۶	۵۳۴	۴/۵	۴۳۷۸	۳۷/۳	۲۱۸۴	۱۸/۶	۱۱۷۴۰	۱۰۰
کرمانشاه	۲۵۸۹	۸۱/۶	۵۳	۱/۷	۴۴۷	۱۴/۱	۸۳	۲/۶	۳۱۷۲	۱۰۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۸۵	۷۱/۰	۹۱	۴/۱	۳۳۴	۱۵/۰	۲۲۲	۹/۹	۲۲۳۲	۱۰۰
گلستان	۱۰۰۳	۹۵/۰	۵	۰/۵	۲۷	۲/۶	۲۱	۲/۰	۱۰۵۶	۱۰۰
گیلان	۲۵۶۲	۸۷/۶	۲۹	۱/۰	۱۴۸	۵/۱	۱۸۶	۶/۴	۲۹۲۵	۱۰۰
لرستان	۲۶۴۶	۷۸/۷	۲۱۸	۶/۵	۳۴۶	۱۰/۳	۱۵۳	۴/۵	۳۳۶۳	۱۰۰
مازندران	۲۹۰۳	۷۹/۱	۷۲	۲/۰	۳۷۶	۱۰/۲	۳۲۰	۸/۷	۳۶۷۱	۱۰۰
مرکزی	۱۱۸۷	۷۲/۴	۲۳	۱/۴	۳۷۳	۲۲/۸	۵۶	۳/۴	۱۶۳۹	۱۰۰
هرمزگان	۱۷۰۹	۷۵/۷	۲۲	۱/۰	۴۴۶	۱۹/۸	۸۰	۳/۵	۲۲۵۷	۱۰۰
همدان	۱۰۶۹	۸۸/۳	۶	۰/۵	۱۲۵	۱۰/۳	۱۱	۰/۹	۱۲۱۱	۱۰۰
یزد	۱۰۲۵	۲۹/۸	۱۱۹	۳/۵	۱۹۴۵	۵۶/۵	۳۴۹	۱۰/۲	۳۴۳۸	۱۰۰

۳-۲-۳- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی

جدول ۳-۹ تعداد کل آبادی‌ها در کشور را بر حسب وضع طبیعی آبادی نشان می‌دهد. همان‌طور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، حدود ۴۸/۲ درصد آبادی‌های کشور در مناطق دشتی و حدود ۴۶/۱ درصد از آبادی‌های کشور در مناطق کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای واقع شده‌اند. به عبارت دیگر حدود ۹۴/۳ درصد از آبادی‌های کشور در مناطق دشتی، کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای واقع شده‌اند و مابقی در مناطق جنگلی واقع در دشت، کوهستان یا تپه قرار دارند. شکل ۳-۴ نیز این نتایج را نشان می‌دهد.

جدول ۳-۹- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی

وضع طبیعی آبادی	تعداد	درصد
کل	۹۶۵۴۹	۱۰۰
دشتی	۴۶۴۹۹	۴۸/۲
جنگلی واقع در دشت	۱۲۳۹	۱/۳
کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای	۴۴۵۵۵	۴۶/۱
جنگلی واقع در کوهستان یا تپه	۴۲۰۰	۴/۴
نامشخص	۵۶	۰/۱



شکل ۳-۴- تعداد آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی

۳-۲-۱- آبادی‌های دشتی

جدول ۳-۱۰ تعداد آبادی‌های دشتی را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، از ۴۶۴۹۹ آبادی دشتی در کشور، استان‌های سیستان و بلوچستان با تعداد ۵۴۶۶ آبادی معادل ۱۱/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی دشتی است و پس از آن استان کرمان با تعداد ۵۴۶۰ آبادی معادل ۱۱/۷ درصد، استان فارس با تعداد ۵۰۲۲ آبادی معادل ۱۰/۸ درصد و استان خراسان رضوی با تعداد ۴۲۰۰ آبادی معادل ۹/۰ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مجموع این چهار استان بیش از ۴۰ درصد آبادی‌های دشتی در کشور را در خود جای داده‌اند. استان چهارمحال و بختیاری نیز با تعداد ۱۴۰ آبادی معادل ۰/۳ درصد آبادی‌های دشتی و پس از آن استان‌های البرز با ۲۲۱ آبادی و قم با ۲۴۱ آبادی هرکدام معادل ۰/۵ درصد از آبادی‌های دشتی موسمی را دارا هستند.

جدول ۳-۱۰- آبادی‌های دشتی به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۴۶۴۹۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۵۲۳	۱/۱
آذربایجان غربی	۲۱۳۴	۴/۶
اردبیل	۶۰۰	۱/۳
اصفهان	۱۹۳۸	۴/۲
البرز	۲۲۱	۰/۵
ایلام	۴۰۷	۰/۹
بوشهر	۶۲۴	۱/۳
تهران	۶۳۳	۱/۴
چهارمحال و بختیاری	۱۴۰	۰/۳
خراسان جنوبی	۱۴۲۸	۳/۱
خراسان رضوی	۴۲۰۰	۹/۰
خراسان شمالی	۴۹۷	۱/۱
خوزستان	۳۵۳۶	۷/۶
زنجان	۳۲۸	۰/۷
سمنان	۱۴۸۵	۳/۲
سیستان و بلوچستان	۵۴۶۶	۱۱/۸
فارس	۵۰۲۲	۱۰/۸
قزوین	۳۸۳	۰/۸
قم	۲۴۱	۰/۵
کردستان	۳۹۰	۰/۸
کرمان	۵۴۶۰	۱۱/۷
کرمانشاه	۱۴۳۲	۳/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۳۵۵	۰/۸
گلستان	۶۸۷	۱/۵
گیلان	۱۲۵۳	۲/۷
لرستان	۷۷۹	۱/۷
مازندران	۱۶۲۳	۳/۵
مرکزی	۹۱۱	۲/۰
هرمزگان	۱۰۳۱	۲/۲
همدان	۵۵۵	۱/۲
یزد	۲۲۱۷	۴/۸

۳-۲-۲-۳- آبادی‌های جنگلی واقع در دشت

جدول ۳-۱۱- تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، از ۱۲۳۹ آبادی جنگلی واقع در دشت در کشور، استان مازندران با ۳۶۴ آبادی معادل ۲۹/۴ درصد و پس از آن استان گیلان با تعداد ۲۳۶ آبادی معادل ۱۹/۰ درصد بیش‌ترین آبادی از این حیث به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع این دو استان نزدیک به نیمی از آبادی‌های جنگلی واقع در دشت را در خود جای داده‌اند. از سوی دیگر استان‌های قم، مرکزی و یزد فاقد آبادی جنگلی واقع در دشت هستند و استان‌های اصفهان، البرز، تهران و همدان هر یک دارای تنها یک آبادی جنگلی واقع در دشت هستند که این تعداد در هر یک از این استان‌ها معادل ۰/۱ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت کشور است.

جدول ۳-۱۱- آبادی‌های جنگلی واقع در دشت به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۱۲۳۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۱۹	۱/۵
آذربایجان غربی	۲۷	۲/۲
اردبیل	۱۰	۰/۸
اصفهان	۱	۰/۱
البرز	۱	۰/۱
ایلام	۴	۰/۳
بوشهر	۵	۰/۴
تهران	۱	۰/۱
چهارمحال و بختیاری	۷	۰/۶
خراسان جنوبی	۱۱	۰/۹
خراسان رضوی	۹	۰/۷
خراسان شمالی	۴	۰/۳
خوزستان	۷۳	۵/۹
زنجان	۵	۰/۴
سمنان	۵	۰/۴
سیستان و بلوچستان	۱۲۳	۹/۹
فارس	۷۸	۶/۳
قزوین	۲	۰/۲
قم	۰	۰/۰
کردستان	۲۹	۲/۳
کرمان	۱۰۵	۸/۵
کرمانشاه	۲۰	۱/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱	۱/۷
گلستان	۲۳	۱/۹
گیلان	۲۳۶	۱۹/۰
لرستان	۹	۰/۷
مازندران	۳۶۴	۲۹/۴
مرکزی	۰	۰/۰
هرمزگان	۴۶	۳/۷
همدان	۱	۰/۱
یزد	۰	۰/۰

۳-۲-۳- آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای

جدول ۳-۱۲ تعداد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، از بین ۴۴۵۵۵ آبادی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در کشور، استان کرمان با تعداد ۶۱۲۷ آبادی معادل ۱۳/۸ درصد، رتبه‌ی نخست است و پس از آن استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی به ترتیب با تعداد ۳۶۶۲ آبادی معادل ۸/۲ درصد و ۳۱۴۸ آبادی معادل ۷/۱ درصد رتبه‌های بعدی قرار دارند. مجموع این استان‌ها بیش از ۲۷/۰ درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در کشور را در خود جای داده‌اند. استان قم دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای یعنی تعداد ۸۹ آبادی معادل ۰/۲ درصد است. پس از آن استان‌های گلستان، بوشهر، البرز و تهران نیز به ترتیب با ۲۰۰ آبادی معادل ۰/۴ درصد، ۲۳۱ آبادی معادل ۰/۵ درصد، ۲۵۱ معادل ۰/۶ درصد و ۴۱۲ آبادی معادل ۰/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی

کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند.

جدول ۳-۱۲- آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۴۴۵۵۵	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۲۴۰۰	۵/۴
آذربایجان غربی	۲۲۵۷	۵/۱
اردبیل	۱۲۲۴	۲/۷
اصفهان	۱۴۱۱	۳/۲
البرز	۲۵۱	۰/۶
ایلام	۵۳۷	۱/۲
بوشهر	۲۳۱	۰/۵
تهران	۴۱۲	۰/۹
چهارمحال و بختیاری	۷۵۹	۱/۷
خراسان جنوبی	۱۶۰۲	۳/۶
خراسان رضوی	۳۱۴۸	۷/۱
خراسان شمالی	۷۹۱	۱/۸
خوزستان	۲۲۷۲	۵/۱
زنجان	۸۵۲	۱/۹
سمنان	۷۲۷	۱/۶
سیستان و بلوچستان	۳۶۶۲	۸/۲
فارس	۲۹۵۱	۶/۶
قزوین	۷۶۴	۱/۷
قم	۸۹	۰/۲
کردستان	۱۳۰۸	۲/۹
کرمان	۶۱۲۷	۱۳/۸
کرمانشاه	۱۶۶۰	۳/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۱۵۲۶	۳/۴
گلستان	۲۰۰	۰/۴
گیلان	۷۰۸	۱/۶
لرستان	۲۱۳۴	۴/۸
مازندران	۸۰۴	۱/۸
مرکزی	۷۲۷	۱/۶
هرمزگان	۱۱۵۰	۲/۶
همدان	۶۵۳	۱/۵
یزد	۱۲۱۸	۲/۷

۳-۲-۳-۴- آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه

جدول ۳-۱۳ تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه را به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، از بین ۴۲۰۰ آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه در کشور، بیش‌ترین تعداد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه برابر ۸۷۲ آبادی و معادل ۲۰/۸ درصد است که در استان مازندران جای دارند و پس از آن استان‌های گیلان و خوزستان به ترتیب با تعداد ۷۲۴ آبادی معادل ۱۷/۲ درصد و ۵۳۷ آبادی معادل ۱۲/۸ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. می‌توان گفت این سه استان در مجموع بیش از نیمی از آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه در کشور را در خود جای داده‌اند. در مقابل، استان قم فاقد آبادی

جنگلی واقع در کوهستان یا تپه است و استان‌های بوشهر، تهران، قزوین و مرکزی هر یک دارای تنها یک آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند و استان‌های البرز و خراسان رضوی هر یک دارای ۲ آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند.

جدول ۳-۱۳- آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه به تفکیک استان

استان	تعداد	درصد
کل کشور	۴۲۰۰	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۱۴۱	۳/۴
آذربایجان غربی	۱۱۳	۲/۷
اردبیل	۲۰	۰/۵
اصفهان	۱۹	۰/۵
البرز	۲	۰/۰
ایلام	۱۱۶	۲/۸
بوشهر	۱	۰/۰
تهران	۱	۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۷۶	۱/۸
خراسان جنوبی	۷	۰/۲
خراسان رضوی	۲	۰/۰
خراسان شمالی	۱۳	۰/۳
خوزستان	۵۳۷	۱۲/۸
زنجان	۴	۰/۱
سمنان	۱۵	۰/۴
سیستان و بلوچستان	۳۴	۰/۸
فارس	۲۹۷	۷/۱
قزوین	۱	۰/۰
قم	۰	۰/۰
کردستان	۱۶۲	۳/۹
کرمان	۳۰	۰/۷
کرمانشاه	۶۰	۱/۴
کهگیلویه و بویراحمد	۳۳۰	۷/۹
گلستان	۱۴۶	۳/۵
گیلان	۷۲۴	۱۷/۲
لرستان	۴۴۱	۱۰/۵
مازندران	۸۷۲	۲۰/۸
مرکزی	۱	۰/۰
هرمزگان	۳۰	۰/۷
همدان	۲	۰/۰
یزد	۳	۰/۱

۳-۲-۴- آبادی‌های بر حسب وضع طبیعی آبادی و به تفکیک استان

جدول ۳-۱۴ تعداد کل آبادی‌ها در کشور را بر حسب وضع طبیعی آبادی و به تفکیک استان نشان می‌دهد^{۲۲}. همان‌طور که مشاهده می‌شود در ۱۲ استان بیش از نیمی از آبادی‌ها دشتی هستند که در این میان استان قم با

^{۲۲} لازم به توضیح است که تعداد ۵۶ آبادی از تعداد کل ۹۶۵۴۹ آبادی کشور دارای وضعیت نامشخص از لحاظ وضع طبیعی آبادی هستند که در این جدول به این تعداد اشاره‌ای نشده است.

۷۳/۰ درصد و استان بوشهر با ۷۲/۵ درصد بیش‌ترین نسبت آبادی‌های دشتی را دارند. استان چهارمحال و بختیاری با ۱۴/۳ درصد، استان کهگیلویه و بویر احمد با ۱۵/۹ درصد و استان آذربایجان شرقی با ۱۷/۰ درصد کم‌ترین نسبت آبادی‌های دشتی را دارا هستند.

بررسی ستون مربوط به آبادی‌های جنگلی واقع در دشت نشان می‌دهد که دو استان مازندران و گیلان به ترتیب با ۹/۹ درصد و ۸/۱ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های جنگلی واقع در دشت هستند که از این لحاظ رتبه نخست در کشور را دارند. همچنین استان‌های قم، مرکزی و یزد فاقد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت هستند و استان‌های اصفهان، البرز، تهران و همدان نیز هر کدام تنها یک آبادی جنگلی واقع در دشت هستند.

با مقایسه‌ی نسبت آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در هر استان این نتیجه به دست می‌آید که ۷۷/۸ درصد از آبادی‌های استان آذربایجان شرقی و ۷۷/۳ درصد آبادی‌های استان چهارمحال و بختیاری کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند که این مقدار در مقایسه با سایر استان‌های کشور بیش‌ترین مقدار است. در حالی که ۱۸/۹ درصد آبادی‌های استان گلستان، ۲۱/۹ درصد آبادی‌های استان مازندران، ۲۴/۲ درصد آبادی‌های استان گیلان و ۲۶/۸ درصد آبادی‌های استان بوشهر از نوع کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند و این مقادارها در مقایسه با درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در سایر استان‌ها کم‌ترین هستند.

همچنین نتایج حاکی از آن است که در استان گیلان با ۲۴/۸ درصد و پس از آن در استان مازندران ۲۳/۸ درصد بیش‌ترین آبادی‌ها، جنگلی واقع در کوهستان یا تپه می‌باشند. استان قم فاقد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه است و پس از آن، استان‌های بوشهر، تهران، قزوین و مرکزی هر کدام با یک آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای کم‌ترین تعداد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه را دارا هستند.

جدول ۳-۱۴- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی به تفکیک استان

استان	وضع طبیعی آبادی							
	دشتی		جنگلی واقع در		کوهستانی، دره‌ای یا		جنگلی واقع در	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۴۶۴۹۹	۴۸/۲	۱۲۳۹	۱/۳	۴۴۵۵۵	۴۶/۱	۴۲۰۰	۴/۴
آذربایجان شرقی	۵۲۳	۱۷/۰	۱۹	۰/۶	۲۴۰۰	۷۷/۸	۱۴۱	۴/۶
آذربایجان غربی	۲۱۳۴	۴۷/۱	۲۷	۰/۶	۲۲۵۷	۴۹/۸	۱۱۳	۲/۵
اردبیل	۶۰۰	۳۲/۳	۱۰	۰/۵	۱۲۲۴	۶۶/۰	۲۰	۱/۱
اصفهان	۱۹۳۸	۵۷/۵	۱	۰/۰	۱۴۱۱	۴۱/۹	۱۹	۰/۶
البرز	۲۲۱	۴۶/۵	۱	۰/۲	۲۵۱	۵۲/۸	۲	۰/۴
ایلام	۴۰۷	۳۸/۳	۴	۰/۴	۵۳۷	۵۰/۵	۱۱۶	۱۰/۹
بوشهر	۶۲۴	۷۲/۵	۵	۰/۶	۲۳۱	۲۶/۸	۱	۰/۱
تهران	۶۳۳	۶۰/۵	۱	۰/۱	۴۱۲	۳۹/۴	۱	۰/۱
چهارمحال و بختیاری	۱۴۰	۱۴/۳	۷	۰/۷	۷۵۹	۷۷/۳	۷۶	۷/۷
خراسان جنوبی	۱۴۲۸	۴۶/۶	۱۱	۰/۴	۱۶۰۲	۵۲/۳	۷	۰/۲
خراسان رضوی	۴۲۰۰	۵۷/۱	۹	۰/۱	۳۱۴۸	۴۲/۸	۲	۰/۰
خراسان شمالی	۴۹۷	۳۸/۱	۴	۰/۳	۷۹۱	۶۰/۶	۱۳	۱/۰
خوزستان	۳۵۳۶	۵۵/۱	۷۳	۱/۱	۲۲۷۲	۳۵/۴	۵۳۷	۸/۴
زنجان	۳۲۸	۲۷/۶	۵	۰/۴	۸۵۲	۷۱/۷	۴	۰/۳
سمنان	۱۴۸۵	۶۶/۵	۵	۰/۲	۷۲۷	۳۲/۶	۱۵	۰/۷
سیستان و بلوچستان	۵۴۶۶	۵۸/۹	۱۲۳	۱/۳	۳۶۶۲	۳۹/۴	۳۴	۰/۴
فارس	۵۰۲۲	۶۰/۱	۷۸	۰/۹	۲۹۵۱	۳۵/۳	۲۹۷	۳/۶
قزوین	۳۸۳	۳۳/۳	۲	۰/۲	۷۶۴	۶۶/۴	۱	۰/۱
قم	۲۴۱	۷۳/۰	۰	۰/۰	۸۹	۲۷/۰	۰	۰/۰
کردستان	۳۹۰	۲۰/۶	۲۹	۱/۵	۱۳۰۸	۶۹/۲	۱۶۲	۸/۶
کرمان	۵۴۶۰	۴۶/۵	۱۰۵	۰/۹	۶۱۲۷	۵۲/۲	۳۰	۰/۳
کرمانشاه	۱۴۳۲	۴۵/۱	۲۰	۰/۶	۱۶۶۰	۵۲/۳	۶۰	۱/۹
کهگیلویه و بویراحمد	۳۵۵	۱۵/۹	۲۱	۰/۹	۱۵۲۶	۶۸/۴	۳۳۰	۱۴/۸
گلستان	۶۸۷	۶۵/۱	۲۳	۲/۲	۲۰۰	۱۸/۹	۱۴۶	۱۳/۸
گیلان	۱۲۵۳	۴۲/۸	۲۳۶	۸/۱	۷۰۸	۲۴/۲	۷۲۴	۲۴/۸
لرستان	۷۷۹	۲۳/۲	۹	۰/۳	۲۱۳۴	۶۳/۵	۴۴۱	۱۳/۱
مازندران	۱۶۲۳	۴۴/۲	۳۶۴	۹/۹	۸۰۴	۲۱/۹	۸۷۲	۲۳/۸
مرکزی	۹۱۱	۵۵/۶	۰	۰/۰	۷۲۷	۴۴/۴	۱	۰/۱
هرمزگان	۱۰۳۱	۴۵/۷	۴۶	۲/۰	۱۱۵۰	۵۱/۰	۳۰	۱/۳
همدان	۵۵۵	۴۵/۸	۱	۰/۱	۶۵۳	۵۳/۹	۲	۰/۲
یزد	۲۲۱۷	۶۴/۵	۰	۰/۰	۱۲۱۸	۳۵/۴	۳	۰/۱

۳-۲-۵- آبادی‌های بر حسب وضع طبیعی آبادی و وضعیت سکونت

به منظور بررسی دقیق‌تر وضعیت آبادی‌های کشور، جدول ۳-۱۵ تعداد کل آبادی‌ها در کشور را بر حسب وضع طبیعی و وضعیت سکونت در آبادی نشان می‌دهد. همان‌طور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، حدود ۴۶/۹ درصد آبادی‌های دارای سکنه کشور در مناطق دشتی و حدود ۴۶/۶ درصد در کشور در مناطق کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای واقع شده‌اند. به عبارت دیگر بیش از ۹۵/۰ درصد از آبادی‌های دارای سکنه در کشور در مناطق دشتی، کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای واقع شده‌اند و مابقی در مناطق جنگلی واقع در دشت، کوهستان یا تپه قرار دارند. همچنین حدود ۵۰/۴ درصد آبادی‌های خالی از سکنه کشور در مناطق دشتی و حدود ۴۵/۴ درصد از آبادی‌های

خالی از سکنه در مناطق کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای واقع شده‌اند. به عبارت دیگر، در این مورد نیز بیش از ۹۵ درصد از آبادی‌های خالی از سکنه کشور در مناطق دشتی، کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای واقع شده‌اند و مابقی در مناطق جنگلی واقع در دشت، کوهستان یا تپه قرار دارند.

جدول ۳-۱۵- آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی آبادی و وضعیت سکونت

وضع طبیعی آبادی	دارای سکنه		خالی از سکنه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۶۱۷۵۰	۱۰۰	۳۴۷۹۹	۱۰۰
دشتی	۲۸۹۶۹	۴۶/۹	۱۷۵۳۰	۵۰/۴
جنگلی واقع در دشت	۹۴۰	۱/۵	۲۹۹	۰/۹
کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای	۲۸۷۵۹	۴۶/۶	۱۵۷۹۶	۴۵/۴
جنگلی واقع در کوهستان یا تپه	۳۰۶۱	۵/۰	۱۱۳۹	۳/۳
نامشخص	۲۱	۰/۰	۳۵	۰/۰

۳-۲-۵-۱- آبادی‌های دشتی بر حسب وضع سکونت

جدول ۳-۱۶- آبادی‌های دشتی را بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، از بین ۲۸۹۶۹ آبادی دشتی دارای سکنه در کشور، استان سیستان و بلوچستان با تعداد ۳۷۸۲ آبادی معادل ۱۳/۱ درصد پس از آن استان کرمان با تعداد ۲۸۷۸ آبادی معادل ۹/۹ درصد، استان فارس با تعداد ۲۴۱۱ آبادی معادل ۸/۳ و استان خراسان رضوی با تعداد ۲۰۱۸ آبادی معادل ۷/۰ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مجموع این چهار استان بیش از ۳۸/۰ درصد آبادی‌های دشتی دارای سکنه کشور را در خود جای داده‌اند. استان‌های قم و البرز به ترتیب با تعداد ۱۳۸ آبادی معادل ۰/۵ درصد و ۱۴۶ آبادی معادل ۰/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دشتی دارای سکنه هستند. همچنین، استان‌های ایلام، با تعداد ۲۲۶ آبادی معادل ۰/۸، زنجان با تعداد ۲۵۰ آبادی معادل ۰/۹ درصد و خراسان شمالی با تعداد ۲۶۲ آبادی معادل ۰/۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

از طرفی، از بین ۱۷۵۳۰ آبادی دشتی خالی از سکنه در کشور، استان‌های فارس با ۲۶۱۱ آبادی معادل ۱۴/۹ درصد و کرمان با ۲۵۸۲ آبادی معادل ۱۴/۷ درصد آبادی‌های دشتی خالی از سکنه در صدر جدول قرار دارند. پس از این دو، استان خراسان رضوی با تعداد ۲۱۸۲ آبادی معادل ۱۲/۴ درصد در مرتبه‌ی بعدی قرار دارد. استان‌های گلستان با ۶ آبادی دارای کم‌ترین تعداد آبادی دشتی خالی از سکنه است و پس از آن استان‌های چهار محال و بختیاری، گیلان، اردبیل و کردستان داری کم‌ترین تعداد آبادی‌های دشتی خالی از سکنه هستند. استان‌های همدان، آذربایجان شرقی و کهگیلویه و بویر احمد از این لحاظ در مراتب بعدی قرار دارند.

جدول ۳-۱۶- آبادی‌های دشتی بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان

استان	دارای سکنه		خالی از سکنه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۲۸۹۶۹	۱۰۰	۱۷۵۳۰	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۴۶۴	۱/۶	۵۹	۰/۳
آذربایجان غربی	۱۳۳۱	۴/۶	۸۰۳	۴/۶
اردبیل	۵۵۹	۱/۹	۴۱	۰/۲
اصفهان	۱۰۰۰	۳/۵	۹۳۸	۵/۴
البرز	۱۴۶	۰/۵	۷۵	۰/۴
ایلام	۲۲۶	۰/۸	۱۸۱	۱/۰
بوشهر	۴۷۷	۱/۶	۱۴۷	۰/۸
تهران	۴۹۰	۱/۷	۱۴۳	۰/۸
چهارمحال و بختیاری	۱۲۹	۰/۴	۱۱	۰/۱
خراسان جنوبی	۶۳۶	۲/۲	۷۹۲	۴/۵
خراسان رضوی	۲۰۱۸	۷/۰	۲۱۸۲	۱۲/۴
خراسان شمالی	۲۶۲	۰/۹	۲۳۵	۱/۳
خوزستان	۲۳۳۴	۸/۱	۱۲۰۲	۶/۹
زنجان	۲۵۰	۰/۹	۷۸	۰/۴
سمنان	۴۲۳	۱/۵	۱۰۶۲	۶/۱
سیستان و بلوچستان	۳۷۸۲	۱۳/۱	۱۶۸۴	۹/۶
فارس	۲۴۱۱	۸/۳	۲۶۱۱	۱۴/۹
قزوین	۲۷۶	۱/۰	۱۰۷	۰/۶
قم	۱۳۸	۰/۵	۱۰۳	۰/۶
کردستان	۳۴۷	۱/۲	۴۳	۰/۲
کرمان	۲۸۷۸	۹/۹	۲۵۸۲	۱۴/۷
کرمانشاه	۱۲۰۶	۴/۲	۲۲۶	۱/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲۹۴	۱/۰	۶۱	۰/۳
گلستان	۶۸۱	۲/۴	۶	۰/۰
گیلان	۱۲۳۲	۴/۳	۲۱	۰/۱
لرستان	۶۸۷	۲/۴	۹۲	۰/۵
مازندران	۱۵۲۰	۵/۲	۱۰۳	۰/۶
مرکزی	۶۳۵	۲/۲	۲۷۶	۱/۶
هرمزگان	۹۰۹	۳/۱	۱۲۲	۰/۷
همدان	۵۰۲	۱/۷	۵۳	۰/۳
یزد	۷۲۶	۲/۵	۱۴۹۱	۸/۵

۳-۲-۵-۲- آبادی‌های جنگلی واقع در دشت بر حسب وضع سکونت

جدول ۳-۱۷ تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت را بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، از ۹۴۰ آبادی جنگلی واقع در دشت دارای سکنه کشور، استان مازندران با ۲۸۱ آبادی معادل ۲۹/۹ درصد بیش‌ترین آبادی‌های جنگلی واقع در دشت دارای سکنه را دارا است. پس از آن، استان گیلان با تعداد ۲۲۹ آبادی معادل ۲۴/۴ درصد در مرتبه‌ی بعدی قرار دارد. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از آبادی‌های جنگلی واقع در دشت دارای سکنه کشور تنها در این دو استان واقع شده‌اند. از سوی دیگر، استان‌های سمنان، قم، مرکزی و یزد هیچ آبادی دارای سکنه جنگلی واقع در دشت ندارند و استان‌های اصفهان، البرز، تهران و همدان تنها یک آبادی جنگلی واقع در دشت دارای سکنه دارند.

از طرفی، از بین ۲۲۹ آبادی جنگلی واقع در دشت خالی از سکنه کشور، استان‌های مازندران با تعداد ۸۳ آبادی معادل ۲۷/۸ درصد و سیستان و بلوچستان با ۵۹ آبادی معادل ۱۹/۷ درصد در صدر آبادی‌های جنگلی واقع در دشت خالی از سکنه قرار دارند که می‌توان گفت نزدیک به نیمی از آبادی‌های جنگلی واقع در دشت خالی از سکنه در این دو استان واقع شده‌اند. استان‌های اردبیل، اصفهان، البرز، تهران، چهارمحال و بختیاری، زنجان، قزوین، قم، مرکزی، همدان و یزد فاقد آبادی جنگلی واقع در دشت خالی از سکنه هستند. با بررسی دقیق‌تر اطلاعات جدول، این نتیجه حاصل می‌شود که حدود ۸۰٪ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت خالی از سکنه در پنج استان خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، کرمان و مازندران واقع شده‌اند.

جدول ۳-۱۷- آبادی‌های جنگلی واقع در دشت بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان

استان	دارای سکنه		خالی از سکنه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۹۴۰	۱۰۰	۲۲۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۱۷	۱/۸	۲	۰/۷
آذربایجان غربی	۲۵	۲/۷	۲	۰/۷
اردبیل	۱۰	۱/۱	۰	۰/۰
اصفهان	۱	۰/۱	۰	۰/۰
البرز	۱	۰/۱	۰	۰/۰
ایلام	۲	۰/۲	۲	۰/۷
بوشهر	۴	۰/۴	۱	۰/۳
تهران	۱	۰/۱	۰	۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۷	۰/۷	۰	۰/۰
خراسان جنوبی	۵	۰/۵	۶	۲/۰
خراسان رضوی	۳	۰/۳	۶	۲/۰
خراسان شمالی	۲	۰/۲	۲	۰/۷
خوزستان	۳۸	۴/۰	۳۵	۱۱/۷
زنجان	۵	۰/۵	۰	۰/۰
سمنان	۰	۰/۰	۵	۱/۷
سیستان و بلوچستان	۶۴	۶/۸	۵۹	۱۹/۷
فارس	۴۹	۵/۲	۲۹	۹/۷
قزوین	۲	۰/۲	۰	۰/۰
قم	۰	۰/۰	۰	۰/۰
کردستان	۲۸	۳/۰	۱	۰/۳
کرمان	۷۲	۷/۷	۳۳	۱۱/۰
کرمانشاه	۱۱	۱/۲	۹	۳/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۴	۱/۵	۷	۲/۳
گلستان	۲۲	۲/۳	۱	۰/۳
گیلان	۲۲۹	۲۴/۴	۷	۲/۳
لرستان	۸	۰/۹	۱	۰/۳
مازندران	۲۸۱	۲۹/۹	۸۳	۲۷/۸
مرکزی	۰	۰/۰	۰	۰/۰
هرمزگان	۳۸	۴/۰	۸	۲/۷
همدان	۱	۰/۱	۰	۰/۰
یزد	۰	۰/۰	۰	۰/۰

۳-۲-۵-۳- آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای بر حسب وضع سکونت

جدول ۳-۱۸ آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای را بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده، از بین ۲۸۷۵۹ آبادی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای دارای سکنه در کشور، استان‌های سیستان و بلوچستان با تعداد ۲۶۸۳ آبادی معادل ۹/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای دارای سکنه است و پس از آن استان کرمان با تعداد ۲۲۰۷ آبادی معادل ۷/۷ درصد و استان آذربایجان شرقی با تعداد ۲۱۱۳ آبادی معادل ۷/۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های قم با تعداد ۶۵ آبادی معادل ۰/۲ درصد و پس از آن، استان بوشهر با تعداد ۱۴۲ آبادی معادل ۰/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای دارای سکنه هستند. استان‌های سمنان و گلستان به ترتیب با تعداد ۱۶۰ آبادی و ۱۷۸ آبادی از این لحاظ در مراتب بعدی هستند.

از سوی دیگر، از بین ۱۵۷۹۶ آبادی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای خالی از سکنه در کشور، استان کرمان دارای تعداد ۳۹۲۰ آبادی معادل ۲۴/۸ درصد در صدر قرار دارد. استان خراسان رضوی با تعداد ۱۸۳۵ آبادی معادل ۱۱/۶ درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای خالی از سکنه و استان فارس با تعداد ۱۳۸۵ آبادی معادل ۸/۸ درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای خالی از سکنه در مراتب دوم و سوم قرار دارند. استان گلستان با تعداد ۲۲ آبادی معادل ۰/۱ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای خالی از سکنه است و پس از آن استان‌های قم و همدان به ترتیب با ۲۴ آبادی معادل ۰/۲ درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای خالی از سکنه و ۸۳ آبادی معادل ۰/۵ درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای خالی از سکنه در مراتب بعدی قرار دارند.

جدول ۳-۱۸- آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان

استان	دارای سکنه		خالی از سکنه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۲۸۷۵۹	۱۰۰	۱۵۷۹۶	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۲۱۱۳	۷/۳	۲۸۷	۱/۸
آذربایجان غربی	۱۸۱۳	۶/۳	۴۴۴	۲/۸
اردبیل	۱۱۰۸	۳/۹	۱۱۶	۰/۷
اصفهان	۸۱۹	۲/۸	۵۹۲	۳/۷
البرز	۲۰۷	۰/۷	۴۴	۰/۳
ایلام	۳۷۲	۱/۳	۱۶۵	۱/۰
بوشهر	۱۴۲	۰/۵	۸۹	۰/۶
تهران	۲۶۵	۰/۹	۱۴۷	۰/۹
چهارمحال و بختیاری	۵۷۰	۲/۰	۱۸۹	۱/۲
خراسان جنوبی	۱۰۵۵	۳/۷	۵۴۷	۳/۵
خراسان رضوی	۱۳۱۳	۴/۶	۱۸۳۵	۱۱/۶
خراسان شمالی	۵۵۹	۱/۹	۲۳۲	۱/۵
خوزستان	۱۳۷۱	۴/۸	۹۰۱	۵/۷
زنجان	۶۷۷	۲/۴	۱۷۵	۱/۱
سمنان	۱۶۰	۰/۶	۵۶۷	۳/۶
سیستان و بلوچستان	۲۶۸۳	۹/۳	۹۷۹	۶/۲
فارس	۱۵۶۶	۵/۴	۱۳۸۵	۸/۸
قزوین	۵۶۳	۲/۰	۲۰۱	۱/۳
قم	۶۵	۰/۲	۲۴	۰/۲
کردستان	۱۱۸۰	۴/۱	۱۲۸	۰/۸
کرمان	۲۲۰۷	۷/۷	۳۹۲۰	۲۴/۸
کرمانشاه	۱۳۸۳	۴/۸	۲۷۷	۱/۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۵۲	۴/۰	۳۷۴	۲/۴
گلستان	۱۷۸	۰/۶	۲۲	۰/۱
گیلان	۵۶۷	۲/۰	۱۴۱	۰/۹
لرستان	۱۸۰۴	۶/۳	۳۳۰	۲/۱
مازندران	۵۴۵	۱/۹	۲۵۹	۱/۶
مرکزی	۵۷۴	۲/۰	۱۵۳	۱/۰
هرمزگان	۷۶۲	۲/۶	۳۸۸	۲/۵
همدان	۵۷۰	۲/۰	۸۳	۰/۵
یزد	۴۱۶	۱/۴	۸۰۲	۵/۱

۳-۲-۴-۵- آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه بر حسب وضع سکونت

جدول ۳-۱۹ تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه را بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، از بین ۳۰۶۱ آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای سکنه کشور، استان مازندران با ۶۲۳ آبادی معادل ۲۰/۴ درصد و پس از آن استان گیلان با تعداد ۵۶۲ آبادی معادل ۱۸/۴ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای سکنه هستند. پس از این دو استان، استان لرستان با تعداد ۳۶۵ آبادی معادل ۱۱/۹ درصد قرار دارد. این سه استان در مجموع بیش از ۵۰ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای سکنه در کشور را در خود جای داده‌اند. استان‌های بوشهر و قم فاقد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای سکنه هستند و استان‌های البرز،

تهران، خراسان رضوی قزوین و مرکزی دارای تنها یک آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای سکنه هستند. همچنین، استان‌های همدان و یزد دارای ۲ آبادی معادل ۱/۰ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای سکنه هستند.

از سوی دیگر، از ۱۱۳۹ آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه خالی از سکنه در کشور، استان‌های مازندران با ۲۴۹ آبادی معادل ۲۱/۹ درصد و خوزستان با تعداد ۲۲۵ آبادی معادل ۱۹/۸ درصد در صدر آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه خالی از سکنه قرار دارند. استان گیلان با تعداد ۱۶۲ آبادی معادل ۱۴/۲ درصد در مرتبه‌ی بعدی قرار دارد. استان‌های تهران، قزوین، قم مرکزی و همدان فاقد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه خالی از سکنه هستند و استان‌های البرز، بوشهر، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان و یزد نیز هر کدام دارای تنها یک آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه خالی از سکنه هستند.

جدول ۳-۱۹- آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه بر حسب وضعیت سکونت و به تفکیک استان

استان	دارای سکنه		خالی از سکنه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۳۰۶۱	۱۰۰	۱۱۳۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۱۱۸	۳/۹	۲۳	۲/۰
آذربایجان غربی	۹۷	۳/۲	۱۶	۱/۴
اردبیل	۱۸	۰/۶	۲	۰/۲
اصفهان	۱۱	۰/۴	۸	۰/۷
البرز	۱	۰/۰	۱	۰/۱
ایلام	۶۸	۲/۲	۴۸	۴/۲
بوشهر	۰	۰/۰	۱	۰/۱
تهران	۱	۰/۰	۰	۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۶۰	۲/۰	۱۶	۱/۴
خراسان جنوبی	۵	۰/۲	۲	۰/۲
خراسان رضوی	۱	۰/۰	۱	۰/۱
خراسان شمالی	۱۲	۰/۴	۱	۰/۱
خوزستان	۳۱۲	۱۰/۲	۲۲۵	۱۹/۸
زنجان	۳	۰/۱	۱	۰/۱
سمنان	۶	۰/۲	۹	۰/۸
سیستان و بلوچستان	۲۴	۰/۸	۱۰	۰/۹
فارس	۲۰۲	۶/۶	۹۵	۸/۳
قزوین	۱	۰/۰	۰	۰/۰
قم	۰	۰/۰	۰	۰/۰
کردستان	۱۴۷	۴/۸	۱۵	۱/۳
کرمان	۱۲	۰/۴	۱۸	۱/۶
کرمانشاه	۴۲	۱/۴	۱۸	۱/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱۶	۷/۱	۱۱۴	۱۰/۰
گلستان	۱۲۷	۴/۱	۱۹	۱/۷
گیلان	۵۶۲	۱۸/۴	۱۶۲	۱۴/۲
لرستان	۳۶۵	۱۱/۹	۷۶	۶/۷
مازندران	۶۲۳	۲۰/۴	۲۴۹	۲۱/۹
مرکزی	۱	۰/۰	۰	۰/۰
هرمزگان	۲۲	۰/۷	۸	۰/۷
همدان	۲	۰/۱	۰	۰/۰
یزد	۲	۰/۱	۱	۰/۱

۳-۲-۶- آبادی‌های دارای سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی

جدول ۳-۲۰ تعداد کل آبادی‌های دارای سکنه در کشور را بر حسب وضع طبیعی آبادی و به تفکیک استان نشان می‌دهد^{۲۳}. همان‌طور که مشاهده می‌شود در ۱۵ استان بیش از نیمی از آبادی‌های دارای سکنه، دشتی هستند که در این میان استان بوشهر با ۷۶/۶ درصد و استان سمنان با ۷۱/۸ درصد بیش‌ترین نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی دشتی را به خود اختصاص داده‌اند. استان چهارمحال و بختیاری با ۱۶/۸ درصد، استان آذربایجان شرقی با ۱۷/۱ درصد و استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱۷/۵ درصد دارای کم‌ترین نسبت آبادی‌های

^{۲۳} لازم به توضیح است که تعداد ۲۱ آبادی از تعداد کل ۶۱۷۵۰ آبادی دارای سکنه در کشور دارای وضعیت نامشخصی از لحاظ وضع طبیعی آبادی هستند که در این جدول به این تعداد اشاره‌ای نشده است.

دارای سکنه‌ی دشتی هستند.

بررسی ستون مربوط به آبادی‌های دارای سکنه‌ی جنگلی واقع در دشت نشان می‌دهد که دو استان مازندران و گیلان به ترتیب با ۹/۴ درصد و ۸/۸ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی جنگلی واقع در دشت هستند که از این لحاظ رتبه‌ی نخست و دوم کشور را دارند. همچنین استان‌های سمنان، قم، مرکزی و یزد فاقد آبادی‌های دارای سکنه‌ی جنگلی واقع در دشت هستند و استان‌های اصفهان، البرز، تهران و همدان نیز هر کدام تنها یک آبادی دارای سکنه‌ی جنگلی واقع در دشت هستند.

با مقایسه‌ی نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در هر استان این نتیجه به دست می‌آید که بیش از نیمی از آبادی‌های دارای سکنه‌ی ۱۵ استان کشور از نوع کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند و در این بین، ۷۷/۹ درصد از آبادی‌های دارای سکنه‌ی استان آذربایجان شرقی و ۷۴/۴ آبادی‌های دارای سکنه‌ی استان چهارمحال و بختیاری از نوع کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند که این مقدار در مقایسه با سایر استان‌های کشور بیش‌ترین مقدار است. در حالی که ۱۷/۷ آبادی‌های دارای سکنه‌ی استان گلستان، ۱۸/۳ آبادی‌های دارای سکنه‌ی استان مازندران، ۲۱/۹ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی استان گیلان و ۲۲/۸ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی استان بوشهر از نوع کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند و این مقادارها در مقایسه با درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در سایر استان‌ها کم‌ترین هستند.

در مورد نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه نتایج حاکی از آن است که در استان گیلان با ۲۱/۷ درصد در صد آبادی‌های دارای سکنه، جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند و پس از آن در استان مازندران ۲۰/۹ درصد قرار دارد. دو استان بوشهر و قم فاقد آبادی دارای سکنه و از نوع جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند و استان‌های البرز، تهران، خراسان رضوی، قزوین و مرکزی هر کدام با یک آبادی دارای سکنه و جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای کم‌ترین تعداد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند.

جدول ۳-۲۰- آبادی‌های دارای سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی به تفکیک استان

استان	وضع طبیعی آبادی									
	دشتی		جنگلی واقع در دشت		کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای		جنگلی واقع در کوهستان		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۲۸۹۶۹	۴۶/۹	۹۴۰	۱/۵	۲۸۷۵۹	۴۶/۶	۳۰۶۱	۵/۰	۶۱۷۵۰	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۴۶۴	۱۷/۱	۱۷	۰/۶	۲۱۱۳	۷۷/۹	۱۱۸	۴/۴	۲۷۱۲	۱۰۰
آذربایجان غربی	۱۳۳۱	۴۰/۸	۲۵	۰/۸	۱۸۱۳	۵۵/۵	۹۷	۳/۰	۳۲۶۶	۱۰۰
اردبیل	۵۵۹	۳۳/۰	۱۰	۰/۶	۱۱۰۸	۶۵/۳	۱۸	۱/۱	۱۶۹۶	۱۰۰
اصفهان	۱۰۰۰	۵۴/۶	۱	۰/۱	۸۱۹	۴۴/۷	۱۱	۰/۶	۱۸۳۱	۱۰۰
البرز	۱۴۶	۴۱/۱	۱	۰/۳	۲۰۷	۵۸/۳	۱	۰/۳	۳۵۵	۱۰۰
ایلام	۲۲۶	۳۳/۸	۲	۰/۳	۳۷۲	۵۵/۷	۶۸	۱۰/۲	۶۶۸	۱۰۰
بوشهر	۴۷۷	۷۶/۶	۴	۰/۶	۱۴۲	۲۲/۸	۰	۰/۰	۶۲۳	۱۰۰
تهران	۴۹۰	۶۴/۷	۱	۰/۱	۲۶۵	۳۵/۰	۱	۰/۱	۷۵۷	۱۰۰
چهارمحال و بختیاری	۱۲۹	۱۶/۸	۷	۰/۹	۵۷۰	۷۴/۴	۶۰	۷/۸	۷۶۶	۱۰۰
خراسان جنوبی	۶۳۶	۳۷/۳	۵	۰/۳	۱۰۵۵	۶۱/۹	۵	۰/۳	۱۷۰۳	۱۰۰
خراسان رضوی	۲۰۱۸	۶۰/۵	۳	۰/۱	۱۳۱۳	۳۹/۴	۱	۰/۰	۳۳۳۵	۱۰۰
خراسان شمالی	۲۶۲	۳۱/۴	۲	۰/۲	۵۵۹	۶۶/۹	۱۲	۱/۴	۸۳۵	۱۰۰
خوزستان	۲۳۳۴	۵۷/۶	۳۸	۰/۹	۱۳۷۱	۳۳/۸	۳۱۲	۷/۷	۴۰۵۵	۱۰۰
زنجان	۲۵۰	۲۶/۷	۵	۰/۵	۶۷۷	۷۲/۴	۳	۰/۳	۹۳۵	۱۰۰
سمنان	۴۲۳	۷۱/۸	۰	۰/۰	۱۶۰	۲۷/۲	۶	۱/۰	۵۸۹	۱۰۰
سیستان و بلوچستان	۳۷۸۲	۵۷/۷	۶۴	۱/۰	۲۶۸۳	۴۰/۹	۲۴	۰/۴	۶۵۵۳	۱۰۰
فارس	۲۴۱۱	۵۷/۰	۴۹	۱/۲	۱۵۶۶	۳۷/۰	۲۰۲	۴/۸	۴۲۳۰	۱۰۰
قزوین	۲۷۶	۳۲/۸	۲	۰/۲	۵۶۳	۶۶/۹	۱	۰/۱	۸۴۲	۱۰۰
قم	۱۳۸	۶۸/۰	۰	۰/۰	۶۵	۳۲/۰	۰	۰/۰	۲۰۳	۱۰۰
کردستان	۳۴۷	۲۰/۴	۲۸	۱/۶	۱۱۸۰	۶۹/۳	۱۴۷	۸/۶	۱۷۰۲	۱۰۰
کرمان	۲۸۷۸	۵۵/۶	۷۲	۱/۴	۲۲۰۷	۴۲/۶	۱۲	۰/۲	۵۱۷۸	۱۰۰
کرمانشاه	۱۲۰۶	۴۵/۶	۱۱	۰/۴	۱۳۸۳	۵۲/۳	۴۲	۱/۶	۲۶۴۲	۱۰۰
کهگیلویه و بویراحمد	۲۹۴	۱۷/۵	۱۴	۰/۸	۱۱۵۲	۶۸/۷	۲۱۶	۱۲/۹	۱۶۷۶	۱۰۰
گلستان	۶۸۱	۶۷/۶	۲۲	۲/۲	۱۷۸	۱۷/۷	۱۲۷	۱۲/۶	۱۰۰۸	۱۰۰
گیلان	۱۲۳۲	۴۷/۵	۲۲۹	۸/۸	۵۶۷	۲۱/۹	۵۶۲	۲۱/۷	۲۵۹۱	۱۰۰
لرستان	۶۸۷	۲۴/۰	۸	۰/۳	۱۸۰۴	۶۳/۰	۳۶۵	۱۲/۷	۲۸۶۴	۱۰۰
مازندران	۱۵۲۰	۵۱/۱	۲۸۱	۹/۴	۵۴۵	۱۸/۳	۶۲۳	۲۰/۹	۲۹۷۵	۱۰۰
مرکزی	۶۳۵	۵۲/۵	۰	۰/۰	۵۷۴	۴۷/۴	۱	۰/۱	۱۲۱۰	۱۰۰
هرمزگان	۹۰۹	۵۲/۵	۳۸	۲/۲	۷۶۲	۴۴/۰	۲۲	۱/۳	۱۷۳۱	۱۰۰
همدان	۵۰۲	۴۶/۷	۱	۰/۱	۵۷۰	۵۳/۰	۲	۰/۲	۱۰۷۵	۱۰۰
یزد	۷۲۶	۶۳/۵	۰	۰/۰	۴۱۶	۳۶/۴	۲	۰/۲	۱۱۴۴	۱۰۰

۳-۲-۷- آبادی‌های خالی از سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی

جدول ۳-۲۱- تعداد کل آبادی‌های خالی از سکنه کشور را بر حسب وضع طبیعی آبادی و به تفکیک استان نشان می‌دهد^{۲۴}. با مقایسه‌ی تعداد آبادی‌های خالی از سکنه در استان‌های کشور مشاهده می‌شود که در ۱۴ استان بیش از نیمی از آبادی‌ها دشتی هستند که در این میان استان قم با ۸۱/۱ درصد و استان یزد با ۶۵/۰ درصد بیش‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دشتی را دارند. استان چهارمحال و بختیاری با ۵/۱ درصد،

^{۲۴} لازم به توضیح است که تعداد ۳۵ آبادی از تعداد کل ۳۴۷۹۹ آبادی خالی از سکنه در کشور دارای وضعیت نامشخص از لحاظ وضع طبیعی آبادی هستند که در این جدول به این اشاره‌ای نشده است.

استان گیلان با ۶/۳ درصد و استان کهگیلویه و بویر احمد با ۱۱/۰ درصد، سه استانی هستند که کم‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دشتی را دارند.

بررسی ستون مربوط به آبادی‌های خالی از سکنه‌ی جنگلی واقع در دشت نیز نشان می‌دهد که استان مازندران با ۱۱/۹ درصد، دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی جنگلی واقع در دشت است. همچنین استان‌های اردبیل، اصفهان، البرز، چهارمحال و بختیاری زنجان، قزوین، قم، مرکزی، همدان و یزد فاقد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی جنگلی واقع در دشت هستند و استان‌های بوشهر، کردستان، گلستان و لرستان نیز هر کدام تنها یک آبادی جنگلی واقع در دشت هستند.

با مقایسه‌ی نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در هر استان نیز این نتیجه به دست می‌آید که ۸۷/۵ درصد از آبادی‌های خالی از سکنه‌ی استان چهارمحال و بختیاری و ۷۷/۴ آبادی‌های خالی از سکنه‌ی استان آذربایجان شرقی از نوع کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند که این مقدار در مقایسه با سایر استان‌های کشور بیش‌ترین مقدار است. در حالی که ۱۸/۹ آبادی‌های خالی از سکنه‌ی استان قم، ۳۴/۵ آبادی‌های خالی از سکنه‌ی استان سمنان و ۳۵/۰ درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی استان یزد از نوع کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند و این مقادارها در مقایسه با درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای در سایر استان‌ها کم‌ترین هستند.

در مورد نسبت آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه این نتیجه به دست می‌آید که در استان گلستان ۳۹/۶ درصد و پس از آن در استان مازندران ۳۵/۸ درصد آبادی‌های خالی از سکنه، جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند. استان‌های تهران، قزوین، قم، هرمزگان و همدان فاقد آبادی خالی از سکنه‌ی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند و پس از آن‌ها، استان‌های البرز، بوشهر، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان و یزد هر کدام با یک آبادی خالی از سکنه‌ی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای کم‌ترین تعداد آبادی از این لحاظ هستند.

جدول ۳-۲۱- آبادی‌های خالی از سکنه بر حسب وضع طبیعی آبادی به تفکیک استان

استان	وضع طبیعی آبادی							
	دشتی		جنگلی واقع در دشت		کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای		جنگلی واقع در کوهستان یا تپه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۱۷۵۳۰	۵۰/۴	۲۲۹	۰/۹	۱۵۷۹۶	۴۵/۴	۱۱۳۹	۳/۳
آذربایجان شرقی	۵۹	۱۵/۹	۲	۰/۵	۲۸۷	۷۷/۴	۲۳	۶/۲
آذربایجان غربی	۸۰۳	۶۳/۵	۲	۰/۲	۴۴۴	۳۵/۱	۱۶	۱/۳
اردبیل	۴۱	۲۵/۸	۰	۰/۰	۱۱۶	۷۳/۰	۲	۱/۳
اصفهان	۹۳۸	۶۰/۹	۰	۰/۰	۵۹۲	۳۸/۴	۸	۰/۵
البرز	۷۵	۶۲/۵	۰	۰/۰	۴۴	۳۶/۷	۱	۰/۸
ایلام	۱۸۱	۴۵/۷	۲	۰/۵	۱۶۵	۴۱/۷	۴۸	۱۲/۱
بوشهر	۱۴۷	۶۱/۸	۱	۰/۴	۸۹	۳۷/۴	۱	۰/۴
تهران	۱۴۳	۴۹/۳	۰	۰/۰	۱۴۷	۵۰/۷	۰	۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۱۱	۵/۱	۰	۰/۰	۱۸۹	۸۷/۵	۱۶	۷/۴
خراسان جنوبی	۷۹۲	۵۸/۲	۶	۰/۴	۵۴۷	۴۰/۲	۲	۰/۱
خراسان رضوی	۲۱۸۲	۵۴/۲	۶	۰/۱	۱۸۳۵	۴۵/۶	۱	۰/۰
خراسان شمالی	۲۳۵	۵۰/۰	۲	۰/۴	۲۳۲	۴۹/۴	۱	۰/۲
خوزستان	۱۲۰۲	۵۰/۸	۳۵	۱/۵	۹۰۱	۳۸/۱	۲۲۵	۹/۵
زنجان	۷۸	۳۰/۷	۰	۰/۰	۱۷۵	۶۸/۹	۱	۰/۴
سمنان	۱۰۶۲	۶۴/۶	۵	۰/۳	۵۶۷	۳۴/۵	۹	۰/۵
سیستان و بلوچستان	۱۶۸۴	۶۱/۶	۵۹	۲/۲	۹۷۹	۳۵/۸	۱۰	۰/۴
فارس	۲۶۱۱	۶۳/۳	۲۹	۰/۷	۱۳۸۵	۳۳/۶	۹۵	۲/۳
قزوین	۱۰۷	۳۴/۷	۰	۰/۰	۲۰۱	۶۵/۳	۰	۰/۰
قم	۱۰۳	۸۱/۱	۰	۰/۰	۲۴	۱۸/۹	۰	۰/۰
کردستان	۴۳	۲۳/۰	۱	۰/۵	۱۲۸	۶۸/۴	۱۵	۸/۰
کرمان	۲۵۸۲	۳۹/۳	۳۳	۰/۵	۳۹۲۰	۵۹/۷	۱۸	۰/۳
کرمانشاه	۲۲۶	۴۲/۶	۹	۱/۷	۲۷۷	۵۲/۳	۱۸	۳/۴
کهگیلویه و بویراحمد	۶۱	۱۱/۰	۷	۱/۳	۳۷۴	۶۷/۳	۱۱۴	۲۰/۵
گلستان	۶	۱۲/۵	۱	۲/۱	۲۲	۴۵/۸	۱۹	۳۹/۶
گیلان	۲۱	۶/۳	۷	۲/۱	۱۴۱	۴۲/۲	۱۶۲	۴۸/۵
لرستان	۹۲	۱۸/۴	۱	۰/۲	۳۳۰	۶۶/۱	۷۶	۱۵/۲
مازندران	۱۰۳	۱۴/۸	۸۳	۱۱/۹	۲۵۹	۳۷/۲	۲۴۹	۳۵/۸
مرکزی	۲۷۶	۶۴/۳	۰	۰/۰	۱۵۳	۳۵/۷	۰	۰/۰
هرمزگان	۱۲۲	۲۳/۲	۸	۱/۵	۳۸۸	۷۳/۸	۸	۱/۵
همدان	۵۳	۳۹/۰	۰	۰/۰	۸۳	۶۱/۰	۰	۰/۰
یزد	۱۴۹۱	۶۵/۰	۰	۰/۰	۸۰۲	۳۵/۰	۱	۰/۰

۳-۳- شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی

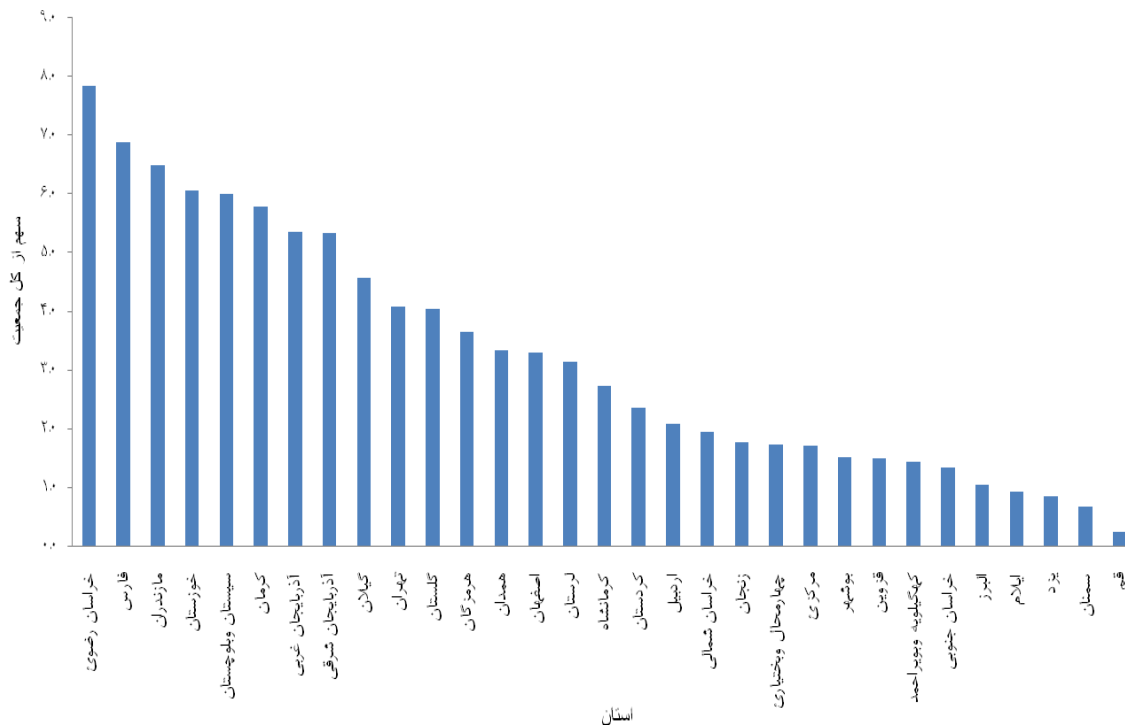
۳-۳-۱- جمعیت آبادی‌ها

جدول ۳-۲۲ جمعیت آبادی‌های کشور و سهم هر استان از کل را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌شود بیش‌ترین جمعیت ساکن در آبادی‌ها، در استان خراسان رضوی (۱۶۸۲۴۰۵ نفر) می‌باشد که این رقم ۷/۸ درصد از کل جمعیت ساکن در آبادی کشور است. در مرتبه بعدی استان فارس با ۱۴۷۵۳۵۰ هزار نفر و سهم ۶/۹ درصدی از کل قرار دارد.

جدول ۳-۲۲- جمعیت آبادی‌ها بر حسب سهم از کل به تفکیک استان

استان	کل	سهم از کل
کل کشور	۲۱۴۴۶۷۸۳	-
آذربایجان شرقی	۱۱۴۵۴۴۲	۵/۳
آذربایجان غربی	۱۱۴۸۰۳۲	۵/۴
اردبیل	۴۴۹۵۴۶	۲/۱
اصفهان	۷۱۰۹۸۹	۳/۳
البرز	۲۲۸۱۴۲	۱/۱
ایلام	۱۹۹۳۲۷	۰/۹
بوشهر	۳۲۵۹۹۳	۱/۵
تهران	۸۷۷۴۳۷	۴/۱
چهارمحال و بختیاری	۳۷۲۷۴۶	۱/۷
خراسان جنوبی	۲۹۱۴۳۵	۱/۴
خراسان رضوی	۱۶۸۲۴۰۵	۷/۸
خراسان شمالی	۴۱۹۰۶۸	۲/۰
خوزستان	۱۳۰۱۲۶۸	۶/۱
زنجان	۳۸۰۹۲۵	۱/۸
سمنان	۱۴۴۸۷۳	۰/۷
سیستان و بلوچستان	۱۲۸۸۱۶۰	۶/۰
فارس	۱۴۷۵۳۵۰	۶/۹
قزوین	۳۲۲۷۸۷	۱/۵
قم	۵۵۷۹۸	۰/۳
کردستان	۵۰۷۷۷۱	۲/۴
کرمان	۱۲۴۲۳۴۴	۵/۸
کرمانشاه	۵۸۶۶۲۱	۲/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۳۱۰۵۱۸	۱/۴
گلستان	۸۷۰۰۶۸	۴/۱
گیلان	۹۸۳۷۰۱	۴/۶
لرستان	۶۷۷۴۱۶	۳/۲
مازندران	۱۳۹۱۷۸۶	۶/۵
مرکزی	۳۶۸۹۵۸	۱/۷
هرمزگان	۷۸۶۳۷۹	۳/۷
همدان	۷۱۶۶۶۹	۳/۳
یزد	۱۸۴۸۲۹	۰/۹

از جمله استان‌های دیگری که حداقل ۵/۰ درصد از جمعیت ساکن در آبادی‌ها را در خود جای دادند می‌توان از مازندران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی نام برد. از سوی دیگر کم‌ترین جمعیت ساکن در آبادی مربوط به استان قم با ۵۵۷۹۸ نفر (۰/۳ درصد) است. از دیگر استان‌های با جمعیت اندک ساکن در آبادی‌ها می‌توان از ایلام، یزد و سمنان نام برد (شکل ۳-۵).



شکل ۳-۵- سهم استان‌های مختلف از جمعیت آبادی‌ها

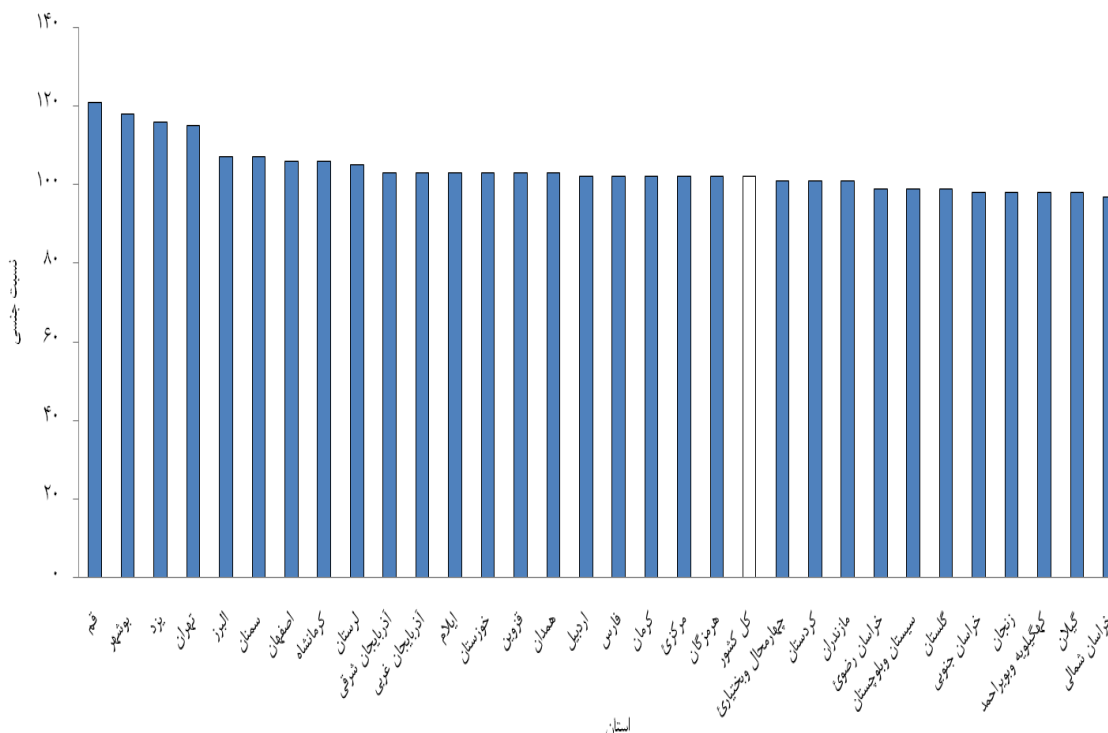
۳-۲- جمعیت آبادی‌ها بر حسب جنس و نسبت جنسی

جدول ۳-۲۳ جمعیت آبادی‌های در استان‌های مختلف کشور (کل، مرد و زن) و نسبت جنسی آن‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طوری که مشاهده می‌شود کل جمعیت آبادی‌ها کشور ۲۱۴۴۶۷۸۳ نفر (حدود ۲۸/۵ درصد جمعیت کل کشور) است. بیش‌ترین این جمعیت در استان‌های خراسان رضوی (۱۶۸۲۴۰۵ نفر)، فارس (۱۴۷۵۳۰۵ نفر) و مازندران (۱۳۹۱۷۸۶ نفر) جای گرفته‌اند. همانند بیش‌تر جداول در این مورد نیز استان قم با ۵۵۷۹۸ نفر دارای کم‌ترین مقدار است.

نسبت جنسی جمعیت کشورهای جهان که در شرایط عادی قرار دارند از ۹۳ تا ۱۰۰ و به طور متوسط ۹۷ است، اما اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه نابهنجار باشد، نسبت جنسی آن جامعه کم‌تر یا بیش‌تر از حد بهنجار (۹۷) خواهد شد. به عبارتی مثلاً اگر در جامعه‌ای جنگ رخ دهد کم‌تر و اگر به علت شرایط فرهنگی پسر بر دختر ترجیح داده شود نسبت جنسی بیش‌تر خواهد شد. براساس نتایج این جدول نسبت جنسی آبادی‌ها کل کشور ۱۰۲ به‌دست آمده است (کل کشور ۱۰۲ است). البته طی چند سرشماری‌های گذشته نیز همواره نسبت جنسی آبادی‌ها کم‌تر از کل و نقاط شهری بوده است. به عبارتی می‌توان گفت که در کل نسبت جنسی کشور اندکی بیش از مقدار متوسط جهانی آن است. در این خصوص یک نکته ظریف وجود دارد و آن این‌که نسبت جنسی کل و نقاط شهری از ترکیب جنسی آبادی‌ها (که در قالب مهاجرت مردان روستایی به شهر خود را نشان می‌دهد) تاثیر می‌پذیرد. با این حال و براساس نتایج جدول ۳-۲ بیش‌ترین نسبت جنسی بدست آمده در آبادی در استان قم با ۱۲۱ و بعد از آن استان‌های بوشهر با ۱۱۸ و یزد با ۱۱۶ قرار دارند. از سوی دیگر کم‌ترین نسبت جنسی مربوط به استان‌های خراسان شمالی (با ۹۷) و گیلان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان و خراسان جنوبی (هر کدام با ۹۸) است (شکل ۳-۶).

جدول ۳-۲۳- جمعیت آبادی‌ها بر حسب جنس و نسبت جنسی به تفکیک استان

استان	کل	مرد	زن	نسبت جنسی
کل کشور	۲۱۴۴۶۷۸۳	۱۰۸۵۳۲۱۷	۱۰۵۹۳۵۶۶	۱۰۲
آذربایجان شرقی	۱۱۴۵۴۴۲	۵۸۰۳۰۷	۵۶۵۱۳۵	۱۰۳
آذربایجان غربی	۱۱۴۸۰۳۲	۵۸۳۶۲۲	۵۶۴۴۱۰	۱۰۳
اردبیل	۴۴۹۵۴۶	۲۲۶۹۲۲	۲۲۲۶۲۴	۱۰۲
اصفهان	۷۱۰۹۸۹	۳۶۶۱۹۳	۳۴۴۷۹۶	۱۰۶
البرز	۲۲۸۱۴۲	۱۱۷۹۹۴	۱۱۰۱۴۸	۱۰۷
ایلام	۱۹۹۳۲۷	۱۰۱۳۶۹	۹۷۹۵۸	۱۰۳
بوشهر	۳۲۵۹۹۳	۱۷۶۱۸۹	۱۴۹۸۰۴	۱۱۸
تهران	۸۷۷۴۳۷	۴۶۸۷۵۴	۴۰۸۶۸۳	۱۱۵
چهارمحال و بختیاری	۳۷۲۷۴۶	۱۸۷۵۵۵	۱۸۵۱۹۱	۱۰۱
خراسان جنوبی	۲۹۱۴۳۵	۱۴۴۳۹۵	۱۴۷۰۴۰	۹۸
خراسان رضوی	۱۶۸۲۴۰۵	۸۳۸۹۸۱	۸۴۳۴۲۴	۹۹
خراسان شمالی	۴۱۹۰۶۸	۲۰۵۹۴۶	۲۱۳۱۲۲	۹۷
خوزستان	۱۳۰۱۲۶۸	۶۶۰۳۷۱	۶۴۰۸۹۷	۱۰۳
زنجان	۳۸۰۹۲۵	۱۸۸۸۹۸	۱۹۲۰۲۷	۹۸
سمنان	۱۴۴۸۷۳	۷۴۸۷۶	۶۹۹۹۷	۱۰۷
سیستان و بلوچستان	۱۲۸۸۱۶۰	۶۳۹۴۶۶	۶۴۸۶۹۴	۹۹
فارس	۱۴۷۵۳۵۰	۷۴۶۰۴۰	۷۲۹۳۱۰	۱۰۲
قزوین	۳۲۲۷۸۷	۱۶۳۹۵۶	۱۵۸۸۳۱	۱۰۳
قم	۵۵۷۹۸	۳۰۵۲۶	۲۵۲۷۲	۱۲۱
کردستان	۵۰۷۷۷۱	۲۵۴۶۰۳	۲۵۳۱۶۸	۱۰۱
کرمان	۱۲۴۲۳۴۴	۶۲۷۳۹۰	۶۱۴۹۵۴	۱۰۲
کرمانشاه	۵۸۶۶۲۱	۳۰۱۱۹۷	۲۸۵۴۲۴	۱۰۶
کهگیلویه و بویراحمد	۳۱۰۵۱۸	۱۵۳۹۴۷	۱۵۶۵۷۱	۹۸
گلستان	۸۷۰۰۶۸	۴۳۳۶۸۴	۴۳۶۳۸۴	۹۹
گیلان	۹۸۳۷۰۱	۴۸۷۶۷۹	۴۹۶۰۲۲	۹۸
لرستان	۶۷۷۴۱۶	۳۴۶۶۵۳	۳۳۰۷۶۳	۱۰۵
مازندران	۱۳۹۱۷۸۶	۷۰۰۳۲۹	۶۹۱۴۵۷	۱۰۱
مرکزی	۳۶۸۹۵۸	۱۸۶۲۲۳	۱۸۲۷۳۵	۱۰۲
هرمزگان	۷۸۶۳۷۹	۳۹۶۳۱۲	۳۹۰۰۶۷	۱۰۲
همدان	۷۱۶۶۶۹	۳۶۳۷۱۹	۳۵۲۹۵۰	۱۰۳
یزد	۱۸۴۸۲۹	۹۹۱۲۱	۸۵۷۰۸	۱۱۶



شکل ۳-۶- نسبت جنسی آبادی‌های کشور به تفکیک استان

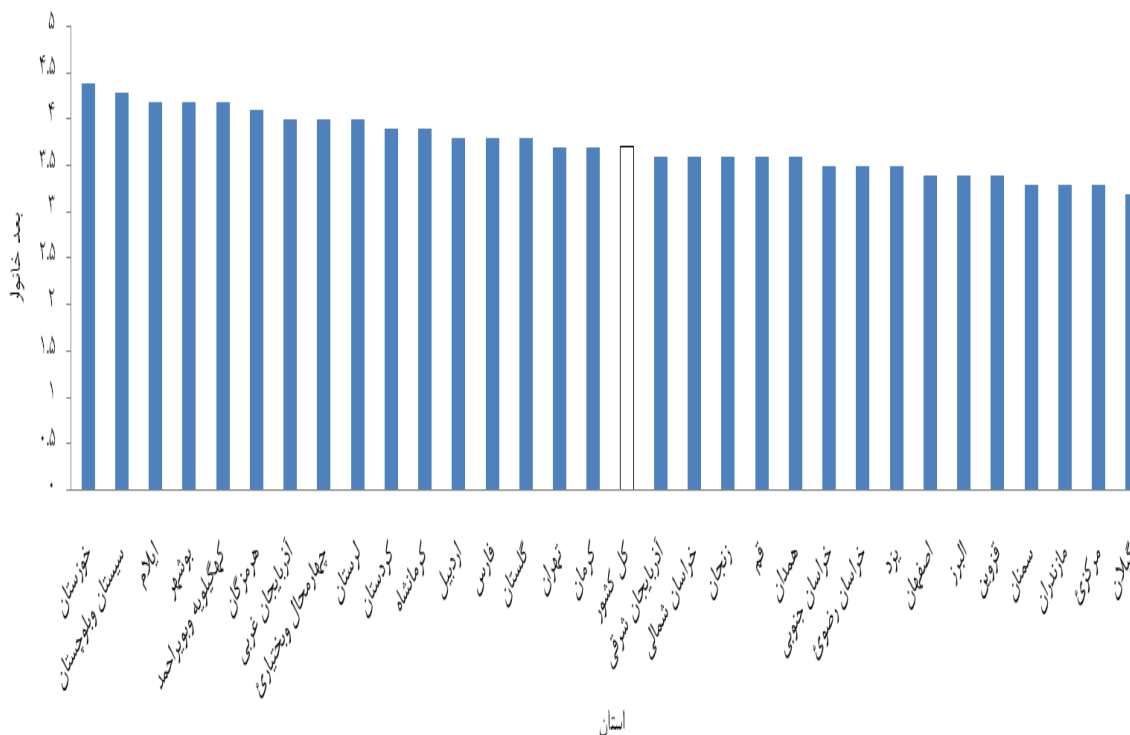
۳-۳-۳- تعداد و بعد خانوار آبادی‌های

تعداد و بعد خانوار آبادی‌های کل کشور در جدول ۳-۲۴ به تفکیک استان به تصویر کشیده شده است. براساس نتایج در زمان اجرای سرشماری ۱۳۹۰، در کل ۵۷۴۴۶۱۴ خانوار در آبادی‌های کشور سکونت داشته‌اند که از این تعداد بیش‌ترین آن‌ها در استان خراسان رضوی با ۴۷۴۶۷۱ خانوار قرار دارند. بعد از آن استان‌های مازندران (۴۱۹۲۳۱ خانوار) و فارس (۳۸۸۶۸۰ خانوار) قرار دارند. همانند جدول ۳-۲، در این مورد نیز استان قم با ۱۵۳۷۸ مورد کم‌ترین خانوارهای کشور را در خود جای داده است.

بررسی نتایج این جدول نشان می‌دهد که بعد خانوار در آبادی‌های کل کشور ۳/۷ است در حالی که این رقم برای کل کشور در سرشماری ۱۳۸۵ برابر ۳/۵ بدست آمده است. بررسی بعد خانوار از سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۶۵ بعد خانوار در کشور افزایش و به اوج خود می‌رسد ولیکن در سال ۱۳۷۵ روند نزولی یافته و این روند در سال ۱۳۹۰ نیز ادامه می‌یابد. با این حال بالاترین رقم بعد خانوار آبادی‌های کشور به استان خوزستان با ۴/۴ نفر اختصاص دارد. بعد از این استان، استان‌های سیستان و بلوچستان (۴/۳ نفر) و بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد و ایلام (۴/۲ نفر) قرار دارند. در مقابل پایین‌ترین رقم بعد خانوار آبادی‌ها به استان گیلان با ۳/۲ نفر مربوط می‌شود که قبل از آن استان‌های سمنان، مرکزی و مازندران با ۳/۳ نفر و قرار گرفته‌اند (شکل ۳-۷).

جدول ۳-۲۴- تعداد و بعد خانوارهای آبادی‌ها به تفکیک استان

استان	تعداد خانوار	بعد خانوار
کل کشور	۵۷۴۴۶۱۴	۳/۷
آذربایجان شرقی	۳۱۸۷۶۴	۳/۶
آذربایجان غربی	۲۸۶۷۸۱	۴/۰
اردبیل	۱۱۹۳۸۷	۳/۸
اصفهان	۲۱۰۸۲۸	۳/۴
البرز	۶۶۹۹۸	۳/۴
ایلام	۴۷۴۰۷	۴/۲
بوشهر	۷۷۷۴۵	۴/۲
تهران	۲۳۵۱۹۳	۳/۷
چهارمحال و بختیاری	۹۳۰۷۶	۴/۰
خراسان جنوبی	۸۴۴۱۷	۳/۵
خراسان رضوی	۴۷۴۶۷۱	۳/۵
خراسان شمالی	۱۱۵۶۰۸	۳/۶
خوزستان	۲۹۶۰۲۴	۴/۴
زنجان	۱۰۶۰۰۴	۳/۶
سمنان	۴۳۲۵۱	۳/۳
سیستان و بلوچستان	۲۹۷۵۹۹	۴/۳
فارس	۳۸۸۶۸۰	۳/۸
قزوین	۹۵۴۷۳	۳/۴
قم	۱۵۳۷۸	۳/۶
کردستان	۱۳۱۱۱۶	۳/۹
کرمان	۳۳۳۲۴۸	۳/۷
کرمانشاه	۱۵۰۸۳۴	۳/۹
کهگیلویه و بویراحمد	۷۳۵۹۴	۴/۲
گلستان	۲۲۹۰۷۱	۳/۸
گیلان	۳۰۶۴۲۱	۳/۲
لرستان	۱۶۹۸۷۵	۴/۰
مازندران	۴۱۹۲۳۱	۳/۳
مرکزی	۱۱۲۷۲۸	۳/۳
هرمزگان	۱۹۲۱۹۶	۴/۱
همدان	۱۹۹۹۵۱	۳/۶
یزد	۵۳۰۶۵	۳/۵



شکل ۳-۷- به تفکیک بعد خانوار آبادی‌های استان

۳-۳-۱- جمعیت آبادی‌ها بر حسب گروه‌های عمده‌ی سنی

جدول شماره ۳-۲۵ جمعیت گروه‌های عمده‌ی سنی آبادی‌های را در کل کشور و به تفکیک استان نشان می‌دهد. همان‌طوری که مشاهده بیشتر جمعیت کل و اغلب جمعیت آبادی‌های استان در گروه سنی ۶۴-۱۵ ساله قرار دارند. همچنین سهم جمعیت در این گروه سنی در استان‌های مازندران، ایلام، کرمانشاه، تهران و گیلان بیش‌تر از استان‌های دیگر است. این در حالی است که بیش‌ترین سهم جمعیت جوان کشور در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد، به‌گونه‌ای که این مورد تنها استانی است که جمعیت گروه سنی ۱۴-۰ ساله آن بیش‌تر از دیگر طبقات سنی است (۳۹/۷ سال). از این جدول قابل استنباط است که جمعیت کشور در حال خروج از جوانی جمعیت و غالب شدن جمعیت میان‌سال در کشور است.

جدول ۳-۲۵- جمعیت گروه‌های عمده‌ی سنی در آبادی‌ها به تفکیک استان

استان	۰ تا ۱۴ سال		۱۵ تا ۶۴ سال		۶۵ ساله و بیش‌تر		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۵۶۰۴۲۷۲	۲۶/۱	۱۴۴۴۵۸۴۴	۶۷/۴	۱۳۹۶۶۶۷	۶/۵	۲۱۴۴۶۷۸۳	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۲۸۱۸۲۷	۲۴/۶	۷۷۴۶۹۹	۶۷/۶	۸۸۹۱۶	۷/۸	۱۱۴۵۴۴۲	۱۰۰/۰
آذربایجان غربی	۳۱۳۵۹۳	۲۷/۳	۷۷۱۰۲۲	۶۷/۲	۶۳۴۱۷	۵/۵	۱۱۴۸۰۳۲	۱۰۰/۰
اردبیل	۱۰۵۳۱۲	۲۳/۴	۳۰۹۸۳۱	۶۸/۹	۳۴۴۰۳	۷/۷	۴۴۹۵۴۶	۱۰۰/۰
اصفهان	۱۵۷۱۴۵	۲۲/۱	۴۹۴۹۰۸	۶۹/۶	۵۸۹۳۶	۸/۳	۷۱۰۹۸۹	۱۰۰/۰
البرز	۵۳۱۱۲	۲۳/۳	۱۶۰۹۵۰	۷۰/۵	۱۴۰۸۰	۶/۲	۲۲۸۱۴۲	۱۰۰/۰
ایلام	۴۴۹۹۵	۲۲/۶	۱۴۳۲۵۸	۷۱/۹	۱۱۰۷۴	۵/۶	۱۹۹۳۲۷	۱۰۰/۰
بوشهر	۸۰۵۲۲	۲۴/۷	۲۲۹۷۵۲	۷۰/۵	۱۵۷۱۹	۴/۸	۳۲۵۹۹۳	۱۰۰/۰
تهران	۲۱۹۳۹۶	۲۵/۰	۶۲۱۱۶۸	۷۰/۸	۳۶۸۷۳	۴/۲	۸۷۷۴۳۷	۱۰۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۱۰۲۰۶۵	۲۷/۴	۲۴۹۸۳۹	۶۷/۰	۲۰۸۴۲	۵/۶	۳۷۲۷۴۶	۱۰۰/۰
خراسان جنوبی	۸۱۹۲۲	۲۸/۱	۱۷۹۶۲۸	۶۱/۶	۲۹۸۸۵	۱۰/۳	۲۹۱۴۳۵	۱۰۰/۰
خراسان رضوی	۴۷۳۶۳۶	۲۸/۲	۱۰۸۶۱۷۲	۶۴/۶	۱۲۲۵۹۷	۷/۳	۱۶۸۲۴۰۵	۱۰۰/۰
خراسان شمالی	۱۲۰۶۱۴	۲۸/۸	۲۷۲۳۳۸	۶۵/۰	۲۶۱۱۶	۶/۲	۴۱۹۰۶۸	۱۰۰/۰
خوزستان	۳۹۵۰۶۵	۳۰/۴	۸۵۲۸۸۳	۶۵/۵	۵۳۳۲۰	۴/۱	۱۳۰۱۲۶۸	۱۰۰/۰
زنجان	۹۲۶۱۷	۲۴/۳	۲۵۹۴۴۹	۶۸/۱	۲۸۸۵۹	۷/۶	۳۸۰۹۲۵	۱۰۰/۰
سمنان	۳۱۸۷۲	۲۲/۰	۹۹۰۳۲	۶۸/۴	۱۳۹۶۹	۹/۶	۱۴۴۸۷۳	۱۰۰/۰
سیستان و بلوچستان	۵۱۱۸۵۴	۳۹/۷	۷۲۷۲۳۹	۵۶/۵	۴۹۰۶۷	۳/۸	۱۲۸۸۱۶۰	۱۰۰/۰
فارس	۳۵۷۸۲۶	۲۴/۳	۱۰۳۰۰۰۴	۶۹/۸	۸۷۵۲۰	۵/۹	۱۴۷۵۳۵۰	۱۰۰/۰
قزوین	۷۳۷۴۳	۲۲/۸	۲۲۱۶۳۲	۶۸/۷	۲۷۴۱۲	۸/۵	۳۲۲۷۸۷	۱۰۰/۰
قم	۱۲۳۸۲	۲۲/۲	۳۸۳۱۰	۶۸/۷	۵۱۰۶	۹/۲	۵۵۷۹۸	۱۰۰/۰
کردستان	۱۲۱۹۹۷	۲۴/۰	۳۵۰۲۴۹	۶۹/۰	۳۵۵۲۵	۷/۰	۵۰۷۷۷۱	۱۰۰/۰
کرمان	۳۵۶۵۳۲	۲۸/۷	۸۱۸۹۱۴	۶۵/۹	۶۶۸۹۸	۵/۴	۱۲۴۲۳۴۴	۱۰۰/۰
کرمانشاه	۱۳۲۶۵۶	۲۲/۶	۴۱۵۸۵۳	۷۰/۹	۳۸۱۱۲	۶/۵	۵۸۶۶۲۱	۱۰۰/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۸۴۴۷۶	۲۷/۲	۲۰۸۴۳۳	۶۷/۱	۱۷۶۰۹	۵/۷	۳۱۰۵۱۸	۱۰۰/۰
گلستان	۲۳۶۷۲۵	۲۷/۲	۵۹۳۲۲۹	۶۸/۲	۴۰۱۱۴	۴/۶	۸۷۰۰۶۸	۱۰۰/۰
گیلان	۱۸۳۹۲۲	۱۸/۷	۶۹۴۲۲۱	۷۰/۶	۱۰۵۵۵۸	۱۰/۷	۹۸۳۷۰۱	۱۰۰/۰
لرستان	۱۷۱۳۹۹	۲۵/۳	۴۶۸۳۷۷	۶۹/۱	۳۷۶۴۰	۵/۶	۶۷۷۴۱۶	۱۰۰/۰
مازندران	۲۷۷۰۹۱	۱۹/۹	۱۰۰۳۹۷۸	۷۲/۱	۱۱۰۷۱۷	۸/۰	۱۳۹۱۷۸۶	۱۰۰/۰
مرکزی	۷۴۷۳۳	۲۰/۳	۲۴۷۹۸۲	۶۷/۲	۴۶۲۴۳	۱۲/۵	۳۶۸۹۵۸	۱۰۰/۰
هرمزگان	۲۴۵۱۱۶	۳۱/۲	۵۰۳۵۶۷	۶۴/۰	۳۷۶۹۶	۴/۸	۷۸۶۳۷۹	۱۰۰/۰
همدان	۱۶۷۰۸۲	۲۳/۳	۴۹۴۹۹۳	۶۹/۱	۵۴۵۹۴	۷/۶	۷۱۶۶۶۹	۱۰۰/۰
یزد	۴۳۰۴۵	۲۳/۳	۱۲۳۹۳۴	۶۷/۱	۱۷۸۵۰	۹/۷	۱۸۴۸۲۹	۱۰۰/۰

۳-۳-۲- جوانی و سالیان‌دگی جمعیت آبادی‌ها

همان‌طوری که قبلاً گفته شد جوانی و سالیان‌دگی جمعیت دو مبحث مهم در ساختار سنی جوامع محسوب می‌شوند. همچنان که مشاهده می‌شود، براساس استانداردهای ساختار جمعیتی، آبادی‌های کشور از حالت جامعه‌ی جوان (۴۰ درصد و بیش‌تر جمعیت زیر ۱۵ سال) خارج شده است و از سوی دیگر نیز هنوز به

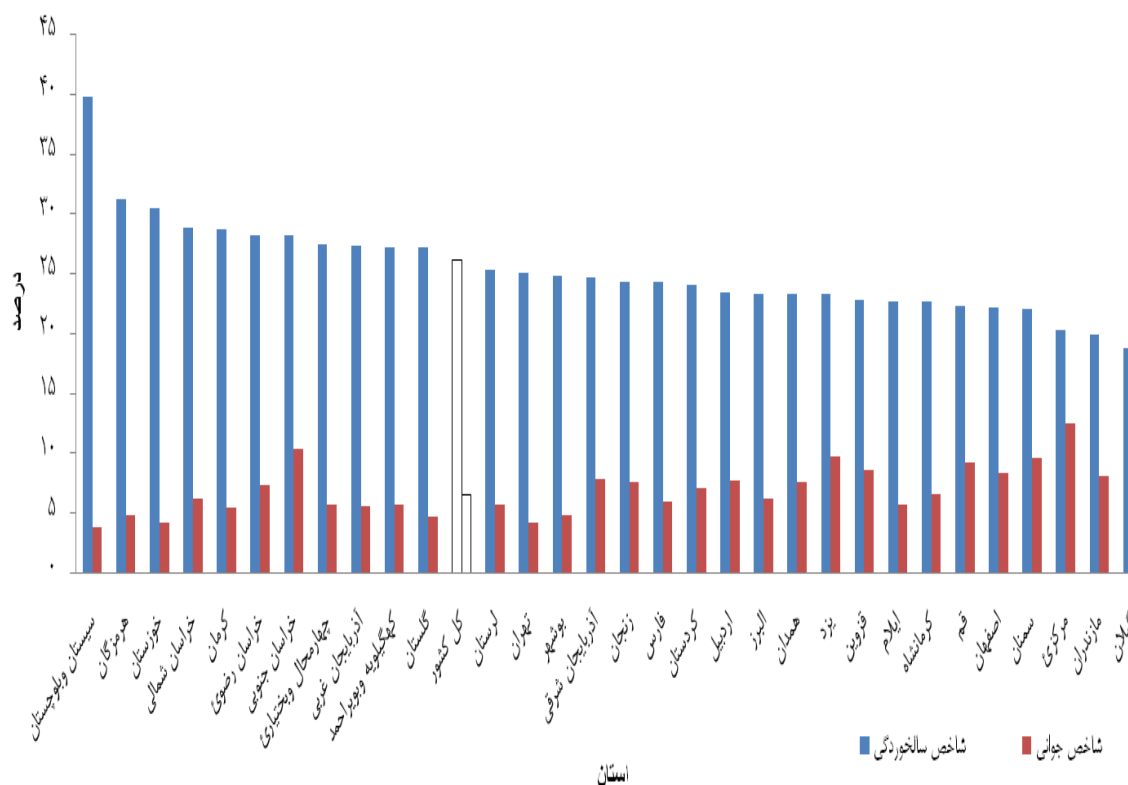
استاندارد جمعیت سالخورده (۱۰ درصد و بیشتر جمعیت بالای ۶۵ سال) نرسیده است.

جدول ۳-۲۶- شاخص جوانی و سالخوردگی آبادی‌ها به تفکیک استان

استان	شاخص جوانی	شاخص بزرگسالی
کل کشور	۲۶/۱	۶/۵
آذربایجان شرقی	۲۴/۶	۷/۸
آذربایجان غربی	۲۷/۳	۵/۵
اردبیل	۲۳/۴	۷/۷
اصفهان	۲۲/۱	۸/۳
البرز	۲۳/۳	۶/۲
ایلام	۲۲/۶	۵/۶
بوشهر	۲۴/۷	۴/۸
تهران	۲۵/۰	۴/۲
چهارمحال و بختیاری	۲۷/۴	۵/۶
خراسان جنوبی	۲۸/۱	۱۰/۳
خراسان رضوی	۲۸/۲	۷/۳
خراسان شمالی	۲۸/۸	۶/۲
خوزستان	۳۰/۴	۴/۱
زنجان	۲۴/۳	۷/۶
سمنان	۲۲/۰	۹/۶
سیستان و بلوچستان	۳۹/۷	۳/۸
فارس	۲۴/۳	۵/۹
قزوین	۲۲/۸	۸/۵
قم	۲۲/۲	۹/۲
کردستان	۲۴/۰	۷/۰
کرمان	۲۸/۷	۵/۴
کرمانشاه	۲۲/۶	۶/۵
کهگیلویه و بویراحمد	۲۷/۲	۵/۷
گلستان	۲۷/۲	۴/۶
گیلان	۱۸/۷	۱۰/۷
لرستان	۲۵/۳	۵/۶
مازندران	۱۹/۹	۸/۰
مرکزی	۲۰/۳	۱۲/۵
هرمزگان	۳۱/۲	۴/۸
همدان	۲۳/۳	۷/۶
یزد	۲۳/۳	۹/۷

به لحاظ تحلیلی این بدان معنا است که جمعیت آبادی‌های کشور ما نه مختصات آبادی‌های یک کشور جهانی
سومی و عقب‌مانده و نه مختصات یک کشور پیشرفته‌ی صنعتی را دارد. بلکه چیزی بین این دو، یعنی مختصات

کشورهای در حال توسعه را داراست. بررسی این دو شاخص به تفکیک استان حاکی از آن است که هیچ کدام از استان‌های کشور در محدوده تعریف یک جمعیت جوان (۴۰ درصد و بیش‌تر) قرار ندارند. از سوی دیگر استان مرکزی با ۱۲/۵ بالاترین مقدار سالخوردگی را کسب کرده و طبق استانداردها شرایط یک جمعیت سالخورده را دارد. البته استان‌های گیلان، خراسان جنوبی نیز به ترتیب با ۱۰/۷ و ۱۰/۳ درصد شرایط جمعیت سالخورده را دارند (جدول ۳-۲۶ و شکل ۳-۸).



شکل ۳-۸- شاخص‌های جوانی و سالخوردگی جمعیت آبادی‌ها به تفکیک استان

۳-۳-۴- وضعیت زناشویی و عمومیت ازدواج در آبادی‌ها

۳-۳-۴-۱- وضعیت زناشویی در آبادی‌ها

جدول شماره ۳-۲۷ وضعیت زناشویی کل کشور و استان‌های مختلف را بر حسب جمعیت و درصد نشان می‌دهد. همان‌طوری که مشاهده می‌شود ۶۰/۲ درصد (۱۰۶۰۰۶۶ نفر)، از جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌های کشور دارای همسر هستند و در مقابل ۳۴/۶ درصد (۶۰۸۴۱۰۹ نفر) هرگز ازدواج نکرده‌اند. این در حالی است که وضعیت زناشویی ۴/۵ درصد جمعیت آبادی‌های کشور (۷۸۷۳۶۰ نفر) بی همسر بر اثر فوت همسر و ۰/۶ درصد (۱۰۹۹۶۰ نفر) بی همسر بر اثر طلاق همسر گزارش شده است. همچنین بررسی وضعیت زناشویی افراد در استان‌های مختلف نشان می‌دهد در تمام استان‌های کشور سهم جمعیت دارای همسر بیش‌تر از دیگر وضعیت‌های زناشویی است.

جدول ۳-۲۷- وضعیت زناشویی جمعیت آبادی‌ها به تفکیک استان

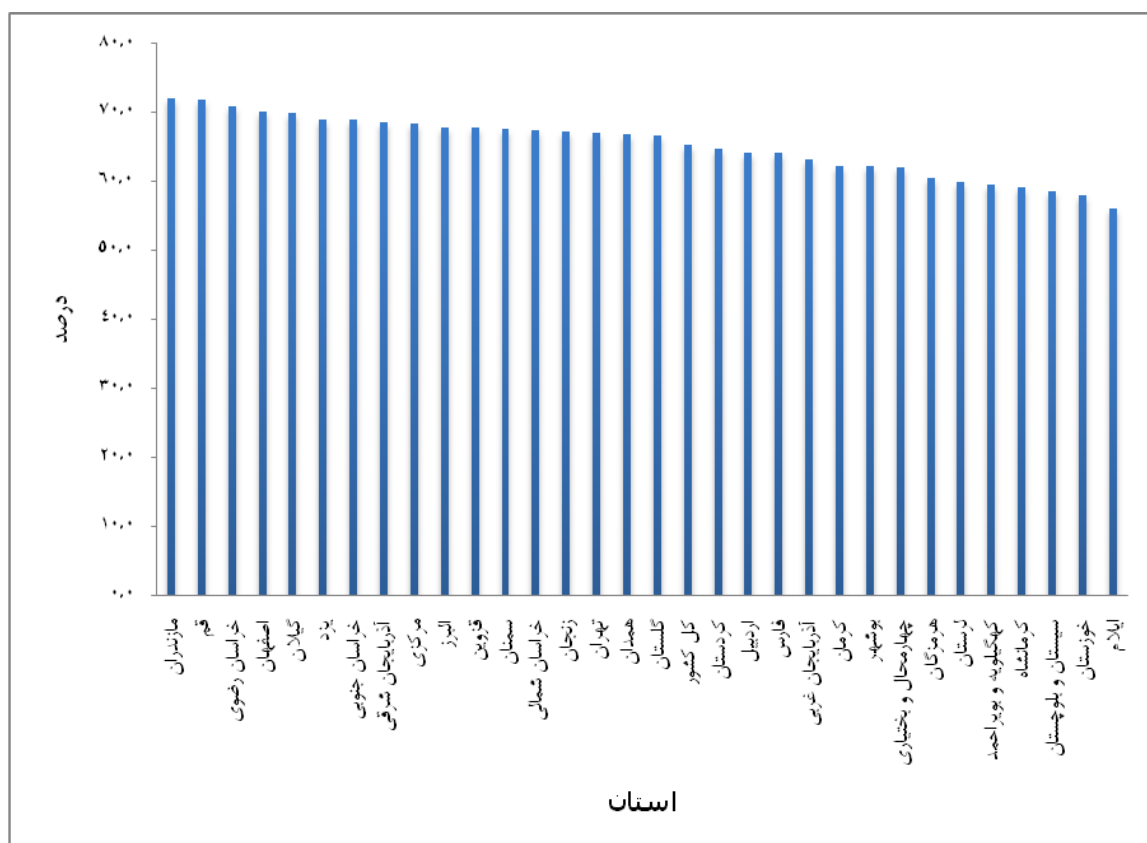
استان	دارای همسر		بی‌همسر بر اثر فوت		بی‌همسر بر اثر طلاق		هرگز ازدواج نکرده	
	تعداد	درصد	تعداد	در	تعداد	در	تعداد	درصد
کل کشور	۱۰۶۰۰۶۶۰	۶۰/۲	۷۸۷۳۶۰	۴/۵	۱۰۹۹۶۰	۰/۶	۶۰۸۴۱۰۹	۳۴/۶
آذربایجان شرقی	۶۰۳۳۶۳	۶۳/۵	۴۴۳۵۶	۴/۷	۳۸۲۱	۰/۴	۲۹۸۶۶۵	۳۱/۴
آذربایجان غربی	۵۴۷۰۴۷	۵۸/۷	۳۸۴۵۶	۴/۱	۳۶۸۴	۰/۴	۳۴۱۹۸۹	۳۶/۷
اردبیل	۲۲۳۶۹۴	۵۸/۹	۱۸۳۹۸	۴/۸	۱۷۴۸	۰/۵	۱۳۶۰۷۰	۳۵/۸
اصفهان	۳۹۰۷۰۳	۶۴/۸	۲۸۴۳۲	۴/۷	۳۵۵۳	۰/۶	۱۷۹۸۱۱	۲۹/۸
البرز	۱۲۱۵۳۵	۶۳/۱	۷۵۳۸	۳/۹	۱۷۵۵	۰/۹	۶۱۶۹۲	۳۲/۰
ایلام	۸۶۹۰۹	۵۱/۵	۷۱۵۵	۴/۲	۶۸۷	۰/۴	۷۳۸۰۸	۴۳/۸
بوشهر	۱۵۵۲۴۷	۵۸/۱	۹۷۵۴	۳/۶	۱۴۸۵	۰/۶	۹۳۸۹۹	۳۵/۱
تهران	۴۵۳۹۹۳	۶۲/۲	۲۸۵۰۰	۳/۹	۷۰۰۲	۱/۰	۲۳۸۶۷۶	۳۲/۷
چهارمحال و	۱۷۴۲۲۴	۵۷/۷	۱۱۷۹۵	۳/۹	۱۱۰۹	۰/۴	۱۱۴۵۹۹	۳۸/۰
خراسان جنوبی	۱۴۶۲۱۶	۶۲/۴	۱۴۰۵۸	۶/۰	۱۴۲۳	۰/۵	۷۲۵۱۱	۳۱/۰
خراسان رضوی	۸۸۷۰۹۷	۶۵/۵	۶۳۸۶۱	۴/۷	۱۰۷۵۴	۰/۸	۳۹۳۲۴۸	۲۹/۰
خراسان شمالی	۲۰۸۶۶۹	۶۱/۹	۱۶۱۸۲	۴/۸	۲۲۱۹	۰/۷	۱۰۹۸۱۳	۳۲/۶
خوزستان	۵۵۸۳۶۳	۵۴/۳	۳۵۱۷۸	۳/۴	۴۷۵۴	۰/۵	۴۳۰۳۳۳	۴۱/۸
زنجان	۱۹۷۵۳۱	۶۲/۲	۱۴۵۷۳	۴/۶	۱۵۵۲	۰/۵	۱۰۳۷۱۱	۳۲/۷
سمنان	۷۵۴۲۰	۶۱/۲	۷۲۳۱	۵/۹	۸۶۱	۰/۷	۳۹۶۴۱	۳۲/۲
سیستان و	۴۹۷۲۰۳	۵۳/۸	۳۸۱۰۰	۴/۱	۶۴۹۲	۰/۷	۳۸۲۲۰۱	۴۱/۳
فارس	۷۲۸۸۲۱	۵۹/۴	۵۱۰۱۶	۴/۲	۶۶۳۷	۰/۵	۴۳۷۳۴۸	۳۵/۷
قزوین	۱۷۰۱۲۴	۶۲/۵	۱۳۲۶۹	۴/۹	۱۳۷۵	۰/۵	۸۷۴۴۹	۳۲/۱
قم	۳۱۰۳۵	۶۵/۳	۲۷۹۵	۵/۹	۳۳۴	۰/۷	۱۳۳۴۸	۲۸/۱
کردستان	۲۵۲۰۸۳	۵۹/۳	۲۰۱۸۴	۴/۷	۲۷۰۲	۰/۶	۱۵۰۰۲۴	۳۵/۳
کرمان	۵۷۳۰۶۰	۵۷/۵	۴۱۵۵۴	۴/۲	۷۱۶۸	۰/۷	۳۷۵۲۰۳	۳۷/۶
کرمانشاه	۲۶۸۶۰۷	۵۴/۰	۲۲۷۹۹	۴/۶	۳۲۵۴	۰/۷	۲۰۲۷۰۴	۴۰/۷
کهگیلویه و	۱۴۸۷۳۹	۵۵/۳	۹۵۵۸	۳/۸	۱۰۸۹	۰/۴	۱۰۱۵۱۶	۴۰/۵
گلستان	۴۳۳۹۵۴	۶۱/۸	۳۰۵۳۲	۴/۳	۴۲۰۸	۰/۶	۲۳۳۷۴۷	۳۳/۳
گیلان	۵۴۷۰۱۰	۶۲/۹	۵۳۳۸۹	۶/۱	۷۴۹۲	۰/۹	۲۶۱۲۷۵	۳۰/۱
لرستان	۳۱۰۴۸۲	۵۵/۳	۲۳۳۸۱	۴/۲	۲۳۰۵	۰/۴	۲۲۴۷۶۶	۴۰/۱
مازندران	۸۰۸۷۰	۶۷/۰	۵۳۴۱۵	۴/۴	۹۴۰۲	۰/۸	۳۳۵۵۶۷	۲۷/۸
مرکزی	۱۹۶۰۸۳	۶۱/۶	۱۹۶۷۶	۶/۲	۲۳۳۲	۰/۷	۱۰۰۳۴۷	۳۱/۵
هرمزگان	۳۴۵۷۲۵	۵۵/۸	۲۴۷۴۴	۴/۰	۴۹۵۳	۰/۸	۲۴۴۲۳۰	۳۹/۴
همدان	۳۷۰۵۷۷	۶۱/۴	۲۹۶۵۰	۴/۹	۳۴۸۲	۰/۶	۱۹۹۸۳۲	۳۳/۱
یزد	۹۸۲۷۶	۶۳/۵	۷۸۳۱	۵/۱	۶۲۸	۰/۴	۴۶۱۰۶	۲۹/۸

۳-۳-۴-۲- عمومیت ازدواج در آبادی‌ها

بر اساس نتایج جدول ۳-۲۸ شاخص عمومیت ازدواج در آبادی‌های کشور ۶۵/۳ درصد است. یعنی حدود ۶۵ درصد از مردان و زنان بالای ۱۰ سال آبادی‌های کشور حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند. همسو با نتایج جدول قبل، کم‌ترین مقدار این شاخص به آبادی‌های استان ایلام (۵۶/۲ درصد) و بیش‌ترین آن به آبادی‌های استان مازندران (۷۲/۲ درصد) اختصاص دارد (شکل ۳-۹).

جدول ۳-۲۸- عمومیت ازدواج در آبادی‌ها به تفکیک استان

عمومیت ازدواج	استان
۶۵/۳	کل کشور
۶۸/۶	آذربایجان شرقی
۶۳/۲	آذربایجان غربی
۶۴/۲	اردبیل
۷۰/۱	اصفهان
۶۷/۹	البرز
۵۶/۲	ایلام
۶۲/۳	بوشهر
۶۷/۱	تهران
۶۲/۰	چهارمحال و بختیاری
۶۹/۰	خراسان جنوبی
۷۱/۰	خراسان رضوی
۶۷/۴	خراسان شمالی
۵۸/۱	خوزستان
۶۷/۳	زنجان
۶۷/۸	سمنان
۵۸/۶	سیستان و بلوچستان
۶۴/۱	فارس
۶۷/۹	قزوین
۷۱/۹	قم
۶۴/۷	کردستان
۶۲/۳	کرمان
۵۹/۲	کرمانشاه
۵۹/۵	کهگیلویه و بویراحمد
۶۶/۷	گلستان
۶۹/۹	گیلان
۵۹/۹	لرستان
۷۲/۲	مازندران
۶۸/۵	مرکزی
۶۰/۵	هرمزگان
۶۶/۹	همدان
۶۹/۰	یزد



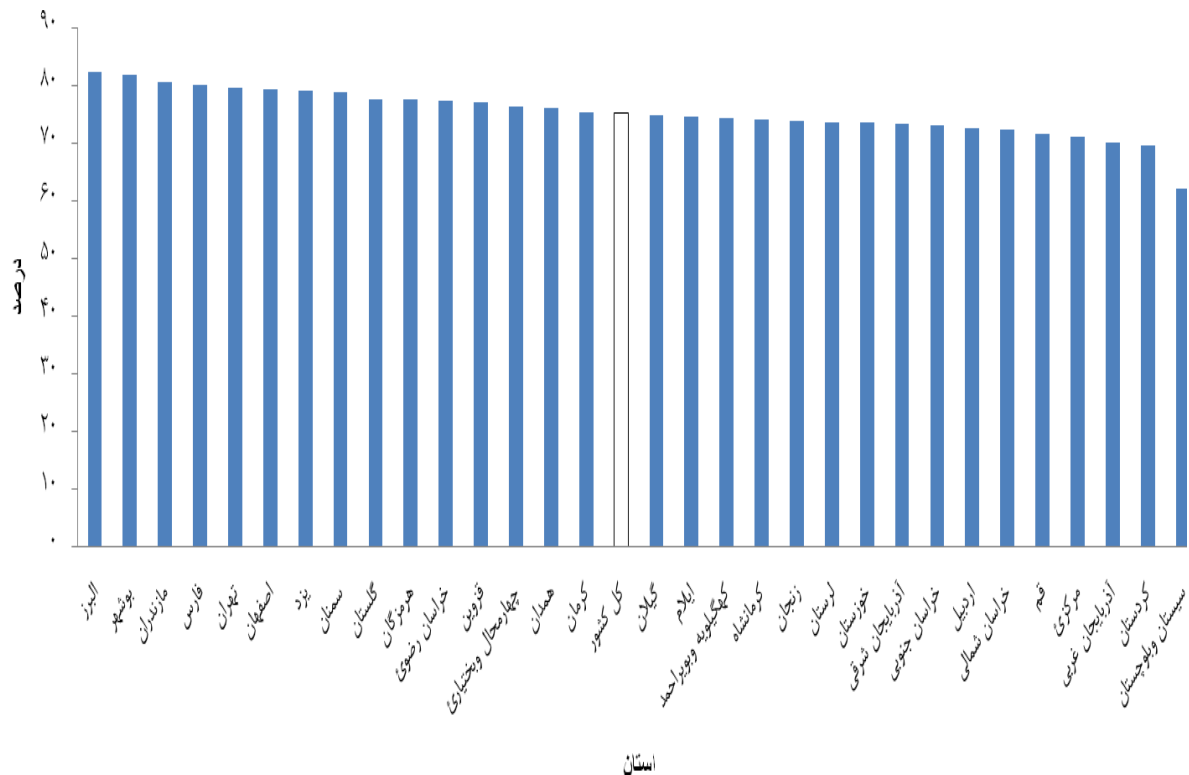
شکل ۳-۹- عمومیت ازدواج در آبادی‌ها به تفکیک استان

۳-۳-۵- جمعیت در سن تحصیل آبادی‌ها بر حسب وضع سواد

جدول ۳-۲۹ تعداد جمعیت شش ساله و بیشتر، جمعیت بی‌سواد و جمعیت باسواد آبادی‌های کل کشور را به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد. براساس نتایج این جدول ۱۹۰۲۳۲۹۴ نفر جمعیت شش ساله و بیشتر در آبادی‌های کشور وجود دارد که در این بین استان خراسان رضوی با ۱۴۷۶۱۷۲ نفر بیش‌ترین جمعیت شش ساله و بیشتر را به خود اختصاص داده است. بعد از این استان، استان‌های فارس و مازندران هر کدام به ترتیب ۱۳۱۶۱۹۱ و ۱۲۷۹۷۷۷ نفر قرار دارد. در حالی است که بیش‌ترین جمعیت بی‌سواد آبادی کشور با ۴۰۱۹۹۴ در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد، استان‌های خراسان رضوی با ۳۳۴۶۲۸ نفر و آذربایجان غربی با ۳۰۳۳۴۶ نفر در مراتب بعدی قرار دارند. از سویی دیگر، بیش‌ترین تعداد جمعیت باسواد آبادی کشور نیز در استان خراسان رضوی (۱۱۴۱۵۴۴ نفر)، فارس (۱۰۵۲۲۶۰ نفر) و مازندران (۱۰۲۹۱۴۸ نفر) قرار دارد. به هر حال با وجود توضیحات فوق بالاترین نرخ باسوادی نقاط آبادی‌ها کشور با ۸۲/۲ درصد به استان البرز اختصاص دارد. در مراتب دوم و سوم استان‌های بوشهر با ۸۱/۷ و مازندران با ۸۰/۴ درصد قرار دارند. کم‌ترین مقدار باسوادی نیز از آن استان سیستان و بلوچستان با ۶۱/۹ درصد می‌باشد که قبل از آن استان‌های کردستان با ۶۹/۵ درصد و آذربایجان غربی با ۷۰/۱ درصد قرار گرفته‌اند (شکل ۳-۱۰).

جدول ۳-۲۹- جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر، بی سواد و باسواد و نرخ باسوادی آبادی‌ها

استان	جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر		جمعیت بی‌سواد		جمعیت باسواد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۱۹۰۲۳۲۹۴	۱۰۰/۰	۴۷۳۶۵۶۱	۲۴/۹	۱۴۲۸۶۷۳۳	۷۵/۱
آذربایجان شرقی	۱۰۲۳۶۶۷	۱۰۰/۰	۲۷۲۸۶۷	۲۶/۷	۷۵۰۸۰۰	۷۳/۳
آذربایجان غربی	۱۰۱۳۱۳۰	۱۰۰/۰	۳۰۳۳۴۶	۲۹/۹	۷۰۹۷۸۴	۷۰/۱
اردبیل	۴۰۶۰۲۹	۱۰۰/۰	۱۱۱۲۴۰	۲۷/۴	۲۹۴۷۸۹	۷۲/۶
اصفهان	۶۴۲۷۵۶	۱۰۰/۰	۱۳۳۴۶۲	۲۰/۸	۵۰۹۲۹۴	۷۹/۲
البرز	۲۰۶۷۲۳	۱۰۰/۰	۳۶۸۸۳	۱۷/۸	۱۶۹۸۴۰	۸۲/۲
ایلام	۱۷۹۹۲۰	۱۰۰/۰	۴۵۸۸۱	۲۵/۵	۱۳۴۰۳۹	۷۴/۵
بوشهر	۲۸۷۴۳۲	۱۰۰/۰	۵۲۶۰۱	۱۸/۳	۲۳۴۸۳۱	۸۱/۷
تهران	۷۸۶۵۷۹	۱۰۰/۰	۱۶۲۳۵۴	۲۰/۶	۶۲۴۲۲۵	۷۹/۴
چهارمحال و بختیاری	۳۲۷۲۷۵	۱۰۰/۰	۷۷۹۶۴	۲۳/۸	۲۴۹۳۱۱	۷۶/۲
خراسان جنوبی	۲۵۶۴۴۸	۱۰۰/۰	۶۹۳۲۸	۲۷/۰	۱۸۷۱۲۰	۷۳/۰
خراسان رضوی	۱۴۷۶۱۷۲	۱۰۰/۰	۳۳۴۶۲۸	۲۲/۷	۱۱۴۱۵۴۴	۷۷/۳
خراسان شمالی	۳۶۶۶۷۵	۱۰۰/۰	۱۰۱۶۲۳	۲۷/۷	۲۶۵۰۵۲	۷۲/۳
خوزستان	۱۱۲۸۲۷۱	۱۰۰/۰	۳۰۰۱۷۵	۲۶/۶	۸۲۸۰۹۶	۷۳/۴
زنجان	۳۴۰۳۸۵	۱۰۰/۰	۸۹۲۱۲	۲۶/۲	۲۵۱۱۷۳	۷۳/۸
سمنان	۱۳۱۴۶۲	۱۰۰/۰	۲۷۹۰۰	۲۱/۲	۱۰۳۵۶۲	۷۸/۸
سیستان و بلوچستان	۱۰۵۴۰۷۶	۱۰۰/۰	۴۰۱۹۹۴	۳۸/۱	۶۵۲۰۸۲	۶۱/۹
فارس	۱۳۱۶۱۹۱	۱۰۰/۰	۲۶۳۹۳۱	۲۰/۱	۱۰۵۲۲۶۰	۷۹/۹
قزوین	۲۹۱۳۲۶	۱۰۰/۰	۶۷۱۹۱	۲۳/۱	۲۲۴۱۳۵	۷۶/۹
قم	۵۰۶۹۸	۱۰۰/۰	۱۴۳۹۰	۲۸/۴	۳۶۳۰۸	۷۱/۶
کردستان	۴۵۷۰۵۷	۱۰۰/۰	۱۳۹۴۲۰	۳۰/۵	۳۱۷۶۳۷	۶۹/۵
کرمان	۱۰۸۷۰۴۲	۱۰۰/۰	۲۶۸۲۸۸	۲۴/۷	۸۱۸۷۵۴	۷۵/۳
کرمانشاه	۵۳۱۴۰۸	۱۰۰/۰	۱۳۸۸۲۰	۲۶/۱	۳۹۲۵۸۸	۷۳/۹
کهگیلویه و بویراحمد	۲۷۲۳۲۰	۱۰۰/۰	۶۹۹۵۰	۲۵/۷	۲۰۲۳۷۰	۷۴/۳
گلستان	۷۶۰۸۲۶	۱۰۰/۰	۱۷۰۱۱۲	۲۲/۴	۵۹۰۷۱۴	۷۷/۶
گیلان	۹۱۶۰۹۹	۱۰۰/۰	۲۳۰۶۵۵	۲۵/۲	۶۸۵۴۴۴	۷۴/۸
لرستان	۶۰۴۵۵۰	۱۰۰/۰	۱۶۰۴۲۳	۲۶/۵	۴۴۴۱۲۷	۷۳/۵
مازندران	۱۲۷۹۷۷۷	۱۰۰/۰	۲۵۰۶۲۹	۱۹/۶	۱۰۲۹۱۴۸	۸۰/۴
مرکزی	۳۳۷۶۲۲	۱۰۰/۰	۹۷۹۹۶	۲۹/۰	۲۳۹۶۲۶	۷۱/۰
هرمزگان	۶۸۰۷۵۴	۱۰۰/۰	۱۵۳۰۵۴	۲۲/۵	۵۲۷۷۰۰	۷۷/۵
همدان	۶۴۵۰۲۳	۱۰۰/۰	۱۵۵۳۵۵	۲۴/۱	۴۸۹۶۶۸	۷۵/۹
یزد	۱۶۵۶۰۱	۱۰۰/۰	۳۴۸۸۹	۲۱/۱	۱۳۰۷۱۲	۷۸/۹



شکل ۳-۱۰- نرخ باسوادی در آبادی‌ها

۳-۳-۶-۱- جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر بر حسب جنس

جدول ۳-۳ جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌ها را به تفکیک استان نشان می‌دهد. همان‌طوری که مشاهده می‌شود جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر کل کشور ۱۷۶۰۱۰۰۷ نفر می‌باشد که از این تعداد ۵/۵ درصد مرد و ۴۹/۵ درصد زن هستند. بررسی ستون‌های درصد مردان و زنان نشان می‌دهد که در بیش‌تر استان‌های کشور تعداد مردان بیش‌تر از زنان است، به گونه‌ای که در ۹ استان تعداد زنان بیش‌تر از مردان و در سایر استان‌ها تعداد مردان بیش‌تر از زنان بدست آمده است. با مقایسه اطلاعات این جدول با جدول ۲-۳ ملاحظه می‌شود که نسبت جنسی جمعیت آبادی‌ها در ۲۳ استان عدد ۱۰۰ و بیش‌تر است و این روند برای جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر نیز در ۲۲ استان وجود دارد.

جدول ۳-۳- جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان

استان	کل		مرد		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۱۷۶۰۱۰۰۷	۱۰۰/۰	۸۸۸۴۲۲۵	۵۰/۵	۸۷۱۶۷۸۲	۴۹/۵
آذربایجان شرقی	۹۵۰۴۴۰	۱۰۰/۰	۴۷۹۹۰۸	۵۰/۵	۴۷۰۵۳۲	۴۹/۵
آذربایجان غربی	۹۳۲۶۳۳	۱۰۰/۰	۴۷۲۸۵۳	۵۰/۷	۴۵۹۷۸۰	۴۹/۳
اردبیل	۳۷۹۹۵۷	۱۰۰/۰	۱۹۱۱۲۴	۵۰/۳	۱۸۸۸۳۳	۴۹/۷
اصفهان	۶۰۲۶۷۷	۱۰۰/۰	۳۱۰۲۷۳	۵۱/۵	۲۹۲۴۰۴	۴۸/۵
البرز	۱۹۲۵۶۹	۱۰۰/۰	۹۹۷۶۵	۵۱/۸	۹۲۸۰۴	۴۸/۲
ایلام	۱۶۸۶۶۴	۱۰۰/۰	۸۵۶۹۷	۵۰/۸	۸۲۹۶۷	۴۹/۲
بوشهر	۲۶۷۲۵۱	۱۰۰/۰	۱۴۶۱۵۵	۵۴/۷	۱۲۱۰۹۶	۴۵/۳
تهران	۷۲۹۷۵۴	۱۰۰/۰	۳۹۳۱۵۴	۵۳/۹	۳۳۶۶۰۰	۴۶/۱
چهارمحال و بختیاری	۳۰۱۷۸۰	۱۰۰/۰	۱۵۱۱۴۳	۵۰/۱	۱۵۰۶۳۷	۴۹/۹
خراسان جنوبی	۲۳۴۱۳۴	۱۰۰/۰	۱۱۵۳۱۹	۴۹/۳	۱۱۸۸۱۵	۵۰/۷
خراسان رضوی	۱۳۵۵۲۹۰	۱۰۰/۰	۶۷۱۳۰۲	۴۹/۵	۶۸۳۹۸۸	۵۰/۵
خراسان شمالی	۳۳۶۹۴۰	۱۰۰/۰	۱۶۳۸۶۱	۴۸/۶	۱۷۳۰۷۹	۵۱/۴
خوزستان	۱۰۲۹۱۹۲	۱۰۰/۰	۵۲۱۱۶۳	۵۰/۶	۵۰۸۰۲۹	۴۹/۴
زنجان	۳۱۷۴۴۵	۱۰۰/۰	۱۵۶۳۵۵	۴۹/۳	۱۶۱۰۹۰	۵۰/۷
سمنان	۱۲۳۲۵۴	۱۰۰/۰	۶۳۸۶۴	۵۱/۸	۵۹۳۹۰	۴۸/۲
سیستان و بلوچستان	۹۲۴۴۳۳	۱۰۰/۰	۴۵۴۲۸۷	۴۹/۱	۴۷۰۱۴۶	۵۰/۹
فارس	۱۲۲۶۲۵۷	۱۰۰/۰	۶۱۸۱۳۰	۵۰/۴	۶۰۸۱۲۷	۴۹/۶
قزوین	۲۷۲۲۲۸	۱۰۰/۰	۱۳۷۹۳۴	۵۰/۷	۱۳۴۲۹۴	۴۹/۳
قم	۴۷۵۲۷	۱۰۰/۰	۲۶۲۴۶	۵۵/۲	۲۱۲۸۱	۴۴/۸
کردستان	۴۲۵۱۰۰	۱۰۰/۰	۲۱۲۱۷۸	۴۹/۹	۲۱۲۹۲۲	۵۰/۱
کرمان	۹۹۷۲۸۸	۱۰۰/۰	۵۰۲۲۲۵	۵۰/۴	۴۹۵۰۶۳	۴۹/۶
کرمانشاه	۴۹۷۵۴۴	۱۰۰/۰	۲۵۵۲۵۴	۵۱/۳	۲۴۲۲۹۰	۴۸/۷
کهگیلویه و بویراحمد	۲۵۰۹۵۰	۱۰۰/۰	۱۲۳۵۴۴	۴۹/۲	۱۲۷۴۰۶	۵۰/۸
گلستان	۷۰۲۵۴۰	۱۰۰/۰	۳۴۸۳۵۵	۴۹/۶	۳۵۴۱۸۵	۵۰/۴
گیلان	۸۶۹۳۲۴	۱۰۰/۰	۴۲۹۳۲۴	۴۹/۴	۴۴۰۰۰۰	۵۰/۶
لرستان	۵۶۱۱۰۴	۱۰۰/۰	۲۸۶۶۵۷	۵۱/۱	۲۷۴۴۴۷	۴۸/۹
مازندران	۱۲۰۷۷۶۴	۱۰۰/۰	۶۰۶۷۷۴	۵۰/۲	۶۰۰۹۹۰	۴۹/۸
مرکزی	۳۱۸۵۴۱	۱۰۰/۰	۱۶۰۱۶۹	۵۰/۳	۱۵۸۳۷۲	۴۹/۷
هرمزگان	۶۲۰۰۵۴	۱۰۰/۰	۳۱۱۶۹۴	۵۰/۳	۳۰۸۳۶۰	۴۹/۷
همدان	۶۰۳۶۸۴	۱۰۰/۰	۳۰۵۹۱۸	۵۰/۷	۲۹۷۷۶۶	۴۹/۳
یزد	۱۵۴۶۸۹	۱۰۰/۰	۸۳۶۰۰	۵۴/۰	۷۱۰۸۹	۴۶/۰

۳-۳-۶-۱- جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر به تفکیک وضع فعالیت

جدول ۳-۳۱ ترکیب جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌های کشور را بر حسب وضع فعالیت نشان می‌دهد. همان‌طوری که مشاهده می‌شود در تمام استان‌ها بیش از نیمی از جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌ها غیرفعال هستند. در این بین بیش‌ترین سهم جمعیت غیرفعال در مقایسه با جمعیت فعال مربوط به استان سیستان و بلوچستان با ۷۲/۳ درصد است و بعد از آن استان‌های خوزستان با ۶۶/۰ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با ۶۵/۶ درصد قرار دارند. از سویی دیگر بعد از استان یزد (با ۴۵/۵ درصد)، سهم جمعیت فعال استان‌های خراسان جنوبی (با ۴۴/۲ درصد) و آذربایجان شرقی (با ۴۳/۷ درصد) بیش‌تر از استان‌های دیگر است.

جدول ۳-۳۱- جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر فعال و غیرفعال آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان

استان	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر		جمعیت فعال		جمعیت غیر فعال	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۱۷۶۰۱۰۰۷	۱۰۰/۰	۶۸۳۲۷۸۲	۳۸/۸	۱۰۷۶۸۲۲۵	۶۱/۲
آذربایجان شرقی	۹۵۰۴۴۰	۱۰۰/۰	۴۱۵۱۴۸	۴۳/۷	۵۳۵۲۹۲	۵۶/۳
آذربایجان غربی	۹۳۲۶۳۳	۱۰۰/۰	۳۶۶۰۳۴	۳۹/۲	۵۶۶۵۹۹	۶۱/۸
اردبیل	۳۷۹۹۵۷	۱۰۰/۰	۱۵۷۲۰۰	۴۱/۴	۲۲۲۷۵۷	۵۸/۶
اصفهان	۶۰۲۶۷۷	۱۰۰/۰	۲۵۱۲۶۳	۴۱/۷	۳۵۱۴۱۴	۵۸/۳
البرز	۱۹۲۵۶۹	۱۰۰/۰	۷۲۳۴۲	۳۷/۶	۱۲۰۲۲۷	۶۲/۴
ایلام	۱۶۸۶۶۴	۱۰۰/۰	۶۸۰۶۶	۴۰/۴	۱۰۰۵۹۸	۵۹/۶
بوشهر	۲۶۷۲۵۱	۱۰۰/۰	۱۱۴۳۸۳	۴۲/۸	۱۵۲۸۶۸	۵۷/۲
تهران	۷۲۹۷۵۴	۱۰۰/۰	۲۶۸۸۵۶	۳۶/۸	۴۶۰۸۹۸	۶۳/۲
چهارمحال و بختیاری	۳۰۱۷۸۰	۱۰۰/۰	۱۱۴۱۲۰	۳۷/۸	۱۸۷۶۶۰	۶۲/۲
خراسان جنوبی	۲۳۴۱۳۴	۱۰۰/۰	۱۰۰۳۴۶۱	۴۴/۲	۱۳۰۶۷۳	۵۵/۸
خراسان رضوی	۱۳۵۵۲۹۰	۱۰۰/۰	۵۵۴۵۱۳	۴۰/۹	۸۰۰۷۷۷	۵۹/۱
خراسان شمالی	۳۳۶۹۴۰	۱۰۰/۰	۱۳۸۷۸۶	۴۱/۲	۱۹۸۱۵۴	۵۸/۸
خوزستان	۱۰۲۹۱۹۲	۱۰۰/۰	۳۴۹۵۵۹	۳۴/۰	۶۷۹۶۳۳	۶۶/۰
زنجان	۳۱۷۴۴۵	۱۰۰/۰	۱۳۲۵۳۰	۴۱/۷	۱۸۴۹۱۵	۵۸/۳
سمنان	۱۲۳۲۵۴	۱۰۰/۰	۴۸۸۳۶	۳۹/۶	۷۴۴۱۸	۶۱/۴
سیستان و بلوچستان	۹۲۴۴۳۳	۱۰۰/۰	۲۵۵۶۳۵	۲۷/۷	۶۶۸۷۹۸	۷۲/۳
فارس	۱۲۲۶۲۵۷	۱۰۰/۰	۴۶۷۰۶۷	۳۸/۱	۷۵۹۱۹۰	۶۱/۹
قزوین	۲۷۲۲۲۸	۱۰۰/۰	۱۰۶۳۸۷	۳۹/۱	۱۶۵۸۴۱	۶۰/۹
قم	۴۷۵۲۷	۱۰۰/۰	۱۷۱۶۵	۳۶/۱	۳۰۳۶۲	۶۳/۹
کردستان	۴۲۵۱۰۰	۱۰۰/۰	۱۷۵۴۴۶	۴۱/۳	۲۴۹۶۵۴	۵۸/۷
کرمان	۹۹۷۲۸۸	۱۰۰/۰	۳۷۹۱۹۰	۳۸/۰	۶۱۸۰۹۸	۶۲/۰
کرمانشاه	۴۹۷۵۴۴	۱۰۰/۰	۱۹۶۰۱۱	۳۹/۴	۳۰۱۵۳۳	۶۰/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۲۵۰۹۵۰	۱۰۰/۰	۸۶۲۵۳	۳۴/۴	۱۶۴۶۹۷	۶۵/۶
گلستان	۷۰۲۵۴۰	۱۰۰/۰	۲۷۰۶۲۲	۳۸/۵	۴۳۱۹۱۸	۶۱/۵
گیلان	۸۶۹۳۲۴	۱۰۰/۰	۳۶۱۱۳۳	۴۱/۵	۵۰۸۱۹۱	۵۸/۵
لرستان	۵۶۱۱۰۴	۱۰۰/۰	۲۱۹۲۹۷	۳۹/۱	۳۴۱۸۰۷	۶۰/۹
مازندران	۱۲۰۷۷۶۴	۱۰۰/۰	۴۹۰۷۴۳	۴۰/۶	۷۱۷۰۲۱	۵۹/۴
مرکزی	۳۱۸۵۴۱	۱۰۰/۰	۱۲۸۵۳۵	۴۰/۴	۱۹۰۰۰۶	۵۹/۶
هرمزگان	۶۲۰۰۵۴	۱۰۰/۰	۲۱۶۶۷۴	۳۴/۹	۴۰۳۳۸۰	۶۵/۱
همدان	۶۰۳۶۸۴	۱۰۰/۰	۲۳۷۱۴۳	۳۹/۳	۳۶۶۵۴۱	۶۰/۷
یزد	۱۵۴۶۸۹	۱۰۰/۰	۷۰۳۸۴	۴۵/۵	۸۴۳۰۵	۵۴/۵

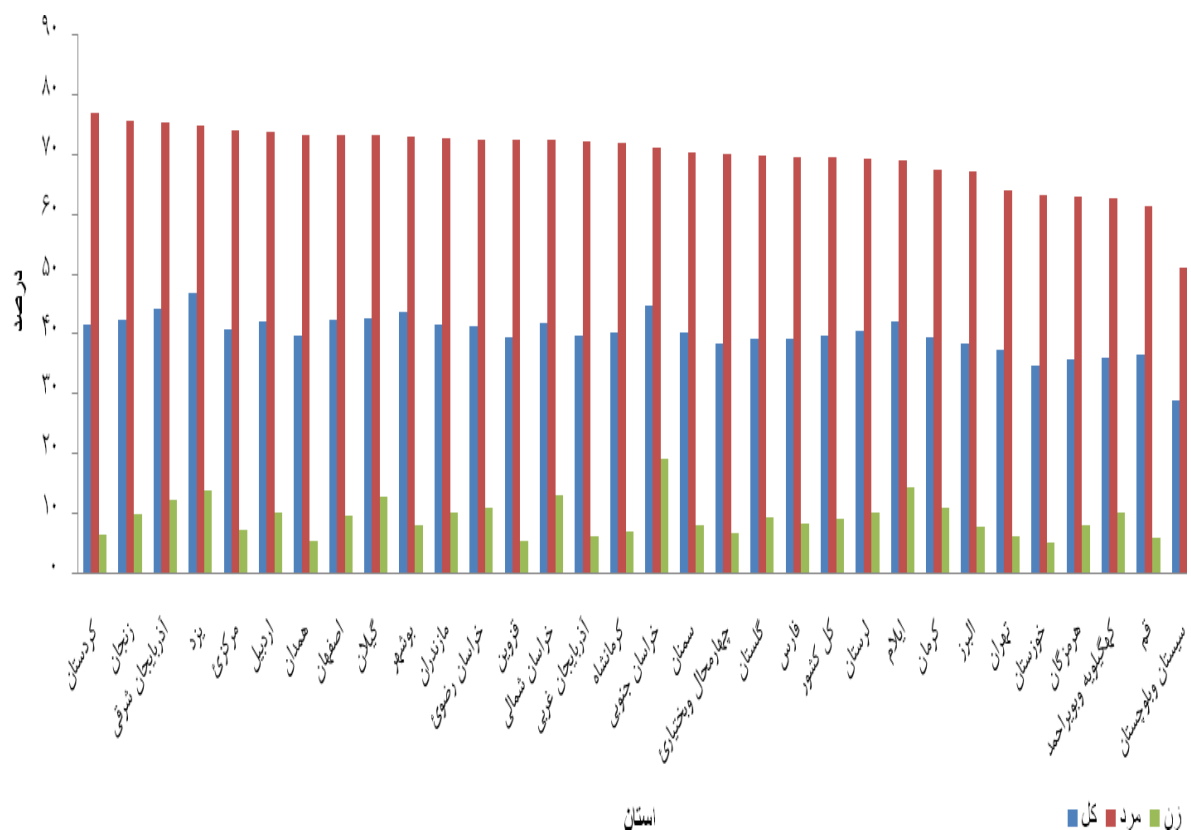
۳-۳-۶-۲- نرخ مشارکت اقتصادی در آبادی‌ها

جدول ۳-۳۲ و شکل ۳-۱۱ نرخ مشارکت اقتصادی آبادی‌ها را بر حسب استان به نمایش گذارده‌اند. همان‌طوری که مشاهده نرخ مشارکت مردان با زنان آبادی‌ها از تفاوت حدود ۷/۷ برابری نرخ مشارکت مردان در مقایسه با زنان (نرخ مشارکت مردان ۶۹/۴ درصد و زنان ۹/۰ درصد) حکایت دارد. بررسی اعداد جدول مذکور نشان می‌دهد که در سرشماری ۱۳۹۰ بیش‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی آبادی‌ها، مربوط به استان یزد با ۴۶/۶ درصد است. بعد از این استان استان‌های خراسان جنوبی با ۴۴/۷ درصد و آذربایجان شرقی با ۴۴/۰ قرار گرفته‌اند.

جدول ۳-۳۲- نرخ مشارکت اقتصادی در آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان

استان	کل	مرد	زن
کل کشور	۳۹/۵	۶۹/۴	۹/۰
آذربایجان شرقی	۴۴/۰	۷۵/۳	۱۲/۱
آذربایجان غربی	۳۹/۵	۷۲/۰	۶/۱
اردبیل	۴۲/۰	۷۳/۷	۱۰/۰
اصفهان	۴۲/۲	۷۳/۰	۹/۶
البرز	۳۸/۴	۶۷/۱	۷/۶
ایلام	۴۲/۰	۶۸/۸	۱۴/۲
بوشهر	۴۳/۵	۷۲/۹	۷/۹
تهران	۳۷/۳	۶۴/۰	۶/۱
چهارمحال و بختیاری	۳۸/۳	۶۹/۹	۶/۶
خراسان جنوبی	۴۴/۷	۷۱/۱	۱۹/۱
خراسان رضوی	۴۱/۳	۷۲/۴	۱۰/۸
خراسان شمالی	۴۱/۸	۷۲/۳	۱۳/۰
خوزستان	۳۴/۵	۶۳/۲	۵/۰
زنجان	۴۲/۱	۷۵/۴	۹/۷
سمنان	۴۰/۲	۷۰/۲	۷/۹
سیستان و بلوچستان	۲۸/۸	۵۱/۰	۷/۴
فارس	۳۹/۰	۶۹/۴	۸/۱
قزوین	۳۹/۳	۷۲/۴	۵/۲
قم	۳۶/۳	۶۱/۱	۵/۸
کردستان	۴۱/۵	۷۶/۸	۶/۳
کرمان	۳۹/۳	۶۷/۲	۱۰/۹
کرمانشاه	۴۰/۲	۷۱/۷	۶/۹
کهگیلویه و بویراحمد	۳۵/۸	۶۲/۵	۹/۹
گلستان	۳۹/۱	۶۹/۶	۹/۲
گیلان	۴۲/۴	۷۳/۰	۱۲/۶
لرستان	۴۰/۳	۶۹/۲	۱۰/۰
مازندران	۴۱/۴	۷۲/۵	۱۰/۰
مرکزی	۴۰/۷	۷۴/۰	۷/۰
هرمزگان	۳۵/۵	۶۲/۷	۸/۰
همدان	۳۹/۶	۷۳/۱	۵/۲
یزد	۴۶/۶	۷۴/۶	۱۳/۷

همچنین بررسی‌ها حاکی از آن است که مردان کردستان با ۷۶/۸ رتبه نخست نرخ مشارکت اقتصادی آبادی‌های کشور را از آن خود کرده‌اند. در مورد زنان این رتبه به زنان آبادی‌های خراسان جنوبی (۱۹/۱ درصد) اختصاص یافته است. بررسی بیش‌تر شکل ۳-۱۱ حاکی از تأثیرپذیری نرخ مشارکت آبادی‌ها از نرخ مشارکت مردان می‌باشد.



شکل ۳-۱۱- نرخ مشارکت اقتصادی آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان

۳-۶-۳-۳- ترکیب جمعیت فعال اقتصادی در آبادی‌ها

همان‌طوری که در جدول ۳-۳۳ مشاهده می‌شود ۶۹۵۰۵۹۵ نفر جمعیت فعال در آبادی‌های کشور وجود دارد، که از این تعداد ۶۰۷۷۸۸۲ نفر (۸۷/۴ درصد) شاغل و ۸۷۲۷۱۳ نفر (۱۲/۶ درصد) بیکار هستند. بررسی ستون جمعیت نشان می‌دهد که بیش‌ترین جمعیت فعال در استان خراسان رضوی (۵۶۰۳۴۸ نفر) می‌باشد. بعد از این استان، استان‌های مازندران با ۵۰۰۰۵۱ نفر و فارس با ۴۷۸۳۹۰ نفر قرار دارند. مقایسه تعداد و درصد شاغلین و بیکاران آبادی‌ها در استان‌های مختلف نشان می‌دهد که بیش‌ترین سهم شاغلین از جمعیت فعال در استان خراسان رضوی (۹۵/۳ درصد) بوده که بعد از آن استان‌های آذربایجان شرقی (۹۴/۶ درصد) و زنجان (۹۴/۰ درصد) در مراتب دوم و سوم قرار گرفته‌اند. در مقابل بیش‌ترین سهم جمعیت بیکار آبادی‌ها در استان سیستان و بلوچستان با ۳۱/۴ درصد اختصاص دارد. در مراتب بعدی استان‌های خوزستان با ۲۴/۳ درصد و ایلام با ۱۸/۹ درصد جای دارند.

جدول ۳-۳- ترکیب جمعیت فعال آبادی‌ها (شاغل و بیکار) به تفکیک استان

استان	جمعیت فعال		جمعیت شاغل		جمعیت بیکار	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۶۹۵۰۵۹۵	۱۰۰/۰	۶۰۷۷۸۸۲	۸۷/۴	۸۷۲۷۱۳	۱۲/۶
آذربایجان شرقی	۴۱۸۰۷۳	۱۰۰/۰	۳۹۵۶۱۵	۹۴/۶	۲۲۴۵۸	۵/۴
آذربایجان غربی	۳۶۸۴۹۱	۱۰۰/۰	۳۳۲۳۱۷	۹۰/۲	۳۶۱۷۴	۹/۸
اردبیل	۱۵۹۷۳۹	۱۰۰/۰	۱۴۲۲۲۲	۸۹/۰	۱۷۵۱۷	۱۱/۰
اصفهان	۲۵۴۶۰۰	۱۰۰/۰	۲۲۸۸۲۶	۸۹/۹	۲۵۷۷۴	۱۰/۱
البرز	۷۳۹۲۶	۱۰۰/۰	۶۳۱۸۱	۸۵/۵	۱۰۷۴۵	۱۴/۵
ایلام	۷۰۸۱۶	۱۰۰/۰	۵۷۴۰۴	۸۱/۱	۱۳۴۱۲	۱۸/۹
بوشهر	۱۱۶۱۵۴	۱۰۰/۰	۱۰۳۹۵۸	۸۹/۵	۱۲۱۹۶	۱۰/۵
تهران	۲۷۲۱۷۵	۱۰۰/۰	۲۴۳۲۴۵	۸۹/۴	۲۸۹۳۰	۱۰/۶
چهارمحال و بختیاری	۱۱۵۶۰۷	۱۰۰/۰	۹۸۷۸۱	۸۵/۴	۱۶۸۲۶	۱۴/۶
خراسان جنوبی	۱۰۴۶۸۰	۱۰۰/۰	۹۹۷۷۲	۹۵/۳	۴۹۰۸	۴/۷
خراسان رضوی	۵۶۰۳۴۸	۱۰۰/۰	۵۲۱۹۰۹	۹۳/۱	۳۸۴۳۹	۶/۹
خراسان شمالی	۱۴۰۹۵۵	۱۰۰/۰	۱۳۰۵۴۰	۹۲/۶	۱۰۴۱۵	۷/۴
خوزستان	۳۵۴۹۶۵	۱۰۰/۰	۲۶۸۸۳۳	۷۵/۷	۸۶۱۳۲	۲۴/۳
زنجان	۱۳۳۶۰۲	۱۰۰/۰	۱۲۵۵۹۷	۹۴/۰	۸۰۰۵	۶/۰
سمنان	۴۹۵۱۸	۱۰۰/۰	۴۵۴۹۵	۹۱/۹	۴۰۲۳	۸/۱
سیستان و بلوچستان	۲۶۶۱۵۱	۱۰۰/۰	۱۸۲۵۴۳	۶۸/۶	۸۳۶۰۸	۳۱/۴
فارس	۴۷۸۳۹۰	۱۰۰/۰	۴۰۵۲۷۷	۸۴/۷	۷۳۱۱۳	۱۵/۳
قزوین	۱۰۶۹۵۱	۱۰۰/۰	۹۶۶۲۴	۹۰/۳	۱۰۳۲۷	۹/۷
قم	۱۷۲۷۰	۱۰۰/۰	۱۵۸۸۲	۹۲/۰	۱۳۸۸	۸/۰
کردستان	۱۷۶۴۴۲	۱۰۰/۰	۱۵۹۵۵۹	۹۰/۴	۱۶۸۸۳	۹/۶
کرمان	۳۹۱۴۷۲	۱۰۰/۰	۳۲۶۸۶۸	۸۳/۵	۶۴۶۰۴	۱۶/۵
کرمانشاه	۱۹۹۷۸۳	۱۰۰/۰	۱۶۳۴۳۹	۸۱/۸	۳۶۳۴۴	۱۸/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۸۹۸۱۸	۱۰۰/۰	۷۳۴۹۲	۸۱/۸	۱۶۳۲۶	۱۸/۲
گلستان	۲۷۵۰۰۹	۱۰۰/۰	۲۴۱۶۵۶	۸۷/۹	۳۳۳۵۳	۱۲/۱
گیلان	۳۶۸۹۰۶	۱۰۰/۰	۳۳۱۳۹۱	۸۹/۸	۳۷۵۱۵	۱۰/۲
لرستان	۲۲۵۸۶۵	۱۰۰/۰	۱۸۴۰۰۱	۸۱/۵	۴۱۸۶۴	۱۸/۵
مازندران	۵۰۰۰۵۱	۱۰۰/۰	۴۵۸۵۴۴	۹۱/۷	۴۱۵۰۷	۸/۳
مرکزی	۱۲۹۶۹۷	۱۰۰/۰	۱۱۹۹۷۷	۹۲/۵	۹۷۲۰	۷/۵
هرمزگان	۲۲۰۱۵۶	۱۰۰/۰	۱۸۲۸۵۲	۸۳/۱	۳۷۳۰۴	۱۶/۹
همدان	۲۳۸۸۹۰	۱۰۰/۰	۲۱۱۱۸۱	۸۸/۴	۲۷۷۰۹	۱۱/۶
یزد	۷۲۰۹۵	۱۰۰/۰	۶۶۹۰۱	۹۲/۸	۵۱۹۴	۷/۲

۳-۳-۶-۴-۱- جمعیت شاغل آبادی‌ها به تفکیک جنس

براساس نتایج جدول ۳-۳، در زمان سرشماری ۱۳۹۰ تعداد ۶۰۷۷۸۸۲ نفر شاغل در آبادی‌های کشور وجود داشته است، که از این تعداد ۵۴۱۴۷۲۱ نفر (۸۹/۱ درصد) مرد و ۶۶۳۱۶۱ نفر (۱۰/۹ درصد) زن بوده‌اند. بررسی ستون کل نشان می‌دهد که بیش‌ترین جمعیت شاغل به آبادی‌های استان خراسان رضوی (۵۲۱۹۰۹ نفر) اختصاص دارد و پس از آن استان‌های مازندران (۴۵۸۵۴۴ نفر) و فارس (۴۰۵۲۷۷ نفر) قرار دارند.

به لحاظ مقایسه سهم مردان و زنان ساکن در آبادی‌های استان‌ها از جمعیت شاغل، بررسی‌های حاکی از آن است که استان همدان با ۹۳/۶ درصد بیش‌ترین سهم مردان شاغل را به خود اختصاص داده است و بعد از این استان، استان‌های قزوین با ۹۳/۳ درصد و تهران با ۹۲/۹ درصد قرار دارند. در مقابل کم‌ترین سهم مردان

مربوط به استان خراسان جنوبی (۷۸/۵ درصد) و سپس استان های ایلام (۸۴/۲ درصد) و خراسان شمالی (۸۴/۴ درصد) است. در ارتباط با سهم زنان از جمعیت شاغل نیز استان خراسان جنوبی با ۲۱/۵ درصد و سپس استان های ایلام با ۱۵/۸ درصد و خراسان شمالی با ۱۵/۶ درصد، رتبه های اول تا سوم را از آن خود نموده اند. کمترین سهم زنان شاغل نیز مربوط به استان همدان با ۶/۴ درصد بوده که بعد از آن استان های قزوین (۶/۷ درصد) و قم (۷/۱ درصد) قرار گرفته اند.

جدول ۳-۳۴- جمعیت شاغل در آبادی ها بر حسب جنس به تفکیک استان

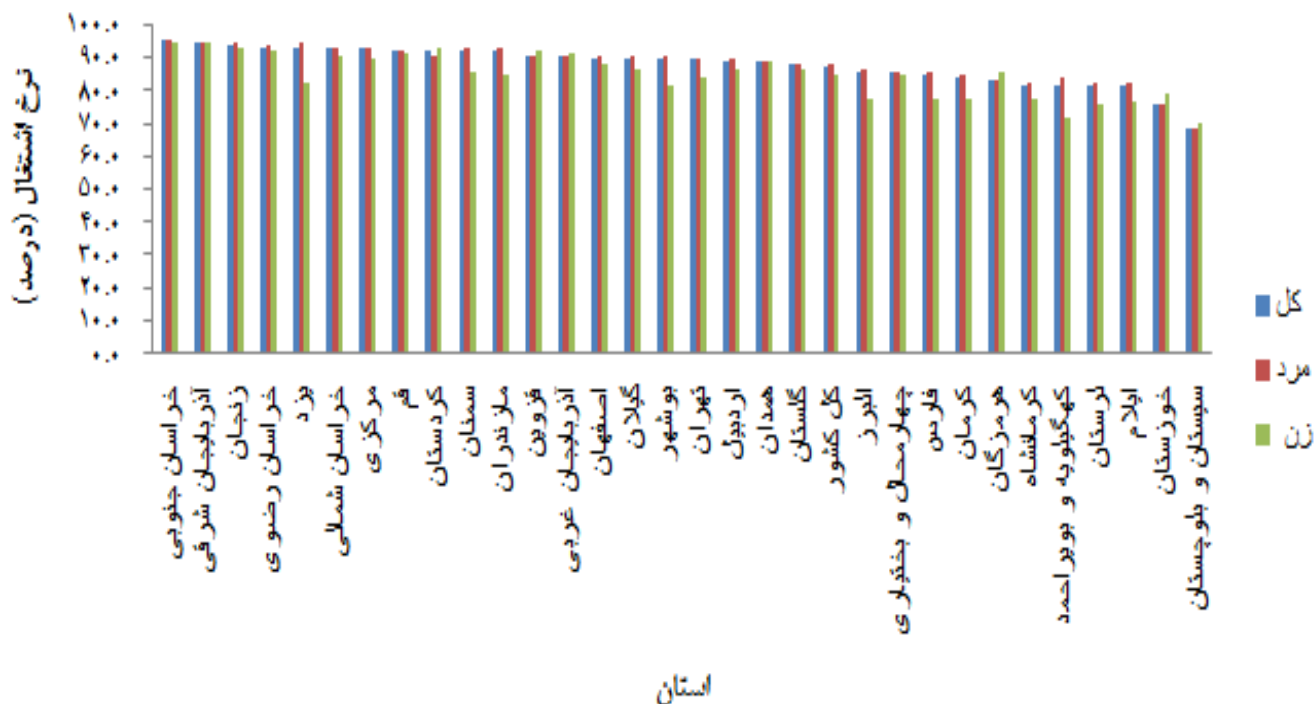
استان	جمعیت کل		جمعیت مرد		جمعیت زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۶۰۷۷۸۸۲	۱۰۰/۰	۵۴۱۴۷۲۱	۸۹/۱	۶۶۳۱۶۱	۱۰/۹
آذربایجان شرقی	۳۹۵۶۱۵	۱۰۰/۰	۳۴۱۷۰۷	۸۶/۴	۵۳۹۰۸	۱۳/۶
آذربایجان غربی	۳۳۲۳۱۷	۱۰۰/۰	۳۰۶۹۲۶	۹۲/۴	۲۵۳۹۱	۷/۶
اردبیل	۱۴۲۲۲۲	۱۰۰/۰	۱۲۵۸۷۲	۸۸/۵	۱۶۳۵۰	۱۱/۵
اصفهان	۲۲۸۸۲۶	۱۰۰/۰	۲۰۴۱۹۳	۸۹/۲	۲۴۶۳۳	۱۰/۸
البرز	۶۳۱۸۱	۱۰۰/۰	۵۷۷۳۵	۹۱/۴	۵۴۴۶	۸/۶
ایلام	۵۷۴۰۴	۱۰۰/۰	۴۸۳۳۵	۸۴/۲	۹۰۶۹	۱۵/۸
بوشهر	۱۰۳۹۵۸	۱۰۰/۰	۹۶۱۶۷	۹۲/۵	۷۷۹۱	۷/۵
تهران	۲۴۳۲۴۵	۱۰۰/۰	۲۲۵۹۸۴	۹۲/۹	۱۷۲۶۱	۷/۱
چهارمحال و بختیاری	۹۸۷۸۱	۱۰۰/۰	۹۰۳۲۹	۹۱/۴	۸۴۵۲	۸/۶
خراسان جنوبی	۹۹۷۷۲	۱۰۰/۰	۷۸۳۱۳	۷۸/۵	۲۱۴۵۹	۲۱/۵
خراسان رضوی	۵۲۱۹۰۹	۱۰۰/۰	۴۵۳۵۵۹	۸۶/۹	۶۸۳۵۰	۱۳/۱
خراسان شمالی	۱۳۰۵۴۰	۱۰۰/۰	۱۱۰۲۰۸	۸۴/۴	۲۰۳۳۲	۱۵/۶
خوزستان	۲۶۸۸۳۳	۱۰۰/۰	۲۴۸۷۸۹	۹۲/۵	۲۰۰۴۴	۷/۵
زنجان	۱۲۵۵۹۷	۱۰۰/۰	۱۱۰۹۷۰	۸۸/۴	۱۴۶۲۷	۱۱/۶
سمنان	۴۵۴۹۵	۱۰۰/۰	۴۱۴۸۳	۹۱/۲	۴۰۱۲	۸/۸
سیستان و بلوچستان	۱۸۲۵۴۳	۱۰۰/۰	۱۵۸۳۸۶	۸۶/۸	۲۴۱۵۷	۱۳/۲
فارس	۴۰۵۲۷۷	۱۰۰/۰	۳۶۷۴۳۲	۹۰/۷	۳۷۸۴۵	۹/۳
قزوین	۹۶۶۲۴	۱۰۰/۰	۹۰۱۶۲	۹۳/۳	۶۴۶۲	۶/۷
قم	۱۵۸۸۲	۱۰۰/۰	۱۴۷۴۸	۹۲/۹	۱۱۳۴	۷/۱
کردستان	۱۵۹۵۵۹	۱۰۰/۰	۱۴۷۰۵۳	۹۲/۲	۱۲۵۰۶	۷/۸
کرمان	۳۲۶۸۶۸	۱۰۰/۰	۲۸۴۹۸۴	۸۷/۲	۴۱۸۸۴	۱۲/۸
کرمانشاه	۱۶۳۴۳۹	۱۰۰/۰	۱۵۰۵۳۷	۹۲/۱	۱۲۹۰۲	۷/۹
کهگیلویه و بویراحمد	۷۳۴۹۲	۱۰۰/۰	۶۴۴۱۶	۸۷/۷	۹۰۷۶	۱۲/۳
گلستان	۲۴۱۶۵۶	۱۰۰/۰	۲۱۳۵۸۶	۸۸/۴	۲۸۰۷۰	۱۱/۶
گیلان	۳۳۱۳۹۱	۱۰۰/۰	۲۸۳۷۵۷	۸۵/۶	۴۷۶۳۴	۱۴/۴
لرستان	۱۸۴۰۰۱	۱۰۰/۰	۱۶۳۱۳۵	۸۸/۷	۲۰۸۶۶	۱۱/۳
مازندران	۴۵۸۵۴۴	۱۰۰/۰	۴۰۷۸۰۶	۸۸/۹	۵۰۷۳۸	۱۱/۱
مرکزی	۱۱۹۹۷۷	۱۰۰/۰	۱۱۰۰۳۱	۹۱/۷	۹۹۴۶	۸/۳
هرمزگان	۱۸۲۸۵۲	۱۰۰/۰	۱۶۱۶۶۲	۸۸/۴	۲۱۱۹۰	۱۱/۶
همدان	۲۱۱۱۸۱	۱۰۰/۰	۱۹۷۵۷۰	۹۳/۶	۱۳۶۱۱	۶/۴
یزد	۶۶۹۰۱	۱۰۰/۰	۵۸۸۸۶	۸۸/۰	۸۰۰۱۵	۱۲/۰

۳-۳-۶-۲- نرخ اشتغال در آبادی‌ها به تفکیک جنس

جدول ۳-۳۵ نرخ اشتغال مردان و زنان ساکن در آبادی‌های کشور را به تفکیک استان به تصویر کشیده است. براساس نتایج نرخ کل اشتغال برای جمعیت ساکن در آبادی‌های کشور در زمان سرشماری سال ۱۳۹۰، ۸۷/۴ درصد به دست آمده است، که این نرخ برای مردان (۸۷/۸ درصد) بیش‌تر از زنان (۸۴/۹ درصد) است. این در حالی است که کم‌ترین نرخ اشتغال به آبادی‌ها استان سیستان و بلوچستان (۶۸/۶ درصد) اختصاص دارد، مراتب بعدی استان‌های خوزستان (۷۵/۷ درصد) و ایلام (۸۱/۱ درصد) قرار دارند. بررسی نرخ اشتغال مردان حاکی از آن است که بالاترین نرخ اشتغال مردان مربوط به استان خراسان جنوبی (۹۵/۵ درصد) و کم‌ترین مقدار آن در استان سیستان و بلوچستان (۶۸/۴ درصد) اتفاق افتاده است. همچنین بالاترین نرخ اشتغال زنان ساکن در آبادی‌ها به استان زنجان (۹۴/۹ درصد) و کم‌ترین آن به استان سیستان و بلوچستان (۶۹/۷ درصد) اختصاص دارد. شکل ۳-۱۲ از فاصله شدید نرخ اشتغال زنان در مقایسه با مردان در استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان حکایت دارد.

جدول ۳-۳۵- نرخ اشتغال در آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان

استان	کل	مرد	زن
کل کشور	۸۷/۴	۸۷/۸	۸۴/۹
آذربایجان شرقی	۹۴/۶	۹۴/۶	۹۴/۹
آذربایجان غربی	۹۰/۲	۹۰/۱	۹۱/۲
اردبیل	۸۹/۰	۸۹/۴	۸۶/۶
اصفهان	۸۹/۹	۹۰/۱	۸۸/۱
البرز	۸۵/۵	۸۶/۳	۷۷/۵
ایلام	۸۱/۱	۸۱/۹	۷۶/۷
بوشهر	۸۹/۵	۹۰/۲	۸۱/۵
تهران	۸۹/۴	۸۹/۸	۸۳/۹
چهارمحال و بختیاری	۸۵/۴	۸۵/۵	۸۵/۰
خراسان جنوبی	۹۵/۳	۹۵/۵	۹۴/۶
خراسان رضوی	۹۳/۱	۹۳/۳	۹۲/۱
خراسان شمالی	۹۲/۶	۹۳/۰	۹۰/۴
خوزستان	۷۵/۷	۷۵/۵	۷۸/۸
زنجان	۹۴/۰	۹۴/۱	۹۳/۲
سمنان	۹۱/۹	۹۲/۵	۸۵/۵
سیستان و بلوچستان	۶۸/۶	۶۸/۴	۶۹/۷
فارس	۸۴/۷	۸۵/۶	۷۷/۰
قزوین	۹۰/۳	۹۰/۲	۹۲/۰
قم	۹۲/۰	۹۲/۰	۹۱/۵
کردستان	۹۰/۴	۹۰/۲	۹۲/۶
کرمان	۸۳/۵	۸۴/۵	۷۷/۳
کرمانشاه	۸۱/۸	۸۲/۲	۷۷/۴
کهگیلویه و بویراحمد	۸۱/۸	۸۳/۵	۷۱/۸
گلستان	۸۷/۹	۸۸/۱	۸۶/۵
گیلان	۸۹/۸	۹۰/۵	۸۶/۰
لرستان	۸۱/۵	۸۲/۲	۷۶/۱
مازندران	۹۱/۷	۹۲/۷	۸۴/۵
مرکزی	۹۲/۵	۹۲/۸	۸۹/۵
هرمزگان	۸۳/۱	۸۲/۷	۸۵/۹
همدان	۸۸/۴	۸۸/۴	۸۸/۶
یزد	۹۲/۸	۹۴/۴	۸۲/۴



شکل ۳-۱۲- نرخ اشتغال کل کشور بر حسب جنس به تفکیک استان

۳-۳-۶-۵-۱- جمعیت بیکار آبادی‌ها

براساس نتایج جدول ۳-۳۶ در زمان سرشماری ۱۳۹۰، ۸۷۲۷۱۳ نفر بیکار در آبادی‌های کشور ساکن بوده‌اند، که از این تعداد، ۷۵۴۹۰۰ نفر مرد (۸۶/۵ درصد) و ۱۱۷۸۱۳ نفر زن (۱۳/۵ درصد) بوده‌اند. بررسی ستون کل حاکی از آن است که بیش‌ترین بیکاران در استان خوزستان (۸۶۱۳۲ نفر) و سپس استان سیستان و بلوچستان (۸۳۶۰۸ نفر) قرار دارند و در مقابل پایین‌ترین رقم بیکاران به استان‌های قم، سمنان و خراسان جنوبی به ترتیب با ۱۳۸۸، ۴۰۲۳ و ۴۹۰۸ نفر اختصاص داشته است. مقایسه سهم مردان و زنان بیکار آبادی در استان‌ها نشان می‌دهد که استان‌هایی با بیش‌ترین تعداد مرد بیکار (در مقایسه با زنان) عبارت‌اند از قزوین (۹۴/۵)، کردستان با ۹۴/۱ و خوزستان با ۹۳/۷ درصد. به عبارتی این استان‌ها دارای کم‌ترین سهم زنان بیکار در مقایسه با مردان بیکار می‌باشند.

جدول ۳-۳۶- جمعیت بیکار در آبادی‌ها به تفکیک استان

استان	جمعیت کل		جمعیت مرد		جمعیت زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور	۸۷۲۷۱۳	۱۰۰/۰	۷۵۴۹۰۰	۸۶/۵	۱۱۷۸۱۳	۱۳/۵
آذربایجان شرقی	۲۲۴۵۸	۱۰۰/۰	۱۹۵۳۳	۸۷/۰	۲۹۲۵	۱۳/۰
آذربایجان غربی	۳۶۱۷۴	۱۰۰/۰	۳۳۷۱۷	۹۳/۲	۲۴۵۷	۶/۸
اردبیل	۱۷۵۱۷	۱۰۰/۰	۱۴۹۷۸	۸۵/۵	۲۵۳۹	۱۴/۵
اصفهان	۲۵۷۷۴	۱۰۰/۰	۲۲۴۳۷	۸۷/۱	۳۳۳۷	۱۲/۹
البرز	۱۰۷۴۵	۱۰۰/۰	۹۱۶۱	۸۵/۳	۱۵۸۴	۱۴/۷
ایلام	۱۳۴۱۲	۱۰۰/۰	۱۰۶۶۲	۷۹/۵	۲۷۵۰	۲۰/۵
بوشهر	۱۲۱۹۶	۱۰۰/۰	۱۰۴۲۵	۸۵/۵	۱۷۷۱	۱۴/۵
تهران	۲۸۹۳۰	۱۰۰/۰	۲۵۶۱۱	۸۸/۵	۳۳۱۹	۱۱/۵
چهارمحال و بختیاری	۱۶۸۲۶	۱۰۰/۰	۱۵۳۳۹	۹۱/۲	۱۴۸۷	۸/۸
خراسان جنوبی	۴۹۰۸	۱۰۰/۰	۳۶۸۹	۷۵/۲	۱۲۱۹	۲۴/۸
خراسان رضوی	۳۸۴۳۹	۱۰۰/۰	۳۲۶۰۴	۸۴/۸	۵۸۳۵	۱۵/۲
خراسان شمالی	۱۰۴۱۵	۱۰۰/۰	۸۲۴۶	۷۹/۲	۲۱۶۹	۲۰/۸
خوزستان	۸۶۱۳۲	۱۰۰/۰	۸۰۷۲۶	۹۳/۷	۵۴۰۶	۶/۳
زنجان	۸۰۰۵	۱۰۰/۰	۶۹۳۳	۸۶/۶	۱۰۷۲	۱۳/۴
سمنان	۴۰۲۳	۱۰۰/۰	۳۳۴۱	۸۳/۰	۶۸۲	۱۷/۰
سیستان و بلوچستان	۸۳۶۰۸	۱۰۰/۰	۷۳۰۹۲	۸۷/۴	۱۰۵۱۶	۱۲/۶
فارس	۷۳۱۱۳	۱۰۰/۰	۶۱۷۹۰	۸۴/۵	۱۱۳۲۳	۱۵/۵
قزوین	۱۰۳۲۷	۱۰۰/۰	۹۷۶۳	۹۴/۵	۵۶۴	۵/۵
قم	۱۳۸۸	۱۰۰/۰	۱۲۸۳	۹۲/۴	۱۰۵	۷/۶
کردستان	۱۶۸۸۳	۱۰۰/۰	۱۵۸۸۷	۹۴/۱	۹۹۶	۵/۹
کرمان	۶۴۶۰۴	۱۰۰/۰	۵۲۳۲۲	۸۱/۰	۱۲۲۸۲	۱۹/۰
کرمانشاه	۳۶۳۴۴	۱۰۰/۰	۳۲۵۷۲	۸۹/۶	۳۷۷۲	۱۰/۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۳۲۶	۱۰۰/۰	۱۲۷۶۱	۷۸/۲	۳۵۶۵	۲۱/۸
گلستان	۳۳۳۵۳	۱۰۰/۰	۲۸۹۶۶	۸۶/۸	۴۳۸۷	۱۳/۲
گیلان	۳۷۵۱۵	۱۰۰/۰	۲۹۷۴۲	۷۹/۳	۷۷۷۳	۲۰/۷
لرستان	۴۱۸۶۴	۱۰۰/۰	۳۵۲۹۶	۸۴/۳	۶۵۶۸	۱۵/۷
مازندران	۴۱۵۰۷	۱۰۰/۰	۳۲۱۹۹	۷۷/۶	۹۳۰۸	۲۲/۴
مرکزی	۹۷۲۰	۱۰۰/۰	۸۵۵۸	۸۸/۰	۱۱۶۲	۱۲/۰
هرمزگان	۳۷۳۰۴	۱۰۰/۰	۳۳۸۲۲	۹۰/۷	۳۴۸۲	۹/۳
همدان	۲۷۷۰۹	۱۰۰/۰	۲۵۹۶۲	۹۳/۷	۱۷۴۷	۶/۳
یزد	۵۱۹۴	۱۰۰/۰	۳۴۸۳	۶۷/۱	۱۷۱۱	۳۲/۹

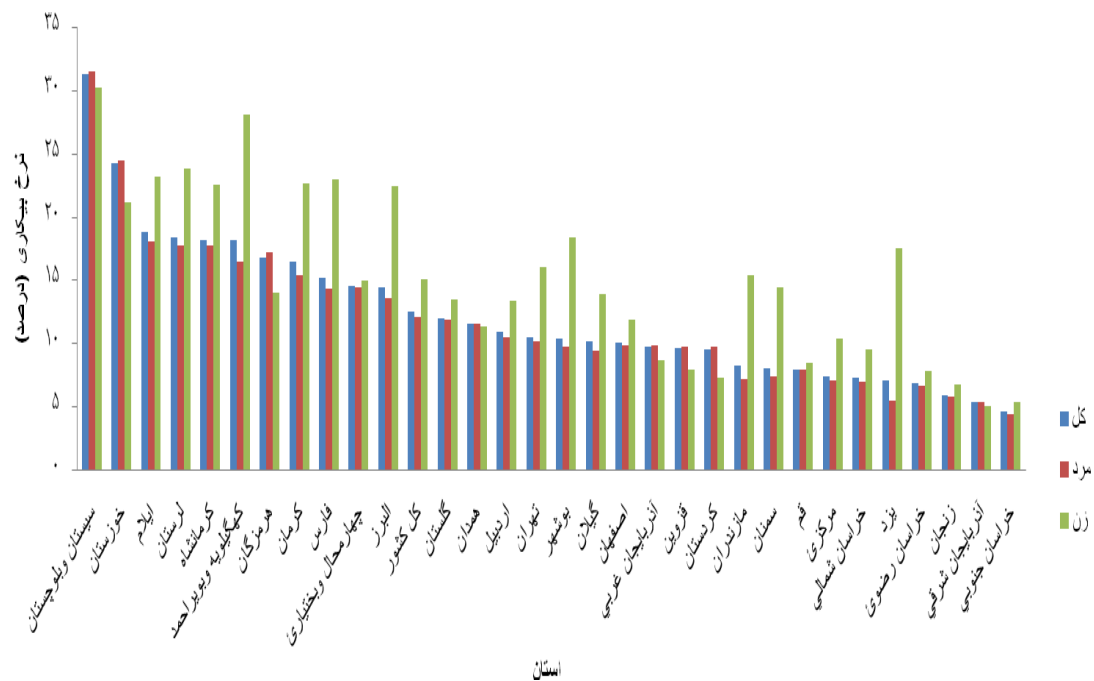
۳-۳-۶-۵-۲- نرخ بیکاری آبادی‌ها

جدول ۳-۳۷ و شکل ۳-۱۳ نرخ بیکاری درآبادی‌ها به تفکیک استان را به نمایش گذارده است. براساس نتایج این جدول نرخ بیکاری آبادی‌های کل کشور در زمان سرشماری ۱۳۹۰، ۱۲/۶ درصد به دست آمده است، که این رقم برای مردان ۱۲/۲ درصد و برای زنان ۱۵/۱ درصد بوده است. در حالت مقایسه بین استانی، بالاترین نرخ بیکاری به استان سیستان و بلوچستان با ۳۱/۴ درصد اختصاص یافته است. بعد از این استان استان‌های خوزستان با ۲۴/۳ درصد و ایلام با ۱۸/۹ درصد قرار گرفته‌اند. در مقابل، کم‌ترین این نرخ مربوط به استان خراسان جنوبی (۴/۷ درصد) بوده است و قبل از آن استان‌های آذربایجان شرقی (۵/۴ درصد) و زنجان (۶/۰ درصد) قرار گرفته‌اند.

جدول ۳-۳۷- نرخ بیکاری در آبادی‌ها بر حسب جنس به تفکیک استان

استان	کل	مرد	زن
کل کشور	۱۲/۶	۱۲/۲	۱۵/۱
آذربایجان شرقی	۵/۴	۵/۴	۵/۱
آذربایجان غربی	۹/۸	۹/۹	۸/۸
اردبیل	۱۱/۰	۱۰/۶	۱۳/۴
اصفهان	۱۰/۱	۹/۹	۱۱/۹
البرز	۱۴/۵	۱۳/۷	۲۲/۵
ایلام	۱۸/۹	۱۸/۱	۲۳/۳
بوشهر	۱۰/۵	۹/۸	۱۸/۵
تهران	۱۰/۶	۱۰/۲	۱۶/۱
چهارمحال و بختیاری	۱۴/۶	۱۴/۵	۱۵/۰
خراسان جنوبی	۴/۷	۴/۵	۵/۴
خراسان رضوی	۶/۹	۶/۷	۷/۹
خراسان شمالی	۷/۴	۷/۰	۹/۶
خوزستان	۲۴/۳	۲۴/۵	۲۱/۲
زنجان	۶/۰	۵/۹	۶/۸
سمنان	۸/۱	۷/۵	۱۴/۵
سیستان و بلوچستان	۳۱/۴	۳۱/۶	۳۰/۳
فارس	۱۵/۳	۱۴/۴	۲۳/۰
قزوین	۹/۷	۹/۸	۸/۰
قم	۸/۰	۸/۰	۸/۵
کردستان	۹/۶	۹/۸	۷/۴
کرمان	۱۶/۵	۱۵/۵	۲۲/۷
کرمانشاه	۱۸/۲	۱۷/۸	۲۲/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۸/۲	۱۶/۵	۲۸/۲
گلستان	۱۲/۱	۱۱/۹	۱۳/۵
گیلان	۱۰/۲	۹/۵	۱۴/۰
لرستان	۱۸/۵	۱۷/۸	۲۳/۹
مازندران	۸/۳	۷/۳	۱۵/۵
مرکزی	۷/۵	۷/۲	۱۰/۵
هرمزگان	۱۶/۹	۱۷/۳	۱۴/۱
همدان	۱۱/۶	۱۱/۶	۱۱/۴
یزد	۷/۲	۵/۶	۱۷/۶

بررسی نرخ بیکاری مردان حاکی از آن است که بیشترین نرخ بیکاری آبادی‌ها مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان (۳۱/۶ درصد)، خوزستان (۲۴/۵ درصد) و ایلام (۱۸/۱ درصد) به دست آمده است. در مقابل کمترین نرخ بیکاری برای مردان ساکن در آبادی‌ها در استان‌های خراسان جنوبی (۴/۵ درصد)، آذربایجان شرقی (۵/۴ درصد) و یزد (۵/۶ درصد) بدست آمده است. این در حالی است که بالاترین نرخ بیکاری زنان ساکن در آبادی‌ها به استان‌های سیستان و بلوچستان (۳۰/۳ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۲۸/۲ درصد) و لرستان (۲۳/۹ درصد) اختصاص یافته است. با این حال کمترین نرخ بیکاری زنان آبادی‌ها به استان‌های آذربایجان شرقی (۵/۱ درصد)، خراسان جنوبی (۵/۴ درصد) و زنجان (۶/۸ درصد) مربوط می‌شود. همچنین تفاوت نرخ بیکاری زنان در مقایسه با مردان در آبادی‌های استان‌های یزد، کهگیلویه و بویراحمد، البرز، بوشهر، فارس و مازندران (شکل ۳-۱۳) قابل تأمل است.



شکل ۳-۱۳- نرخ بیکاری کل کشور بر حسب جنس به تفکیک استان

۳-۴- شاخص‌های امکانات زندگی در آبادی‌ها

۳-۴-۱- شاخص زیرساخت‌های ارتباطی

جدول ۳-۳۸ شاخص زیرساخت‌های ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه کشور را نمایش می‌دهد. این شاخص ترکیبی از راه زمینی (جاده‌ی آسفalte، جاده‌ی شوسه، جاده‌ی خاکی و مالرو)، راه آهن و راه آبی است.

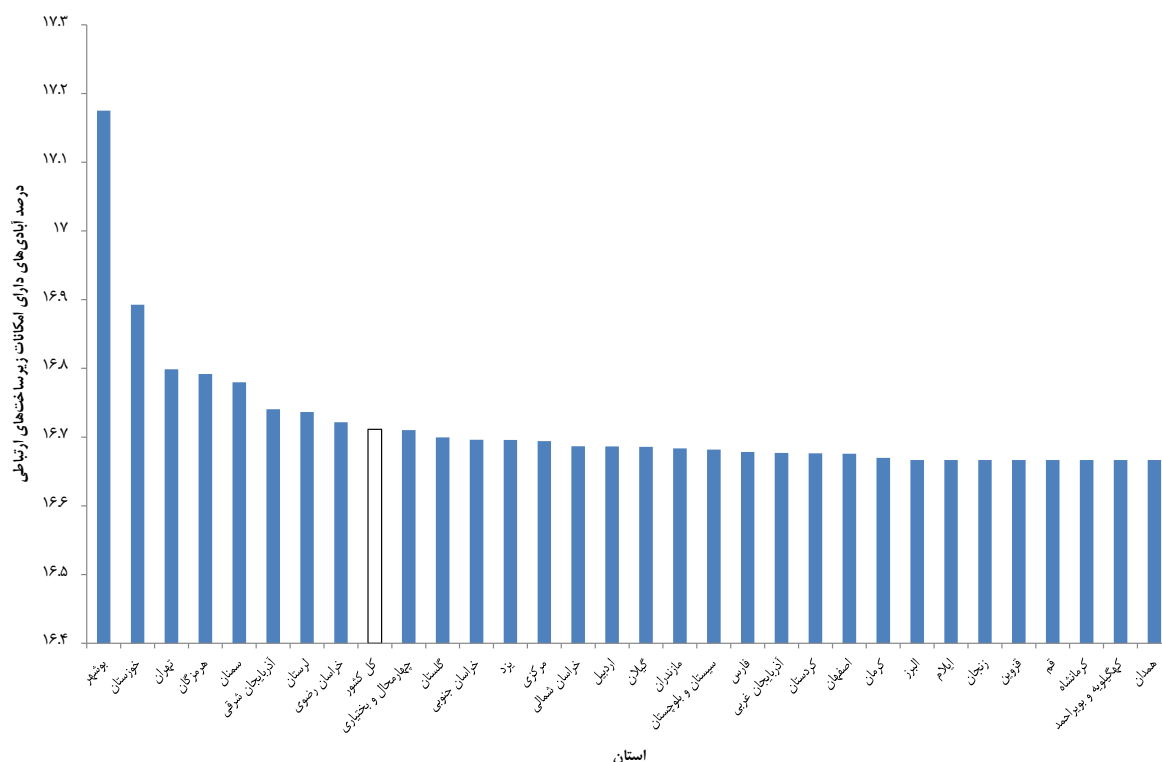
جدول ۳-۳۸- شاخص زیرساخت‌های ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	راه زمینی (به جز راه‌آهن)					
		جاده‌ی آسفالت‌ه		جاده‌ی شوسه		جاده‌ی خاکی	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۳۵۸۰۸	۵۷/۹۹	۶۰۶۸	۹/۸۳	۱۸۶۳۸	۳۰/۱۸
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۴۲۳	۵۲/۴۷	۳۵۰	۱۲/۹۱	۸۹۳	۳۲/۹۳
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۱۸۳۵	۵۶/۱۸	۴۰۴	۱۲/۳۷	۹۹۶	۳۰/۵
اردبیل	۱۶۹۶	۸۷۴	۵۱/۵۳	۳۳۰	۱۹/۴۶	۴۷۵	۲۸/۰۱
اصفهان	۱۸۳۱	۱۴۰۵	۷۶/۷۳	۵۲	۲/۸۴	۳۷۲	۲۰/۳۲
البرز	۳۵۵	۲۹۰	۸۱/۶۹	۱۳	۳/۶۶	۵۲	۱۴/۶۵
ایلام	۶۶۸	۵۷۱	۸۵/۴۸	۳۱	۴/۶۴	۶۲	۹/۲۸
بوشهر	۶۲۳	۵۱۰	۸۱/۸۶	۲۷	۴/۳۳	۸۲	۱۳/۱۶
تهران	۷۵۷	۶۳۱	۸۳/۳۶	۴۱	۵/۴۲	۸۴	۱۱/۱
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۵۲۸	۶۸/۹۳	۶۹	۹/۰۱	۱۳۳	۱۷/۳۶
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۸۶۵	۵۰/۷۹	۶۹	۴/۰۵	۷۵۴	۴۴/۲۷
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۲۱۳۰	۶۳/۸۷	۶۷۵	۲۰/۲۴	۵۳۰	۱۵/۸۹
خراسان شمالی	۸۳۵	۴۷۱	۵۶/۴۱	۱۲۹	۱۵/۴۵	۲۳۰	۲۷/۵۴
خوزستان	۴۰۵۵	۲۳۹۱	۵۸/۹۶	۳۲۸	۸/۰۹	۹۴۴	۲۳/۲۸
زنجان	۹۳۵	۶۶۳	۷۰/۹۱	۱۱۸	۱۲/۶۲	۱۵۳	۱۶/۳۶
سمنان	۵۸۹	۴۰۰	۶۷/۹۱	۴۴	۷/۴۷	۱۴۵	۲۴/۶۲
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۱۹۰۰	۲۸/۹۹	۵۴۱	۸/۲۶	۳۹۳۳	۶۰/۰۲
فارس	۴۲۳۰	۲۸۴۳	۶۷/۲۱	۲۷۸	۶/۵۷	۱۰۷۵	۲۵/۴۱
قزوین	۸۴۲	۶۰۶	۷۱/۹۷	۳۵	۴/۱۶	۱۹۹	۲۳/۶۳
قم	۲۰۳	۱۸۱	۸۹/۱۶	۱۵	۷/۳۹	۷	۳/۴۵
کردستان	۱۷۰۲	۶۰۴	۳۵/۴۹	۴۶۱	۲۷/۰۹	۶۲۲	۳۶/۵۵
کرمان	۵۱۷۸	۱۹۵۶	۳۷/۷۸	۳۰۹	۵/۹۷	۲۸۸۷	۵۵/۷۶
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۷۵۲	۶۶/۳۱	۳۹۶	۱۴/۹۹	۴۵۶	۱۷/۲۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۸۰۱	۴۷/۷۹	۷۳	۴/۳۶	۷۱۲	۴۲/۴۸
گلستان	۱۰۰۸	۸۷۷	۸۷/۰۰	۹۶	۹/۵۲	۳۴	۳/۳۷
گیلان	۲۵۹۱	۱۷۴۳	۶۷/۲۷	۲۷۶	۱۰/۶۵	۴۹۲	۱۸/۹۹
لرستان	۲۸۶۴	۱۸۷۰	۶۵/۲۹	۳۲۵	۱۱/۳۵	۵۲۰	۱۸/۱۶
مازندران	۲۹۷۵	۲۲۰۴	۷۴/۰۸	۲۹۸	۱۰/۰۲	۴۴۲	۱۴/۸۶
مرکزی	۱۲۱۰	۹۵۱	۷۸/۶۰	۹۳	۷/۶۹	۱۶۶	۱۳/۷۲
هرمزگان	۱۷۳۱	۸۹۰	۵۱/۴۲	۷۱	۴/۱	۷۳۴	۴۲/۴
همدان	۱۰۷۵	۹۲۱	۸۵/۶۷	۸۴	۷/۸۱	۶۹	۶/۴۲
یزد	۱۱۴۴	۷۲۲	۶۳/۱۱	۳۷	۳/۲۳	۳۸۵	۳۳/۶۵

جدول ۳-۳۸- شاخص زیرساخت‌های ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	راه‌آهن (ایستگاه)		راه آبی		شاخص کل زیرساخت‌های ارتباطی	رتبه شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۹۶	۰/۱۶	۷۴	۰/۱۲	۱۶/۷۱	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۲	۰/۴۴	۰	۰	۱۶/۷۴	۶
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲	۰/۰۶	۰	۰	۱۶/۶۸	۱۷
اردبیل	۱۶۹۶	۰	۰	۲	۰/۱۲	۱۶/۶۹	۱۳
اصفهان	۱۸۳۱	۱	۰/۰۵	۰	۰	۱۶/۶۸	۱۷
البرز	۳۵۵	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
ایلام	۶۶۸	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
بوشهر	۶۲۳	۰	۰	۱۹	۳/۰۵	۱۷/۱۷	۱
تهران	۷۵۷	۶	۰/۷۹	۰	۰	۱۶/۸	۳
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۰	۰	۲	۰/۲۶	۱۶/۷۱	۹
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۳	۰/۱۸	۰	۰	۱۶/۷	۱۰
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۱۱	۰/۳۳	۰	۰	۱۶/۷۲	۸
خراسان شمالی	۸۳۵	۱	۰/۱۲	۰	۰	۱۶/۶۹	۱۳
خوزستان	۴۰۵۵	۲۵	۰/۶۲	۳۳	۰/۸۱	۱۶/۸۹	۲
زنجان	۹۳۵	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
سمنان	۵۸۹	۴	۰/۶۸	۰	۰	۱۶/۷۸	۵
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۶	۰/۰۹	۰	۰	۱۶/۶۸	۱۷
فارس	۴۲۳۰	۳	۰/۰۷	۰	۰	۱۶/۶۸	۱۷
قزوین	۸۴۲	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
قم	۲۰۳	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
کردستان	۱۷۰۲	۱	۰/۰۶	۰	۰	۱۶/۶۸	۱۷
کرمان	۵۱۷۸	۱	۰/۰۲	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
کرمانشاه	۲۶۴۲	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
گلستان	۱۰۰۸	۰	۰	۲	۰/۲	۱۶/۷	۱۰
گیلان	۲۵۹۱	۰	۰	۳	۰/۱۲	۱۶/۶۹	۱۳
لرستان	۲۸۶۴	۱۲	۰/۴۲	۰	۰	۱۶/۷۴	۶
مازندران	۲۹۷۵	۲	۰/۰۷	۱	۰/۰۳	۱۶/۶۸	۱۷
مرکزی	۱۲۱۰	۲	۰/۱۷	۰	۰	۱۶/۶۹	۱۳
هرمزگان	۱۷۳۱	۲	۰/۱۲	۱۲	۰/۶۹	۱۶/۷۹	۴
همدان	۱۰۷۵	۰	۰	۰	۰	۱۶/۶۷	۲۳
یزد	۱۱۴۴	۲	۰/۱۷	۰	۰	۱۶/۷۰	۱۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود ۱۶/۷۱ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور دارای حداقل یکی از انواع راه‌های ارتباطی هستند. مقایسه‌ی استان‌ها نشان می‌دهد که استان بوشهر با ۱۷/۱۷ درصد از نظر دارا بودن شاخص مورد نظر در رتبه‌ی نخست و استان‌های خوزستان با ۱۶/۸۹ درصد و تهران با ۱۶/۸۰ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند (شکل ۳-۱۴).



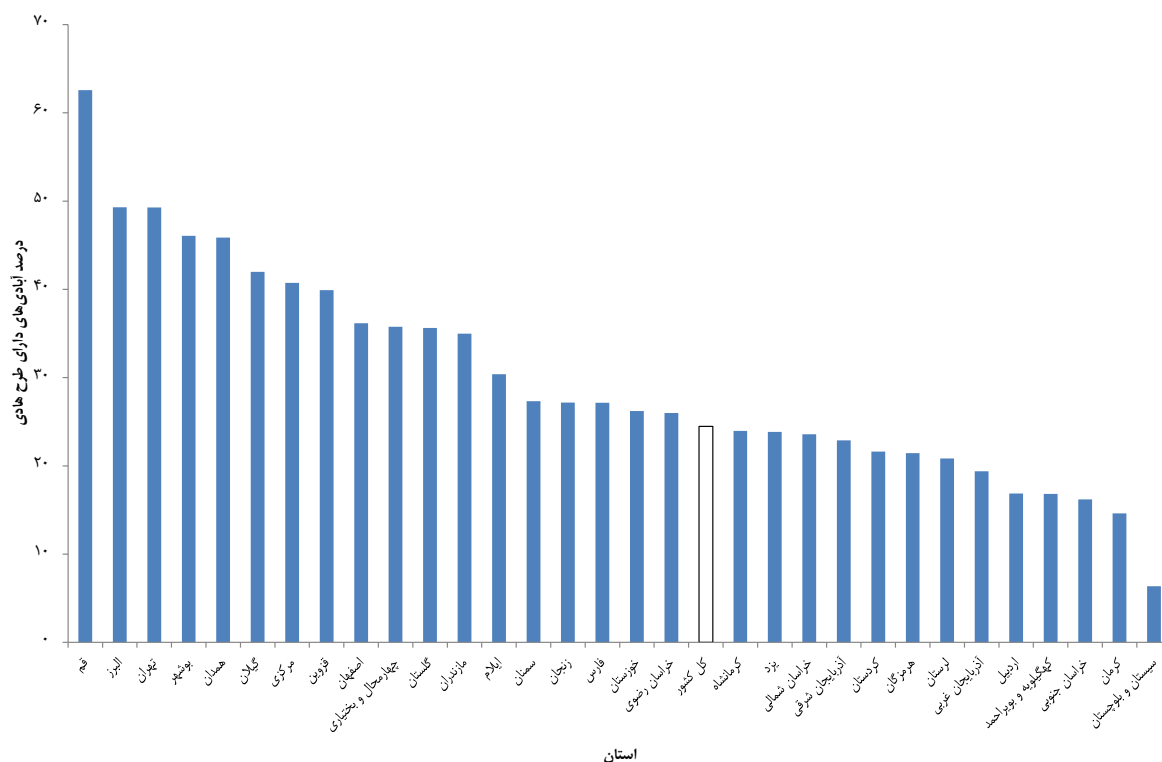
شکل ۳-۱۴- شاخص زیرساخت‌های ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۲- شاخص طرح هادی

با بررسی شاخص طرح هادی ملاحظه می‌شود که $24/48$ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور دارای طرح هادی هستند. بیش‌ترین مقدار این شاخص مربوط به آبادی‌های استان قم ($62/56$ درصد) می‌باشد و پس از آن آبادی‌های استان‌های البرز ($49/30$ درصد) و تهران ($49/27$ درصد) قرار دارند. در مقابل و در انتهای جدول آبادی‌های استان‌های سیستان و بلوچستان ($6/36$ درصد)، کرمان ($14/62$ درصد) و خراسان جنوبی ($16/21$ درصد) قرار دارند (جدول ۳-۳۹ و شکل ۳-۱۵).

جدول ۳-۳۹- شاخص طرح هادی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	دارای طرح هادی		رتبه شاخص
		فراوانی	درصد	
کل کشور	۶۱۷۵۰	۱۵۱۱۵	۲۴/۴۸	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۶۲۱	۲۲/۹	۲۲
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۶۳۳	۱۹/۳۸	۲۶
اردبیل	۱۶۹۶	۲۸۶	۱۶/۸۶	۲۷
اصفهان	۱۸۳۱	۶۶۲	۳۶/۱۶	۹
البرز	۳۵۵	۱۷۵	۴۹/۳	۲
ایلام	۶۶۸	۲۰۳	۳۰/۳۹	۱۳
بوشهر	۶۲۳	۲۸۷	۴۶/۰۷	۴
تهران	۷۵۷	۳۷۳	۴۹/۲۷	۳
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۲۷۴	۳۵/۷۷	۱۰
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۲۷۶	۱۶/۲۱	۲۹
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۸۶۷	۲۶/۰۰	۱۸
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۹۷	۲۳/۵۹	۲۱
خوزستان	۴۰۵۵	۱۰۶۳	۲۶/۲۱	۱۷
زنجان	۹۳۵	۲۵۴	۲۷/۱۷	۱۵
سمنان	۵۸۹	۱۶۱	۲۷/۳۳	۱۴
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۴۱۷	۶/۳۶	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۱۱۴۸	۲۷/۱۴	۱۶
قزوین	۸۴۲	۳۳۶	۳۹/۹	۸
قم	۲۰۳	۱۲۷	۶۲/۵۶	۱
کردستان	۱۷۰۲	۳۶۸	۲۱/۶۲	۲۳
کرمان	۵۱۷۸	۷۵۷	۱۴/۶۲	۳۰
کرمانشاه	۲۶۴۲	۶۳۳	۲۳/۹۶	۱۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۲۸۲	۱۶/۸۳	۲۸
گلستان	۱۰۰۸	۳۵۹	۳۵/۶۲	۱۱
گیلان	۲۵۹۱	۱۰۸۸	۴۱/۹۹	۶
لرستان	۲۸۶۴	۵۹۷	۲۰/۸۴	۲۵
مازندران	۲۹۷۵	۱۰۴۱	۳۴/۹۹	۱۲
مرکزی	۱۲۱۰	۴۹۳	۴۰/۷۴	۷
هرمزگان	۱۷۳۱	۳۷۱	۲۱/۴۳	۲۴
همدان	۱۰۷۵	۴۹۳	۴۵/۸۶	۵
یزد	۱۱۴۴	۲۷۳	۲۳/۸۶	۲۰



شکل ۳-۱۵- شاخص طرح هادی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۳- شاخص امکانات آموزشی

همان‌طور که در جدول ۳-۴۰ مشاهده می‌شود امکانات آموزشی شامل آبادی مهد، دبستان، مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی پسرانه و دخترانه، مدرسه راهنمایی پسرانه و دخترانه، دبیرستان کاردانش پسرانه و دخترانه، هنرستان فنی و حرفه‌ای پسرانه و دخترانه است. با توجه به نتایج، استان چهارمحال و بختیاری با ۱۲/۶۱ درصد از نظر دارا بودن امکانات آموزشی در رتبه‌ی نخست قرار دارد و استان‌های همدان (۱۲/۰۳ درصد) و خراسان رضوی (۱۱/۸۶ درصد) به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مقابل، کم‌ترین امکانات آموزشی در استان‌های یزد (۳/۶۴ درصد)، سیستان و بلوچستان (۴/۵۴ درصد) و سمنان (۴/۵۷ درصد) است (شکل ۳-۱۶).

جدول ۳-۴۰- شاخص امکانات آموزشی در آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	روستا مهد	دبستان	مدرسه‌ی راهنمایی	مدرسه‌ی راهنمایی	مدرسه‌ی راهنمایی	مدرسه‌ی راهنمایی
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۷۵۴۲	۱۲/۲۱	۳۷۶۶۵	۶۱/۰۰	۶۰۸	۰/۹۸
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۳۹۹	۱۴/۷۱	۲۱۹۹	۸۱/۰۸	۴۲	۱/۵۵
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۴۷۱	۱۴/۴۲	۲۳۰۴	۷۰/۵۵	۲۲	۰/۶۷
اردبیل	۱۶۹۶	۱۳۳	۷/۸۴	۱۱۵۷	۶۸/۲۲	۲۲	۱/۳
اصفهان	۱۸۳۱	۲۷۲	۱۴/۸۶	۸۹۰	۴۸/۶۱	۱۲	۰/۶۶
البرز	۳۵۵	۲۹	۸/۱۷	۱۷۷	۴۹/۸۶	۷	۱/۹۷
ایلام	۶۶۸	۱۴۴	۲۱/۵۶	۴۶۷	۶۹/۹۱	۱۰	۱/۵
بوشهر	۶۲۳	۱۲۶	۲۰/۲۲	۴۲۲	۶۷/۷۴	۶	۰/۹۶
تهران	۷۵۷	۱۰۱	۱۳/۳۴	۳۹۸	۵۲/۵۸	۱۴	۱/۸۵
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۳۶	۱۷/۷۵	۶۱۵	۸۰/۲۹	۱۵	۱/۹۶
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۵۱	۸/۸۷	۸۹۹	۵۲/۷۹	۱۷	۱/۰۰
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۵۹۰	۱۷/۶۹	۲۶۸۶	۸۰/۵۴	۳۸	۱/۱۴
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۴۴	۱۷/۲۵	۷۲۶	۸۶/۹۵	۶	۰/۷۲
خوزستان	۴۰۵۵	۴۲۵	۱۰/۴۸	۲۳۸۲	۵۸/۷۴	۳۳	۰/۸۱
زنجان	۹۳۵	۹۳	۹/۹۵	۸۱۹	۸۷/۵۹	۲۱	۲/۲۵
سمنان	۵۸۹	۶۰	۱۰/۱۹	۱۹۴	۳۲/۹۴	۴	۰/۶۸
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۵۴	۳/۸۸	۲۸۹۶	۴۴/۱۹	۴۹	۰/۷۵
فارس	۴۲۳۰	۸۰۴	۱۹/۰۱	۲۱۷۰	۵۱/۳	۲۳	۰/۵۴
قزوین	۸۴۲	۴۲	۴/۹۹	۵۲۶	۶۲/۴۷	۱۶	۱/۹
قم	۲۰۳	۱۰	۴/۹۳	۹۵	۴۶/۸	۰	۰
کردستان	۱۷۰۲	۲۰۴	۱۱/۹۹	۱۵۰۶	۸۸/۴۸	۳۲	۱/۸۸
کرمان	۵۱۷۸	۳۶۸	۷/۱۱	۲۰۰۲	۳۸/۶۶	۴۰	۰/۷۷
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۴۹	۵/۶۴	۲۰۰۷	۷۵/۹۷	۱۹	۰/۷۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۱۶۸	۱۰/۰۲	۱۱۹۹	۷۱/۵۴	۹	۰/۵۴
گلستان	۱۰۰۸	۲۳۶	۲۳/۴۱	۸۰۰	۷۹/۳۷	۹	۰/۸۹
گیلان	۲۵۹۱	۳۰۰	۱۱/۵۸	۱۳۲۸	۵۱/۲۵	۱۸	۰/۶۹
لرستان	۲۸۶۴	۳۳۲	۱۱/۵۹	۱۹۹۶	۶۹/۶۹	۳۷	۱/۲۹
مازندران	۲۹۷۵	۶۰۳	۲۰/۲۷	۱۴۴۵	۴۸/۵۷	۱۵	۰/۵
مرکزی	۱۲۱۰	۹۰	۷/۴۴	۷۴۸	۶۱/۸۲	۱۵	۱/۲۴
هرمزگان	۱۷۳۱	۳۶۳	۲۰/۹۷	۱۳۲۸	۷۶/۷۲	۲۶	۱/۵
همدان	۱۰۷۵	۲۲۱	۲۰/۵۶	۹۸۶	۹۱/۷۲	۲۲	۲/۰۵
یزد	۱۱۴۴	۱۲۴	۱۰/۸۴	۲۹۸	۲۶/۰۵	۹	۰/۷۹

جدول ۳-۴۰- شاخص امکانات آموزشی در آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

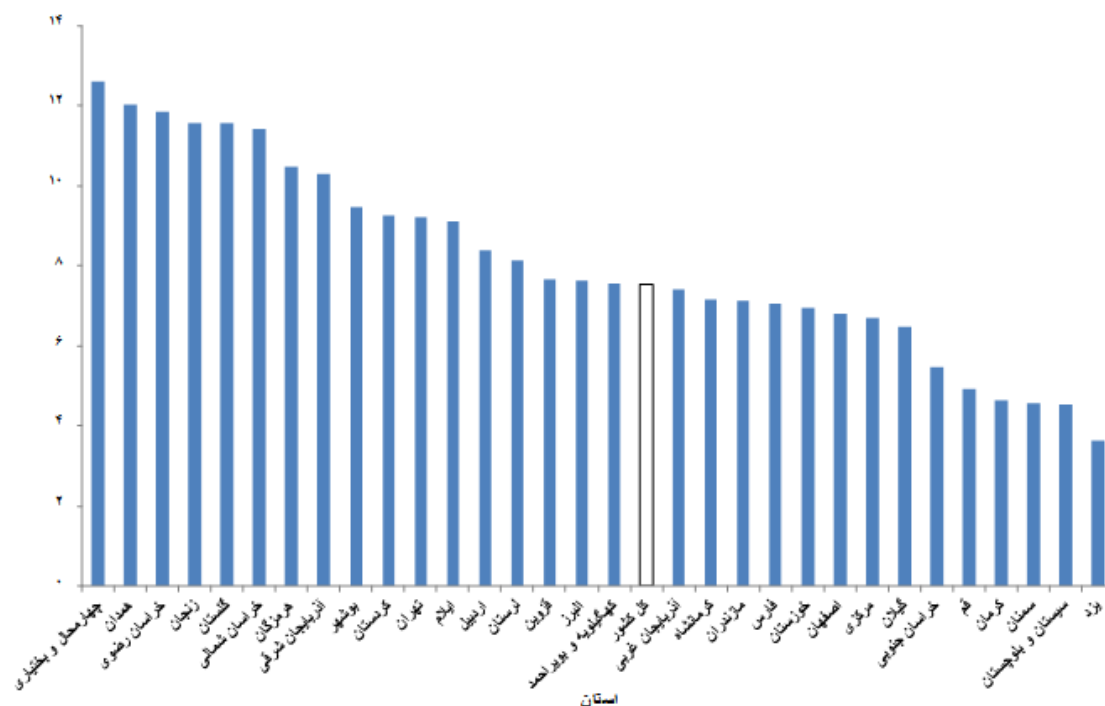
استان	آبادی‌های دارای سکنه	مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه درصد فراوانی	مدرسه‌ی راهنمایی دخترانه درصد فراوانی	مدرسه‌ی راهنمایی مختلط درصد فراوانی	دبیرستان شبانه‌روزی پسرانه درصد فراوانی
کل کشور	۶۱۷۵۰	۷۳۸۹	۱۱۹۷	۶۷۶۶	۱۰۹۶
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۴۶۳	۱۷۰۷	۴۰۷	۱۵۰۱
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۴۴	۷۴۷	۲۰۹	۶۴
اردبیل	۱۶۹۶	۲۳۲	۱۳۶۸	۲۱۴	۱۲۶۲
اصفهان	۱۸۳۱	۲۳۷	۱۲۹۴	۲۳۱	۱۲۶۲
البرز	۳۵۵	۷۱	۲۰۷	۶۶	۱۸۵۹
ایلام	۶۶۸	۱۰۰	۱۴۹۷	۸۰	۱۱۹۸
بوشهر	۶۲۳	۱۲۶	۲۰۲۲	۱۰۸	۱۷۳۴
تهران	۷۵۷	۱۶۶	۲۱۹۳	۱۷۱	۲۲۵۹
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۲۳۰	۳۰۰۳	۲۰۱	۲۶۲۴
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۷۴	۴۳۵	۶۲	۳۶۴
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۷۸۵	۲۳۵۴	۷۴۴	۲۲۳۱
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۲۲	۱۴۶۱	۱۱۴	۱۳۶۵
خوزستان	۴۰۵۵	۴۴۸	۱۱۰۵	۴۱۶	۱۰۲۶
زنجان	۹۳۵	۱۵۳	۱۶۳۶	۱۴۶	۱۵۶۱
سمنان	۵۸۹	۴۹	۸۳۲	۵۰	۸۴۹
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۴۲۷	۶۵۲	۴۱۷	۶۳۶
فارس	۴۲۳۰	۵۱۸	۱۲۲۵	۴۴۲	۱۰۴۵
قزوین	۸۴۲	۱۰۷	۱۲۷۱	۹۶	۱۱۴
قم	۲۰۳	۱۷	۸۳۷	۱۴	۶۹
کردستان	۱۷۰۲	۱۴۴	۸۴۶	۱۲۰	۷۰۵
کرمان	۵۱۷۸	۳۸۰	۷۳۴	۳۵۸	۶۹۱
کرمانشاه	۲۶۴۲	۲۱۷	۸۲۱	۱۷۵	۶۶۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۱۰۰	۵۹۷	۹۴	۵۶۱
گلستان	۱۰۰۸	۲۴۲	۲۴۰۱	۲۲۹	۲۲۷۲
گیلان	۲۵۹۱	۲۹۷	۱۱۴۶	۲۷۶	۱۰۶۵
لرستان	۲۸۶۴	۳۶۰	۱۲۵۷	۳۲۴	۱۱۳۱
مازندران	۲۹۷۵	۳۸۰	۱۲۷۷	۳۸۹	۱۳۰۸
مرکزی	۱۲۱۰	۹۸	۸۱	۹۱	۷۵۲
هرمزگان	۱۷۳۱	۲۶۸	۱۵۴۸	۲۴۲	۱۳۹۸
همدان	۱۰۷۵	۲۷۳	۲۵۴	۲۳۳	۲۱۶۷
یزد	۱۱۴۴	۶۱	۵۳۳	۴۷	۴۱۱

جدول ۳-۴۰- شاخص امکانات آموزشی در آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	دبیرستان		دبیرستان نظری		دبیرستان نظری		دبیرستان کاردانش	
		شبانه‌روزی دخترانه	پسرانه	دخترانه	پسرانه	دخترانه	پسرانه		
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۲۶۰	۰/۴۲	۲۱۰۴	۳/۴۱	۲۰۹۳	۳/۳۹	۳۵۸	۰/۵۸
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۲	۰/۴۴	۱۲۳	۴/۵۴	۹۶	۳/۵۴	۲۱	۰/۷۷
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۶	۰/۱۸	۶۲	۱/۹	۴۵	۱/۳۸	۱۵	۰/۴۶
اردبیل	۱۶۹۶	۷	۰/۴۱	۸۲	۴/۸۳	۷۲	۴/۲۵	۳۷	۲/۱۸
اصفهان	۱۸۳۱	۳	۰/۱۶	۶۰	۳/۲۸	۷۹	۴/۳۱	۱۰	۰/۵۵
البرز	۳۵۵	۰	۰	۹	۲/۵۴	۱۰	۲/۸۲	۱	۰/۲۸
ایلام	۶۶۸	۳	۰/۴۵	۳۳	۴/۹۴	۳۲	۴/۷۹	۵	۰/۷۵
بوشهر	۶۲۳	۱	۰/۱۶	۳۱	۴/۹۸	۳۸	۶/۱	۷	۱/۱۲
تهران	۷۵۷	۳	۰/۴	۴۸	۶/۳۴	۷۰	۹/۲۵	۱۳	۱/۷۲
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۳	۱/۷	۸۱	۱۰/۵۷	۷۵	۹/۷۹	۱۳	۱/۷
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۶	۰/۳۵	۱۷	۱/۰۰	۱۴	۰/۸۲	۶	۰/۳۵
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۲۳	۰/۶۹	۱۹۵	۵/۸۵	۱۸۳	۵/۴۹	۲۲	۰/۶۶
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۱	۱/۳۲	۲۷	۳/۲۳	۲۵	۲/۹۹	۷	۰/۸۴
خوزستان	۴۰۵۵	۱۱	۰/۲۷	۱۲۷	۳/۱۳	۱۲۸	۳/۱۶	۱۲	۰/۳
زنجان	۹۳۵	۱۱	۱/۱۸	۳۲	۳/۴۲	۲۹	۳/۱	۶	۰/۶۴
سمنان	۵۸۹	۱	۰/۱۷	۱۲	۲/۰۴	۱۸	۳/۰۶	۴	۰/۶۸
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۱۳	۰/۲	۱۳۷	۲/۰۹	۱۱۷	۱/۷۹	۱۸	۰/۲۷
فارس	۴۲۳۰	۱۲	۰/۲۸	۱۷۴	۴/۱۱	۱۸۵	۴/۳۷	۱۵	۰/۳۵
قزوین	۸۴۲	۴	۰/۴۸	۳۰	۳/۵۶	۳۱	۳/۶۸	۱۲	۱/۴۳
قم	۲۰۳	۰	۰	۴	۱/۹۷	۶	۲/۹۶	۰	۰
کردستان	۱۷۰۲	۷	۰/۴۱	۴۸	۲/۸۲	۴۲	۲/۴۷	۱۰	۰/۵۹
کرمان	۵۱۷۸	۲۵	۰/۴۸	۱۱۴	۲/۲	۱۲۴	۲/۳۹	۱۸	۰/۳۵
کرمانشاه	۲۶۴۲	۵	۰/۱۹	۵۲	۱/۹۷	۴۶	۱/۷۴	۸	۰/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۶	۰/۳۶	۷۵	۴/۴۷	۷۱	۴/۲۴	۱	۰/۰۶
گلستان	۱۰۰۸	۲	۰/۲	۶۶	۶/۵۵	۶۵	۶/۴۵	۱۲	۱/۱۹
گیلان	۲۵۹۱	۴	۰/۱۵	۷۱	۲/۷۴	۷۹	۳/۰۵	۱۸	۰/۶۹
لرستان	۲۸۶۴	۷	۰/۲۴	۱۰۹	۳/۸۱	۱۰۳	۳/۶	۱۱	۰/۳۸
مازندران	۲۹۷۵	۱۱	۰/۳۷	۷۵	۲/۵۲	۱۰۰	۳/۳۶	۱۳	۰/۴۴
مرکزی	۱۲۱۰	۸	۰/۶۶	۲۹	۲/۴	۲۶	۲/۱۵	۷	۰/۵۸
هرمزگان	۱۷۳۱	۳۰	۱/۷۳	۱۰۰	۵/۷۸	۱۰۳	۵/۹۵	۲۲	۱/۲۷
همدان	۱۰۷۵	۱۰	۰/۹۳	۵۷	۵/۳	۵۶	۵/۲۱	۱۲	۱/۱۲
یزد	۱۱۴۴	۵	۰/۴۴	۲۴	۲/۱	۲۵	۲/۱۹	۲	۰/۱۷

جدول ۳-۴۰- شاخص امکانات آموزشی در آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	دبیرستان‌کار دانش دخترانه		هنرستان فنی و حرفه‌ای پسرانه		هنرستان فنی و حرفه‌ای دخترانه		شاخص کل امکانات آموزشی	رتبه شاخص
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۲۲۲	۰/۳۶	۲۳۰	۰/۳۷	۱۰۷	۰/۱۷	۷/۵۳	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۸	۰/۶۶	۱۱	۰/۴۱	۵	۰/۱۸	۱۰/۲۹	۸
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۱۲	۰/۳۷	۶	۰/۱۸	۱	۰/۰۳	۷/۴۱	۱۸
اردبیل	۱۶۹۶	۲۷	۱/۵۹	۱۰	۰/۵۹	۶	۰/۳۵	۸/۳۸	۱۳
اصفهان	۱۸۳۱	۵	۰/۲۷	۳	۰/۱۶	۳	۰/۱۶	۶/۸۱	۲۳
البرز	۳۵۵	۰	۰	۲	۰/۵۶	۰	۰	۷/۶۲	۱۶
ایلام	۶۶۸	۱	۰/۱۵	۱	۰/۱۵	۰	۰	۹/۱۲	۱۲
بوشهر	۶۲۳	۶	۰/۸۶	۲	۰/۳۲	۱	۰/۱۶	۹/۴۶	۹
تهران	۷۵۷	۱۲	۱/۵۹	۱۳	۱/۷۲	۴	۰/۵۳	۹/۲۱	۱۱
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۳	۱/۷	۹	۱/۱۷	۶	۰/۷۸	۱۲/۶۱	۱
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۲	۰/۱۲	۲	۰/۱۲	۱	۰/۰۶	۵/۴۷	۲۶
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۱۵	۰/۴۵	۱۹	۰/۵۷	۱۱	۰/۳۳	۱۱/۸۶	۳
خراسان شمالی	۸۳۵	۳	۰/۳۶	۴	۰/۴۸	۳	۰/۳۶	۱۱/۴۱	۶
خوزستان	۴۰۵۵	۳	۰/۰۷	۱۲	۰/۳	۵	۰/۱۲	۶/۹۴	۲۲
زنجان	۹۳۵	۴	۰/۴۳	۳	۰/۳۲	۱	۰/۱۱	۱۱/۵۸	۴
سمنان	۵۸۹	۱	۰/۱۷	۱	۰/۱۷	۰	۰	۴/۵۷	۲۹
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۹	۰/۱۴	۸	۰/۱۲	۲	۰/۰۳	۴/۵۴	۳۰
فارس	۴۲۳۰	۱۱	۰/۲۶	۱۰	۰/۲۴	۹	۰/۲۱	۷/۰۷	۲۱
قزوین	۸۴۲	۶	۰/۷۱	۵	۰/۵۹	۴	۰/۴۸	۷/۶۶	۱۵
قم	۲۰۳	۰	۰	۱	۰/۴۹	۱	۰/۴۹	۴/۹۳	۲۷
کردستان	۱۷۰۲	۳	۰/۱۸	۸	۰/۴۷	۲	۰/۱۲	۹/۲۴	۱۰
کرمان	۵۱۷۸	۱۰	۰/۱۹	۱۵	۰/۲۹	۵	۰/۱	۴/۶۵	۲۸
کرمانشاه	۲۶۴۲	۶	۰/۲۳	۲	۰/۰۸	۱	۰/۰۴	۷/۱۵	۱۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷/۵۷	۱۷
گلستان	۱۰۰۸	۵	۰/۵	۳	۰/۳	۰	۰	۱۱/۵۶	۵
گیلان	۲۵۹۱	۷	۰/۲۷	۱۹	۰/۷۳	۸	۰/۳۱	۶/۴۶	۲۵
لرستان	۲۸۶۴	۷	۰/۲۴	۶	۰/۲۱	۴	۰/۱۴	۸/۱۵	۱۴
مازندران	۲۹۷۵	۱۴	۰/۴۷	۲۲	۰/۷۴	۹	۰/۳	۷/۱۴	۲۰
مرکزی	۱۲۱۰	۱	۰/۰۸	۵	۰/۴۱	۱	۰/۰۸	۶/۶۹	۲۴
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۳	۰/۷۵	۱۹	۱/۱	۹	۰/۵۲	۱۰/۴۸	۷
همدان	۱۰۷۵	۷	۰/۶۵	۶	۰/۵۶	۴	۰/۳۷	۱۲/۰۳	۲
یزد	۱۱۴۴	۱	۰/۰۹	۳	۰/۲۶	۱	۰/۰۹	۳/۶۴	۳۱



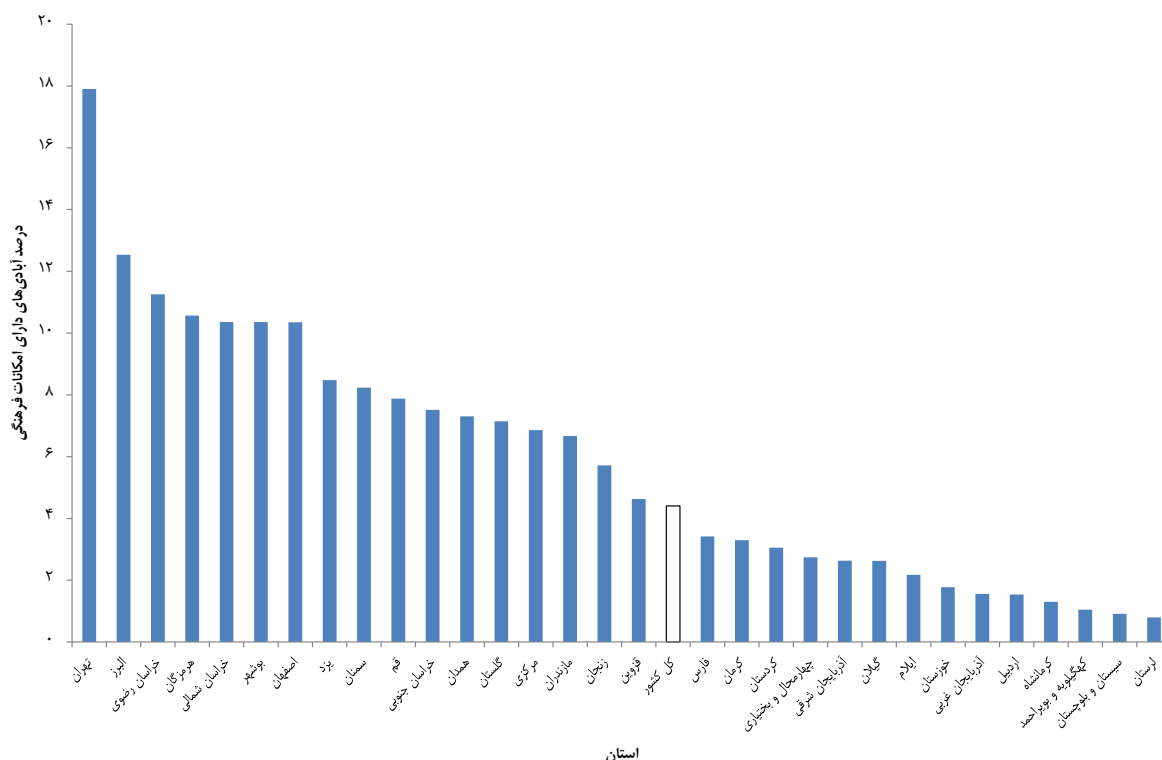
شکل ۳-۱۶- شاخص امکانات آموزشی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان

۳-۴-۴- شاخص امکانات فرهنگی

همان‌طور که در جدول ۳-۴۱ مشاهده می‌شود امکانات فرهنگی شامل بوستان روستایی و کتابخانه‌ی عمومی است. براساس این جدول، به‌طور متوسط فقط ۴/۴۱ درصد آبادی‌های دارای سکنه کشور دارای امکانات فرهنگی هستند. آبادی‌های استان تهران با ۱۷/۹۰ درصد به لحاظ برخورداری از امکانات فرهنگی در رتبه‌ی نخست در میان استان‌های کشور قرار دارند و بعد از آن آبادی‌های استان‌های البرز با ۱۲/۵۴ درصد و خراسان رضوی با ۱۱/۲۶ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مقابل، کم‌تر از ۱ درصد آبادی‌های دارای سکنه استان‌های لرستان (۰/۸۰ درصد) و سیستان و بلوچستان (۰/۹۲ درصد) از امکانات فرهنگی برخوردار هستند (شکل ۳-۱۷).

جدول ۳-۴۱- شاخص امکانات فرهنگی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	بوستان روستایی		کتابخانه‌ی عمومی		شاخص کل امکانات فرهنگی	رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۲۵۲۴	۴/۰۹	۲۹۱۴	۴/۷۲	۴/۴۱	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۵۵	۲/۰۳	۸۸	۳/۲۴	۲/۶۴	۲۲
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۳۴	۱/۰۴	۶۸	۲/۰۸	۱/۵۶	۲۶
اردبیل	۱۶۹۶	۱۳	۰/۷۷	۳۹	۲/۳	۱/۵۴	۲۷
اصفهان	۱۸۳۱	۱۶۶	۹/۰۷	۲۱۳	۱۱/۶۳	۱۰/۳۵	۷
البرز	۳۵۵	۳۳	۹/۳	۵۶	۱۵/۷۷	۱۲/۵۴	۲
ایلام	۶۶۸	۱۳	۱/۹۵	۱۶	۲/۴	۲/۱۸	۲۴
بوشهر	۶۲۳	۷۱	۱۱/۴	۵۸	۹/۳۱	۱۰/۳۶	۶
تهران	۷۵۷	۱۵۳	۲۰/۲۱	۱۱۸	۱۵/۵۹	۱۷/۹	۱
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۳	۱/۷	۲۹	۳/۷۹	۲/۷۵	۲۱
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۵۵	۹/۱	۱۰۱	۵/۹۳	۷/۵۲	۱۱
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۳۴۸	۱۰/۴۳	۴۰۳	۱۲/۰۸	۱۱/۲۶	۳
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۰۳	۱۲/۳۴	۷۰	۸/۳۸	۱۰/۳۶	۵
خوزستان	۴۰۵۵	۶۹	۱/۷	۷۵	۱/۸۵	۱/۷۸	۲۵
زنجان	۹۳۵	۲۰	۲/۱۴	۸۷	۹/۳	۵/۷۲	۱۶
سمنان	۵۸۹	۴۳	۷/۳	۵۴	۹/۱۷	۸/۲۴	۹
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۷۲	۱/۱	۴۸	۰/۷۳	۰/۹۲	۳۰
فارس	۴۲۳۰	۱۴۷	۳/۴۸	۱۴۲	۳/۳۶	۳/۴۲	۱۸
قزوین	۸۴۲	۲۹	۳/۴۴	۴۹	۵/۸۲	۴/۶۳	۱۷
قم	۲۰۳	۸	۳/۹۴	۲۴	۱۱/۸۲	۷/۸۸	۱۰
کردستان	۱۷۰۲	۳۰	۱/۷۶	۷۴	۴/۳۵	۳/۰۶	۲۰
کرمان	۵۱۷۸	۲۳۳	۴/۵	۱۰۸	۲/۰۹	۳/۳	۱۹
کرمانشاه	۲۶۴۲	۲۶	۰/۹۸	۴۳	۱/۶۳	۱/۳۱	۲۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۹	۰/۵۴	۲۶	۱/۵۵	۱/۰۵	۲۹
گلستان	۱۰۰۸	۷۵	۷/۴۴	۶۹	۶/۸۵	۷/۱۵	۱۳
گیلان	۲۵۹۱	۳۷	۱/۴۳	۹۹	۳/۸۲	۲/۶۳	۲۳
لرستان	۲۸۶۴	۱۵	۰/۵۲	۳۱	۱/۰۸	۰/۸	۳۱
مازندران	۲۹۷۵	۱۰۰	۳/۳۶	۲۹۷	۹/۹۸	۶/۶۷	۱۵
مرکزی	۱۲۱۰	۶۱	۵/۰۴	۱۰۵	۸/۶۸	۶/۸۶	۱۴
هرمزگان	۱۷۳۱	۲۳۶	۱۳/۶۳	۱۳۰	۷/۵۱	۱۰/۵۷	۴
همدان	۱۰۷۵	۴۸	۴/۴۷	۱۰۹	۱۰/۱۴	۷/۳۱	۱۲
یزد	۱۱۴۴	۱۰۹	۹/۵۳	۸۵	۷/۴۳	۸/۴۸	۸



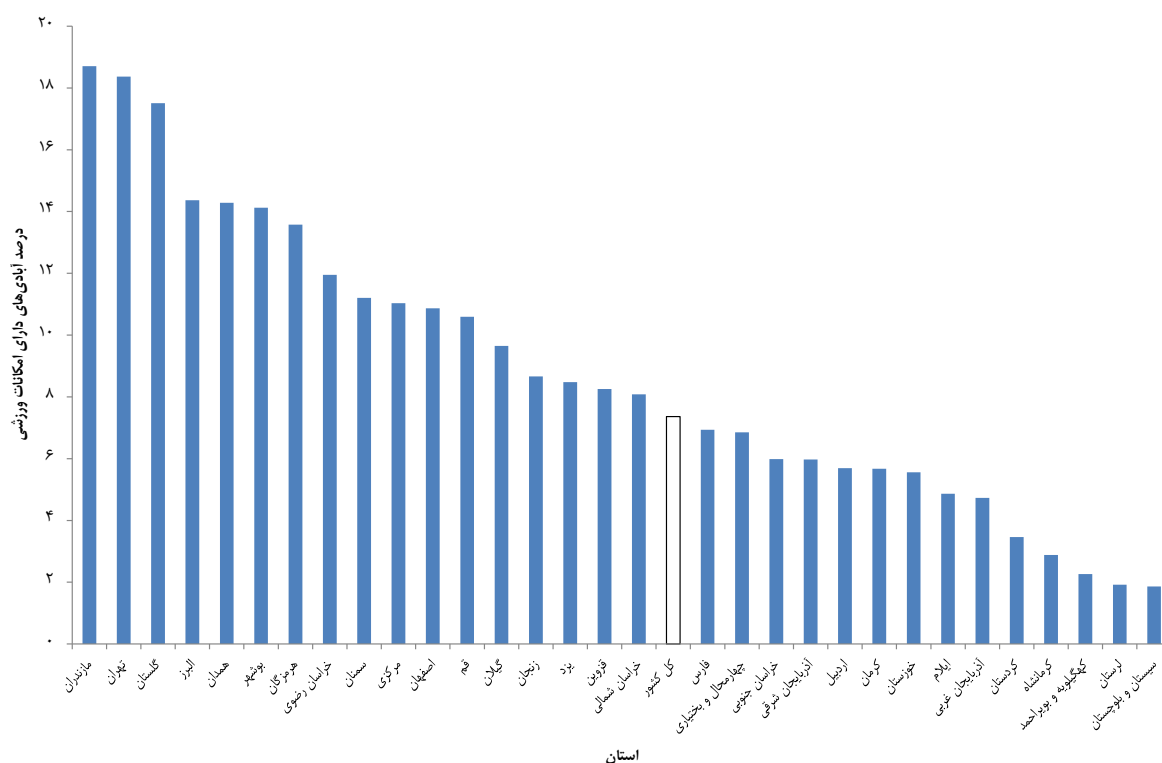
شکل ۳-۱۷- شاخص امکانات فرهنگی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۵- شاخص امکانات ورزشی

در جدول ۳-۴۲ اطلاعات مربوط به شاخص امکانات ورزشی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور که شامل زمین و سالن ورزشی می‌باشد، درج شده است. با توجه به نتایج این جدول، تنها ۷/۳۷ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور دارای امکانات ورزشی هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ۱۸/۷۱ درصد آبادی‌های دارای سکنه استان مازندران از امکانات ورزشی برخوردار هستند که این استان را از این نظر در جایگاه نخست قرار می‌دهد. پس از مازندران، آبادی‌های دارای سکنه استان‌های تهران (۱۸/۳۷ درصد) و گلستان (۱۷/۵۱ درصد) قرار دارند. در مقابل، آبادی‌های دارای سکنه استان‌های سیستان و بلوچستان (۱/۸۶ درصد)، لرستان (۱/۹۲ درصد) و کهگیلویه و بویراحمد (۲/۲۷ درصد) قرار دارند (شکل ۳-۱۸).

جدول ۳-۴۲- شاخص امکانات ورزشی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	زمین ورزشی		سالن ورزشی		شاخص کل امکانات ورزشی	رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۷۵۵۷	۱۲/۲۴	۱۵۳۵	۲/۴۹	۷/۳۷	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۲۶۱	۹/۶۲	۶۳	۲/۳۲	۵/۹۷	۲۱
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۴۱	۷/۳۸	۶۸	۲/۰۸	۴/۷۳	۲۶
اردبیل	۱۶۹۶	۱۵۹	۹/۳۸	۳۴	۲/۰۰	۵/۶۹	۲۲
اصفهان	۱۸۳۱	۳۱۱	۱۶/۹۹	۸۷	۴/۷۵	۱۰/۸۷	۱۱
البرز	۳۵۵	۶۷	۱۸/۸۷	۳۵	۹/۸۶	۱۴/۳۷	۴
ایلام	۶۶۸	۴۱	۶/۱۴	۲۴	۳/۵۹	۴/۸۷	۲۵
بوشهر	۶۲۳	۱۴۴	۲۳/۱۱	۳۲	۵/۱۴	۱۴/۱۳	۶
تهران	۷۵۷	۱۷۵	۲۳/۱۲	۱۰۳	۱۳/۶۱	۱۸/۳۷	۲
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۷۵	۹/۷۹	۳۰	۳/۹۲	۶/۸۶	۱۹
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۷۶	۱۰/۳۳	۲۸	۱/۶۴	۵/۹۹	۲۰
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۷۲۳	۲۱/۶۸	۷۴	۲/۲۲	۱۱/۹۵	۸
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۰۸	۱۲/۹۳	۲۷	۳/۲۳	۸/۰۸	۱۷
خوزستان	۴۰۵۵	۳۹۵	۹/۷۴	۵۶	۱/۳۸	۵/۵۶	۲۴
زنجان	۹۳۵	۱۲۷	۱۳/۵۸	۳۵	۳/۷۴	۸/۶۶	۱۴
سمنان	۵۸۹	۹۰	۱۵/۲۸	۴۲	۷/۱۳	۱۱/۲۱	۹
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۱۳	۳/۲۵	۳۱	۰/۴۷	۱/۸۶	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۴۹۸	۱۱/۷۷	۸۹	۲/۱	۶/۹۴	۱۸
قزوین	۸۴۲	۱۱۱	۱۳/۱۸	۲۸	۳/۳۳	۸/۲۶	۱۶
قم	۲۰۳	۳۱	۱۵/۲۷	۱۲	۵/۹۱	۱۰/۵۹	۱۲
کردستان	۱۷۰۲	۱۰۵	۶/۱۷	۱۳	۰/۷۶	۳/۴۷	۲۷
کرمان	۵۱۷۸	۵۳۷	۱۰/۳۷	۵۱	۰/۹۸	۵/۶۸	۲۳
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۲۲	۴/۶۲	۳۰	۱/۱۴	۲/۸۸	۲۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۵۸	۳/۴۶	۱۸	۱/۰۷	۲/۲۷	۲۹
گلستان	۱۰۰۸	۲۹۶	۲۹/۳۷	۵۷	۵/۶۵	۱۷/۵۱	۳
گیلان	۲۵۹۱	۴۵۲	۱۷/۴۵	۴۸	۱/۸۵	۹/۶۵	۱۳
لرستان	۲۸۶۴	۸۳	۲/۹	۲۷	۰/۹۴	۱/۹۲	۳۰
مازندران	۲۹۷۵	۹۲۲	۳۰/۹۹	۱۹۱	۶/۴۲	۱۸/۷۱	۱
مرکزی	۱۲۱۰	۲۲۶	۱۸/۶۸	۴۱	۳/۳۹	۱۱/۰۴	۱۰
هرمزگان	۱۷۳۱	۳۹۸	۲۲/۹۹	۷۲	۴/۱۶	۱۳/۵۸	۷
همدان	۱۰۷۵	۲۵۷	۲۳/۹۱	۵۰	۴/۶۵	۱۴/۲۸	۵
یزد	۱۱۴۴	۱۵۵	۱۳/۵۵	۳۹	۳/۴۱	۸/۴۸	۱۵



شکل ۳-۱۸- شاخص امکانات ورزشی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۶- شاخص امکانات مذهبی

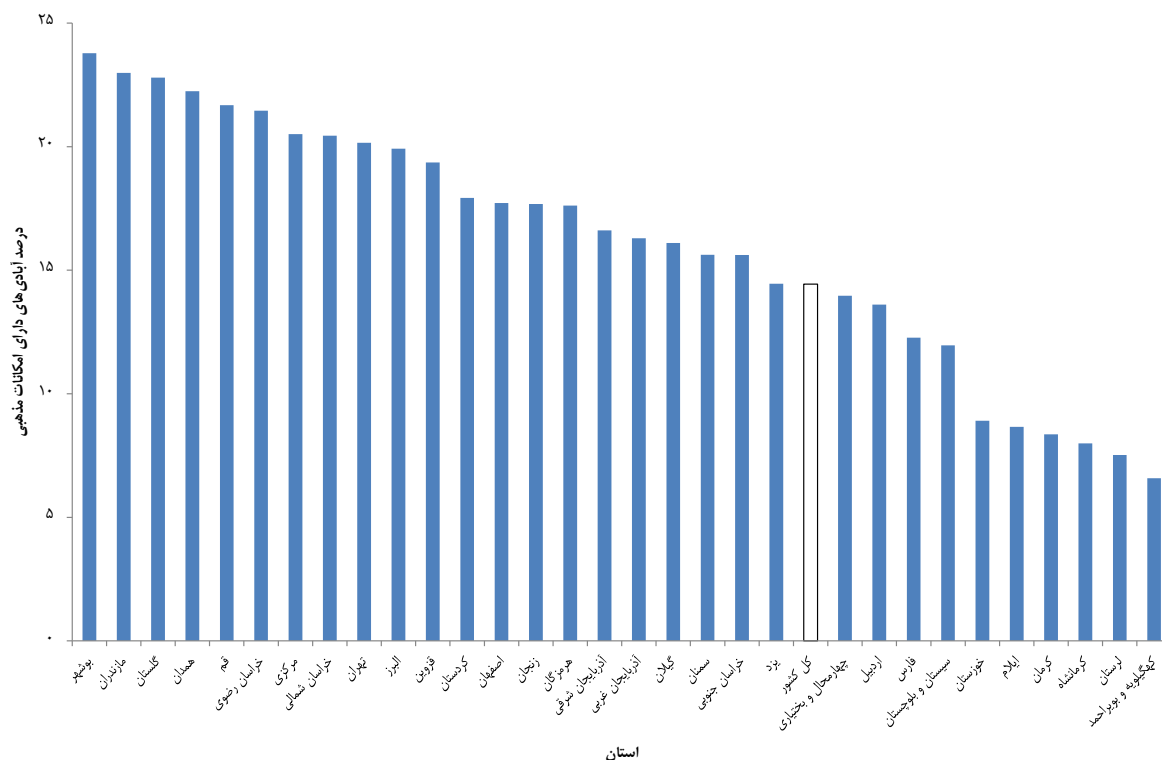
جدول ۳-۴۳ مربوط به شاخص امکانات مذهبی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور که شامل مسجد، امامزاده، سایر اماکن مذهبی مسلمانان، اماکن مذهبی سایر ادیان، مدرسه علمیه، امام جماعت راتب و خانه عالم است، می‌باشد. براساس نتایج این جدول، شاخص کل امکانات مذهبی برای آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور ۱۴/۴۴ درصد است. از آنجایی که در این جدول عناصر تشکیل دهنده شاخص امکانات مذهبی آبادی‌ها به لحاظ ایجاد و تاسیس هم‌سنگ نیست، استفاده و تفسیر مقایسه‌ای از آن در سطح ملی و استانی توصیه نمی‌شود (تفسیر جداگانه مؤلفه‌های این شاخص معتبرتر است) و صرفاً جهت یکسانی گزارش، شاخص‌سازی انجام شده است. با توجه به نتایج، ۶۲/۹۵ درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور دارای مسجد، ۱۲/۶۳ درصد دارای امامزاده، ۹/۸۰ درصد دارای سایر اماکن مذهبی مسلمانان، ۰/۳۳ درصد دارای اماکن مذهبی سایر ادیان، ۰/۹۷ درصد دارای مدرسه علمیه، ۷/۲۷ درصد دارای امام جماعت راتب و ۷/۱۳ درصد دارای خانه عالم هستند (شکل ۳-۱۹).

جدول ۳-۴۳- شاخص امکانات مذهبی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	مسجد	امام‌زاده	سایر اماکن مذهبی	اماکن مذهبی
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
کل کشور	۶۱۷۵۰	۳۸۸۶۹	۶۲۹۵	۷۸۰۱	۱۲۶۳
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۲۳۶۰	۸۷۰۲	۳۲۰	۱۱۸
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۴۱۴	۷۳۹۱	۱۹۶	۶۰۰
اردبیل	۱۶۹۶	۱۲۵۳	۷۳۸۸	۱۱۱	۶۵۴
اصفهان	۱۸۳۱	۱۱۵۹	۶۳۳	۲۹۷	۱۶۲۲
البرز	۳۵۵	۲۷۰	۷۶۰۶	۸۴	۲۳۶۶
ایلام	۶۶۸	۲۸۳	۴۲۳۷	۴۲	۶۲۹
بوشهر	۶۲۳	۴۵۵	۷۳۰۳	۲۴۴	۳۹۱۷
تهران	۷۵۷	۵۲۵	۶۹۳۵	۱۷۲	۲۲۷۲
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۴۶۱	۶۰۱۸	۱۰۴	۱۳۵۸
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۰۷۷	۶۳۲۴	۱۶۷	۹۸۱
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۲۸۲۳	۸۴۶۵	۳۸۴	۱۱۵۱
خراسان شمالی	۸۳۵	۷۲۳	۸۶۵۹	۱۶۹	۲۰۲۴
خوزستان	۴۰۵۵	۱۳۷۲	۳۳۸۳	۵۲۸	۱۳۰۲
زنجان	۹۳۵	۸۴۰	۸۹۸۴	۱۰۲	۱۰۹۱
سمنان	۵۸۹	۳۵۷	۶۰۶۱	۹۳	۱۵۷۹
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۴۵۴۲	۶۹۳۱	۳۷	۰۵۶
فارس	۴۲۳۰	۱۹۸۳	۴۶۸۸	۷۴۲	۱۷۵۴
قزوین	۸۴۲	۷۰۳	۸۳۴۹	۲۱۵	۲۵۵۳
قم	۲۰۳	۱۵۶	۷۶۸۵	۵۸	۲۸۵۷
کردستان	۱۷۰۲	۱۵۳۷	۹۰۳۱	۱۸۶	۱۰۹۳
کرمان	۵۱۷۸	۱۹۵۴	۳۷۷۴	۲۰۸	۴۰۲
کرمانشاه	۲۶۴۲	۹۷۰	۳۶۷۱	۲۱۲	۸۰۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۴۴۸	۲۶۷۳	۱۹۷	۱۱۷۵
گلستان	۱۰۰۸	۹۴۸	۹۴۰۵	۱۳۶	۱۳۴۹
گیلان	۲۵۹۱	۱۹۲۳	۷۴۲۲	۷۷۰	۲۹۷۲
لرستان	۲۸۶۴	۹۰۹	۳۱۷۴	۱۳۹	۴۸۵
مازندران	۲۹۷۵	۲۴۸۶	۸۳۵۶	۱۰۵۱	۳۵۳۳
مرکزی	۱۲۱۰	۹۸۸	۸۱۶۵	۲۴۱	۱۹۹۲
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۲۸۳	۷۴۱۲	۲۶۱	۱۵۰۸
همدان	۱۰۷۵	۹۹۴	۹۲۴۷	۲۷۰	۲۵۱۲
یزد	۱۱۴۴	۶۷۳	۵۸۸۳	۶۵	۵۶۸

جدول ۳-۴۳- شاخص امکانات مذهبی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	مدرسه‌ی علمیه		امام جماعت راتب		خانه‌ی عالم		شاخص کل امکانات مذهبی	رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۶۰۱	۰/۹۷	۴۴۹۲	۷/۲۷	۴۴۰۵	۷/۱۳	۱۴/۴۴	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۳	۰/۱۱	۱۳۵	۴/۹۸	۱۲۷	۴/۶۸	۱۶/۶۱	۱۶
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۹	۰/۲۸	۴۵۲	۱۳/۸۴	۴۵۱	۱۳/۸۱	۱۶/۲۹	۱۷
اردبیل	۱۶۹۶	۲	۰/۱۲	۹۵	۵/۶	۹۴	۵/۵۴	۱۳/۶۱	۲۳
اصفهان	۱۸۳۱	۴	۰/۲۲	۲۴۹	۱۳/۶	۲۳۵	۱۲/۸۳	۱۷/۷۲	۱۳
البرز	۳۵۵	۰	۰	۴۴	۱۲/۳۹	۴۴	۱۲/۳۹	۱۹/۹۲	۱۰
ایلام	۶۶۸	۰	۰	۲۸	۴/۱۹	۲۸	۴/۱۹	۸/۶۶	۲۷
بوشهر	۶۲۳	۴	۰/۶۴	۶۹	۱۱/۰۸	۶۲	۹/۹۵	۲۳/۷۸	۱
تهران	۷۵۷	۸	۱/۰۶	۱۱۶	۱۵/۳۲	۱۱۴	۱۵/۰۶	۲۰/۱۵	۹
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۳	۰/۳۹	۶۷	۸/۷۵	۶۶	۸/۶۲	۱۳/۹۷	۲۲
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۸	۰/۴۷	۱۴۵	۸/۵۱	۱۴۶	۸/۵۷	۱۵/۶۱	۲۰
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۱۶	۰/۴۸	۵۲۰	۱۵/۵۹	۵۲۰	۱۵/۵۹	۲۱/۴۶	۶
خراسان شمالی	۸۳۵	۲۷	۳/۲۳	۱۰۳	۱۲/۳۴	۱۰۳	۱۲/۳۴	۲۰/۴۵	۸
خوزستان	۴۰۵۵	۶	۰/۱۵	۱۱۶	۲/۸۶	۱۱۵	۲/۸۴	۸/۹۱	۲۶
زنجان	۹۳۵	۱	۰/۱۱	۶۷	۷/۱۷	۶۷	۷/۱۷	۱۷/۶۸	۱۴
سمنان	۵۸۹	۲	۰/۳۴	۵۴	۹/۱۷	۵۴	۹/۱۷	۱۵/۶۲	۱۹
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۳۳۷	۵/۱۴	۲۳۷	۳/۶۲	۲۳۴	۳/۵۷	۱۱/۹۶	۲۵
فارس	۴۲۳۰	۳	۰/۰۷	۲۲۴	۵/۳	۲۲۳	۵/۲۷	۱۲/۲۷	۲۴
قزوین	۸۴۲	۰	۰	۸۰	۹/۵	۷۹	۹/۳۸	۱۹/۳۶	۱۱
قم	۲۰۳	۰	۰	۳۷	۱۸/۲۳	۳۳	۱۶/۲۶	۲۱/۶۸	۵
کردستان	۱۷۰۲	۵	۰/۲۹	۱۷۰	۹/۹۹	۱۶۷	۹/۸۱	۱۷/۹۳	۱۲
کرمان	۵۱۷۸	۷	۰/۱۴	۲۴۴	۴/۷۱	۲۴۳	۴/۶۹	۸/۳۶	۲۸
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۱	۰/۴۲	۱۰۸	۴/۰۹	۱۰۸	۴/۰۹	۷/۹۹	۲۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۱	۰/۰۶	۵۲	۳/۱	۵۳	۳/۱۶	۶/۵۸	۳۱
گلستان	۱۰۰۸	۹۰	۸/۹۳	۱۴۰	۱۳/۸۹	۱۴۰	۱۳/۸۹	۲۲/۷۹	۳
گیلان	۲۵۹۱	۲	۰/۰۸	۵۶	۲/۱۶	۴۹	۱/۸۹	۱۶/۱	۱۸
لرستان	۲۸۶۴	۴	۰/۱۴	۱۹۸	۶/۹۱	۱۹۲	۶/۷	۷/۵۳	۳۰
مازندران	۲۹۷۵	۱۷	۰/۵۷	۱۷۵	۵/۸۸	۱۶۸	۵/۶۵	۲۲/۹۸	۲
مرکزی	۱۲۱۰	۲	۰/۱۷	۱۵۱	۱۲/۴۸	۱۴۶	۱۲/۰۷	۲۰/۵۱	۷
هرمزگان	۱۷۳۱	۲۴	۱/۳۹	۱۲۷	۷/۳۴	۱۱۳	۶/۵۳	۱۷/۶۱	۱۵
همدان	۱۰۷۵	۰	۰	۱۲۴	۱۱/۵۳	۱۲۴	۱۱/۵۳	۲۲/۲۵	۴
یزد	۱۱۴۴	۵	۰/۴۴	۱۰۹	۹/۵۳	۱۰۷	۹/۳۵	۱۴/۴۵	۲۱



شکل ۳-۱۹- شاخص امکانات مذهبی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۷- شاخص امکانات سیاسی و اداری

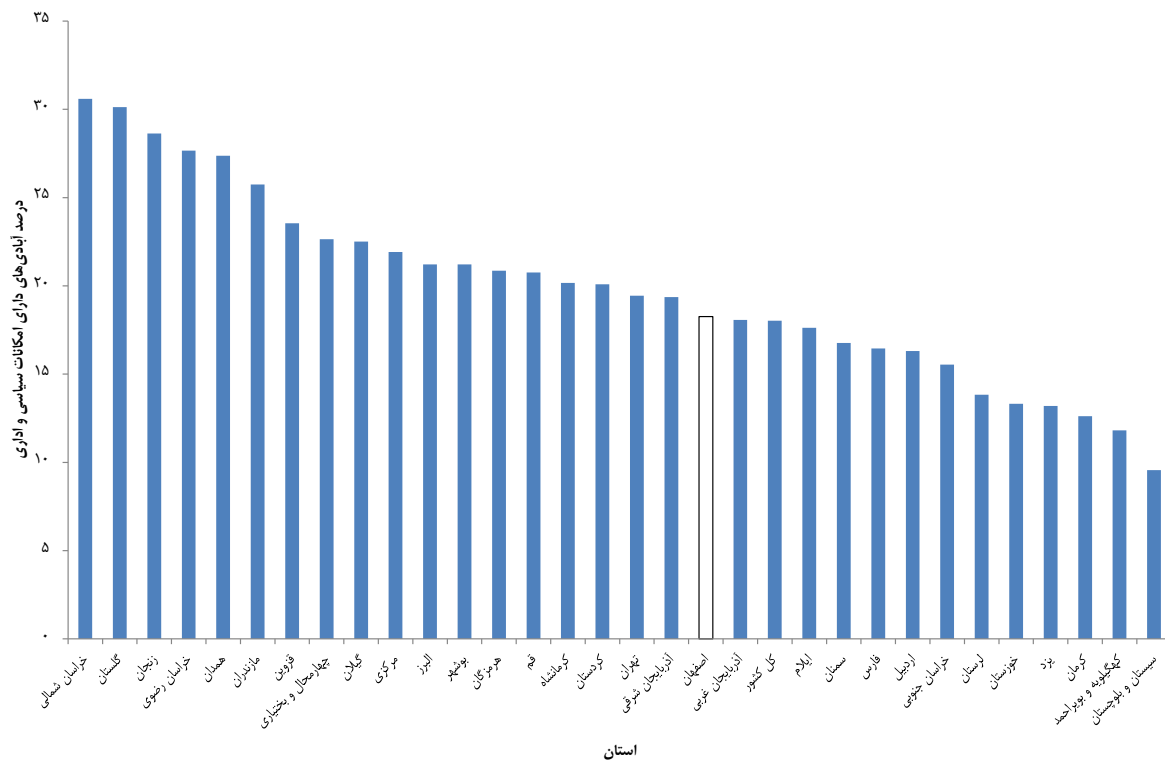
شاخص امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه در جدول ۳-۴۴ نشان داده شده است. این شاخص که شامل مؤلفه‌های شورای اسلامی روستا، دهیار، پاسگاه نیروی انتظامی، مرکز خدمات جهاد کشاورزی، مروج کشاورزی، شورای حل اختلاف و شرکت تعاونی روستایی است، برای کل کشور ۱۸/۰۲ درصد است. با مقایسه استان‌ها مشاهده می‌شود که شاخص کل امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه برای استان خراسان شمالی ۳۰/۵۹ درصد می‌باشد و این استان را از این لحاظ در رتبه نخست قرار می‌دهد. بعد از این استان، استان‌های گلستان و زنجان به ترتیب با ۳۰/۱۲ و ۲۸/۶۳ درصد قرار دارند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان (۹/۵۶ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۱۱/۸۱ درصد) و کرمان (۱۲/۶۲ درصد) سه استان انتهایی جدول هستند (شکل ۳-۲۰).

جدول ۳-۴۴- شاخص امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	شورای اسلامی روستا	دهیار	پاسگاه نیروی انتظامی		مرکز خدمات جهاد کشاورزی	
				فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۳۴۴۳۳	۵۵/۷۶	۲۳۵۶۰	۳۸/۱۵	۲۰۲۷	۳/۲۸
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۷۹۹	۶۶/۳۳	۹۵۹	۳۵/۳۶	۶۶	۲/۴۳
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۱۸۹۷	۵۸/۰۸	۱۲۱۱	۳۷/۰۸	۱۷۷	۵/۴۲
اردبیل	۱۶۹۶	۱۰۲۹	۶۰/۶۷	۴۳۹	۲۵/۸۸	۵۴	۳/۱۸
اصفهان	۱۸۳۱	۸۶۰	۴۶/۹۷	۷۸۰	۴۲/۶	۴۸	۲/۶۲
البرز	۳۵۵	۲۵۰	۷۰/۴۲	۱۵۲	۴۲/۸۲	۱۷	۴/۷۹
ایلام	۶۶۸	۳۲۰	۴۷/۹	۲۲۵	۳۳/۶۸	۳۳	۴/۹۴
بوشهر	۶۲۳	۳۸۸	۶۲/۲۸	۲۶۹	۴۳/۱۸	۴۲	۶/۷۴
تهران	۷۵۷	۴۵۴	۵۹/۹۷	۲۷۶	۳۶/۴۶	۴۵	۵/۹۴
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۵۰۷	۶۶/۱۹	۳۱۲	۴۰/۷۳	۲۳	۳/۰۰
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۷۱۲	۴۱/۸۱	۷۱۴	۴۱/۹۳	۵۴	۳/۱۷
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۲۵۲۸	۷۵/۸	۲۰۳۲	۶۰/۹۳	۱۴۴	۴/۳۲
خراسان شمالی	۸۳۵	۶۷۷	۸۱/۰۸	۶۳۷	۷۶/۲۹	۵۲	۶/۲۳
خوزستان	۴۰۵۵	۱۷۶۹	۴۳/۶۳	۱۲۰۱	۲۹/۶۲	۱۲۶	۳/۱۱
زنجان	۹۳۵	۶۹۳	۷۴/۱۲	۴۵۱	۴۸/۲۴	۱۸	۱/۹۳
سمنان	۵۸۹	۲۵۹	۴۳/۹۷	۱۸۴	۳۱/۲۴	۲۳	۳/۸
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۱۴۱	۳۲/۶۷	۱۰۸۵	۱۶/۵۶	۱۶۰	۲/۴۴
فارس	۴۲۳۰	۲۱۸۹	۵۱/۷۵	۱۴۸۶	۳۵/۱۳	۱۵۱	۳/۵۷
قزوین	۸۴۲	۶۱۸	۷۳/۴	۳۵۹	۴۲/۶۴	۱۴	۱/۶۶
قم	۲۰۳	۱۳۴	۶۶/۰۱	۸۵	۴۱/۸۷	۹	۴/۴۳
کردستان	۱۷۰۲	۱۳۹۱	۸۱/۷۳	۴۸۷	۲۸/۶۱	۸۱	۴/۷۶
کرمان	۵۱۷۸	۱۸۰۸	۳۴/۹۲	۱۶۲۰	۳۱/۲۹	۹۱	۱/۷۶
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۶۴۸	۶۲/۳۸	۱۳۱۷	۴۹/۸۵	۱۲۵	۴/۷۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۶۶۶	۳۹/۷۴	۳۱۱	۱۸/۵۶	۳۵	۲/۰۹
گلستان	۱۰۰۸	۸۷۱	۸۶/۴۱	۸۵۷	۸۵/۰۲	۵۶	۵/۵۶
گیلان	۲۵۹۱	۱۹۵۶	۷۵/۴۹	۱۳۴۱	۵۱/۷۶	۶۴	۲/۴۷
لرستان	۲۸۶۴	۱۲۲۷	۴۲/۸۴	۸۸۸	۳۱/۰۱	۵۷	۱/۹۹
مازندران	۲۹۷۵	۲۴۱۱	۸۱/۰۴	۱۶۰۷	۵۴/۰۲	۵۷	۱/۹۲
مرکزی	۱۲۱۰	۸۳۲	۶۸/۷۶	۶۰۰	۴۹/۵۹	۳۱	۲/۵۶
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۰۸۲	۶۲/۵۱	۶۹۲	۳۹/۹۸	۱۰۳	۵/۹۵
همدان	۱۰۷۵	۹۳۷	۸۷/۱۶	۶۱۸	۵۷/۴۹	۳۵	۳/۲۶
یزد	۱۱۴۴	۳۸۰	۳۳/۲۲	۳۶۵	۳۱/۹۱	۳۶	۳/۱۵

جدول ۳-۴۴- شاخص امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	مروج کشاورزی		شورای حل اختلاف		شرکت تعاونی روستایی		شاخص کل امکانات سیاسی و اداری	رتبه‌ی شاخص
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۲۶۵۲	۴۲۹	۵۴۸۵	۸۸۸	۸۴۷۷	۱۳۷۳	۱۸۰۲	-
آذربایجان	۲۷۱۲	۷۷	۲۸۴	۳۸۵	۱۴۲	۳۳۲	۱۲۲۴	۱۹۳۶	۱۸
آذربایجان	۳۲۶۶	۱۶۵	۵۰۵	۱۹۲	۵۸۸	۴۰۳	۱۲۳۴	۱۸۰۷	۲۰
اردبیل	۱۶۹۶	۸۸	۵۱۹	۱۶۶	۹۷۹	۱۴۰	۸۲۵	۱۶۳۱	۲۴
اصفهان	۱۸۳۱	۱۲۲	۶۶۶	۱۱۷	۶۳۹	۳۶۷	۲۰۰۴	۱۸۲۶	۱۹
البرز	۳۵۵	۱۸	۵۰۷	۲۲	۶۲	۵۵	۱۵۴۹	۲۱۲۱	۱۱
ایلام	۶۶۸	۳۰	۴۴۹	۱۳۱	۱۹۶۱	۷۴	۱۱۰۸	۱۷۶۲	۲۱
بوشهر	۶۲۳	۲۳	۳۶۹	۵۵	۸۸۳	۱۳۳	۲۱۳۵	۲۱۲۱	۱۱
تهران	۷۵۷	۳۶	۴۷۶	۱۰۸	۱۴۲۷	۹۲	۱۲۱۵	۱۹۴۴	۱۷
چهارمحال و	۷۶۶	۳۵	۴۵۷	۱۳۰	۱۶۹۷	۱۸۰	۲۳۵	۲۲۶۴	۸
خراسان	۱۷۰۳	۶۰	۳۵۲	۶۰	۳۵۲	۲۴۰	۱۴۰۹	۱۵۵۴	۲۵
خراسان	۳۳۳۵	۴۴۳	۱۳۲۸	۴۰۱	۱۲۰۲	۸۰۰	۲۳۹۹	۲۷۶۶	۴
خراسان	۸۳۵	۵۹	۷۰۷	۱۵۷	۱۸۸	۱۷۹	۲۱۴۴	۳۰۵۹	۱
خوزستان	۴۰۵۵	۹۹	۲۴۴	۱۶۳	۴۰۲	۳۰۵	۷۵۲	۱۳۳۲	۲۷
زنجان	۹۳۵	۴۹	۵۲۴	۴۵۹	۴۹۰۹	۱۸۰	۱۹۲۵	۲۸۶۳	۳
سمنان	۵۸۹	۲۵	۴۲۴	۷۳	۱۲۳۹	۱۰۶	۱۸۰۰	۱۶۷۶	۲۲
سیستان و	۶۵۵۳	۱۰۴	۱۵۹	۱۵۲	۲۳۲	۷۲۱	۱۱۰۰	۹۵۶	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۱۴۰	۳۳۱	۲۹۱	۶۸۸	۵۳۴	۱۲۶۲	۱۶۴۵	۲۳
قزوین	۸۴۲	۵۷	۶۷۷	۱۹۵	۲۳۱۶	۱۳۴	۱۵۹۱	۲۳۵۵	۷
قم	۲۰۳	۱۴	۶۹	۱۷	۸۳۷	۳۰	۱۴۷۸	۲۰۷۶	۱۴
کردستان	۱۷۰۲	۸۶	۵۰۵	۱۴۷	۸۶۴	۱۷۵	۱۰۲۸	۲۰۰۹	۱۶
کرمان	۵۱۷۸	۱۰۹	۲۱۱	۲۷۰	۵۲۱	۵۷۹	۱۱۱۸	۱۲۶۲	۲۹
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۹۳	۷۳۱	۱۰۶	۴۰۱	۲۷۹	۱۰۵۶	۲۰۱۷	۱۵
کهگیلویه و	۱۶۷۶	۳۱	۱۸۵	۱۰۵	۶۲۶	۲۲۲	۱۳۲۵	۱۱۸۱	۳۰
گلستان	۱۰۰۸	۳۲	۳۱۷	۱۰۳	۱۰۲۲	۱۷۷	۱۷۵۶	۳۰۱۲	۲
گیلان	۲۵۹۱	۱۲۵	۴۸۲	۱۷۹	۶۹۱	۳۶۰	۱۳۸۹	۲۲۵۱	۹
لرستان	۲۸۶۴	۸۳	۲۹	۱۹۱	۶۶۷	۲۷۲	۹۵	۱۳۸۳	۲۶
مازندران	۲۹۷۵	۱۷۴	۵۸۵	۶۰۶	۲۰۳۷	۴۲۵	۱۴۲۹	۲۵۷۴	۶
مرکزی	۱۲۱۰	۶۳	۵۲۱	۹۲	۷۶	۲۱۶	۱۷۸۵	۲۱۹۲	۱۰
هرمزگان	۱۷۳۱	۳۰	۱۷۳	۳۰۷	۱۷۷۴	۲۹۱	۱۶۸۱	۲۰۸۶	۱۳
همدان	۱۰۷۵	۵۱	۴۷۴	۴۷	۴۳۷	۳۱۹	۲۹۶۷	۲۷۳۷	۵
یزد	۱۱۴۴	۳۱	۲۷۱	۵۸	۵۰۷	۱۵۷	۱۳۷۲	۱۳۲۰	۲۸



شکل ۳-۲۰- شاخص امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۸- شاخص امکانات انرژی

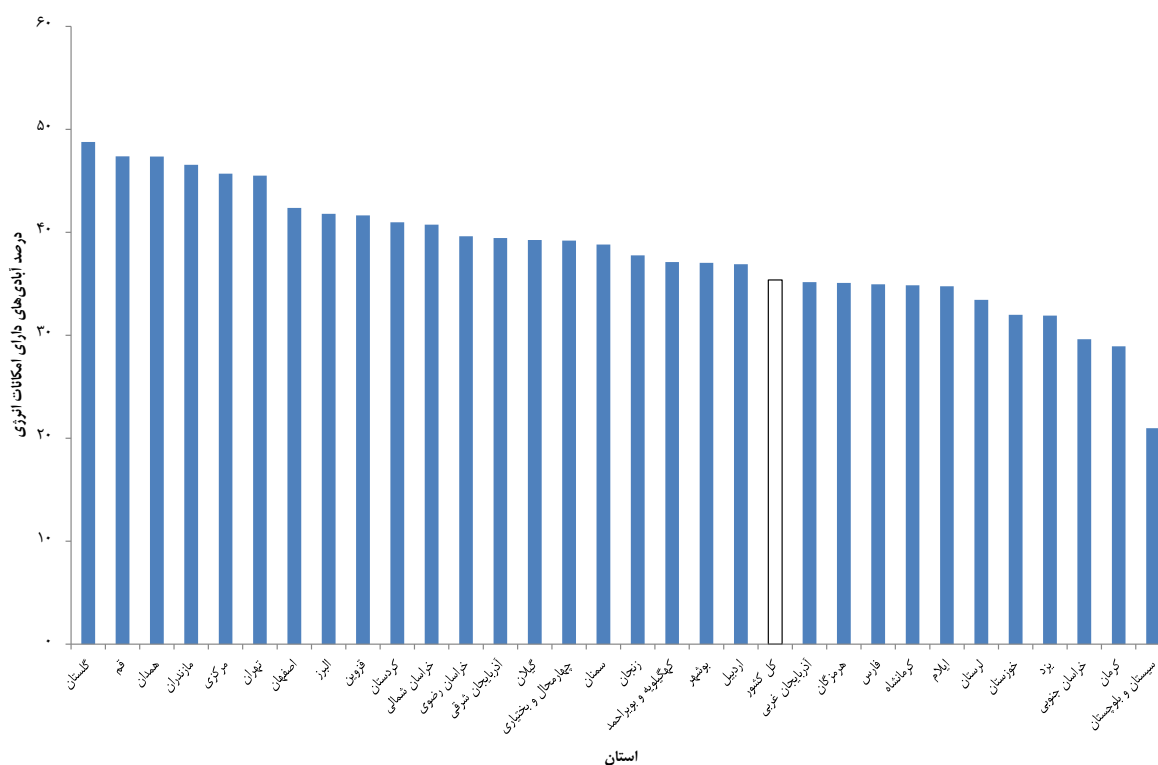
جدول ۳-۴۵ شاخص امکانات انرژی و مؤلفه‌های آن را که شامل برق (شبکه سراسری برق، موتور برق دیزلی و انرژی نو)، گاز لوله‌کشی و آب لوله‌کشی می‌باشد را به تفکیک نمایش می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، این شاخص برای آبادی‌های دارای سکنه کل کشور ۳۵/۳۸ درصد است. بررسی شاخص امکانات انرژی به تفکیک استان نشان می‌دهد که استان گلستان با ۴۸/۷۷ درصد در رتبه نخست قرار دارد. بعد از این استان، استان‌های قم (۴۷/۳۹ درصد) و همدان (۴۷/۳۷ درصد) قرار دارند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان (۲۰/۹۷ درصد)، کرمان (۲۰/۹۲ درصد) و خراسان جنوبی (۲۹/۶۲ درصد) کم‌ترین آبادی‌های برخوردار از امکانات انرژی در کشور را داشته‌اند (شکل ۳-۲۱).

جدول ۳-۴۵- شاخص امکانات انرژی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	برق					
		شبکه سراسری		موتور برق دیزلی		انرژی نو (خورشیدی، بادی و غیره)	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۵۴۶۵۵	۸۸/۵۱	۴۱۵	۰/۶۷	۳۷	۰/۰۶
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۲۵۱۴	۹۲/۷	۳۰	۱/۱۱	۲	۰/۰۷
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۳۱۷۱	۹۷/۰۹	۵	۰/۱۵	۰	۰
اردبیل	۱۶۹۶	۱۶۱۵	۹۵/۲۲	۸	۰/۴۷	۵	۰/۲۹
اصفهان	۱۸۳۱	۱۷۲۴	۹۴/۱۶	۲۰	۱/۰۹	۰	۰
البرز	۳۵۵	۳۲۷	۹۲/۱۱	۴	۱/۱۳	۰	۰
ایلام	۶۶۸	۶۰۹	۹۱/۱۷	۱	۰/۱۵	۰	۰
بوشهر	۶۲۳	۵۷۷	۹۲/۶۲	۹	۱/۴۴	۲	۰/۳۲
تهران	۷۵۷	۷۲۵	۹۵/۷۷	۱۷	۲/۲۵	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۶۶۵	۸۶/۸۱	۵	۰/۶۵	۱	۰/۱۳
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۳۶۸	۸۰/۳۳	۲۴	۱/۴۱	۴	۰/۲۳
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۳۲۰۴	۹۶/۰۷	۲۳	۰/۶۹	۳	۰/۰۹
خراسان شمالی	۸۳۵	۸۰۱	۹۵/۹۳	۵	۰/۶	۰	۰
خوزستان	۴۰۵۵	۳۱۹۸	۷۸/۸۷	۱۸	۰/۴۴	۶	۰/۱۵
زنجان	۹۳۵	۹۱۳	۹۷/۶۵	۲	۰/۲۱	۱	۰/۱۱
سمنان	۵۸۹	۵۴۴	۹۲/۳۶	۳	۰/۵۱	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۴۶۹۵	۷۱/۶۵	۵۰	۰/۷۶	۱	۰/۰۲
فارس	۴۲۳۰	۳۵۱۰	۸۲/۹۸	۵۳	۱/۲۵	۲	۰/۰۵
قزوین	۸۴۲	۸۱۴	۹۶/۶۷	۶	۰/۷۱	۱	۰/۱۲
قم	۲۰۳	۲۰۰	۹۸/۵۲	۱	۰/۴۹	۰	۰
کردستان	۱۷۰۲	۱۶۸۱	۹۸/۷۷	۱	۰/۰۶	۰	۰
کرمان	۵۱۷۸	۴۰۹۸	۷۹/۱۴	۶۰	۱/۱۶	۱	۰/۰۲
کرمانشاه	۲۶۴۲	۲۵۲۹	۹۵/۷۲	۱	۰/۰۴	۴	۰/۱۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۱۴۷۰	۸۷/۷۱	۱	۰/۰۶	۰	۰
گلستان	۱۰۰۸	۹۹۶	۹۸/۸۱	۲	۰/۲	۰	۰
گیلان	۲۵۹۱	۲۴۲۶	۹۳/۶۳	۷	۰/۲۷	۱	۰/۰۴
لرستان	۲۸۶۴	۲۵۴۴	۸۸/۸۳	۸	۰/۲۸	۰	۰
مازندران	۲۹۷۵	۲۹۲۶	۹۸/۳۵	۵	۰/۱۷	۱	۰/۰۳
مرکزی	۱۲۱۰	۱۱۷۳	۹۶/۹۴	۹	۰/۷۴	۲	۰/۱۷
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۵۸۲	۹۱/۳۹	۸	۰/۴۶	۰	۰
همدان	۱۰۷۵	۱۰۵۶	۹۸/۲۳	۱	۰/۰۹	۰	۰
یزد	۱۱۴۴	۱۰۰۰	۸۷/۴۱	۲۸	۲/۴۵	۰	۰

جدول ۳-۴۵- شاخص امکانات انرژی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	گاز لوله‌کشی		آب لوله‌کشی		شاخص کل امکانات انرژی	رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۱۱۳۰۰	۱۸۳	۴۲۸۱۵	۶۹,۳۴	۳۵,۳۸	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۸۷۳	۳۲,۱۹	۱۹۲۹	۷۱,۱۳	۳۹,۴۴	۱۳
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۸۳	۸,۶۷	۲۲۸۴	۶۹,۹۳	۳۵,۱۷	۲۱
اردبیل	۱۶۹۶	۲۵۱	۱۴,۸	۱۲۵۰	۷۳,۷	۳۶,۹	۲۰
اصفهان	۱۸۳۱	۹۱۸	۵۰,۱۴	۱۲۱۷	۶۶,۴۷	۴۲,۳۷	۷
البرز	۳۵۵	۱۰۸	۳۰,۴۲	۳۰۳	۸۵,۳۵	۴۱,۸	۸
ایلام	۶۶۸	۶۳	۹,۴۳	۴۸۸	۷۳,۰۵	۳۴,۷۶	۲۵
بوشهر	۶۲۳	۵۵	۸,۸۳	۵۱۱	۸۲,۰۲	۳۷,۰۵	۱۹
تهران	۷۵۷	۴۱۰	۵۴,۱۶	۵۷۰	۷۵,۳	۴۵,۵	۶
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۲۸۶	۳۷,۳۴	۵۴۴	۷۱,۰۲	۳۹,۱۹	۱۵
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۴۴	۲,۵۸	۱۰۸۲	۶۳,۵۳	۲۹,۶۲	۲۹
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۶۷۱	۲۰,۱۲	۲۷۰۶	۸۱,۱۴	۳۹,۶۲	۱۲
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۹۹	۲۳,۸۳	۶۹۶	۸۳,۳۵	۴۰,۷۴	۱۱
خوزستان	۴۰۵۵	۷۳۰	۱۸	۲۵۳۵	۶۲,۵۲	۳۲	۲۷
زنجان	۹۳۵	۱۲۶	۱۳,۴۸	۷۲۳	۷۷,۳۳	۳۷,۷۶	۱۷
سمنان	۵۸۹	۱۷۸	۳۰,۲۲	۴۱۸	۷۰,۹۷	۳۸,۸۱	۱۶
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۴	۰,۰۶	۲۱۲۲	۳۲,۳۸	۲۰,۹۷	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۶۰۵	۱۴,۳	۳۲۲۱	۷۶,۱۵	۳۴,۹۵	۲۳
قزوین	۸۴۲	۱۷۹	۲۱,۲۶	۷۵۳	۸۹,۴۳	۴۱,۶۴	۹
قم	۲۰۳	۱۰۶	۵۲,۲۲	۱۷۴	۸۵,۷۱	۴۷,۳۹	۲
کردستان	۱۷۰۲	۴۰۴	۲۳,۷۴	۱۴۰۰	۸۲,۲۶	۴۰,۹۷	۱۰
کرمان	۵۱۷۸	۲۶۵	۵,۱۲	۳۰۶۴	۵۹,۱۷	۲۸,۹۲	۳۰
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۸۹	۷,۱۵	۱۸۸۳	۷۱,۲۷	۳۴,۸۷	۲۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۲۴۱	۱۴,۳۸	۱۳۹۸	۸۳,۴۱	۳۷,۱۱	۱۸
گلستان	۱۰۰۸	۵۴۲	۵۳,۷۷	۹۱۸	۹۱,۰۷	۴۸,۷۷	۱
گیلان	۲۵۹۱	۸۴۸	۳۲,۷۳	۱۸۰۴	۶۹,۶۳	۳۹,۲۶	۱۴
لرستان	۲۸۶۴	۲۳۷	۸,۲۸	۲۰۰۰	۶۹,۸۳	۳۳,۴۴	۲۶
مازندران	۲۹۷۵	۱۲۹۶	۴۳,۵۶	۲۶۹۷	۹۰,۶۶	۴۶,۵۵	۴
مرکزی	۱۲۱۰	۵۲۳	۴۳,۲۲	۱۰۵۸	۸۷,۴۴	۴۵,۷	۵
هرمزگان	۱۷۳۱	۵	۰,۲۹	۱۴۴۲	۸۳,۳	۳۵,۰۹	۲۲
همدان	۱۰۷۵	۵۴۷	۵۰,۸۸	۹۴۲	۸۷,۶۳	۴۷,۳۷	۳
یزد	۱۱۴۴	۱۱۴	۹,۹۷	۶۸۳	۵۹,۷	۳۱,۹۱	۲۸



شکل ۳-۲۱- شاخص امکانات انرژی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۹- شاخص امکانات بهداشتی

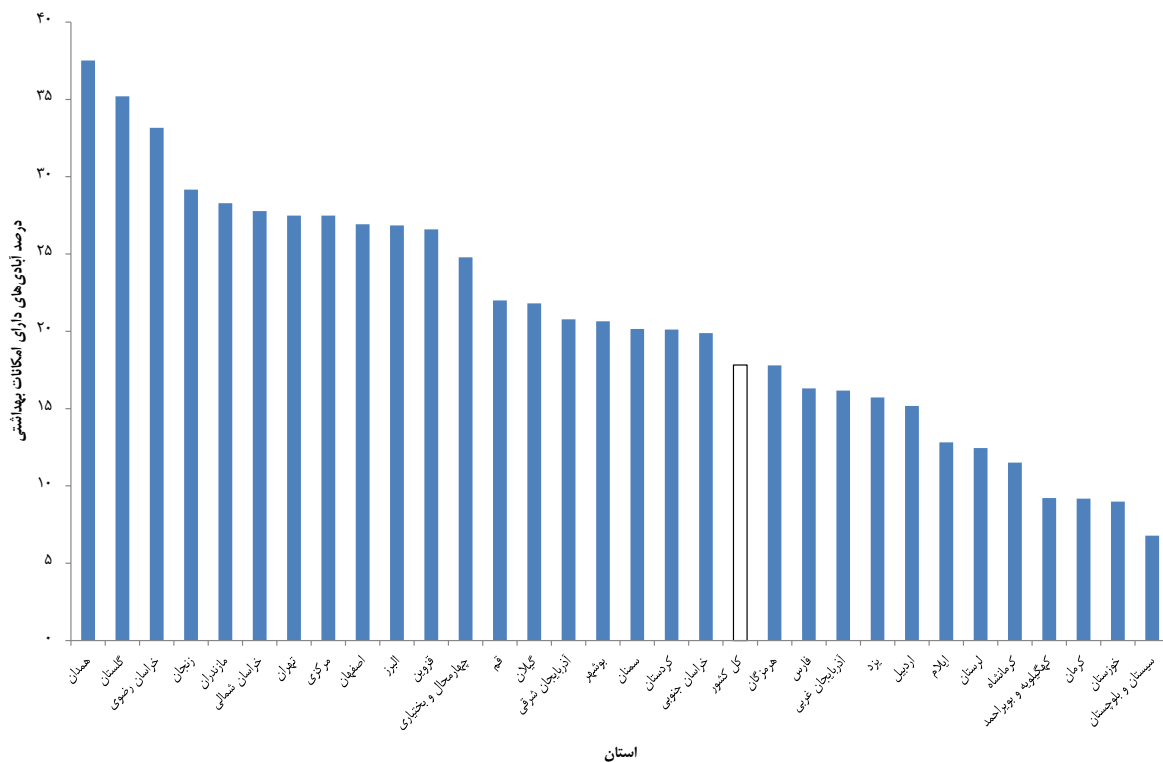
جدول ۳-۴۶ شاخص و مؤلفه‌های امکانات بهداشتی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور را به تفکیک استان نشان می‌دهد. این شاخص ترکیبی از مؤلفه‌های حمام عمومی، خانه بهداشت، پایگاه بهداشت روستایی، بهورز، غسالخانه و سامانه‌ی جمع‌آوری زباله است. براساس نتایج، مقدار این شاخص برای آبادی‌های دارای سکنه کل کشور ۱۷/۸۲ درصد است. بررسی نتایج این جدول حاکی از آن است که از لحاظ امکانات بهداشتی، آبادی‌های استان‌های همدان (۳۷/۵۲ درصد)، گلستان (۳۵/۲۰ درصد) و خراسان رضوی (۳۳/۱۶ درصد) در جایگاه اول تا سوم قرار دارند و آبادی‌های استان‌های سیستان و بلوچستان (۶/۷۸ درصد)، خوزستان (۸/۹۹ درصد) و کرمان (۹/۱۸ درصد) در انتهای این جدول قرار دارند (شکل ۳-۲۲).

جدول ۳-۴۶- شاخص امکانات بهداشتی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	حمام عمومی		خانه بهداشت		پایگاه بهداشت روستایی		بهورز
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
کل کشور	۶۱۷۵۰	۳۹۴۸	۶/۳۹	۱۸۶۵۰	۳۰/۲	۲۱۹۹	۳/۵۶	۱۶۸۴۳
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۸۶	۳/۱۷	۱۱۳۹	۴۲/۰۰	۱۴۹	۵/۴۹	۱۰۱۱
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۳۶	۱/۱	۱۰۳۶	۳۱/۷۲	۱۲۳	۳/۷۷	۹۰۹
اردبیل	۱۶۹۶	۳۴	۲/۰۰	۵۱۴	۳۰/۳۱	۵۳	۳/۱۳	۴۰۴
اصفهان	۱۸۳۱	۲۸۰	۱۵/۲۹	۶۱۹	۳۳/۸۱	۹۷	۵/۳	۵۷۸
البرز	۳۵۵	۵۶	۱۵/۷۷	۱۱۱	۳۱/۲۷	۲۶	۷/۳۲	۸۱
ایلام	۶۶۸	۶	۰/۹	۲۰۲	۳۰/۲۴	۱۸	۲/۶۹	۱۵۴
بوشهر	۶۲۳	۲	۰/۳۲	۲۴۴	۳۹/۱۷	۲۹	۴/۶۵	۲۲۶
تهران	۷۵۷	۱۱۳	۱۴/۹۳	۲۸۹	۳۸/۱۸	۷۸	۱۰/۳	۲۳۵
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۳۴	۴/۴۴	۳۵۲	۴۵/۹۵	۶۳	۸/۲۲	۳۱۷
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۴۱۷	۲۴/۴۹	۲۹۰	۱۷/۰۳	۴۲	۲/۴۷	۳۴۵
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۱۰۰۱	۳۰/۰۱	۱۴۵۶	۴۳/۶۶	۱۹۰	۵/۷	۱۳۹۱
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۰۶	۱۲/۶۹	۳۹۴	۴۷/۱۹	۴۰	۴/۷۹	۳۴۲
خوزستان	۴۰۵۵	۵۴	۱/۳۳	۹۰۵	۲۲/۳۲	۱۱۰	۲/۷۱	۶۸۵
زنجان	۹۳۵	۵۴	۵/۷۸	۴۴۵	۴۷/۵۹	۴۹	۵/۲۴	۴۳۲
سمنان	۵۸۹	۱۳۱	۲۲/۲۴	۱۵۴	۲۶/۱۵	۲۹	۴/۹۲	۱۳۸
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۵۴	۰/۸۲	۱۰۱۰	۱۵/۴۱	۷۹	۱/۲۱	۹۵۲
فارس	۴۲۳۰	۷۵	۱/۷۷	۱۱۰۹	۲۶/۲۲	۱۳۷	۳/۲۴	۹۶۸
قزوین	۸۴۲	۹۳	۱۱/۰۵	۳۰۳	۳۵/۹۹	۷۲	۸/۵۵	۲۷۶
قم	۲۰۳	۲۷	۱۳/۳	۶۰	۲۹/۵۶	۱	۰/۴۹	۵۳
کردستان	۱۷۰۲	۱۰	۰/۵۹	۶۳۹	۳۷/۵۴	۶۹	۴/۰۵	۶۴۳
کرمان	۵۱۷۸	۱۳۶	۲/۶۳	۸۸۴	۱۷/۰۷	۱۲۱	۲/۳۴	۷۱۰
کرمانشاه	۲۶۴۲	۲۷	۱/۰۲	۷۳۵	۲۷/۸۲	۷۱	۲/۶۹	۶۳۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۹	۰/۵۴	۳۵۷	۲۱/۳	۳۵	۲/۰۹	۳۳۰
گلستان	۱۰۰۸	۱۰۳	۱۰/۲۲	۵۸۲	۵۷/۷۴	۵۴	۵/۳۶	۵۹۳
گیلان	۲۵۹۱	۲۵	۰/۹۶	۹۴۲	۳۶/۳۶	۵۲	۲/۰۱	۸۲۹
لرستان	۲۸۶۴	۳۱	۱/۰۸	۷۴۳	۲۵/۹۴	۹۱	۳/۱۸	۷۸۱
مازندران	۲۹۷۵	۴۶۹	۱۵/۷۶	۱۳۱۰	۴۴/۰۳	۱۱۵	۳/۸۷	۱۲۳۰
مرکزی	۱۲۱۰	۱۴۳	۱۱/۸۲	۴۳۲	۳۵/۷	۴۵	۳/۷۲	۴۰۵
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۲	۰/۶۹	۵۵۸	۳۲/۲۴	۵۸	۳/۳۵	۴۹۶
همدان	۱۰۷۵	۱۹۷	۱۸/۳۳	۶۱۷	۵۷/۴	۶۸	۶/۳۳	۵۳۲
یزد	۱۱۴۴	۱۲۷	۱۱/۱۰	۲۱۹	۱۹/۱۴	۳۵	۳/۰۶	۱۶۷

جدول ۳-۴۶- شاخص امکانات بهداشتی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	غسالخانه		سامانه‌ی جمع‌آوری زباله		رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
کل کشور	۶۱۷۵۰	۱۲۸۹۷	۲۰/۸۹	۱۱۴۷۸	۱۸/۵۹	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۵۸۵	۲۱/۵۷	۴۱۲	۱۵/۱۹	۱۵
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۶۳۶	۱۹/۴۷	۴۲۹	۱۳/۱۴	۲۲
اردبیل	۱۶۹۶	۲۹۹	۱۷/۶۳	۲۴۰	۱۴/۱۵	۲۴
اصفهان	۱۸۳۱	۶۴۴	۳۵/۱۷	۷۳۹	۴۰/۳۶	۹
البرز	۳۵۵	۱۴۳	۴۰/۲۸	۱۵۵	۴۳/۶۶	۱۰
ایلام	۶۶۸	۲۱	۳/۱۴	۱۱۳	۱۶/۹۲	۲۵
بوشهر	۶۲۳	۱۱۰	۱۷/۶۶	۱۶۱	۲۵/۸۴	۱۶
تهران	۷۵۷	۲۲۱	۲۹/۱۹	۳۱۲	۴۱/۲۲	۷
چهارمحال و	۷۶۶	۲۱۹	۲۸/۵۹	۱۵۴	۲۰/۱	۱۲
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۷۱۱	۴۱/۷۵	۲۲۷	۱۳/۳۳	۱۹
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۱۲۷۱	۳۸/۱۱	۱۳۲۷	۳۹/۷۹	۳
خراسان شمالی	۸۳۵	۳۲۰	۳۸/۳۲	۱۹۰	۲۲/۷۵	۶
خوزستان	۴۰۵۵	۱۳۰	۳/۲۱	۳۰۳	۷/۴۷	۳۰
زنجان	۹۳۵	۴۱۷	۴۴/۶	۲۳۹	۲۵/۵۶	۴
سمنان	۵۸۹	۱۴۵	۲۴/۶۲	۱۱۵	۱۹/۵۲	۱۷
سیستان و	۶۵۵۳	۳۶۳	۵/۵۴	۲۰۷	۳/۱۶	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۸۵۳	۲۰/۱۷	۹۹۷	۲۳/۵۷	۲۱
قزوین	۸۴۲	۳۰۸	۳۶/۵۸	۲۹۱	۳۴/۵۶	۱۱
قم	۲۰۳	۶۲	۳۰/۵۴	۶۵	۳۲/۰۲	۱۳
کردستان	۱۷۰۲	۴۴۳	۲۶/۰۳	۲۵۰	۱۴/۶۹	۱۸
کرمان	۵۱۷۸	۴۵۹	۸/۸۶	۵۴۱	۱۰/۴۵	۲۹
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۹۴	۷/۳۴	۱۶۷	۶/۳۲	۲۷
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۸۴	۵/۰۱	۱۱۱	۶/۶۲	۲۸
گلستان	۱۰۰۸	۲۴۷	۲۴/۵	۵۵۰	۵۴/۵۶	۲
گیلان	۲۵۹۱	۱۰۰۴	۳۸/۷۵	۵۳۹	۲۰/۸	۱۴
لرستان	۲۸۶۴	۲۷۱	۹/۴۶	۲۲۳	۷/۷۹	۲۶
مازندران	۲۹۷۵	۸۴۴	۲۸/۳۷	۱۰۸۲	۳۶/۳۷	۵
مرکزی	۱۲۱۰	۶۱۳	۵۰/۶۶	۳۵۷	۲۹/۵	۷
هرمزگان	۱۷۳۱	۴۰۳	۲۳/۲۸	۳۲۲	۱۸/۶	۲۰
همدان	۱۰۷۵	۶۵۳	۶۰/۷۴	۳۵۳	۳۲/۸۴	۱
یزد	۱۱۴۴	۲۲۴	۱۹/۵۸	۳۰۷	۲۶/۸۴	۲۳



شکل ۳-۲۲- شاخص امکانات بهداشتی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۱۰- شاخص امکانات درمانی

جدول ۳-۴۷ شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور را که ترکیبی از مؤلفه‌های مراکز بهداشتی درمانی، داروخانه، مرکز تسهیلات زایمان، پزشک خانواده، پزشک، دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان، دندانپزشک تجربی یا دندان‌ساز، بهیار یا مامای روستایی و آزمایشگاه و رادیولوژی است، به تفکیک استان نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص کل برخورداری از امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور ۴/۶۳ درصد است. مقایسه استانی شاخص کل امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه نشان می‌دهد که بیش‌ترین برخورداری از امکانات درمانی در آبادی‌های استان بوشهر (۱۷/۲۸ درصد) است و استان‌های تهران و گلستان به ترتیب با ۱۱/۲۳ و ۱۰/۳۵ درصد در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. از سوی دیگر کم‌ترین برخورداری از امکانات درمانی آبادی‌ها مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان (۱/۴۷ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۲/۱۲ درصد) و کرمانشاه (۲/۲۹ درصد) است (شکل ۳-۲۳).

جدول ۳-۴۷- شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

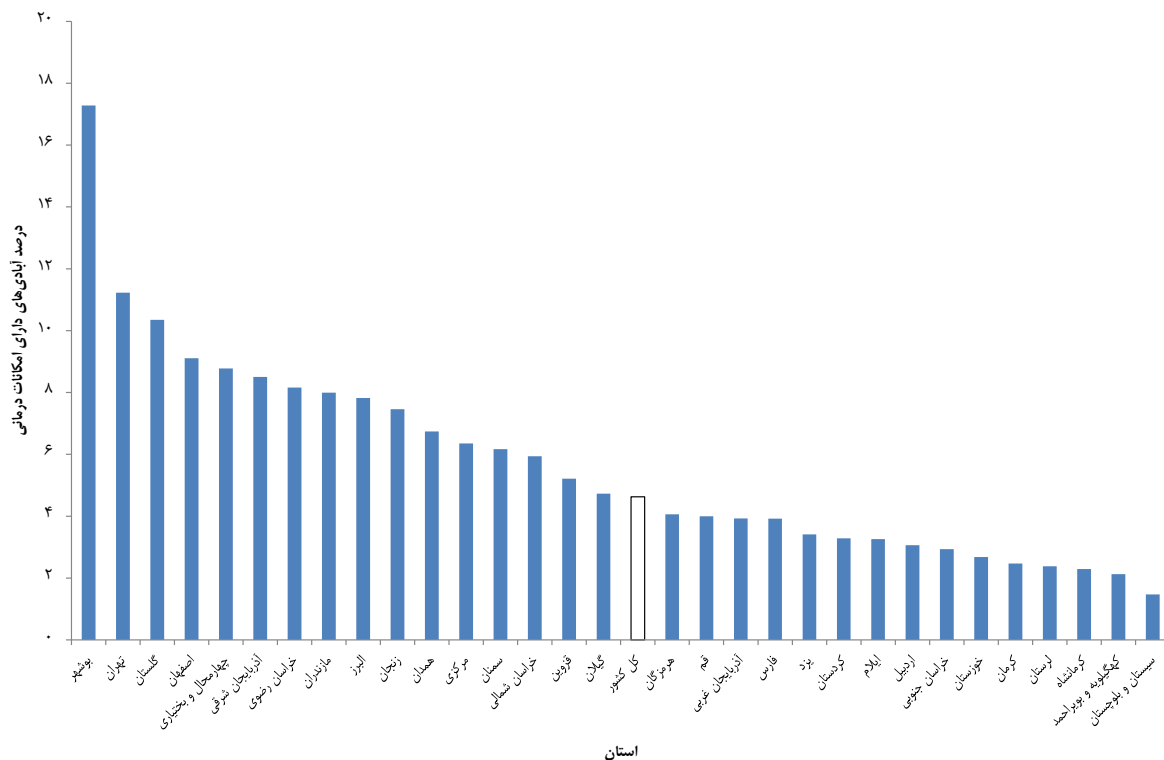
استان	آبادی‌های دارای سکنه	مرکز بهداشتی درمانی	داروخانه	مرکز تسهیلات زایمان	پزشک خانواده
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۵۴۵۰	۸۸۳	۲۷۲۹	۴/۴۲
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۳۵۱	۱۲/۹۴	۱۵۷	۵/۷۹
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۹۰	۸/۸۸	۱۱۹	۳/۶۴
اردبیل	۱۶۹۶	۹۷	۵/۷۲	۴۳	۲/۵۴
اصفهان	۱۸۳۱	۲۵۷	۱۴/۰۴	۲۰۷	۱۱/۳۱
البرز	۳۵۵	۷۶	۲۱/۴۱	۳۰	۸/۴۵
ایلام	۶۶۸	۴۸	۷/۱۹	۳۴	۵/۰۹
بوشهر	۶۲۳	۵۸	۹/۳۱	۳۹	۶/۲۶
تهران	۷۵۷	۱۹۷	۲۶/۰۲	۸۵	۱۱/۲۳
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۱۶	۱۵/۱۴	۵۹	۷/۷
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۸۴	۴/۹۳	۴۳	۲/۵۲
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۴۳۲	۱۲/۹۵	۱۹۴	۵/۸۲
خراسان شمالی	۸۳۵	۹۴	۱۱/۲۶	۴۳	۵/۱۵
خوزستان	۴۰۵۵	۲۸۱	۶/۹۳	۱۴۴	۳/۵۵
زنجان	۹۳۵	۱۱۳	۱۲/۰۹	۶۷	۷/۱۷
سمنان	۵۸۹	۹۶	۱۶/۳	۳۲	۵/۴۳
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۲۵	۳/۴۳	۱۰۲	۱/۵۶
فارس	۴۲۳۰	۳۲۸	۷/۷۵	۲۰۲	۴/۷۸
قزوین	۸۴۲	۹۰	۱۰/۶۹	۵۱	۶/۰۶
قم	۲۰۳	۱۱	۵/۴۲	۱۵	۷/۳۹
کردستان	۱۷۰۲	۱۲۶	۷/۴	۶۳	۳/۷
کرمان	۵۱۷۸	۲۹۴	۵/۶۸	۱۳۳	۲/۵۷
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۷۲	۶/۵۱	۶۷	۲/۵۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۷۰	۴/۱۸	۴۱	۲/۴۵
گلستان	۱۰۰۸	۱۵۵	۱۵/۳۸	۹۹	۹/۸۲
گیلان	۲۵۹۱	۲۰۱	۷/۷۶	۹۹	۳/۸۲
لرستان	۲۸۶۴	۲۲۳	۷/۷۹	۶۶	۲/۳
مازندران	۲۹۷۵	۴۰۷	۱۳/۶۸	۱۹۴	۶/۵۲
مرکزی	۱۲۱۰	۱۳۹	۱۱/۴۹	۷۶	۶/۲۸
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۳۸	۷/۹۷	۱۰۲	۵/۸۹
همدان	۱۰۷۵	۲۱۱	۱۹/۶۳	۸۴	۷/۸۱
یزد	۱۱۴۴	۷۰	۶/۱۲	۳۹	۳/۴۱

جدول ۳-۴۷- شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	پزشک		دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان		دندانپزشک تجربی یا دندان‌ساز	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۵۵۱۱	۸۹۲	۸۱۵	۱۳۲	۴۱۹	۰/۶۸
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۵۴۲	۱۹/۹۹	۳۷	۱/۳۶	۴۸	۱/۷۷
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۲۵	۶/۸۹	۴۹	۱/۵	۳۶	۱/۱
اردبیل	۱۶۹۶	۷۴	۴/۳۶	۱۳	۰/۷۷	۶	۰/۳۵
اصفهان	۱۸۳۱	۴۰۷	۲۲/۲۳	۶۲	۳/۳۹	۱۹	۱/۰۴
البرز	۳۵۵	۵۴	۱۵/۲۱	۷	۱/۹۷	۶	۱/۶۹
ایلام	۶۶۸	۲۵	۳/۷۴	۷	۱/۰۵	۰	۰
بوشهر	۶۲۳	۱۲۶	۲۰/۲۲	۱۹	۳/۰۵	۷	۱/۱۲
تهران	۷۵۷	۱۹۴	۲۵/۶۳	۴۹	۶/۴۷	۴۱	۵/۴۲
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۱۱	۱۴/۴۹	۱۸	۲/۳۵	۵	۰/۶۵
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۷۸	۴/۵۸	۱۱	۰/۶۵	۱	۰/۰۶
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۶۰۶	۱۸/۱۷	۵۵	۱/۶۵	۲۳	۰/۶۹
خراسان شمالی	۸۳۵	۹۷	۱۱/۶۲	۹	۱/۰۸	۵	۰/۶
خوزستان	۴۰۵۵	۲۰۰	۴/۹۳	۱۵	۰/۳۷	۷	۰/۱۷
زنجان	۹۳۵	۱۷۶	۱۸/۸۲	۱۶	۱/۷۱	۱۲	۱/۲۸
سمنان	۵۸۹	۷۴	۱۲/۵۶	۱۵	۲/۵۵	۷	۱/۱۹
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۱۴۶	۲/۲۳	۱۵	۰/۲۳	۴	۰/۰۶
فارس	۴۲۳۰	۲۳۷	۵/۶	۶۲	۱/۴۷	۲۰	۰/۴۷
قزوین	۸۴۲	۸۸	۱۰/۴۵	۱۸	۲/۱۴	۱۲	۱/۴۳
قم	۲۰۳	۲۷	۱۳/۳	۲	۰/۹۹	۰	۰
کردستان	۱۷۰۲	۸۵	۴/۹۹	۹	۰/۵۳	۱۰	۰/۵۹
کرمان	۵۱۷۸	۱۶۷	۳/۲۳	۴۱	۰/۷۹	۱۱	۰/۲۱
کرمانشاه	۲۶۴۲	۸۳	۳/۱۴	۸	۰/۳	۱	۰/۰۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۵۲	۳/۱	۱۳	۰/۷۸	۱	۰/۰۶
گلستان	۱۰۰۸	۲۱۷	۲۱/۵۳	۳۰	۲/۹۸	۸	۰/۷۹
گیلان	۲۵۹۱	۲۶۶	۱۰/۲۷	۵۳	۲/۰۵	۲۷	۱/۰۴
لرستان	۲۸۶۴	۱۱۴	۳/۹۸	۱۷	۰/۵۹	۶	۰/۲۱
مازندران	۲۹۷۵	۶۱۸	۲۰/۷۷	۹۷	۳/۲۶	۶۳	۲/۱۲
مرکزی	۱۲۱۰	۱۱۸	۹/۷۵	۲۲	۱/۸۲	۱۳	۱/۰۷
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۰۸	۶/۲۴	۱۲	۰/۶۹	۳	۰/۱۷
همدان	۱۰۷۵	۱۳۰	۱۲/۰۹	۱۴	۱/۳	۱۰	۰/۹۳
یزد	۱۱۴۴	۶۶	۵/۷۷	۲۰	۱/۷۵	۷	۰/۶۱

جدول ۳-۴۷- شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	بهار یا مامای روستایی		آزمایشگاه و رادیولوژی		شاخص کل امکانات درمانی	رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۴۶۳۹	۷/۵۱	۲۹۲	۰/۴۷	۴/۶۳	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۳۴۸	۱۲/۸۳	۵	۰/۱۸	۸/۵	۶
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۱۷	۶/۶۴	۹	۰/۲۸	۳/۹۳	۱۹
اردبیل	۱۶۹۶	۷۷	۴/۵۴	۴	۰/۲۴	۳/۰۶	۲۴
اصفهان	۱۸۳۱	۲۱۵	۱۱/۷۴	۱۱	۰/۶	۹/۱۱	۴
البرز	۳۵۵	۴۵	۱۲/۶۸	۰	۰	۷/۸۳	۹
ایلام	۶۶۸	۳۷	۵/۵۴	۲	۰/۳	۳/۲۶	۲۳
بوشهر	۶۲۳	۱۰۱	۱۶/۲۱	۸	۱/۲۸	۱۷/۲۸	۱
تهران	۷۵۷	۱۰۱	۱۳/۳۴	۷	۰/۹۲	۱۱/۲۳	۲
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۱۶	۱۵/۱۴	۹	۱/۱۷	۸/۷۷	۵
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۲۲	۷/۱۶	۳	۰/۱۸	۲/۹۴	۲۵
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۵۶۵	۱۶/۹۴	۳۷	۱/۱۱	۸/۱۶	۷
خراسان شمالی	۸۳۵	۹۲	۱۱/۰۲	۸	۰/۹۶	۵/۹۴	۱۴
خوزستان	۴۰۵۵	۱۹۵	۴/۸۱	۱۱	۰/۲۷	۲/۶۸	۲۶
زنجان	۹۳۵	۱۲۵	۱۳/۳۷	۶	۰/۶۴	۷/۴۶	۱۰
سمنان	۵۸۹	۶۰	۱۰/۱۹	۷	۱/۱۹	۶/۱۷	۱۳
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۱۳	۳/۲۵	۸	۰/۱۲	۱/۴۷	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۲۴۳	۵/۷۴	۳۴	۰/۸	۳/۹۲	۲۰
قزوین	۸۴۲	۶۳	۷/۴۸	۷	۰/۸۳	۵/۲۱	۱۵
قم	۲۰۳	۸	۳/۹۴	۱	۰/۴۹	۴/۰۰	۱۸
کردستان	۱۷۰۲	۸۴	۴/۹۴	۳	۰/۱۸	۳/۲۸	۲۲
کرمان	۵۱۷۸	۲۳۹	۴/۶۲	۱۸	۰/۳۵	۲/۴۷	۲۷
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۰۲	۳/۸۶	۳	۰/۱۱	۲/۲۹	۲۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۶۵	۳/۸۸	۳	۰/۱۸	۲/۱۲	۳۰
گلستان	۱۰۰۸	۲۳۰	۲۲/۸۲	۶	۰/۶	۱۰/۳۵	۳
گیلان	۲۵۹۱	۱۴۲	۵/۴۸	۸	۰/۳۱	۴/۷۳	۱۶
لرستان	۲۸۶۴	۱۰۵	۳/۶۷	۱۲	۰/۴۲	۲/۳۸	۲۸
مازندران	۲۹۷۵	۳۲۷	۱۰/۹۹	۱۶	۰/۵۴	۸/۰۰	۸
مرکزی	۱۲۱۰	۹۱	۷/۵۲	۱۲	۰/۹۹	۶/۳۵	۱۲
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۷۴	۱۰/۰۵	۱۷	۰/۹۸	۴/۰۶	۱۷
همدان	۱۰۷۵	۹۸	۹/۱۲	۷	۰/۶۵	۶/۷۴	۱۱
یزد	۱۱۴۴	۳۹	۳/۴۱	۱۰	۰/۸۷	۳/۴۱	۲۱



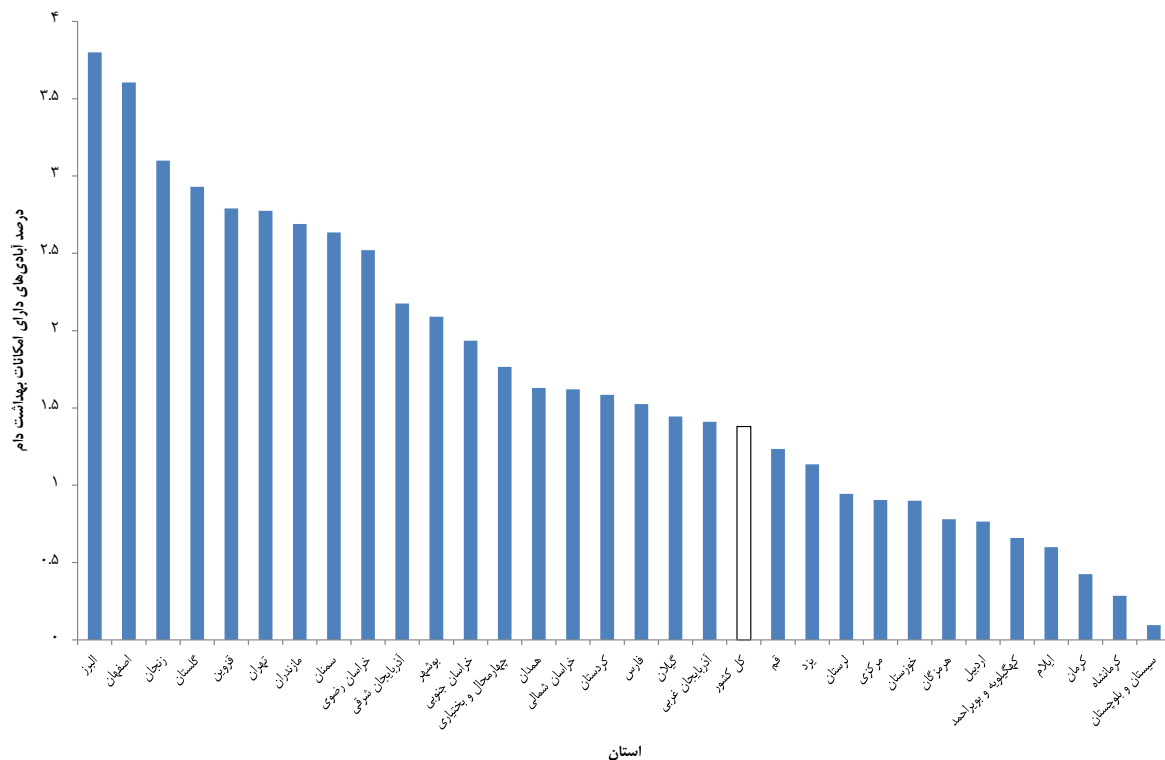
شکل ۳-۲۳- شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۱۱- شاخص امکانات بهداشت دام

جدول ۳-۴۸ شاخص امکانات بهداشت دام در آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور را به تفکیک استان نشان می‌دهد. این شاخص، ترکیبی از مؤلفه‌های برخورداری استان‌ها از امکانات دامپزشک و تکنسین دامپزشکی است. میانگین این شاخص برای آبادی‌های دارای سکنه کل کشور ۱/۳۸ درصد است. مقدار شاخص امکانات بهداشت دام در استان البرز ۳/۸۰ درصد است. این بدان معنا است که بیش‌ترین آبادی‌های برخوردار از این تسهیلات در استان البرز قرار دارند. بعد از این استان، استان‌های اصفهان (۳/۶۱ درصد) و زنجان (۳/۱۰ درصد) قرار دارند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان (۰/۱۰ درصد)، کرمانشاه (۰/۲۹ درصد) و کرمان (۰/۴۳ درصد) از حداقل امکانات بهداشت دام برخوردارند (شکل ۳-۲۴).

جدول ۳-۴۸- شاخص امکانات بهداشت دام آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	دامپزشک		تکنسین دامپزشکی		شاخص کل امکانات بهداشت دام	رتبه‌ی شاخص
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۱۱۳۹	۱/۸۴	۵۶۸	۰/۹۲	۱/۳۸	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۹۸	۳/۶۱	۲۰	۰/۷۴	۲/۱۸	۱۰
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۶۵	۱/۹۹	۲۷	۰/۸۳	۱/۴۱	۱۹
اردبیل	۱۶۹۶	۱۸	۱/۰۶	۸	۰/۴۷	۰/۷۷	۲۶
اصفهان	۱۸۳۱	۷۲	۳/۹۳	۶۰	۳/۲۸	۳/۶۱	۲
البرز	۳۵۵	۱۹	۵/۳۵	۸	۲/۲۵	۳/۸	۱
ایلام	۶۶۸	۴	۰/۶	۴	۰/۶	۰/۶	۲۸
بوشهر	۶۲۳	۱۶	۲/۵۷	۱۰	۱/۶۱	۲/۰۹	۱۱
تهران	۷۵۷	۲۸	۳/۷	۱۴	۱/۸۵	۲/۷۸	۶
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۵	۱/۹۶	۱۲	۱/۵۷	۱/۷۷	۱۳
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۵۲	۳/۰۵	۱۴	۰/۸۲	۱/۹۴	۱۲
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۱۱۴	۳/۴۲	۵۴	۱/۶۲	۲/۵۲	۹
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۵	۱/۸	۱۲	۱/۴۴	۱/۶۲	۱۵
خوزستان	۴۰۵۵	۵۵	۱/۳۶	۱۸	۰/۴۴	۰/۹	۲۴
زنجان	۹۳۵	۴۳	۴/۶	۱۵	۱/۶	۳/۱	۳
سمنان	۵۸۹	۱۷	۲/۸۹	۱۴	۲/۳۸	۲/۶۴	۸
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۹	۰/۱۴	۳	۰/۰۵	۰/۱	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۹۱	۲/۱۵	۳۸	۰/۹	۱/۵۳	۱۷
قزوین	۸۴۲	۳۰	۳/۵۶	۱۷	۲/۰۲	۲/۷۹	۵
قم	۲۰۳	۳	۱/۴۸	۲	۰/۹۹	۱/۲۴	۲۰
کردستان	۱۷۰۲	۳۸	۲/۲۳	۱۶	۰/۹۴	۱/۵۹	۱۶
کرمان	۵۱۷۸	۲۶	۰/۵	۱۸	۰/۳۵	۰/۴۳	۲۹
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۳	۰/۴۹	۲	۰/۰۸	۰/۲۹	۳۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۱۴	۰/۸۴	۸	۰/۴۸	۰/۶۶	۲۷
گلستان	۱۰۰۸	۳۰	۲/۹۸	۲۹	۲/۸۸	۲/۹۳	۴
گیلان	۲۵۹۱	۵۰	۱/۹۳	۲۵	۰/۹۶	۱/۴۵	۱۸
لرستان	۲۸۶۴	۳۲	۱/۱۲	۲۲	۰/۷۷	۰/۹۵	۲۲
مازندران	۲۹۷۵	۱۰۰	۳/۳۶	۶۰	۲/۰۲	۲/۶۹	۷
مرکزی	۱۲۱۰	۱۷	۱/۴	۵	۰/۴۱	۰/۹۱	۲۳
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۷	۰/۹۸	۱۰	۰/۵۸	۰/۷۸	۲۵
همدان	۱۰۷۵	۱۹	۱/۷۷	۱۶	۱/۴۹	۱/۶۳	۱۴
یزد	۱۱۴۴	۱۹	۱/۶۶	۷	۰/۶۱	۱/۱۴	۲۱



شکل ۳-۲۴- شاخص امکانات بهداشتی دام آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۱۲- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات

جدول ۳-۴۹ شاخص امکانات بازرگانی و خدمات و مؤلفه‌های آن را بر حسب درصد نشان می‌دهد. براساس نتایج این جدول، شاخص امکانات بازرگانی و خدمات در آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور ۱۱/۸۵ درصد است. همچنین بررسی نتایج نشان می‌دهد که استان گلستان با ۲۲/۶۶ درصد بیش‌ترین نمره شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌ها در استان‌های کشور را از آن خود ساخته است. بعد از این استان و در رتبه دوم و سوم، استان‌های همدان (۲۲/۵۳ درصد)، تهران (۲۱/۸۷ درصد) قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر استان‌های سیستان و بلوچستان (۴/۲۳ درصد)، کرمان (۵/۷۱ درصد) و خوزستان (۶/۱۷ درصد) کم‌ترین امکانات بازرگانی و خدمات را به خود اختصاص داده‌اند (شکل ۳-۲۵).

جدول ۳-۴۹- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان

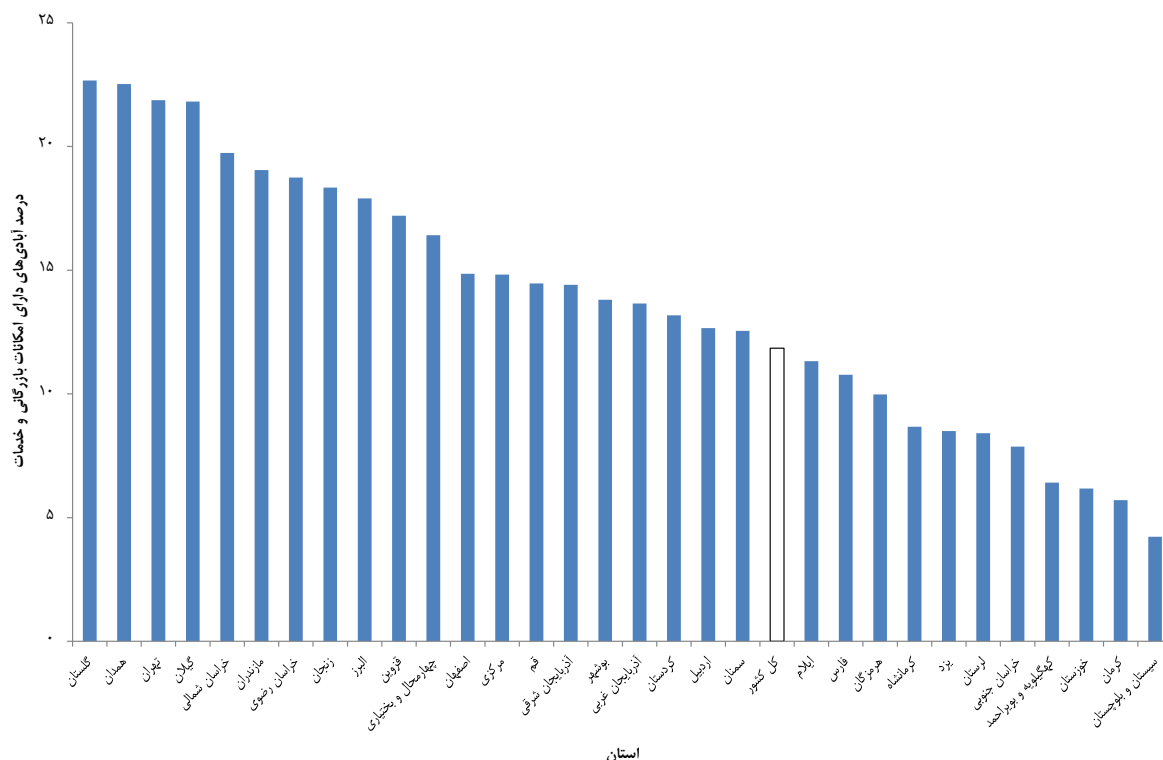
استان	آبادی‌های دارای سکنه	پایگاه آتش‌نشانی		نمایندگی پخش نفت سفید		نمایندگی پخش سیلندر گاز		فروشگاه تعاونی	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۵۰۰	۰/۸۱	۱۱۲۱۶	۱۸/۱۶	۶۰۵۴	۹/۸	۶۷۶۱	۱۰/۹۵
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۷	۰/۶۳	۶۲۷	۲۳/۱۲	۲۲۵	۸/۳	۲۸۳	۱۰/۴۴
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۴	۰/۷۳	۷۲۵	۲۲/۲	۳۵۴	۱۰/۸۴	۳۹۹	۱۲/۲۲
اردبیل	۱۶۹۶	۱۳	۰/۷۷	۲۹۴	۱۷/۳۳	۱۶۴	۹/۶۷	۱۰۹	۶/۴۳
اصفهان	۱۸۳۱	۲۹	۱/۵۸	۳۴۵	۱۸/۸۴	۲۳۶	۱۲/۸۹	۳۹۴	۲۱/۵۲
البرز	۳۵۵	۵	۱/۴۱	۸۸	۲۴/۷۹	۴۸	۱۳/۵۲	۶۵	۱۸/۳۱
ایلام	۶۶۸	۴	۰/۶	۱۸۳	۲۷/۴	۸۷	۱۳/۰۲	۴۴	۶/۵۹
بوشهر	۶۲۳	۹	۱/۴۴	۱۰۰	۱۶/۰۵	۹۷	۱۵/۵۷	۹۶	۱۵/۴۱
تهران	۷۵۷	۲۶	۳/۴۳	۱۱۳	۱۴/۹۳	۱۲۸	۱۶/۹۱	۱۰۰	۱۳/۲۱
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۰	۱/۳۱	۲۰۴	۲۶/۶۳	۱۵۵	۲۰/۲۳	۱۵۵	۲۰/۲۳
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۶	۰/۳۵	۵۲۴	۳۰/۷۷	۸۱	۴/۷۶	۱۷۴	۱۰/۲۲
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۳۶	۱/۰۸	۱۱۵۷	۳۴/۶۹	۴۸۵	۱۴/۵۴	۷۲۴	۲۱/۷۱
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۲	۱/۴۴	۲۷۳	۳۲/۶۹	۶۹	۸/۲۶	۱۲۹	۱۵/۴۵
خوزستان	۴۰۵۵	۳۲	۰/۷۹	۱۱۹	۲/۹۳	۱۹۶	۴/۸۳	۳۱۴	۷/۷۴
زنجان	۹۳۵	۲۳	۲/۴۶	۳۱۵	۳۳/۶۹	۲۱۰	۲۲/۴۶	۱۵۲	۱۶/۲۶
سمنان	۵۸۹	۷	۱/۱۹	۱۲۹	۲۱/۹	۵۲	۸/۸۳	۹۵	۱۶/۱۳
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۱۱	۰/۱۷	۴۶۹	۷/۱۶	۲۲۶	۳/۴۵	۴۷۵	۷/۲۵
فارس	۴۲۳۰	۲۵	۰/۵۹	۷۲۳	۱۷/۰۹	۵۶۱	۱۳/۲۶	۴۵۳	۱۰/۷۱
قزوین	۸۴۲	۱۶	۱/۹	۲۹۷	۳۵/۲۷	۱۲۸	۱۵/۲	۱۰۸	۱۲/۸۳
قم	۲۰۳	۶	۲/۹۶	۴۰	۱۹/۷	۲۲	۱۰/۸۴	۲۱	۱۰/۳۴
کردستان	۱۷۰۲	۶	۰/۳۵	۴۱۳	۲۴/۲۷	۲۱۸	۱۲/۸۱	۱۲۱	۷/۱۱
کرمان	۵۱۷۸	۲۱	۰/۴۱	۵۶۹	۱۰/۹۹	۳۳۷	۶/۵۱	۳۳۳	۶/۴۳
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۲	۰/۴۵	۴۵۸	۱۷/۳۴	۱۵۶	۵/۹	۲۰۴	۷/۷۲
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۳	۰/۱۸	۲۵۱	۱۴/۹۸	۱۰۳	۶/۱۵	۱۱۸	۷/۰۴
گلستان	۱۰۰۸	۱۱	۱/۰۹	۱۹۰	۱۸/۸۵	۱۸۷	۱۸/۵۵	۱۶۴	۱۶/۲۷
گیلان	۲۵۹۱	۲۲	۰/۸۵	۵۵۸	۲۱/۵۴	۳۴۴	۱۳/۲۸	۲۷۹	۱۰/۷۷
لرستان	۲۸۶۴	۱۱	۰/۳۸	۴۴۹	۱۵/۶۸	۲۶۱	۹/۱۱	۲۲۹	۸/۰۰
مازندران	۲۹۷۵	۲۸	۰/۹۴	۴۷۳	۱۵/۹	۲۷۶	۹/۲۸	۳۲۸	۱۱/۰۳
مرکزی	۱۲۱۰	۲۳	۱/۹	۳۴۵	۲۸/۵۱	۱۳۳	۱۰/۹۹	۱۴۵	۱۱/۹۸
هرمزگان	۱۷۳۱	۲۶	۱/۵	۹۰	۵/۲	۲۱۹	۱۲/۶۵	۱۶۲	۹/۳۶
همدان	۱۰۷۵	۱۲	۱/۱۲	۵۱۷	۴۸/۰۹	۱۷۷	۱۶/۴۷	۲۵۶	۲۳/۸۱
یزد	۱۱۴۴	۱۴	۱/۲۲	۱۷۸	۱۵/۵۶	۱۱۹	۱۰/۴	۱۳۲	۱۱/۵۴

جدول ۳-۴۹- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	بقالی	نانوایی	گوشت فروشی	قهوه‌خانه
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۲۷۳۲۷	۴۴۲۵	۱۳۰۲۸	۲۱/۱
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۴۳۶	۵۲/۹۵	۷۹۰	۲۹/۱۳
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۱۶۶۸	۵۱/۰۷	۸۴۱	۲۵/۷۵
اردبیل	۱۶۹۶	۷۷۴	۴۵/۶۴	۳۹۶	۲۳/۳۵
اصفهان	۱۸۳۱	۸۰۵	۴۳/۹۷	۴۴۷	۲۴/۴۱
البرز	۳۵۵	۲۲۵	۶۳/۳۸	۱۰۵	۲۹/۵۸
ایلام	۶۶۸	۲۸۶	۴۲/۸۱	۱۰۷	۱۶/۰۲
بوشهر	۶۲۳	۳۳۶	۵۳/۹۳	۱۲۱	۱۹/۴۲
تهران	۷۵۷	۵۱۹	۶۸/۵۶	۳۷۳	۴۹/۲۷
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۴۹۶	۶۴/۷۵	۱۱۳	۱۴/۷۵
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۴۱۲	۲۴/۱۹	۱۵۹	۹/۳۴
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۲۱۴۱	۶۴/۲	۱۲۰۷	۳۶/۱۹
خراسان شمالی	۸۳۵	۶۰۸	۷۲/۸۱	۵۰۲	۶۰/۱۲
خوزستان	۴۰۵۵	۱۲۷۵	۳۱/۴۴	۳۴۹	۸/۶۱
زنجان	۹۳۵	۶۱۳	۶۵/۵۶	۲۹۶	۳۱/۶۶
سمنان	۵۸۹	۲۲۱	۳۷/۵۲	۱۲۵	۲۱/۲۲
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۱۳۵۳	۲۰/۶۵	۳۴۶	۵/۲۸
فارس	۴۲۳۰	۱۷۰۸	۴۰/۳۸	۵۵۴	۱۳/۱
قزوین	۸۴۲	۴۹۳	۵۸/۵۵	۲۶۹	۳۱/۹۵
قم	۲۰۳	۱۰۶	۵۲/۲۲	۵۵	۲۷/۰۹
کردستان	۱۷۰۲	۹۵۶	۵۶/۱۷	۳۹۴	۲۳/۱۵
کرمان	۵۱۷۸	۱۱۲۹	۲۱/۸	۴۶۵	۸/۹۸
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۰۳۶	۳۹/۲۱	۳۵۰	۱۳/۲۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۴۹۶	۲۹/۵۹	۹۴	۵/۶۱
گلستان	۱۰۰۸	۸۷۲	۸۶/۵۱	۶۳۷	۶۳/۱۹
گیلان	۲۵۹۱	۱۶۸۱	۶۴/۸۸	۱۱۳۹	۴۳/۹۶
لرستان	۲۸۶۴	۱۱۲۵	۳۹/۲۸	۲۹۹	۱۰/۴۴
مازندران	۲۹۷۵	۲۰۳۵	۶۸/۴	۱۳۰۲	۴۳/۷۶
مرکزی	۱۲۱۰	۶۲۲	۵۱/۴	۳۴۳	۲۸/۳۵
هرمزگان	۱۷۳۱	۸۶۰	۴۹/۶۸	۲۵۵	۱۴/۷۳
همدان	۱۰۷۵	۸۰۲	۷۴/۶	۴۰۹	۳۸/۰۵
یزد	۱۱۴۴	۲۳۸	۲۰/۸۰	۱۸۶	۱۶/۲۶

جدول ۳-۴۹- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان (ادامه)

استان	آبادی‌های دارای سکنه	تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی		تعمیرگاه ماشین‌آلات غیرکشاورزی		جایگاه سوخت		شاخص کل امکانات بازرگانی و خدمات	رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۲۶۵۹	۴/۳۱	۳۲۲۵	۵/۲۲	۱۱۶۲	۱/۸۸	۱۱/۸۵	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۱۴۱	۵/۲	۱۵۵	۵/۷۲	۳۲	۱/۱۸	۱۴/۴۱	۱۵
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۱۷۰	۵/۲۱	۱۵۵	۴/۷۵	۸۲	۲/۵۱	۱۳/۶۶	۱۷
اردبیل	۱۶۹۶	۷۳	۴/۳	۶۵	۳/۸۳	۱۵	۰/۸۸	۱۲/۶۶	۱۹
اصفهان	۱۸۳۱	۱۲۰	۶/۵۵	۱۸۱	۹/۸۹	۶۲	۳/۳۹	۱۴/۸۶	۱۲
البرز	۳۵۵	۱۴	۳/۹۴	۳۶	۱۰/۱۴	۵	۱/۴۱	۱۷/۹	۹
ایلام	۶۶۸	۱۴	۲/۱	۱۵	۲/۲۵	۲۶	۳/۸۹	۱۱/۳۲	۲۱
بوشهر	۶۲۳	۲۲	۳/۵۳	۵۵	۸/۸۳	۱۳	۲/۰۹	۱۳/۸	۱۶
تهران	۷۵۷	۵۶	۷/۴	۱۳۰	۱۷/۱۷	۴۵	۵/۹۴	۲۱/۸۷	۳
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۴۱	۵/۳۵	۵۰	۶/۵۳	۱۶	۲/۰۹	۱۶/۴۱	۱۱
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۰	۰/۵۹	۳۶	۲/۱۱	۲۵	۱/۴۷	۷/۸۷	۲۷
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۲۰۵	۶/۱۵	۲۹۱	۸/۷۳	۶۱	۱/۸۳	۱۸/۷۵	۷
خراسان شمالی	۸۳۵	۵۱	۶/۱۱	۴۸	۵/۷۵	۱۸	۲/۱۶	۱۹/۷۴	۵
خوزستان	۴۰۵۵	۹۴	۲/۳۲	۱۰۱	۲/۴۹	۵۳	۱/۳۱	۶/۱۷	۲۹
زنجان	۹۳۵	۵۷	۶/۱	۶۹	۷/۳۸	۱۵	۱/۶	۱۸/۳۴	۸
سمنان	۵۸۹	۲۲	۳/۷۴	۴۱	۶/۹۶	۲۴	۴/۰۷	۱۲/۵۵	۲۰
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۴	۰/۳۷	۵۹	۰/۹	۳۴	۰/۵۲	۴/۲۳	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۱۴۶	۳/۴۵	۲۴۴	۵/۷۷	۱۱۱	۲/۶۲	۱۰/۷۷	۲۲
قزوین	۸۴۲	۴۵	۵/۳۴	۵۶	۶/۶۵	۲۳	۲/۷۳	۱۷/۲	۱۰
قم	۲۰۳	۶	۲/۹۶	۸	۳/۹۴	۱۰	۴/۹۳	۱۴/۴۷	۱۴
کردستان	۱۷۰۲	۴۲	۲/۴۷	۶۰	۳/۵۳	۱۶	۰/۹۴	۱۳/۱۷	۱۸
کرمان	۵۱۷۸	۸۶	۱/۶۶	۹۹	۱/۹۱	۷۸	۱/۵۱	۵/۷۱	۳۰
کرمانشاه	۲۶۴۲	۵۶	۲/۱۲	۴۸	۱/۸۲	۵۳	۲/۰۱	۸/۶۷	۲۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۸	۰/۴۸	۱۷	۱/۰۱	۱۶	۰/۹۵	۶/۴۱	۲۸
گلستان	۱۰۰۸	۱۱۶	۱۱/۵۱	۱۴۴	۱۴/۲۹	۲۷	۲/۶۸	۲۲/۶۶	۱
گیلان	۲۵۹۱	۳۱۴	۱۲/۱۲	۳۲۵	۱۲/۵۴	۴۳	۱/۶۶	۲۱/۸۱	۴
لرستان	۲۸۶۴	۴۷	۱/۶۴	۴۶	۱/۶۱	۲۵	۰/۸۷	۸/۴۱	۲۶
مازندران	۲۹۷۵	۴۵۴	۱۵/۲۶	۳۷۳	۱۲/۵۴	۸۹	۲/۹۹	۱۹/۰۵	۶
مرکزی	۱۲۱۰	۷۰	۵/۷۹	۶۷	۵/۵۴	۲۹	۲/۴	۱۴/۸۲	۱۳
هرمزگان	۱۷۳۱	۳۸	۲/۲	۱۰۹	۶/۳	۶۶	۳/۸۱	۹/۹۸	۲۳
همدان	۱۰۷۵	۹۷	۹/۰۲	۹۴	۸/۷۴	۱۹	۱/۷۷	۲۲/۵۳	۲
یزد	۱۱۴۴	۲۰	۱/۷۵	۴۸	۴/۲	۳۱	۲/۷۱	۸/۵	۲۵



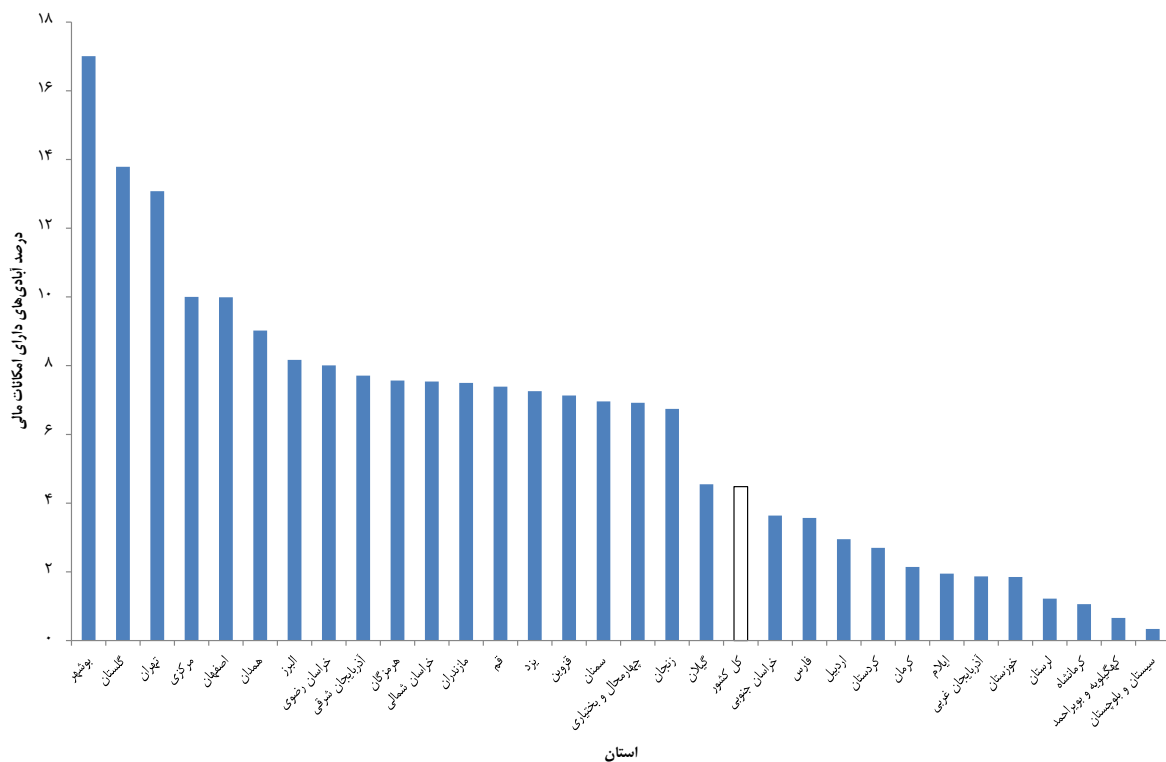
شکل ۳-۲۵- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان

۳-۴-۱۳- شاخص امکانات مالی

جدول ۳-۵۰ شاخص امکانات مالی آبادی‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود این شاخص صرفاً از مقوله بانک تشکیل شده است. براساس نتایج ۴/۴۸ درصد آبادی‌های دارای سکنه کشور دارای بانک هستند. در حالی که ۱۷/۰۱ درصد آبادی‌های استان بوشهر دارای بانک می‌باشد، در مرتبه بعدی ۱۳/۷۹ درصد آبادی‌های استان گلستان و ۱۳/۰۸ درصد آبادی‌های استان تهران از این امکان برخوردارند و از این لحاظ در صدر استان‌های کشور قرار دارند. در مقابل آبادی‌های استان‌های سیستان و بلوچستان (۰/۳۴ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۰/۶۶ درصد) و کرمانشاه (۱/۰۶ درصد) از این امکان برخوردارند (شکل ۳-۲۶).

جدول ۳-۵۰- شاخص امکانات مالی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	بانک		رتبه‌ی شاخص
		فراوانی	درصد	
کل کشور	۶۱۷۵۰	۲۷۶۵	۴/۴۸	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۲۰۹	۷/۷۱	۹
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۶۱	۱/۸۷	۲۶
اردبیل	۱۶۹۶	۵۰	۲/۹۵	۲۲
اصفهان	۱۸۳۱	۱۸۳	۹/۹۹	۵
البرز	۳۵۵	۲۹	۸/۱۷	۷
ایلام	۶۶۸	۱۳	۱/۹۵	۲۵
بوشهر	۶۲۳	۱۰۶	۱۷/۰۱	۱
تهران	۷۵۷	۹۹	۱۳/۰۸	۳
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۵۳	۶/۹۲	۱۷
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۶۲	۳/۶۴	۲۰
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۲۶۷	۸/۰۱	۸
خراسان شمالی	۸۳۵	۶۳	۷/۵۴	۱۱
خوزستان	۴۰۵۵	۷۵	۱/۸۵	۲۷
زنجان	۹۳۵	۶۳	۶/۷۴	۱۸
سمنان	۵۸۹	۴۱	۶/۹۶	۱۶
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۲	۰/۳۴	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۱۵۱	۳/۵۷	۲۱
قزوین	۸۴۲	۶۰	۷/۱۳	۱۵
قم	۲۰۳	۱۵	۷/۳۹	۱۳
کردستان	۱۷۰۲	۴۶	۲/۷	۲۳
کرمان	۵۱۷۸	۱۱۱	۲/۱۴	۲۴
کرمانشاه	۲۶۴۲	۲۸	۱/۰۶	۲۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۱۱	۰/۶۶	۳۰
گلستان	۱۰۰۸	۱۳۹	۱۳/۷۹	۲
گیلان	۲۵۹۱	۱۱۸	۴/۵۵	۱۹
لرستان	۲۸۶۴	۳۵	۱/۲۲	۲۸
مازندران	۲۹۷۵	۲۲۳	۷/۵	۱۲
مرکزی	۱۲۱۰	۱۲۱	۱۰/۰۰	۴
هرمزگان	۱۷۳۱	۱۳۱	۷/۵۷	۱۰
همدان	۱۰۷۵	۹۷	۹/۰۲	۶
یزد	۱۱۴۴	۸۳	۷/۲۶	۱۴



شکل ۳-۲۶- شاخص امکانات مالی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۴-۱۴- شاخص امکانات ارتباطی

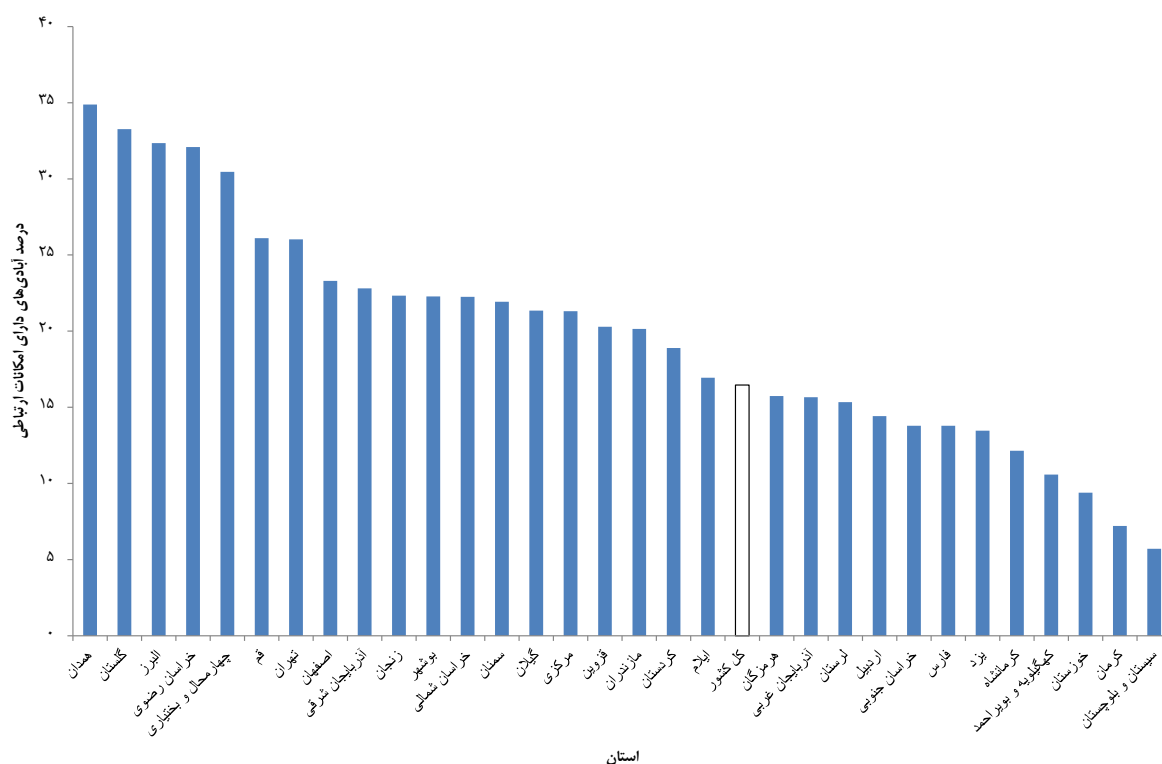
جدول شماره ۳-۵۱ شاخص امکانات ارتباطی در آبادی‌های دارای سکنه را نشان می‌دهد. این شاخص ترکیبی از مؤلفه‌های صندوق پست، دفتر پست، دفتر مخابرات، دفاتر ICT روستایی، دسترسی به وسیله نقلیه عمومی و دسترسی به ایستگاه راه‌آهن است. مقدار این شاخص برای آبادی‌های دارای سکنه کل کشور ۱۶/۴۷ درصد است. بیشترین آبادی‌های دارای امکانات ارتباطی به استان همدان (۳۴/۸۹ درصد) اختصاص دارد. در رتبه‌های بعدی، استان‌های گلستان (۳۳/۲۷ درصد) و البرز (۳۲/۳۵ درصد) قرار دارند. در مقابل، کمترین مقدار این شاخص به استان‌های سیستان و بلوچستان (۵/۷۰ درصد)، کرمان (۷/۲۲ درصد)، و خوزستان (۹/۳۹ درصد) مربوط می‌شود (شکل ۳-۲۷).

جدول ۳-۵۱- شاخص امکانات ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	صندوق پست	دفتر پست	دفتر مخابرات	دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی	فرانوانی درصد	فرانوانی درصد	فرانوانی درصد	فرانوانی درصد
کل کشور	۶۱۷۵۰	۷۸۱۲	۱۲/۶۵	۷۰۹۳	۱۱/۴۹	۱۳۹۱۵	۲۲/۵۳	۶۳۲۷	۱۰/۲۵
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۵۹۶	۲۱/۹۸	۵۷۹	۲۱/۳۵	۹۷۸	۳۶/۰۶	۴۹۰	۱۸/۰۷
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۲۶۶	۸/۱۴	۳۱۱	۹/۵۲	۴۷۴	۱۴/۵۱	۳۵۲	۱۰/۷۸
اردبیل	۱۶۹۶	۲۰۲	۱۱/۹۱	۲۰۱	۱۱/۸۵	۳۱۶	۱۸/۶۳	۱۷۵	۱۰/۳۲
اصفهان	۱۸۳۱	۳۹۵	۲۱/۵۷	۳۲۸	۱۷/۹۱	۵۸۹	۳۲/۱۷	۳۶۳	۱۹/۸۳
البرز	۳۵۵	۱۵۷	۴۴/۲۳	۱۲۲	۳۴/۳۷	۱۶۵	۴۶/۴۸	۴۷	۱۳/۲۴
ایلام	۶۶۸	۶۸	۱۰/۱۸	۷۴	۱۱/۰۸	۱۰۶	۱۵/۸۷	۶۲	۹/۲۸
بوشهر	۶۲۳	۱۵۳	۲۴/۵۶	۱۰۵	۱۶/۸۵	۲۳۹	۳۸/۳۶	۸۱	۱۳/۰۰
تهران	۷۵۷	۲۶۴	۳۴/۸۷	۱۸۷	۲۴/۷	۲۴۹	۳۲/۸۹	۱۳۴	۱۷/۷
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۴۹	۱۹/۴۵	۱۶۳	۲۱/۲۸	۲۸۰	۳۶/۵۵	۱۳۲	۱۷/۲۳
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۶۱	۹/۴۵	۱۴۵	۸/۵۱	۴۲۸	۲۵/۱۳	۱۵۵	۹/۱
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۷۴۳	۲۲/۲۸	۶۵۸	۱۹/۷۳	۲۳۰۳	۶۹/۰۶	۵۸۸	۱۷/۶۳
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۱۰	۱۳/۱۷	۱۲۹	۱۵/۴۵	۲۹۰	۳۴/۷۳	۱۱۰	۱۳/۱۷
خوزستان	۴۰۵۵	۲۹۷	۷/۳۲	۳۰۰	۷/۴	۵۳۹	۱۳/۲۹	۱۸۷	۴/۶۱
زنجان	۹۳۵	۱۷۵	۱۸/۷۲	۱۶۹	۱۸/۰۷	۲۸۱	۳۰/۰۵	۱۶۶	۱۷/۷۵
سمنان	۵۸۹	۱۳۹	۲۳/۶	۹۹	۱۶/۸۱	۱۵۰	۲۵/۴۷	۶۵	۱۱/۰۴
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۱۴۴	۲/۲	۱۳۵	۲/۰۶	۶۰۱	۹/۱۷	۱۶۴	۲/۵
فارس	۴۲۳۰	۳۸۷	۹/۱۵	۳۶۹	۸/۷۲	۶۳۱	۱۴/۹۲	۳۴۵	۸/۱۶
قزوین	۸۴۲	۱۵۱	۱۷/۹۳	۱۴۵	۱۷/۲۲	۲۳۰	۲۷/۳۲	۱۲۱	۱۴/۳۷
قم	۲۰۳	۵۷	۲۸/۰۸	۴۱	۲۰/۲	۵۰	۲۴/۶۳	۴۲	۲۰/۶۹
کردستان	۱۷۰۲	۱۳۱	۷/۷	۱۳۰	۷/۶۴	۵۵۲	۳۲/۴۳	۱۰۰	۵/۸۸
کرمان	۵۱۷۸	۳۰۷	۵/۹۳	۲۵۲	۴/۸۷	۵۷۳	۱۱/۰۷	۲۷۹	۵/۳۹
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۷۰	۶/۴۳	۱۶۰	۶/۰۶	۳۴۳	۱۲/۹۸	۹۹	۳/۷۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۱۱۱	۶/۶۲	۱۱۹	۷/۱	۱۸۶	۱۱/۱	۷۶	۴/۵۳
گلستان	۱۰۰۸	۳۴۲	۳۳/۹۳	۳۳۲	۳۲/۹۴	۳۱۸	۳۱/۵۵	۳۷۹	۳۷/۶
گیلان	۲۵۹۱	۴۱۲	۱۵/۹	۳۴۰	۱۳/۱۲	۴۸۱	۱۸/۵۶	۳۷۴	۱۴/۴۳
لرستان	۲۸۶۴	۲۷۹	۹/۷۴	۲۶۴	۹/۲۲	۳۸۳	۱۳/۳۷	۱۷۳	۶/۰۴
مازندران	۲۹۷۵	۴۷۴	۱۵/۹۳	۳۲۸	۱۱/۰۳	۵۶۵	۱۸/۹۹	۲۴۴	۸/۲
مرکزی	۱۲۱۰	۱۹۹	۱۶/۴۵	۲۰۶	۱۷/۰۲	۲۹۹	۲۴/۷۱	۲۱۱	۱۷/۴۴
هرمزگان	۱۷۳۱	۲۴۸	۱۴/۳۳	۲۳۶	۱۳/۶۳	۵۴۴	۳۱/۴۳	۲۳۳	۱۳/۴۶
همدان	۱۰۷۵	۳۷۰	۳۴/۴۲	۳۵۸	۳۳/۳	۵۸۵	۵۴/۴۲	۲۴۴	۲۲/۷
یزد	۱۱۴۴	۱۵۵	۱۳/۵۵	۱۰۸	۹/۴۴	۱۸۷	۱۶/۳۵	۱۳۶	۱۱/۸۹

جدول ۳-۵۱- شاخص امکانات ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان (ادامه)

رتبه‌ی شاخص	شاخص کل امکانات ارتباطی	دسترسی به ایستگاه راه‌آهن		دسترسی به وسیله نقلیه‌ی عمومی		آبادی‌های دارای سکنه	استان
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
-	۱۶/۴۷	۱/۴۲	۸۷۶	۴۰/۴۷	۲۴۹۸۸	۶۱۷۵۰	کل کشور
۹	۲۲/۸۱	۲/۰۳	۵۵	۳۷/۳۹	۱۰۱۴	۲۷۱۲	آذربایجان شرقی
۲۱	۱۵/۶۶	۰/۵۵	۱۸	۵۰/۴۳	۱۶۴۷	۳۲۶۶	آذربایجان غربی
۲۳	۱۴/۴۳	۰/۱۸	۳	۳۳/۶۷	۵۷۱	۱۶۹۶	اردبیل
۸	۲۳/۲۹	۱/۳۷	۲۵	۴۶/۹۱	۸۵۹	۱۸۳۱	اصفهان
۳	۳۲/۳۵	۱/۹۷	۷	۵۳/۸	۱۹۱	۳۵۵	البرز
۱۹	۱۶/۹۴	۰	۰	۵۵/۲۴	۳۶۹	۶۶۸	ایلام
۱۱	۲۲/۲۸	۰/۱۶	۱	۴۰/۷۷	۲۵۴	۶۲۳	بوشهر
۷	۲۶/۰۲	۳/۹۶	۳۰	۴۲/۰۱	۳۱۸	۷۵۷	تهران
۵	۳۰/۴۶	۰/۱۳	۱	۸۸/۱۲	۶۷۵	۷۶۶	چهارمحال و بختیاری
۲۴	۱۳/۷۹	۱/۱۲	۱۹	۲۹/۴۲	۵۰۱	۱۷۰۳	خراسان جنوبی
۴	۳۲/۰۹	۴/۵۳	۱۵۱	۵۹/۲۸	۱۹۷۷	۳۳۳۵	خراسان رضوی
۱۲	۲۲/۲۶	۰/۶	۵	۵۶/۴۱	۴۷۱	۸۳۵	خراسان شمالی
۲۹	۹/۳۹	۱/۹۲	۷۸	۲۱/۸۲	۸۸۵	۴۰۵۵	خوزستان
۱۰	۲۲/۳۳	۱/۸۲	۱۷	۴۷/۵۹	۴۴۵	۹۳۵	زنجان
۱۳	۲۱/۹۳	۱۲/۳۹	۷۳	۴۲/۲۸	۲۴۹	۵۸۹	سمنان
۳۱	۵/۷	۰/۲۱	۱۴	۱۸/۰۸	۱۱۸۵	۶۵۵۳	سیستان و بلوچستان
۲۵	۱۳/۷۸	۰/۷۶	۳۲	۴۰/۹۹	۱۷۳۴	۴۲۳۰	فارس
۱۶	۲۰/۲۹	۰/۳۶	۳	۴۴/۵۴	۳۷۵	۸۴۲	قزوین
۶	۲۶/۱۱	۵/۹۱	۱۲	۵۷/۱۴	۱۱۶	۲۰۳	قم
۱۸	۱۸/۸۹	۰	۰	۵۹/۶۹	۱۰۱۶	۱۷۰۲	کردستان
۳۰	۷/۲۲	۰/۸۱	۴۲	۱۵/۲۲	۷۸۸	۵۱۷۸	کرمان
۲۷	۱۲/۱۵	۰/۰۸	۲	۴۳/۶	۱۱۵۲	۲۶۴۲	کرمانشاه
۲۸	۱۰/۵۸	۰/۳	۵	۳۳/۸۳	۵۶۷	۱۶۷۶	کهگیلویه و بویراحمد
۲	۳۳/۲۷	۲/۷۸	۲۸	۶۰/۸۱	۶۱۳	۱۰۰۸	گلستان
۱۴	۲۱/۳۵	۰/۱۲	۳	۶۵/۹۶	۱۷۰۹	۲۵۹۱	گیلان
۲۲	۱۵/۳۴	۳/۴۹	۱۰۰	۵۰/۱۷	۱۴۳۷	۲۸۶۴	لرستان
۱۷	۲۰/۱۵	۲/۲۵	۶۷	۶۴/۴۷	۱۹۱۸	۲۹۷۵	مازندران
۱۵	۲۱/۳۱	۲/۴	۲۹	۴۹/۸۳	۶۰۳	۱۲۱۰	مرکزی
۲۰	۱۵/۷۴	۰/۷۵	۱۳	۲۰/۸۵	۳۶۱	۱۷۳۱	هرمزگان
۱	۳۴/۸۹	۰/۸۴	۹	۶۳/۶۳	۶۸۴	۱۰۷۵	همدان
۲۶	۱۳/۴۶	۲/۹۷	۳۴	۲۶/۵۷	۳۰۴	۱۱۴۴	یزد



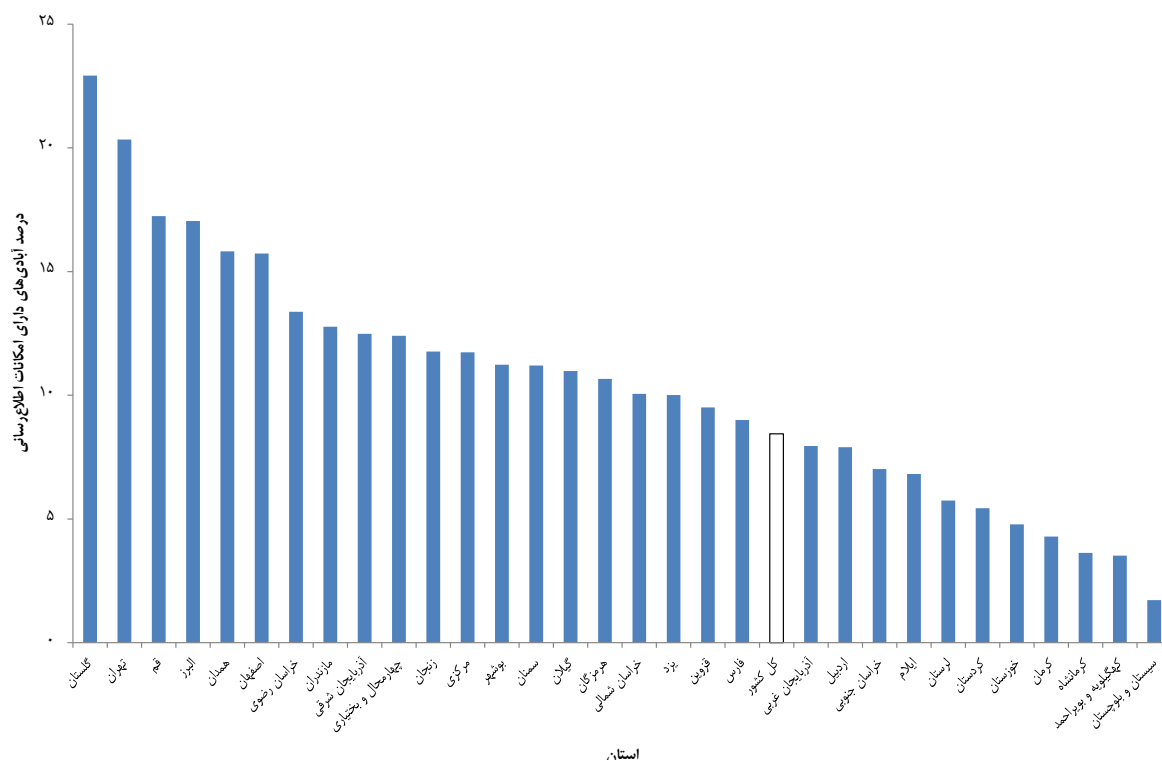
شکل ۳-۲۷- شاخص امکانات ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک استان

۳-۴-۱۵- شاخص امکانات اطلاع‌رسانی

جدول شماره ۳-۵۲ حاوی اطلاعات شاخص امکانات اطلاع‌رسانی آبادی‌های دارای سکنه است که ترکیبی از مقوله‌های دسترسی عمومی به اینترنت و دسترسی به روزنامه و مجله می‌باشد. براساس نتایج، مقدار این شاخص در آبادی‌های دارای سکنه کل کشور ۸/۴۴ درصد است. بررسی مقایسه‌ای اطلاعات، حاکی از آن است که پوشش امکانات اطلاع‌رسانی (اینترنت، روزنامه و مجله) در آبادی‌های استان‌های گلستان (۲۲/۹۲ درصد)، تهران (۲۰/۳۴ درصد) و قم (۱۷/۲۴ درصد) بیش‌تر از استان‌های دیگر است و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان (۱/۷۲ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۳/۵۲ درصد) و کرمانشاه (۳/۶۳ درصد) قرار دارند (شکل ۳-۲۸).

جدول ۳-۵۲- شاخص امکانات اطلاع‌رسانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

استان	آبادی‌های دارای سکنه	دسترسی عمومی به اینترنت		دسترسی به روزنامه و مجله		شاخص کل امکانات اطلاع‌رسانی	رتبه‌ی شاخص
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد		
کل کشور	۶۱۷۵۰	۸۷۰۳	۱۴/۰۹	۱۷۲۳	۲/۷۹	۸/۴۴	-
آذربایجان شرقی	۲۷۱۲	۶۰۲	۲۲/۲	۷۵	۲/۷۷	۱۲/۴۹	۹
آذربایجان غربی	۳۲۶۶	۴۵۹	۱۴/۰۵	۶۰	۱/۸۴	۷/۹۵	۲۱
اردبیل	۱۶۹۶	۲۴۳	۱۴/۳۳	۲۵	۱/۴۷	۷/۹	۲۲
اصفهان	۱۸۳۱	۴۹۰	۲۶/۷۶	۸۶	۴/۷	۱۵/۷۳	۶
البرز	۳۵۵	۸۴	۲۳/۶۶	۳۷	۱۰/۴۲	۱۷/۰۴	۴
ایلام	۶۶۸	۷۵	۱۱/۲۳	۱۶	۲/۴	۶/۸۲	۲۴
بوشهر	۶۲۳	۱۱۱	۱۷/۸۲	۲۹	۴/۶۵	۱۱/۲۴	۱۳
تهران	۷۵۷	۲۲۱	۲۹/۱۹	۸۷	۱۱/۴۹	۲۰/۳۴	۲
چهارمحال و بختیاری	۷۶۶	۱۵۸	۲۰/۶۳	۳۲	۴/۱۸	۱۲/۴۱	۱۰
خراسان جنوبی	۱۷۰۳	۱۹۵	۱۱/۴۵	۴۴	۲/۵۸	۷/۰۲	۲۳
خراسان رضوی	۳۳۳۵	۶۹۵	۲۰/۸۴	۱۹۷	۵/۹۱	۱۳/۳۸	۷
خراسان شمالی	۸۳۵	۱۳۵	۱۶/۱۷	۳۳	۳/۹۵	۱۰/۰۶	۱۷
خوزستان	۴۰۵۵	۲۹۲	۷/۲	۹۶	۲/۳۷	۴/۷۹	۲۷
زنجان	۹۳۵	۱۸۶	۱۹/۸۹	۳۴	۳/۶۴	۱۱/۷۷	۱۱
سمنان	۵۸۹	۱۰۳	۱۷/۴۹	۲۹	۴/۹۲	۱۱/۲۱	۱۴
سیستان و بلوچستان	۶۵۵۳	۲۰۷	۳/۱۶	۱۸	۰/۲۷	۱/۷۲	۳۱
فارس	۴۲۳۰	۶۱۶	۱۴/۵۶	۱۴۵	۳/۴۳	۹/۰۰	۲۰
قزوین	۸۴۲	۱۴۱	۱۶/۷۵	۱۹	۲/۲۶	۹/۵۱	۱۹
قم	۲۰۳	۶۷	۳۳/۰۰	۳	۱/۴۸	۱۷/۲۴	۳
کردستان	۱۷۰۲	۱۷۲	۱۰/۱۱	۱۳	۰/۷۶	۵/۴۴	۲۶
کرمان	۵۱۷۸	۳۵۸	۶/۹۱	۸۶	۱/۶۶	۴/۲۹	۲۸
کرمانشاه	۲۶۴۲	۱۵۷	۵/۹۴	۳۵	۱/۳۲	۳/۶۳	۲۹
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۷۶	۹۹	۵/۹۱	۱۹	۱/۱۳	۳/۵۲	۳۰
گلستان	۱۰۰۸	۴۱۸	۴۱/۴۷	۴۴	۴/۳۷	۲۲/۹۲	۱
گیلان	۲۵۹۱	۴۷۶	۱۸/۳۷	۹۳	۳/۵۹	۱۰/۹۸	۱۵
لرستان	۲۸۶۴	۲۷۶	۹/۶۴	۵۳	۱/۸۵	۵/۷۵	۲۵
مازندران	۲۹۷۵	۶۰۴	۲۰/۳	۱۵۶	۵/۲۴	۱۲/۷۷	۸
مرکزی	۱۲۱۰	۲۵۶	۲۱/۱۶	۲۸	۲/۳۱	۱۱/۷۴	۱۲
هرمزگان	۱۷۳۱	۳۱۱	۱۷/۹۷	۵۸	۳/۳۵	۱۰/۶۶	۱۶
همدان	۱۰۷۵	۳۰۵	۲۸/۳۷	۳۵	۳/۲۶	۱۵/۸۲	۵
یزد	۱۱۴۴	۱۹۱	۱۶/۷	۳۸	۳/۳۲	۱۰/۰۱	۱۸



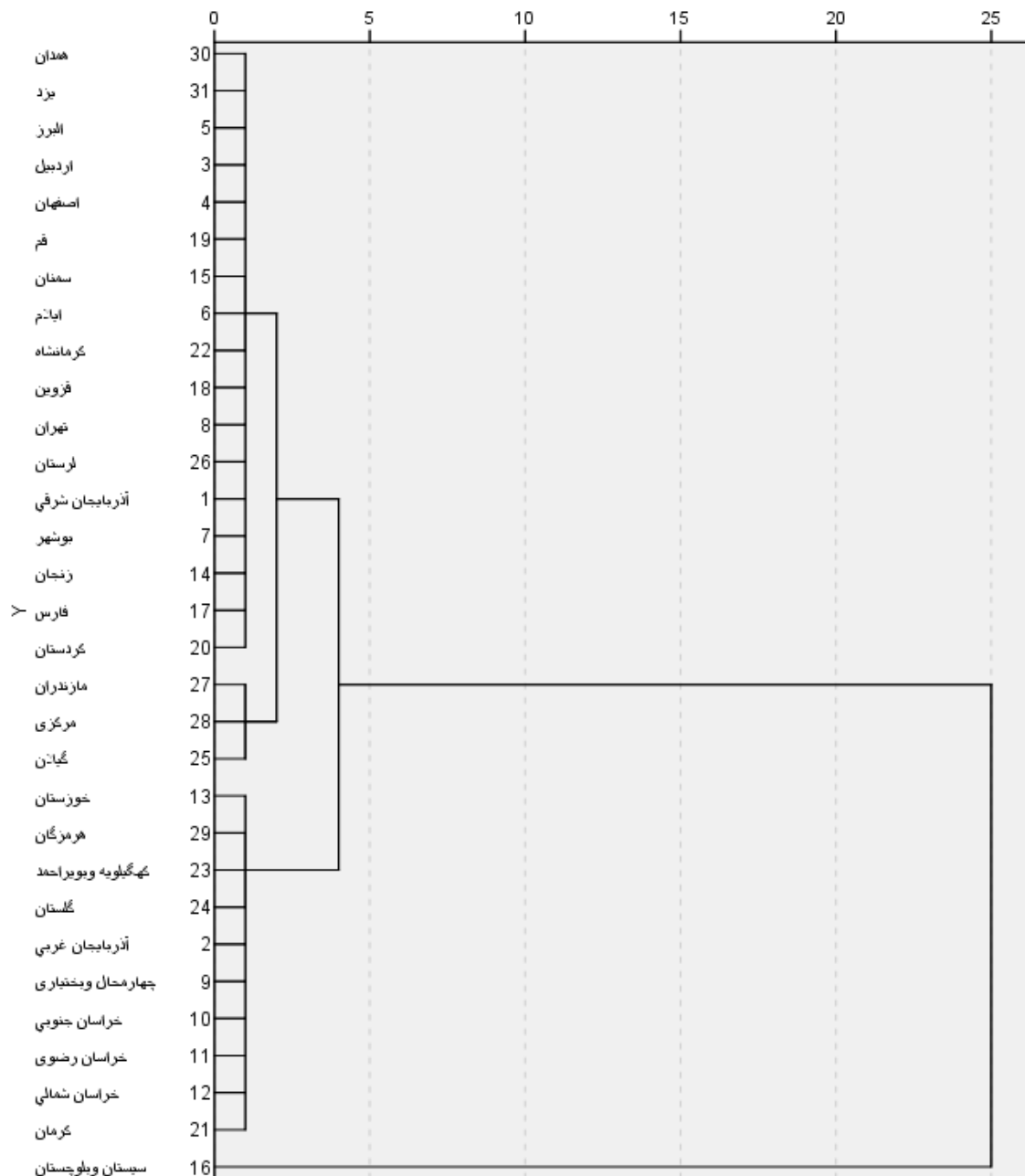
شکل ۳-۲۸- شاخص امکانات اطلاع‌رسانی آبادی‌های دارای سکنه‌ی کشور به تفکیک استان

۳-۵- تحلیل خوشه‌بندی

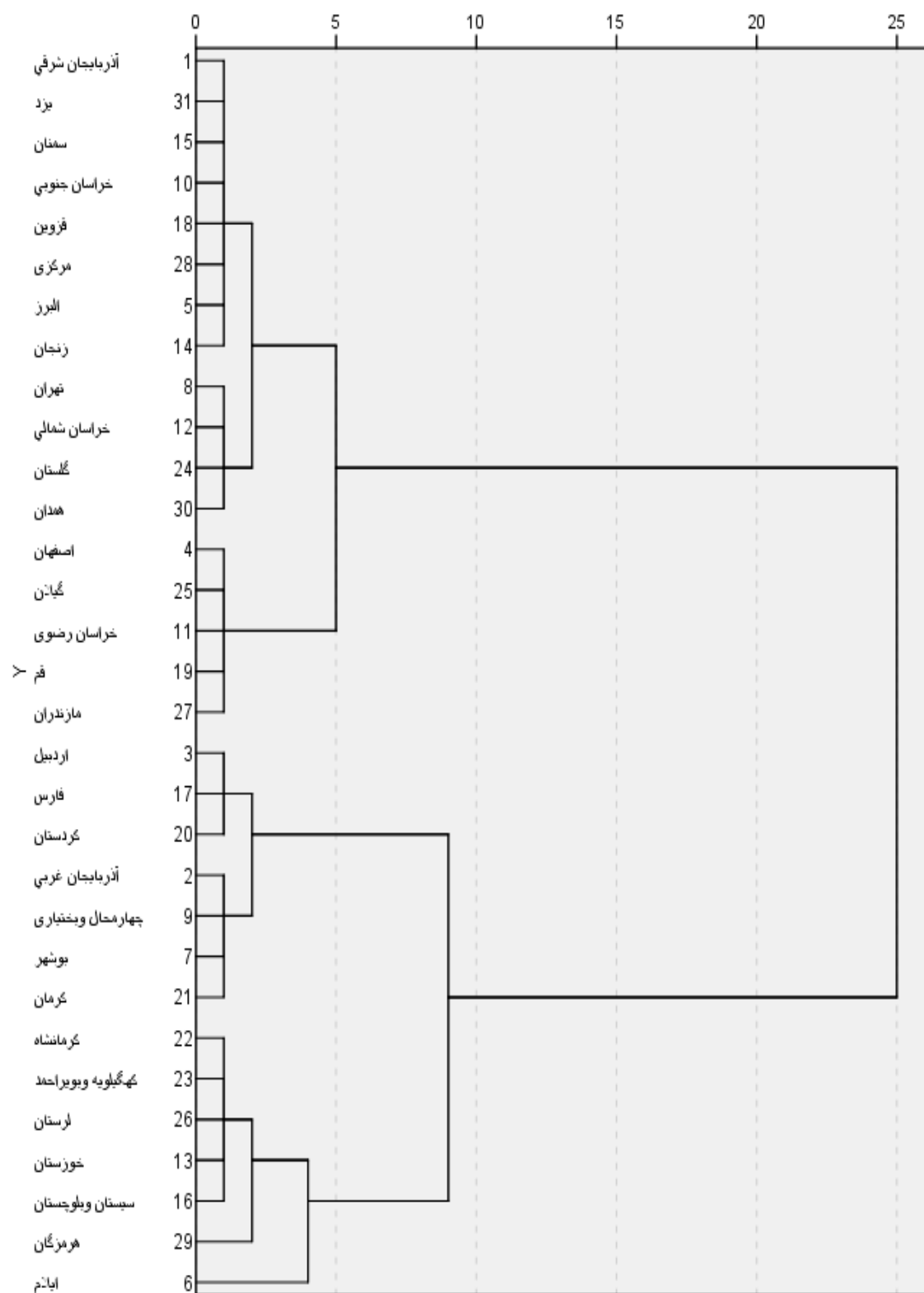
همان‌طوری که در فصل دوم گفته شد تحلیل خوشه‌ای یکی از روش‌های آماری کاهش بعد است و راهی برای خلاصه کردن اطلاعات نهفته در تعدادی زیادی از مشاهدات موجود در یک مطالعه‌ی علمی، در قالب تعداد کم‌تری متغیر است. تجزیه و تحلیل خوشه‌ای روشی برای گروه‌بندی داده‌ها یا مشاهدات با توجه به شباهت یا درجه نزدیکی آن‌ها است. از طریق تجزیه و تحلیل خوشه‌ای داده‌ها یا مشاهدات به دسته‌های همگن و متمایز از هم تقسیم می‌شوند. در روش خوشه‌بندی هیچ دسته‌ای از قبل وجود ندارد و در واقع متغیرها به صورت مستقل و وابسته تقسیم نمی‌شوند. در این نوع تحلیل آماری گاهی به دنبال داده‌هایی هستیم که تفاوت چشم‌گیر با سایر داده‌ها دارند.

به عنوان مثال با نگاهی به دندروگرام مربوط به شاخص جوانی جمعیت (شکل ۳-۲۹) ملاحظه می‌شود که استان سیستان و بلوچستان به دلیل داشتن بالاترین مقدار برای شاخص جوانی جمعیت و اختلاف زیاد آن با سایر استان‌ها به صورت خوشه جداگانه درآمده است. همچنین ملاحظه می‌شود در دندروگرام مذکور استان‌های گیلان و مرکزی که بالاترین رتبه سالخوردگی را در بین استان‌های کشور دارند در خوشه‌ای جداگانه در کنار استان مازندران قرار گرفته‌اند. به همین ترتیب، می‌توان سایر دندروگرام‌ها را تفسیر نمود. به عنوان مثال دیگر مطلوب است نظر خواننده به دندروگرام مربوط به شاخص عمومیت ازدواج (شکل ۳-۳۰) جلب شود. به روشنی دیده می‌شود استان‌های اردبیل، فارس و کردستان که تشکیل یک خوشه را می‌دهند دارای فاصله یک و استان‌های

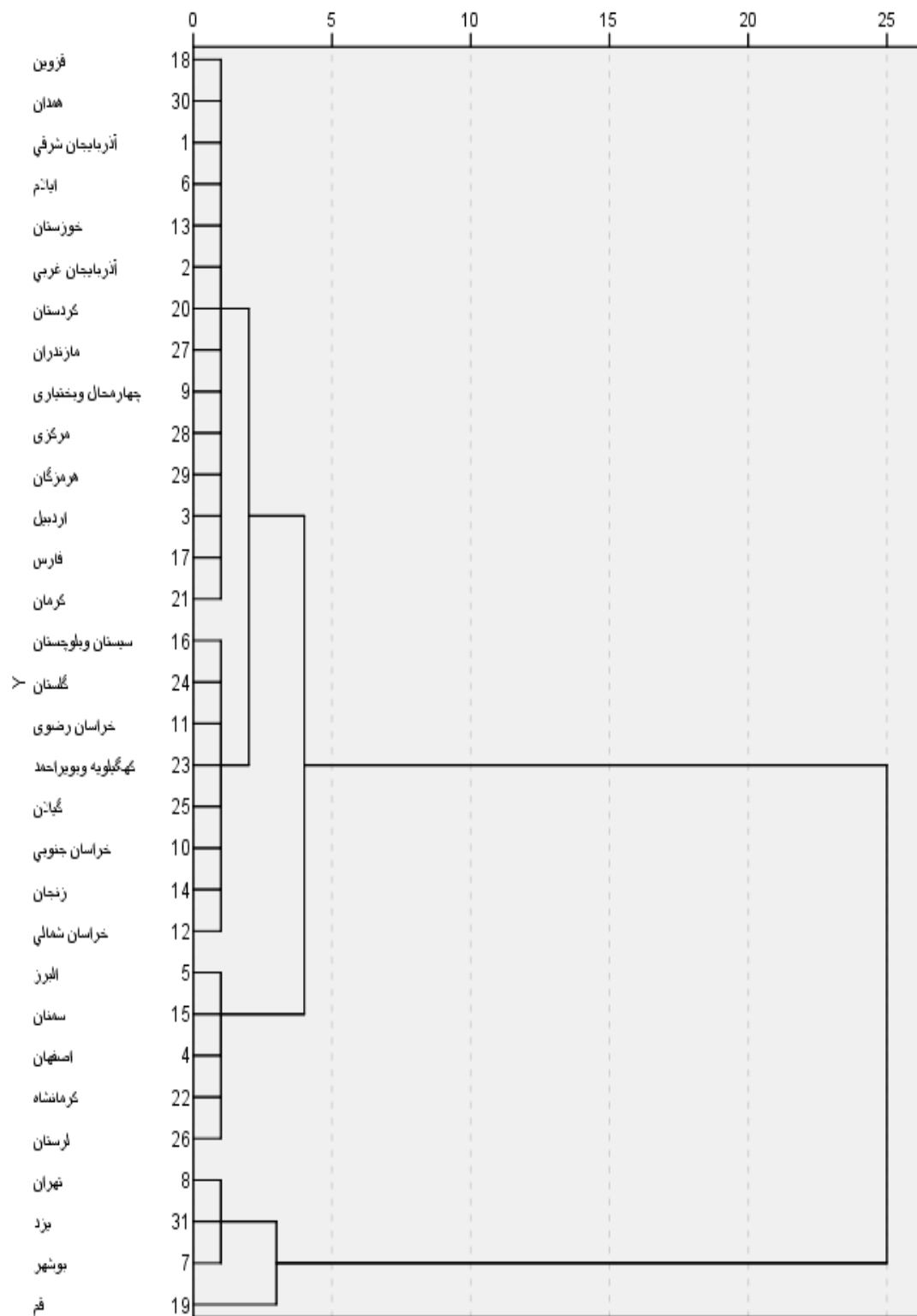
اردبیل، فارس، کردستان، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و کرمان که در مرحله‌ی بعدی خوشه دیگری را تشکیل می‌دهند دارای فاصله‌ی ۲ هستند و به همین ترتیب در مراحل بعدی خوشه‌بندی فواصل بین واحدها زیاد می‌شود. در ادامه‌ی دندروگرام مربوط به شاخص‌های مورد مطالعه برای آبادی‌های کشور آورده شده است.



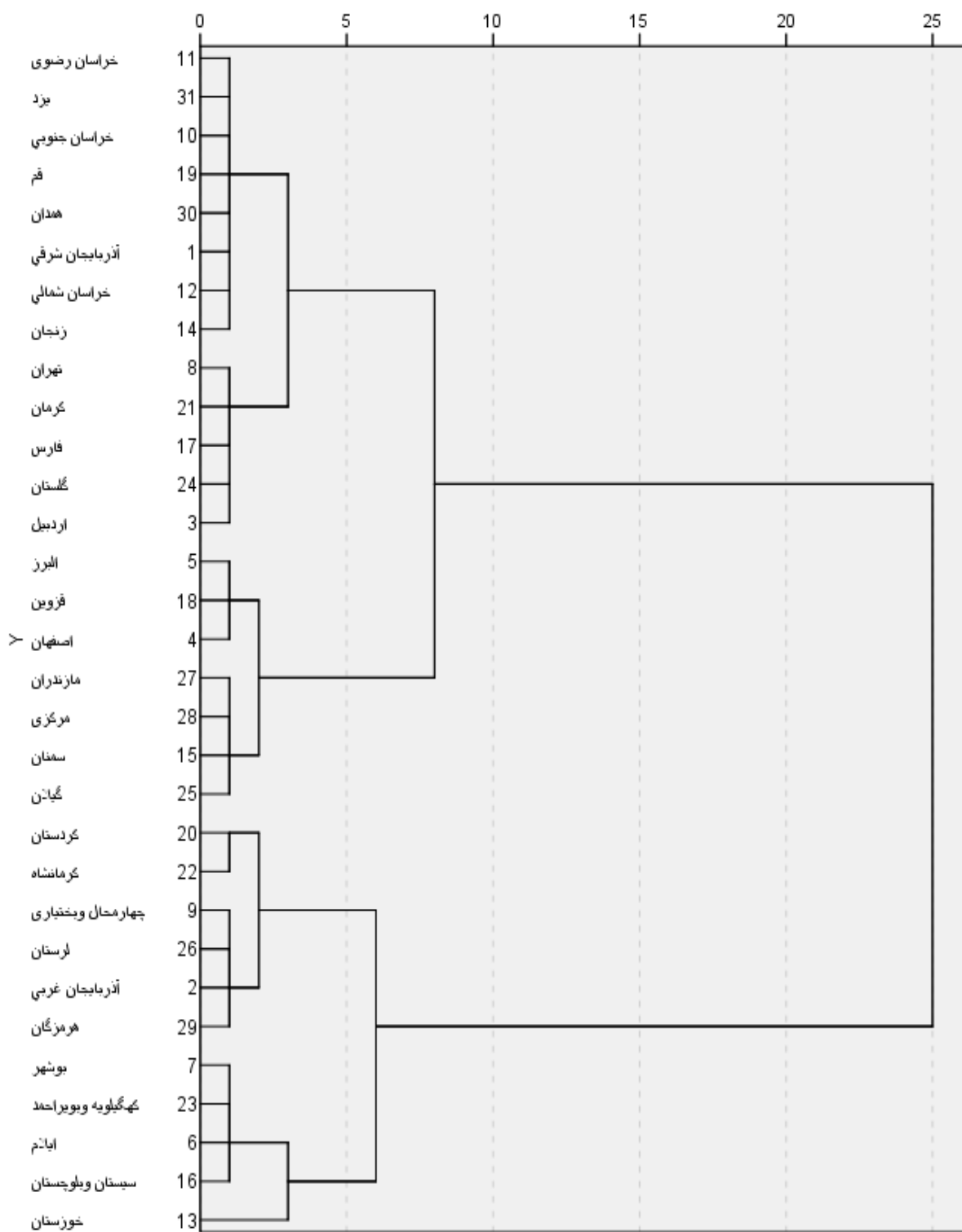
شکل ۳-۲۹- دندروگرام درصد جوانی جمعیت



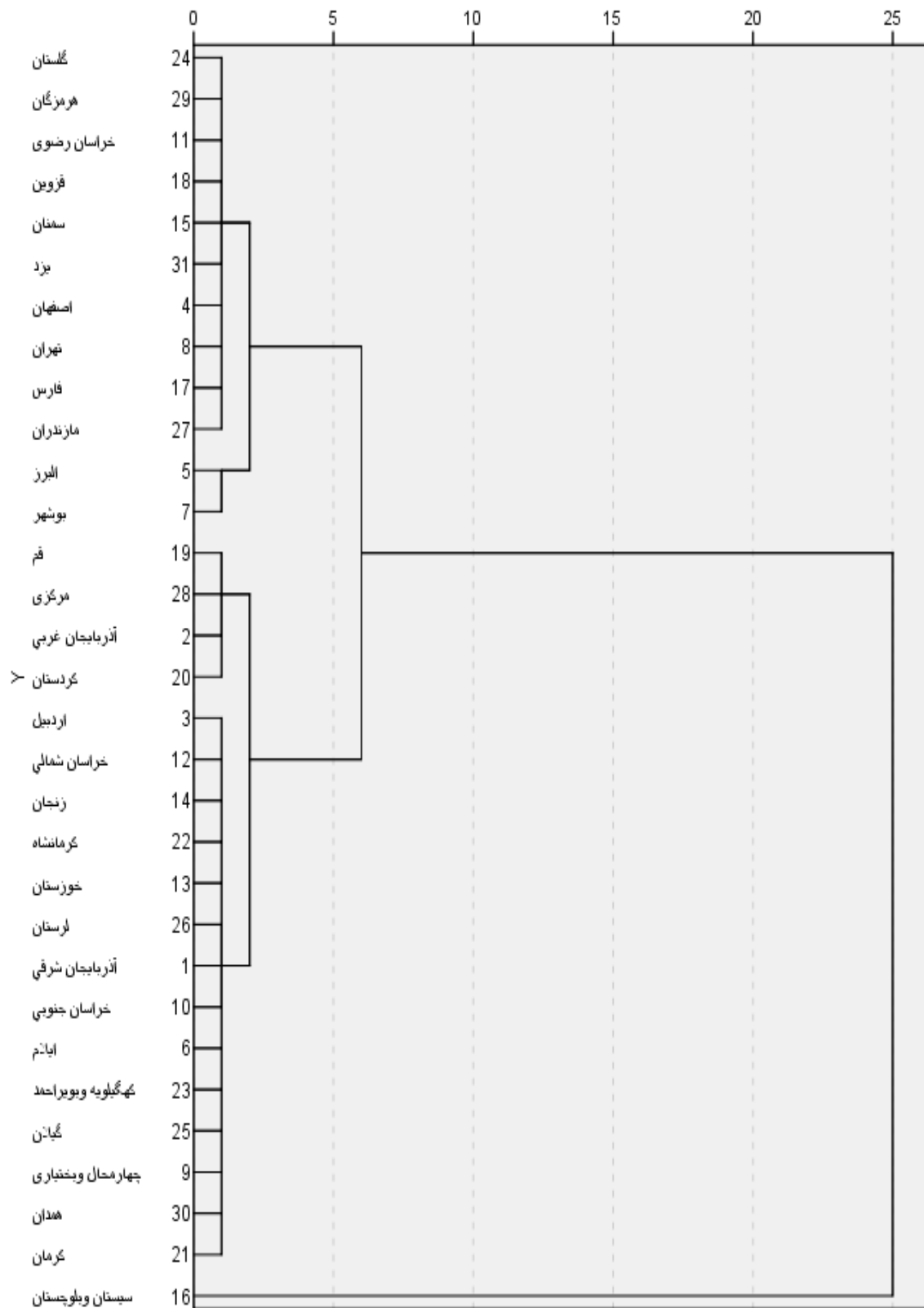
شکل ۳-۳- دندروگرام درصد عمومیت ازدواج



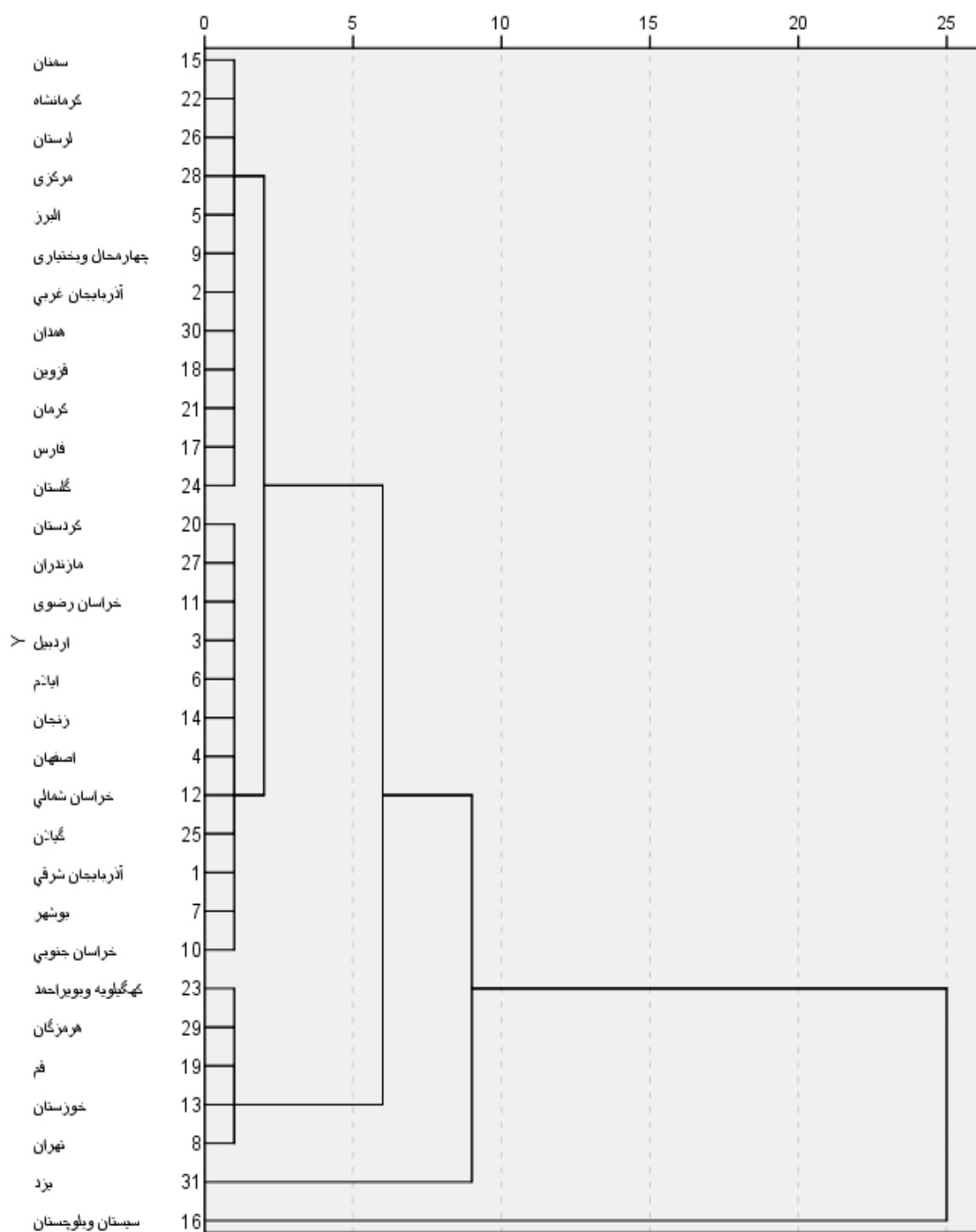
شکل ۳-۳۱- دندروگرام نسبت جنسی



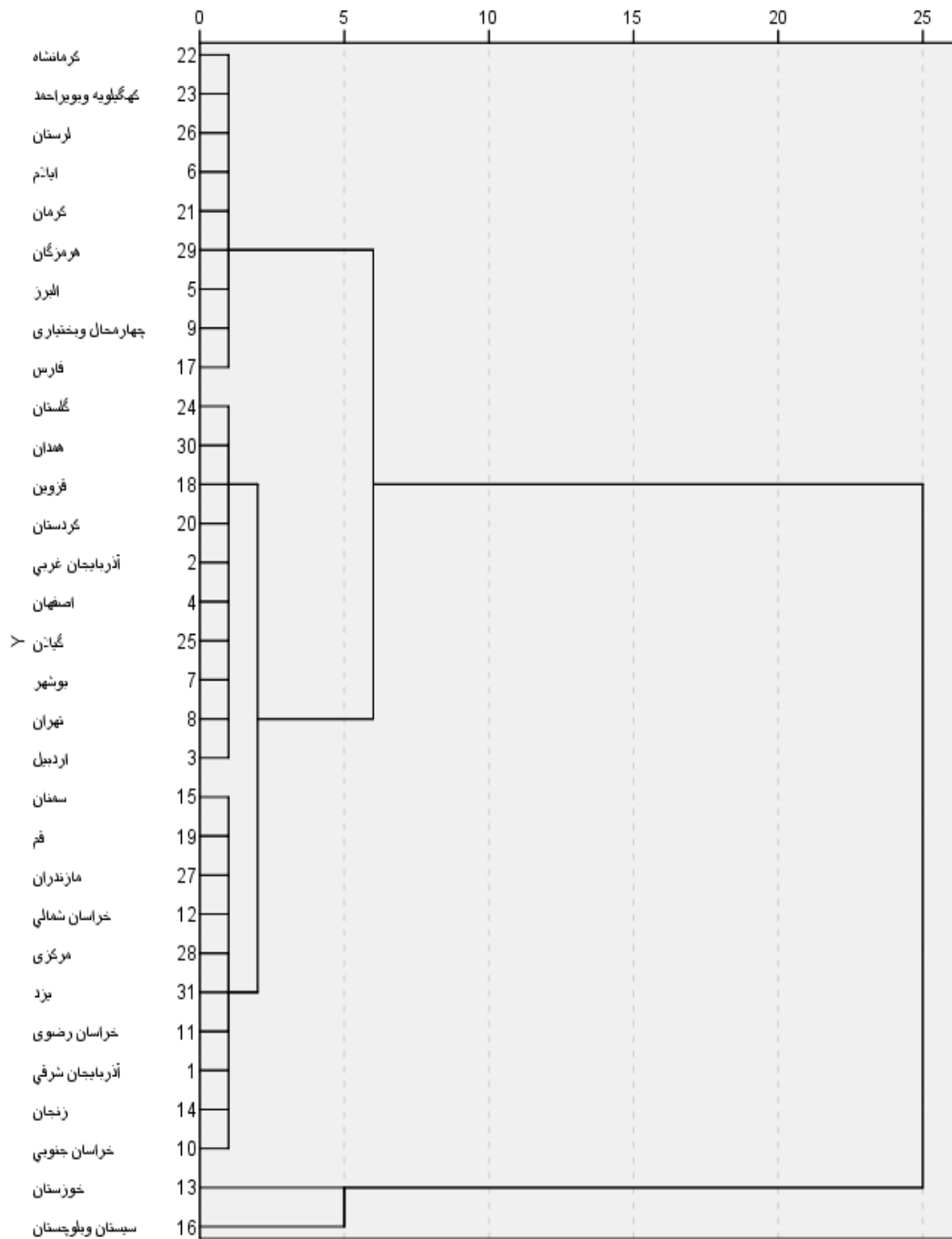
شکل ۳-۳۲- دندروگرام بعد خانوار



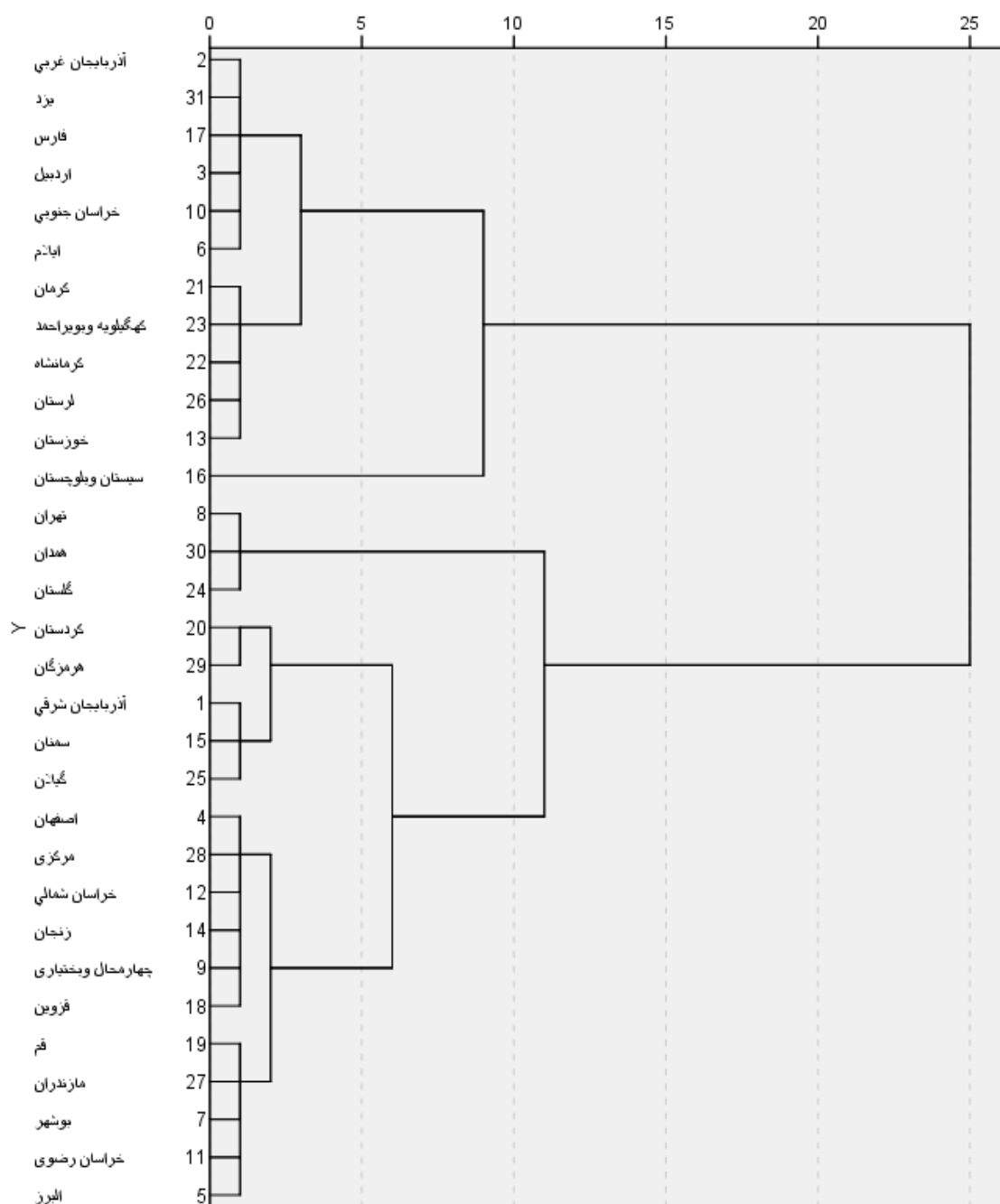
شکل ۳-۳۳- دندروگرام نرخ باسوادی



شکل ۳-۳۴- دندروگرام نرخ مشارکت اقتصادی



شکل ۳-۳۵- دندروگرام نرخ بیکاری



شکل ۳-۳۶- دندروگرام امکانات زندگی

۳-۶- مقایسه‌ی وضعیت آبادی‌ها در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

۳-۶-۱- مقایسه‌ی سیمای آبادی‌ها

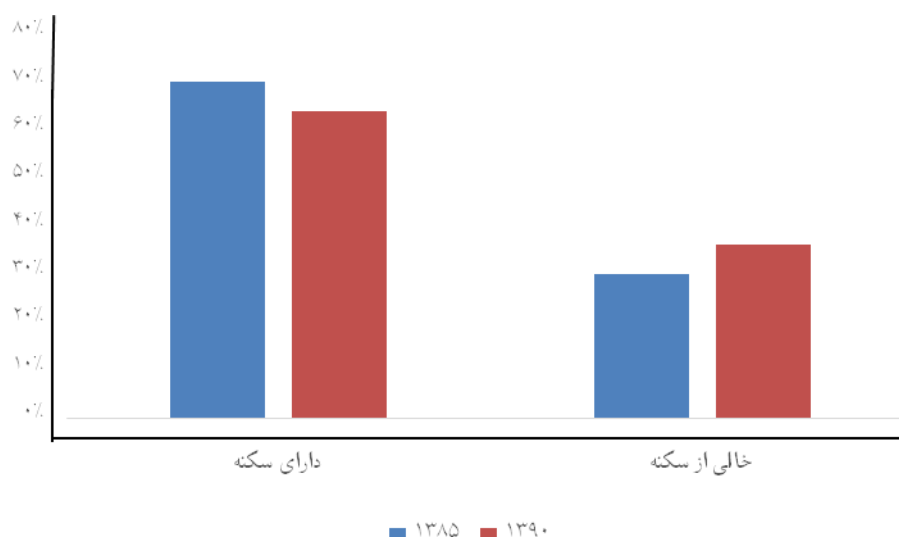
بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد کل آبادی‌های کشور (دارای سکنه و فاقد سکنه)، ۹۱۳۱۰ آبادی است، به نحوی که ۱۲/۷ درصد کل آبادی‌های کشور در استان کرمان قرار دارند. در مراتب بعدی استان‌های سیستان و بلوچستان با ۸/۳ درصد و خراسان رضوی با ۸/۱ درصد قرار دارند. همچنین استان قم با ۰/۴ درصد و پس از آن، استان البرز^{۲۵} با ۰/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌ها در کشور هستند. این در حالی

^{۲۵} اطلاعات استان البرز برای سال ۱۳۸۵ بر اساس تقسیمات جغرافیایی بازسازی شده است.

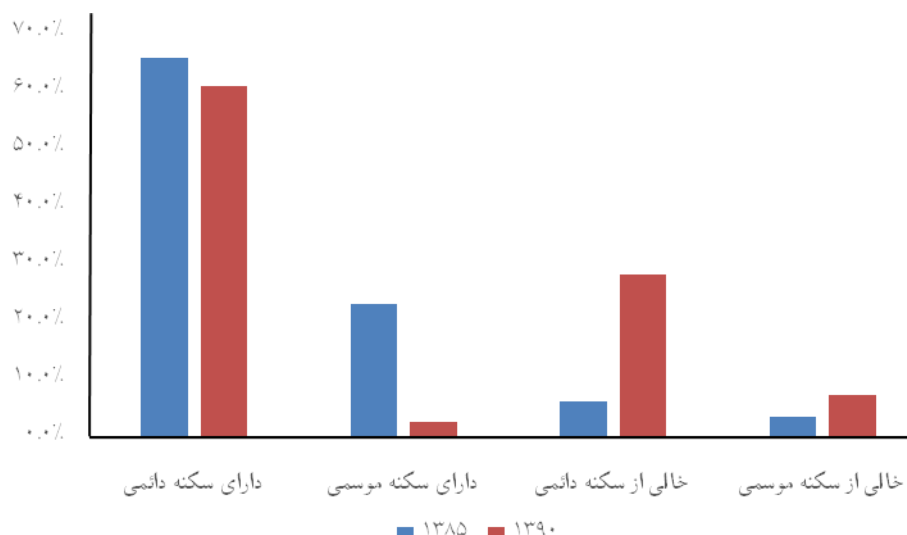
است که بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد کل آبادی‌های کشور به ۹۶۵۴۹ آبادی افزایش یافته است که مجدداً استان کرمان دارای بیشترین تعداد آبادی، یعنی ۱۲/۲ درصد کل آبادی‌های کشور و پس از آن، استان سیستان و بلوچستان با ۹/۶ درصد کل آبادی‌های کشور و استان فارس با ۸/۶ درصد کل آبادی‌های کشور در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های قم و البرز نیز دارای کمترین تعداد آبادی، به ترتیب با ۰/۳ و ۰/۵ درصد کل آبادی‌های کشور هستند. با بررسی دقیق‌تر، این نتیجه به دست آمد که تنها تعداد آبادی‌ها در استان مرکزی بدون تغییر و تعداد آبادی‌ها در ۱۳ استان آذربایجان شرقی، اردبیل، البرز، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، قزوین، کردستان، کرمانشاه، گیلان هرمزگان و همدان نسبت به سال ۱۳۸۵ کاهش یافته‌اند.

همچنین با توجه به افزایش ۵۲۳۹ آبادی در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵، درصد آبادی‌های دارای سکنه از ۷۰ درصد به ۶۴ درصد کاهش یافته است که از این بین، درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی در سال ۱۳۹۰ با کاهش ۵ درصدی به ۶۱/۲ و درصد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی با کاهش ۱ درصدی به ۲/۸ درصد رسیده‌اند. همچنین درصد آبادی‌های خالی از سکنه از ۳۰ درصد به ۳۶ درصد افزایش یافته است که درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی در سال ۱۳۹۰ با افزایش ۵ درصدی به ۲۸/۵ درصد و درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی با افزایش ۱ درصدی به ۷/۵ درصد رسیده‌اند.

شکل‌های ۳-۳۷ و ۳۸-۳ میزان تغییرات تعداد آبادی‌ها بر حسب وضعیت سکونت در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد.



شکل ۳-۳۷-۳- تعداد آبادی‌ها بر حسب خالی یا دارای سکنه در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰



شکل ۳-۳۸- تعداد آبادی‌ها بر حسب وضعیت سکونت در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

با نگاهی جزئی‌تر به نتایج به دست آمده متوجه خواهیم شد که تعداد آبادی‌های دارای سکنه دائمی در سال ۱۳۸۵ از تعداد ۶۰۴۷۷ به تعداد ۵۹۰۴۵ در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است که در کل تنها تعداد آبادی‌های دارای سکنه دائمی در ۵ استان آذربایجان غربی، ایلام، سیستان و بلوچستان، گلستان و لرستان نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۳۸۵، استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و فارس به ترتیب با ۹/۴ درصد، ۸/۵ درصد و ۶/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه دائمی و استان‌های قم و البرز به ترتیب با ۰/۴ درصد و ۰/۶ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه دائمی هستند. در سال ۱۳۹۰ نیز استان سیستان و بلوچستان با ۱۱ درصد کل آبادی‌های دارای سکنه دائمی رتبه‌ی نخست تعداد آبادی‌های دارای سکنه دائمی را دارد و استان کرمان با ۷/۹ درصد و استان فارس ۶/۶ درصد، رتبه‌های بعدی را دارا هستند و مجدداً استان‌های قم و البرز به ترتیب با ۰/۳ درصد و ۰/۶ درصد آبادی‌های دارای سکنه دائمی دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه دائمی هستند.

علاوه بر آن که تعداد آبادی‌های خالی از سکنه دائمی در سال ۱۳۸۵ از تعداد ۲۱۴۵۲ آبادی به تعداد ۲۷۵۱۰ آبادی در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است، در کل تنها تعداد آبادی‌های خالی از سکنه دائمی در استان کرمانشاه بدون تغییر و در ۲ استان آذربایجان شرقی و گلستان نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۳۸۵، استان کرمان با ۱۸/۴ درصد بیش‌ترین آبادی‌های خالی از سکنه دائمی را به خود اختصاص داده است و پس از آن، استان‌های خراسان رضوی با ۱۵/۹ درصد و فارس با ۹/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه بودند. از سوی دیگر، استان‌های گلستان با ۰/۲ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۰/۳ درصد، اردبیل، البرز و قم هر یک با ۰/۴ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی خالی از سکنه دائمی هستند. در حالی که در سال ۱۳۹۰ استان کرمان با ۱۵/۹ درصد بیش‌ترین تعداد آبادی خالی از سکنه دائمی است و استان‌های خراسان رضوی و فارس به ترتیب با ۱۳/۶ درصد و ۱۱/۷ درصد آبادی‌های خالی از سکنه دائمی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین استان‌های گلستان و اردبیل نیز به ترتیب با ۰/۱ درصد و ۰/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه دائمی هستند.

از طرفی تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی در سال ۱۳۸۵ از تعداد ۳۴۲۶ آبادی به تعداد ۲۷۰۵ آبادی در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است که در کل تنها تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی در ۴ استان آذربایجان غربی، اردبیل، البرز و یزد نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۳۸۵، استان کرمان با ۲۳/۸ درصد و پس از آن استان‌های خوزستان با ۱۳/۱ درصد و فارس با ۱۰/۱ درصد در مقایسه با استان‌های دیگر بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی را به خود اختصاص داده‌اند و استان گلستان با ۰/۲ درصد و پس از آن استان همدان با ۰/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای سکنه موسمی هستند. در سال ۱۳۹۰ نیز، استان کرمان با ۱۹/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی است و استان‌های فارس و خوزستان به ترتیب با ۱۲/۴ درصد و ۱۰/۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان قم فاقد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی است و پس از آن، استان‌های گلستان و همدان به ترتیب هر یک با ۰/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی هستند.

در سال ۱۳۹۰ تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی از ۵۹۵۵ به ۷۲۸۹ افزایش یافته است که در کل تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی تنها در استان کرمانشاه بدون تغییر و در ۷ استان چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، سمنان، قزوین، قم و لرستان کاهش یافته‌اند. در سال ۱۳۸۵، استان کرمان با ۲۹/۲ درصد، دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی کشور بود. در مرتبه بعدی استان فارس با ۱۳/۷ درصد قرار دارد و استان گلستان، البرز و قم هر یک با ۰/۱ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی در کشور بودند. در سال ۱۳۹۰، استان کرمان با ۳۰ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی خالی از سکنه‌ی موسمی است و استان فارس با ۱۲/۶ درصد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی در رتبه‌ی بعدی قرار دارد. همچنین استان قم دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی یعنی ۲ آبادی است. استان‌های همدان، البرز و گلستان نیز هر یک با ۰/۲ درصد در مراتب بعدی قرار دارند.

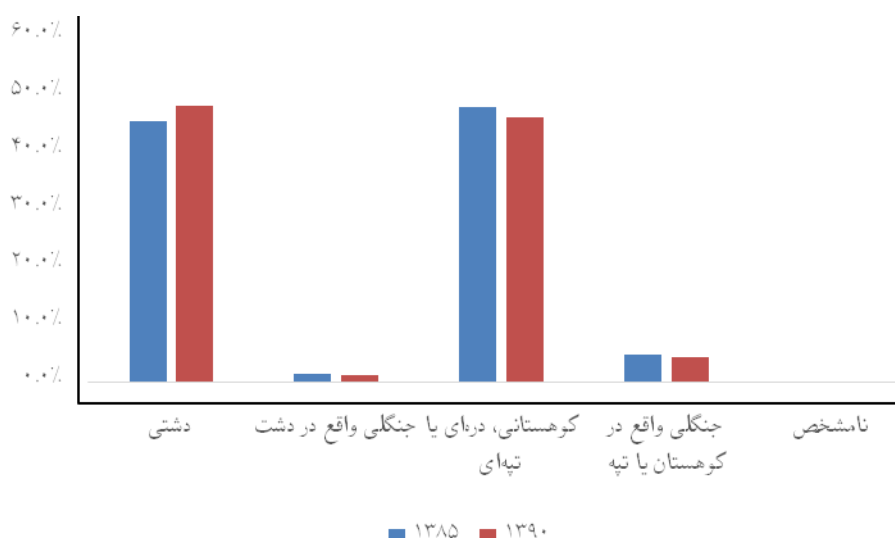
در سال ۱۳۸۵، در اکثر استان‌های کشور بیش از نیمی از آبادی‌ها دارای سکنه‌ی دائمی هستند که مقایسه‌ی وضعیت‌های مختلف آبادی‌ها نشان می‌دهد در استان گلستان، ۹۵/۱ درصد آبادی‌ها و سپس استان کردستان، ۹۰ درصد آبادی‌ها دارای سکنه‌ی دائمی هستند که از این حیث دارای رتبه‌ی نخست در کشور هستند. همچنین استان‌هایی که کمتر از ۵۰ درصد آبادی‌های آن‌ها دارای سکنه‌ی دائمی است، عبارت از استان سمنان با ۳۲/۱ درصد، استان یزد ۳۹/۶ درصد، استان کرمان ۴۴/۱ درصد و استان خراسان رضوی با ۴۴/۷ درصد هستند. همچنین نتایج نشان می‌دهند که بیش از نیمی از آبادی‌های استان سمنان ۵۲/۵ درصد خالی از سکنه‌ی دائمی هستند و از این لحاظ رتبه نخست کشور را داراست. استان‌های یزد، خراسان رضوی و کرمان به ترتیب ۴۷/۱ درصد، ۴۶/۲ درصد و ۳۴ درصد آبادی‌هایشان خالی از سکنه‌ی دائمی است که در مراتب بعدی قرار دارند. در مقابل استان‌های گیلان با ۳/۹ درصد و گلستان با ۴ درصد کم‌ترین آبادی خالی از سکنه‌ی دائمی را در خود جای داده‌اند. به علاوه، استان‌های کرمان با ۱۵ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۱۴/۳ درصد و سمنان با ۱۳/۵ درصد، بیش‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی را در مقایسه با دیگر اقسام آبادی‌های دارا بودند و استان‌های قم، البرز و همدان به ترتیب با ۰/۶، ۰/۸ و ۰/۹ درصد دارای کم‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی هستند. استان البرز با ۳/۳ درصد، استان تهران با ۶/۸ درصد، استان اردبیل با ۱۰/۲ درصد، استان خوزستان با ۷/۲ درصد و استان کرمان با ۷ درصد دارای کم‌ترین نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی موسمی هستند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۰، به جز استان‌های خراسان رضوی، سمنان، فارس و یزد، سایر

استان‌ها بیش از نیمی از آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را در خود جای داده‌اند. در این ارتباط، استان گلستان با ۹۵ درصد و پس از آن استان‌های کردستان، همدان و گیلان به ترتیب با ۸۹/۴ درصد، ۸۸/۳ درصد و ۸۷/۶ درصد بیش‌ترین نسبت آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی را دارا هستند. استان سمنان با بیش از ۶۱ درصد، بیش‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی را دارا است. همچنین استان‌های یزد و خراسان رضوی به ترتیب با داشتن ۵۶/۵ درصد و ۵۱ درصد از آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های گلستان با ۲/۶ درصد، گیلان و اردبیل هر یک با ۵/۱ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی دائمی هستند. همچنین ۶/۵ درصد از آبادی‌های استان لرستان دارای سکنه‌ی موسمی هستند که این مقدار در مقایسه با سایر استان‌های کشور بیش‌ترین مقدار است. در حالی که استان قم فاقد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی است و پس از آن استان سیستان و بلوچستان با ۰/۴ درصد و استان‌های گلستان و همدان هر یک با ۰/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای سکنه‌ی موسمی است. همچنین استان کرمان با نسبت ۱۸/۶ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی است و استان‌های سمنان با ۱۲/۵ درصد، خراسان جنوبی با ۱۲/۲ درصد و استان چهارمحال و بختیاری با ۱۲ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند و استان قم با نسبت ۰/۶ درصد و پس از آن استان همدان با نسبت ۰/۹ درصد دارای کم‌ترین نسبت آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی هستند.

از سوی دیگر، با توجه به افزایش ۵۲۳۹ آبادی در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵، درصد آبادی‌های دشتی از ۴۵/۵ درصد به ۴۸/۲ درصد افزایش یافته است. در حالی که درصد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت با کاهش ۰/۲ درصدی به ۱/۳ درصد، درصد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه با کاهش ۰/۵ درصدی به ۴/۴ درصد و درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای با کاهش ۱/۹ درصدی به ۴۶/۱ درصد رسیده‌اند.

شکل ۳-۳۹ میزان تغییرات تعداد آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ را نشان

می‌دهد.



شکل ۳-۳۹- تعداد آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی در دو سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

در سال ۱۳۸۵، تعداد آبادی‌های دشتی کل کشور ۴۱۴۱۲ بوده است که در این بین، استان کرمان با ۱۲/۹ درصد آبادی‌های دشتی در صدر قرار دارد و در مراتب بعدی استان خراسان رضوی با ۹/۸ درصد، سیستان و بلوچستان با ۹/۶ درصد جای گرفته‌اند. استان چهارمحال و بختیاری با ۴/۰ درصد و سپس استان‌های قم و البرز هر یک با ۶/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دشتی در کشور بوده‌اند. در سال ۱۳۹۰، از بین ۴۶۴۹۹ آبادی دشتی در کشور، استان سیستان و بلوچستان با ۱۱/۸ درصد آبادی‌های دشتی دارای بیش‌ترین تعداد آبادی دشتی است و پس از آن استان کرمان با ۱۱/۷ درصد آبادی‌های دشتی، استان فارس با ۱۰/۸ درصد آبادی‌های دشتی و استان خراسان رضوی با ۹ درصد آبادی‌های دشتی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان چهارمحال و بختیاری نیز با ۳/۰ درصد آبادی‌های دشتی و پس از آن استان‌های البرز با ۵/۰ درصد آبادی‌های دشتی کشور دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دشتی هستند. در کل تعداد آبادی‌های دشتی در ۹ استان آذربایجان شرقی، البرز، تهران، چهارمحال و بختیاری، زنجان، قزوین، گیلان، لرستان و مازندران در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ کاهش یافته‌اند.

در سال ۱۳۸۵، تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت در کل کشور ۴۴۴۵ بوده است که در این بین، استان مازندران با ۱۸/۴ درصد بیش‌ترین تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت را در خود جای داده است و بعد از این استان، استان‌های گیلان با ۱۴/۵ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با ۱۲/۴ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت هستند. در استان قم حتی یک مورد آبادی جنگلی واقع در دشت وجود نداشت و در استان البرز تنها یک آبادی جنگلی واقع در دشت وجود داشت. در سال ۱۳۹۰، از بین ۱۲۳۹ آبادی جنگلی واقع در دشت در کشور، استان مازندران با ۲۹/۴ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت و پس از آن استان گیلان با ۱۹ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت دارای بیش‌ترین تعداد آبادی از این حیث هستند. از سوی دیگر استان‌های قم، مرکزی و یزد فاقد آبادی جنگلی واقع در دشت هستند و استان‌های اصفهان، البرز، تهران و همدان هر یک دارای تنها یک آبادی جنگلی واقع در دشت هستند که این تعداد در هر یک از این استان‌ها معادل ۱/۰ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت در کشور است. در کل تنها تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت در ۲ استان البرز و خراسان جنوبی بدون تغییر و در ۵ استان البرز، بوشهر، سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ افزایش یافته‌اند.

در سال ۱۳۸۵، تعداد آبادی‌های کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای در کل کشور ۴۳۸۱۲ بوده است که استان کرمان با ۱۳/۵ درصد بیش‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای کشور دارد و بعد از آن، استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی هر یک با ۷/۵ درصد و استان فارس با ۶/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای هستند. استان‌های قم و گلستان به ترتیب با ۲/۰ درصد و ۴/۰ درصد و پس از آن‌ها دو استان البرز و بوشهر هر یک با ۶/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای در کشور هستند. به همین ترتیب در سال ۱۳۹۰ نیز از بین ۴۴۵۵۵ آبادی کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای در کشور، استان کرمان با ۱۳/۸ درصد و پس از آن استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی به ترتیب با ۸/۲ درصد و ۷/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند. استان قم دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای معادل ۲/۰ درصد است و پس از آن استان‌های گلستان، بوشهر و البرز به ترتیب با ۴/۰ درصد، ۵/۰ درصد و ۶/۰ درصد کم‌ترین تعداد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای را دارند. در کل تعداد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای ۱۴ استان البرز، بوشهر، ایلام،

گیلان، سمنان، مرکزی، مازندران، هرمزگان، اردبیل، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، خوزستان و خراسان رضوی در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ افزایش یافته‌اند.

در سال ۱۳۸۵، تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه در کل کشور ۱۳۵۰ بوده است که در این بین، دو استان مازندران با ۲۳/۲ درصد و گیلان با ۱۶/۳ درصد رتبه‌های اول و دوم استان‌های کشور را به لحاظ دارا بودن آبادی‌های از نوع جنگلی واقع در کوهستان یا تپه به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۳۹۰، از بین ۴۲۰۰ آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه در کشور، بیش‌ترین تعداد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه در استان مازندران با ۲۰/۸ درصد است و پس از آن استان‌های گیلان و خوزستان به ترتیب با ۱۷/۲ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه و ۱۲/۸ درصد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. استان قم فاقد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه است و استان‌های بوشهر، تهران، قزوین و مرکزی هر یک دارای تنها یک آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند. در کل تنها تعداد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه در ۳ استان البرز، قزوین و قم بدون تغییر و در ۱۰ استان بوشهر، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، زنجان، سیستان و بلوچستان، کرمان، مرکزی، هرمزگان و همدان در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ افزایش یافته‌اند.

بر اساس نتایج حاصل از سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، بیش از نیمی از آبادی‌های استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، فارس، خوزستان، یزد، اصفهان، سمنان، مرکزی، تهران، گلستان، بوشهر و قم از نوع دشتی هستند که استان‌های قم با ۷۴/۵ درصد، بوشهر با ۶۸/۴ درصد، گلستان با ۶۴/۶ درصد و یزد با ۶۳/۲ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های دشتی هستند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با ۱۲/۷ درصد و ۱۵/۱ درصد، دارای کم‌ترین نسبت آبادی‌های دشتی هستند. همچنین مقایسه‌ی وضعیت‌های مختلف آبادی‌ها نشان می‌دهد استان‌های مازندران و گیلان به ترتیب با ۸/۵ درصد و ۷/۵ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های جنگلی واقع در دشت هستند و استان قم فاقد آبادی جنگلی واقع در دشت است و استان‌های یزد، اصفهان، اردبیل و قزوین هر یک تنها دارای یک آبادی جنگلی واقع در دشت هستند. همچنین استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۲۵ درصد، گیلان با ۲۲ درصد و مازندران با ۲۲/۲ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند. استان قم فاقد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه است و استان‌های مرکزی و یزد هر یک دارای تنها یک آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند. علاوه بر آن، استان‌های آذربایجان شرقی با ۷۸/۹ درصد، کردستان با ۷۲/۱ درصد، زنجان با ۷۰/۹ درصد و اردبیل با ۶۹/۱ درصد بیش‌ترین نسبت آبادی‌های کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای را دارا هستند و استان‌های گلستان با ۱۸/۹ درصد و مازندران با ۲۲/۱ درصد کم‌ترین نسبت آبادی‌های کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای را دارای هستند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۰، استان قم با ۷۳ درصد و استان بوشهر با ۷۲/۵ درصد بیش‌ترین نسبت آبادی‌های دشتی را دارند و استان چهارمحال و بختیاری با ۱۴/۳ درصد، استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱۵/۹ درصد و استان آذربایجان شرقی با ۱۷ درصد کم‌ترین نسبت آبادی‌های دشتی را دارا هستند. دو استان مازندران و گیلان به ترتیب با ۹/۹ درصد و ۸/۱ درصد دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های جنگلی واقع در دشت هستند و استان‌های قم، مرکزی و یزد فاقد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت هستند و استان‌های اصفهان، البرز، تهران و همدان نیز هر کدام تنها یک آبادی جنگلی واقع در دشت هستند. همچنین استان آذربایجان شرقی با ۷۷/۸ درصد و استان چهارمحال و بختیاری با ۷۷/۳ درصد بیش‌ترین نسبت

آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای را دارا هستند و استان گلستان با ۱۸/۹ درصد، استان مازندران با ۲۱/۹ درصد، استان گیلان با ۲۴/۲ درصد و استان بوشهر با ۲۶/۸ درصد دارای کم‌ترین نسبت آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای هستند. از طرفی، استان‌های گیلان و مازندران به ترتیب با ۲۴/۸ درصد و ۲۳/۸ درصد، دارای بیش‌ترین نسبت آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند. استان قم فاقد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه است و استان‌های بوشهر، تهران، قزوین و مرکزی هر کدام با یک آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه دارای کم‌ترین تعداد آبادی جنگلی واقع در کوهستان یا تپه هستند.

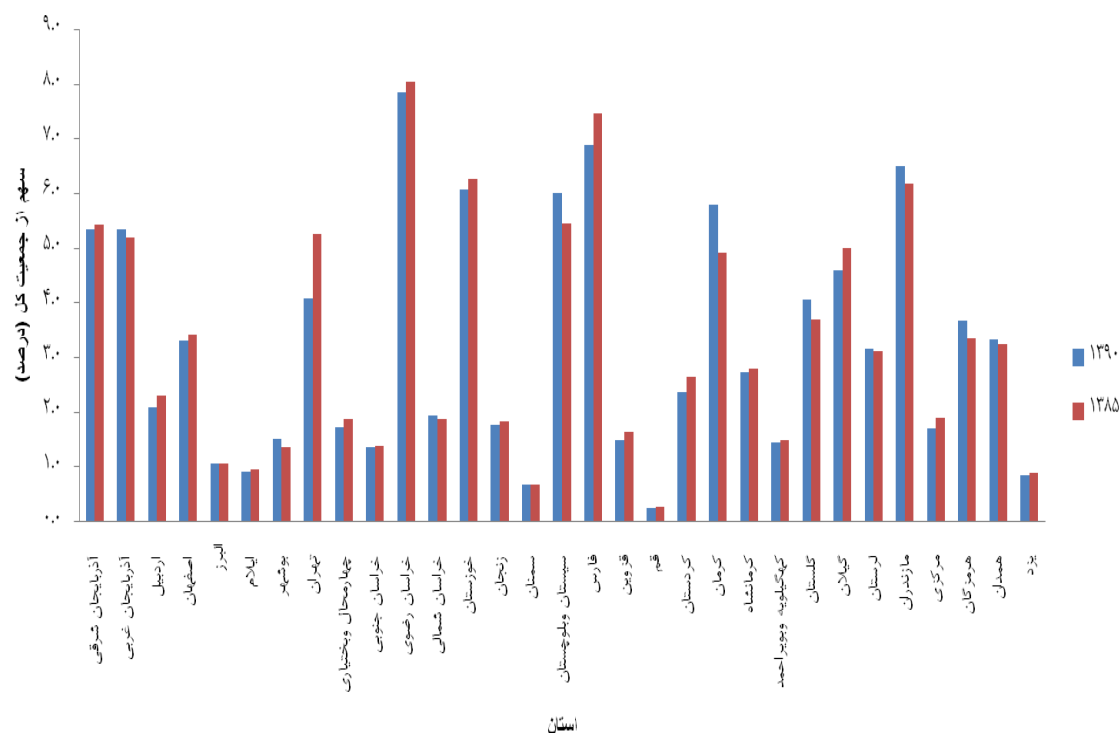
۳-۶-۲- شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی

مقایسه‌ی جمعیت ساکن در آبادی‌های کشور در سرشماری ۱۳۹۰ نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ حاکی از این واقعیت است که جمعیت آبادی‌ها در فاصله بین این دو سرشماری روندی کاهشی را طی کرده است و به اندازه ۳/۱ درصد کاهش یافته است. و از این حیث فرضیه نخست پژوهش تایید می‌شود. با نگاهی به شکل ۴-۴۰ دیده می‌شود که استان‌های خراسان رضوی و قم با وجود اینکه روند کاهشی مشاهده شده در جمعیت آبادی‌ها را تجربه کرده‌اند، همچنان در هر دو سرشماری به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین جمعیت ساکن در آبادی‌های کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

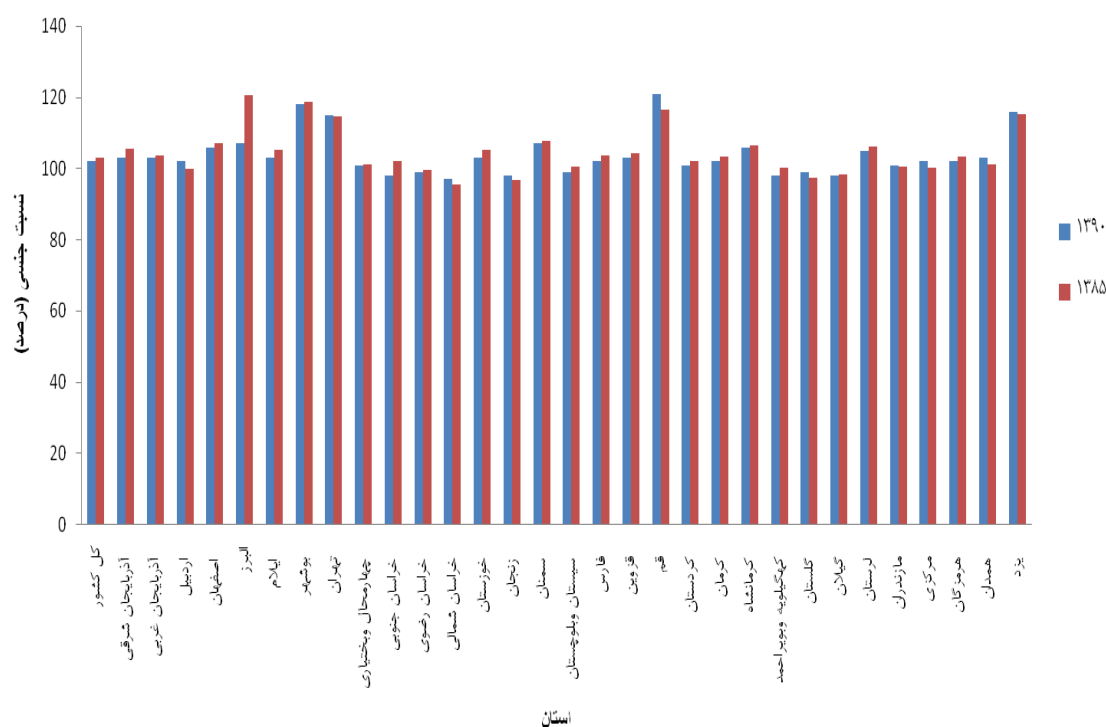
در سرشماری ۱۳۹۰ نسبت جنسی جمعیت آبادی‌ها ۱۰۲ درصد است که در مقایسه با سرشماری ۱۳۸۵ یک درصد کاهش یافته است. شکل ۴-۴۱ نسبت جنسی آبادی‌های استان‌های کشور را در هر دو سرشماری به تصویر می‌کشد. ملاحظه می‌شود که استان خراسان شمالی در هر دو سرشماری همچنان رکورد دار کم‌ترین نسبت جنسی در کل کشور است. بیش‌ترین نسبت جنسی جمعیت آبادی‌های کشور در سرشماری ۱۳۹۰ مربوط به استان قم به اندازه ۱۲۱ درصد است در حالی که در سرشماری ۱۳۸۵ بالاترین عدد مربوط به نسبت جنسی به استان بوشهر به اندازه ۱۱۹ درصد تعلق گرفته است.

نگاهی به اطلاعات مربوط به خانوارهای آبادی‌های کشور در دو سرشماری اخیر نشان می‌دهد با وجود کاهش جمعیت آبادی‌ها در فاصله بین دو سرشماری، تعداد خانوارها در مقایسه با سرشماری قبلی به اندازه ۶۶۹۷۴۸ خانوار افزایش یافته است که این امر حاکی از کاهش بعد خانوار در این جمعیت در فاصله بین دو سرشماری به اندازه ۰/۷ می‌باشد. پس از رتبه بندی استان‌ها بر اساس تعداد کل خانوارها ملاحظه می‌شود استان خراسان رضوی با افزایش ۳۵۱۵۰ خانوار در سرشماری ۱۳۹۰ همچنان دارای بیش‌ترین تعداد خانوار و استان قم با کاهشی معادل ۵۷۶ خانوار همچنان کم‌ترین تعداد خانوار را دارند.

استان خوزستان با وجود کاهش ۱/۱ در بعد خانوار و استان گیلان با وجود کاهش ۰/۵ در این شاخص به ترتیب همچنان در صدر و انتهای جدول رده‌بندی استان‌ها بر اساس بعد خانوار در هر دو سرشماری قرار دارند. ملاحظه می‌شود در سرشماری ۱۳۹۰ شاخص سالخوردگی که سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیش‌تر است، ۶/۵ درصد بوده است که نسبت به سرشماری قبل به اندازه‌ی ۰/۶ درصد افزایش داشته است.



شکل ۳-۴- سهم جمعیت آبادی‌ها به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰

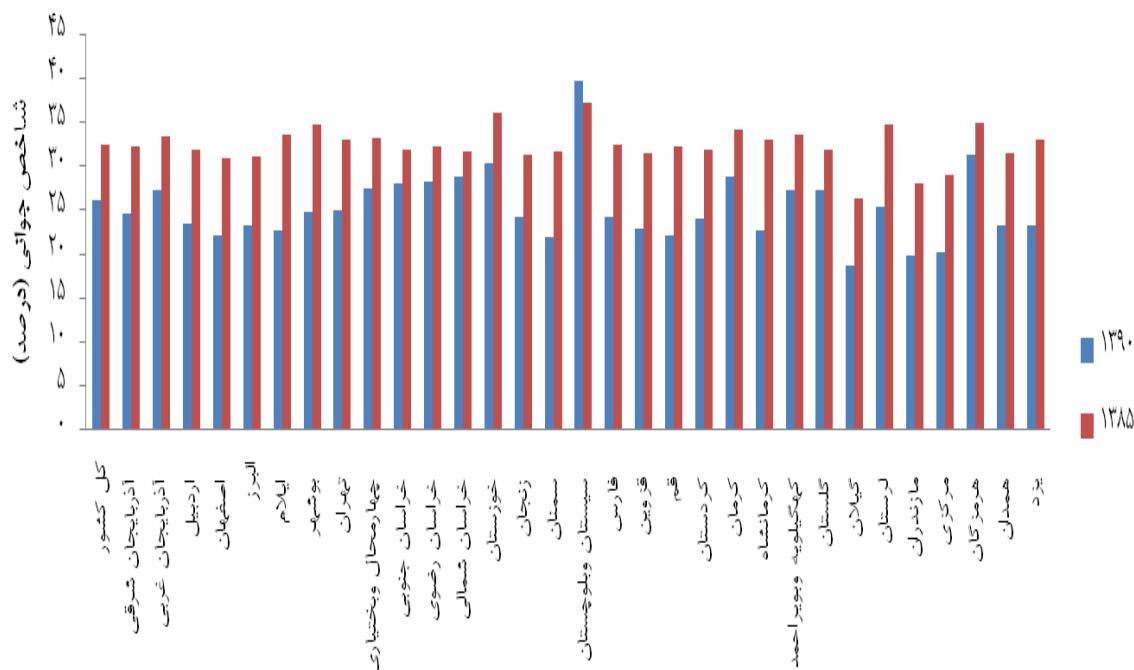


شکل ۳-۴-۱- نسبت جنسی آبادی‌های کشور به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰

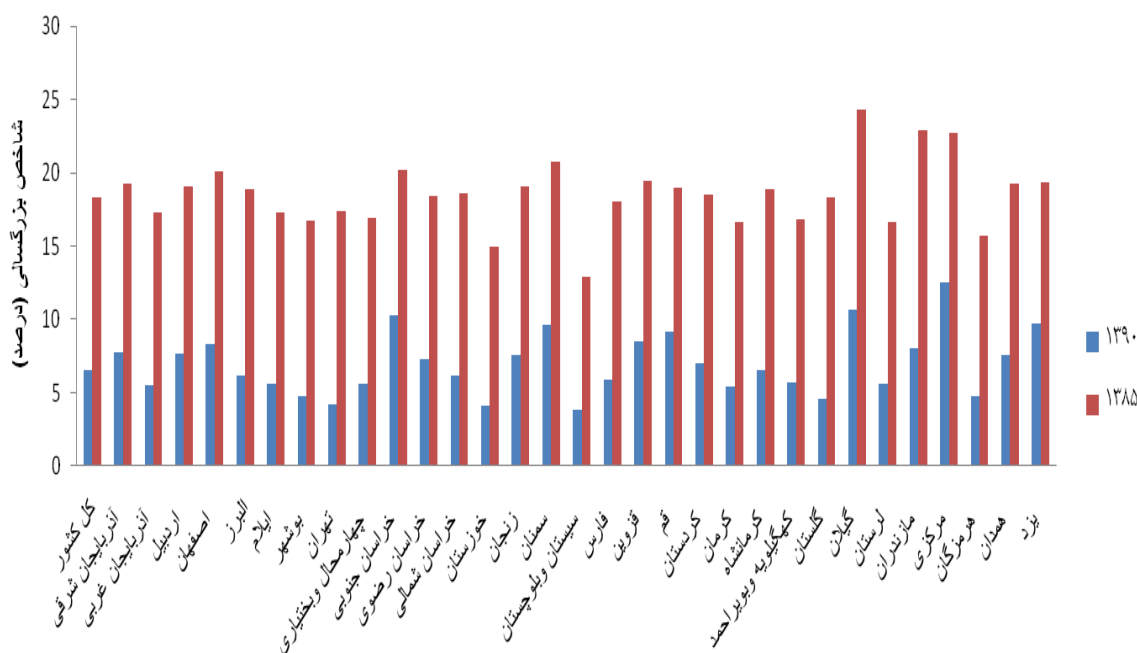
این روند برای شاخص جوانی (سهم جمعیت گروه سنی ۱۴-۰ ساله) که ۲۶/۱ درصد به دست آمده است، به صورت کاهشی است و کاهش آن نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ به اندازه ۱/۹ درصد بوده است. بنابراین فرضیه

دوم پژوهش قابل قبول و تایید می‌شود. بالاترین رقم مربوط به شاخص جوانی در هر دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ با ارقام ۳۹/۷ و ۴۰/۲ درصد به استان سیستان و بلوچستان اختصاص دارد. همچنین استان مرکزی با افزایشی معادل ۱/۴ درصد در شاخص سالخوردگی نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ بالاترین شاخص سالخوردگی را در هر دو سرشماری از آن خود کرده است. پایین‌ترین شاخص سالخوردگی در هر دو سرشماری ۹۰ و ۸۵ با ارقام ۳/۸ و ۳/۷ درصد به استان سیستان و بلوچستان تعلق دارد و همچنین استان‌های گیلان و مازندران دارای کم‌ترین شاخص جوانی به ترتیب در سرشماری‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ با ارقام ۱۸/۷ و ۲۱/۴ درصد هستند. نگرشی بر وضعیت تاهل جمعیت آبادی‌های سرشماری ۱۳۹۰ نیز حاکی نتایج قابل توجهی است. سهم جمعیت دارای همسر در سرشماری ۱۳۹۰ معادل ۶۰/۲ درصد است که نسبت به سرشماری قبلی ۶/۳ درصد افزایش یافته است و سهم جمعیت هرگز ازدواج نکرده با روندی معکوس از ۴۰/۹ درصد به ۳۴/۶ درصد کاهش یافته است. در رابطه با کل جمعیت بدون همسر بر اثر فوت یا طلاق می‌توان گفت سهم این گروه نسبت به سرشماری قبلی تغییر محسوسی نداشته و فقط به اندازه ۰/۴ درصد افزایش داشته است. شاخص عمومیت ازدواج در آبادی‌ها برای سرشماری ۱۳۹۰ نسبت به سرشماری قبلی افزایش داشته است به طوری که از ۵۹/۱ درصد به ۶۵/۳ درصد رسیده است. این اطلاعات موید تایید فرضیه سوم است. استان ایلام همچنان رکورد دار پایین‌ترین شاخص عمومیت ازدواج در هر دو سرشماری اخیر بوده است. جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر آبادی‌ها نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ به اندازه ۸۴۱۷۱۵ کاهش یافته است و استان خراسان رضوی بالاترین سهم این جمعیت را به خود اختصاص داده است. بالاترین جمعیت بی‌سواد مناطق آبادی‌ها در این سرشماری به استان سیستان و بلوچستان تعلق دارد هرچند این جمعیت به اندازه ۷۱۴۵۰ نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ کاهش یافته است. بالاترین سهم جمعیت با سواد با سهم ۸۲/۲ درصد در سرشماری ۱۳۹۰ به استان البرز تعلق دارد در حالی که در سرشماری ۱۳۸۵ بالاترین نرخ باسوادی برای استان بوشهر و به اندازه ۸۲/۵ درصد به ثبت رسیده است. در کل نرخ باسوادی آبادی‌ها در سال ۱۳۹۰ برابر ۷۵/۱ دصد می‌باشد که نسبت به سال ۱۳۸۵ که برابر با ۷۴/۶ دصد بود، افزایش یافته است.

جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌های کشور در سرشماری ۱۳۹۰ نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ به اندازه ۷۴۳۰۱۰ نفر کاهش داشته است. این روند کاهشی در جمعیت فعال اقتصادی هم دیده می‌شود و این کاهش ناشی از کاهش هر دو جزء تشکیل دهنده این جمعیت (شاغلان و بیکاران) است. در سرشماری ۱۳۹۰ نرخ مشارکت اقتصادی به دست آمده برای آبادی‌های کشور ۳۹/۵ درصد بوده است که نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ به اندازه ۱/۴ درصد کاهش داشته است. در سرشماری ۱۳۸۵ نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶/۶ برابر نرخ مشارکت اقتصادی زنان بود در حالی که این رقم در سرشماری ۱۳۹۰ به ۷/۷ برابر افزایش یافته است. با وجود این که نرخ مشارکت اقتصادی مردان در این سرشماری نسبت به سرشماری قبلی ۰/۶ درصد افزایش داشته است بررسی تغییر این شاخص برای زنان آبادی‌ها روندی معکوس و به اندازه ۲/۸ درصد کاهش دارد. نرخ بیکاری آبادی‌های کشور در سرشماری ۱۳۹۰ رقمی معادل ۱۲/۶ درصد است که تغییر آن نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ کاهشی و به اندازه ۲/۲ درصد است. کاهش نرخ بیکاری زنان آبادی‌ها در این سرشماری به اندازه ۱۰/۴ درصد بوده است که بسیار چشم‌گیرتر از کاهش نرخ بیکاری مردان (۰/۷ درصد) بوده است.



شکل ۳-۴۲- شاخص جوانی جمعیت در آبادی‌های کشور به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰



شکل ۳-۴۳- شاخص بزرگسالی جمعیت در آبادی‌های کشور به تفکیک استان در سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰

۳-۶-۳- شاخص‌های امکانات زندگی

قبل از شروع بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های امکانات زندگی در آبادی‌های کشور ذکر یک نکته مهم ضروری است. قبلاً گفته شد که نمره شاخص امکانات آبادی‌ها در هر مقوله (آموزش، بهداشت و غیره) حاصل جمع تعداد امکانات در آبادی‌ها، تقسیم بر تعداد امکانات آن‌ها است. بنابراین، در مواردی که امکانات خاصی فقط در آبادی‌های محدودی اضافه شده است، احتمال این که نمره شاخص در کل کشور کاهش پیدا کرده باشد وجود دارد.

ازاینرو، در تفسیر تفاوت‌ها، توجه خواننده را به پرسشنامه آبادی‌ها درسشمارهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ که در پیوست آمده است، معطوف می‌دارد. بدیهی است مقایسه نمره کلی شاخص برای سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در صورتی امکان‌پذیر است که تعداد اقلام تشکیل دهنده آن در هر دو سال یکسان باشند. از اینرو، در مواردی که نمره شاخص (مثال: شاخص امکانات آموزشی) در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است، در واقع کاهش نمره شاخص به علت افزایش اقلام بوده که میانگین برخورداری از اقلام را کاهش داده است. اقلام جدید، صرفاً در آبادی‌های محدودی استقرار یافته (مثل مهد کودک) است. در تفسیر فرضیه چهارم توجه به این نکته بسیار مهم است.

۳-۶-۳-۱- شاخص امکانات آموزشی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

بررسی شاخص امکانات آموزشی آبادی‌ها در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد، از ۶۳۹۰۳ آبادی دارای سکنه (دائمی و موسمی) تقریباً ۷۰ درصد آبادی‌ها دارای دبستان هستند. همچنین از این آبادی‌ها تقریباً ۱۲/۳ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه، ۱۱/۲ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی دخترانه، ۷ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی مختلط، ۴/۴ درصد دارای دبیرستان پسرانه و نهایتاً ۴/۲ درصد آبادی‌ها دارای دبیرستان دخترانه هستند که بیش‌ترین آبادی‌های دارای دبستان در استان سیستان و بلوچستان قرار دارند. این در حالی است که بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مدارس راهنمایی اعم از پسرانه و دخترانه و مختلط در استان خراسان رضوی قرار دارند. در مقطع دبیرستان نیز بیش‌ترین تعداد دبیرستان‌های پسرانه در این استان قرار دارند و بیش‌ترین دبیرستان دخترانه از آن استان فارس است و در کل بیش‌ترین مراکز آموزش عمومی کشور در آبادی‌های استان خراسان رضوی قرار دارند. در حالی که در سال ۱۳۹۰، علاوه بر امکانات آموزشی مورد بررسی در سرشماری قبلی، امکانات آموزشی مانند روستا مهد، مدرسه‌ی راهنمایی شبانه‌روزی پسرانه و دخترانه، دبیرستان شبانه‌روزی پسرانه و دخترانه، دبیرستان نظری پسرانه و دخترانه، دبیرستان کار دانش پسرانه و دخترانه و هنرستان فنی و حرفه‌ای دخترانه و پسرانه نیز مورد پرسش قرار گرفتند. بر اساس این نتایج، از ۶۱۷۵۰ آبادی دارای سکنه (دائمی و موقت) ۱۲/۲ درصد دارای روستا مهد و ۶۱ درصد آبادی‌ها دارای دبستان هستند. همچنین از این تعداد آبادی، ۱ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی شبانه‌روزی پسرانه، ۶/۰ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی شبانه‌روزی دخترانه، ۱۲ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه، ۱ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی دخترانه و ۵/۹ درصد دارای مدرسه‌ی راهنمایی مختلط، ۶/۰ درصد دارای دبیرستان شبانه‌روزی پسرانه، ۴/۰ درصد دارای دبیرستان شبانه‌روزی دخترانه، ۳/۴ درصد دارای دبیرستان نظری پسرانه، ۳/۴ درصد دارای دبیرستان نظری دخترانه، ۶/۰ درصد دارای دبیرستان کار دانش پسرانه، ۴/۰ درصد دارای دبیرستان کار دانش دخترانه، ۴/۰ درصد دارای هنرستان فنی و حرفه‌ای پسرانه و ۲/۰ درصد دارای هنرستان فنی و حرفه‌ای دخترانه هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای روستا مهد در استان فارس و بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دبستان در استان سیستان و بلوچستان قرار دارند. همچنین بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مدارس راهنمایی شامل مدرسه‌ی راهنمایی شبانه‌روزی پسرانه و دخترانه، مدرسه‌ی راهنمایی پسرانه و دخترانه و مدرسه‌ی راهنمایی مختلط در استان خراسان رضوی قرار دارند و در مقطع دبیرستان بیش‌ترین آبادی‌های دارای دبیرستان شامل دبیرستان شبانه‌روزی پسرانه و دخترانه، دبیرستان نظری پسرانه و دخترانه و دبیرستان کار دانش پسرانه و دخترانه نیز در این استان قرار دارند. علاوه بر آن، بیش‌ترین آبادی‌های دارای هنرستان فنی و حرفه‌ای اعم از

پسرانه و دخترانه در استان مازندران قرار دارند. در کل بیش‌ترین مراکز آموزش عمومی کشور در آبادی‌های استان خراسان رضوی قرار دارند.

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات آموزشی (دبستان تا دبیرستان اعم از پسرانه، دخترانه و مختلط) در آبادی‌های کشور ۱۶/۷ درصد بود که در این ارتباط، کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات آموزشی مربوط به استان‌های یزد با مقدار ۷/۸ درصد، سمنان با مقدار ۸/۳ درصد و کرمان با مقدار ۹/۴ درصد بود. در حالی که بیش‌ترین امکانات آموزش عمومی روستایی (از دبستان تا دبیرستان‌های پسرانه، دخترانه و مختلط) در استان‌های همدان، گلستان، زنجان، خراسان شمالی و چهارمحال و بختیاری مستقر است، به‌گونه‌ای که میانگین شاخص امکانات آموزش عمومی در این استان‌ها ۲۵ درصد و بیش‌تر است، بالاترین رقم این شاخص متعلق به استان زنجان با مقدار ۲۷/۲ درصد و پس از آن استان همدان با مقدار ۲۷ درصد است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات آموزشی در آبادی‌ها ۷/۵ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان‌های یزد با مقدار ۳/۶ درصد، سیستان و بلوچستان با مقدار ۴/۵ درصد، سمنان با مقدار ۴/۶ درصد، کرمان با مقدار ۴/۶ درصد و قم با مقدار ۴/۹ درصد است و بیش‌ترین مقدارهای این شاخص مربوط به استان‌های چهارمحال و بختیاری با مقدار ۱۲/۶ درصد، همدان با مقدار ۱۲ درصد و خراسان رضوی با مقدار ۱۱/۹ درصد است.

۳-۶-۲- شاخص امکانات فرهنگی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵ وجود کتابخانه‌ی عمومی در آبادی‌ها به عنوان معرف شاخص امکانات فرهنگی استفاده شده است که بر اساس نتایج به دست آمده، فقط ۳/۴ درصد آبادی‌های دارای سکنه در کشور دارای کتابخانه‌ی عمومی و ۹۶/۶ درصد فاقد آن هستند. این در حالی است که آبادی‌های استان‌های مرکزی با ۹/۷ درصد و اصفهان با ۹/۶ درصد به لحاظ برخورداری از کتابخانه‌ی در رتبه‌ی نخست استان‌های کشور قرار دارند. در مقابل، کم‌تر از ۱ درصد آبادی‌های استان فارس (۰/۷ درصد) و سیستان و بلوچستان (۰/۸ درصد) از کتابخانه‌ی عمومی روستایی برخوردار هستند. در سال ۱۳۹۰، علاوه بر کتابخانه‌ی عمومی در آبادی‌ها، وجود بوستان روستایی نیز به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شاخص امکانات فرهنگی مورد پرسش و بررسی قرار گرفت. از بین ۶۱۷۵۰ آبادی دارای سکنه ۴/۱ درصد دارای بوستان روستایی و ۴/۷ درصد آبادی‌ها دارای کتابخانه‌ی عمومی هستند که بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بوستان روستایی در استان تهران و پس از آن در استان هرمزگان است و کم‌ترین تعداد در استان‌های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل و کرمانشاه است. همچنین بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای کتابخانه‌ی عمومی در دو استان البرز و تهران قرار دارند و کم‌ترین تعداد آبادی دارای کتابخانه در استان سیستان و بلوچستان واقع شده‌اند. در کل بیش‌ترین امکانات فرهنگی در آبادی‌ها در استان تهران و پس از آن در استان البرز متمرکز شده‌اند و کم‌ترین این امکانات در آبادی‌های استان لرستان قرار دارند.

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات فرهنگی در آبادی‌های کشور ۳/۴ درصد بود که در این ارتباط، کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات فرهنگی مربوط به استان‌های فارس با مقدار ۰/۷ درصد و سیستان و بلوچستان با مقدار ۰/۸ درصد بود. در حالی که بیش‌ترین امکانات فرهنگی در استان‌های مرکزی با مقدار ۹/۷ درصد و اصفهان با مقدار ۹/۶ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات

فرهنگی در آبادی‌ها ۴/۴ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان‌های لرستان با مقدار ۰/۸ درصد، سیستان و بلوچستان با مقدار ۰/۹ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با مقدار ۱ درصد است و بیش‌ترین مقدارهای این شاخص مربوط به استان‌های تهران با مقدار ۱۷/۹ درصد، البرز با مقدار ۱۲/۵ درصد و خراسان رضوی با مقدار ۱۱/۳ درصد است.

۳-۳-۶-۳- شاخص امکانات ورزشی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، با بررسی شاخص امکانات ورزشی آبادی‌ها مشاهده می‌شود که تنها ۴/۱ درصد آبادی‌های کشور دارای حداقل یک نوع از امکانات ورزشی هستند و ۹۵/۹ درصد آبادی‌ها فاقد هرگونه امکانات ورزشی هستند. این در حالی است که بیش‌ترین آبادی‌های دارای امکانات ورزشی در استان مازندران با نسبت ۱۳ درصد قرار دارند و در مراتب بعدی استان‌های گلستان با ۱۱/۸ درصد و البرز با ۱۱/۵ درصد قرار دارند. در مقابل کم‌ترین امکانات ورزشی آبادی‌ها به استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۹ درصد اختصاص دارد، یعنی کم‌تر از یک درصد آبادی‌های این استان از حداقل امکانات ورزشی برخوردارند. همچنین در آبادی‌های استان‌های لرستان، کرمانشاه، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان در کم‌تر از ۲ درصد آبادی حتی یک امکان ورزشی وجود ندارد. در حالی که در سال ۱۳۹۰، امکانات ورزشی مورد بررسی در دو بخش زمین ورزشی و سالن ورزشی مورد پرسش قرار گرفتند. بر اساس این نتایج، به‌طور متوسط در کشور ۱۲/۲ درصد آبادی‌ها دارای زمین ورزشی و ۲/۵ درصد آبادی‌ها دارای سالن ورزشی هستند. بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای زمین ورزشی به ترتیب در استان‌های مازندران با نسبت ۳۱ درصد و گلستان با نسبت ۲۹/۳ درصد واقع شده‌اند. همچنین بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سالن ورزشی در استان‌های تهران با نسبت ۱۳/۶ درصد و البرز با نسبت ۹/۹ درصد قرار دارند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات ورزشی در آبادی‌ها کشور ۷/۴ درصد است. به عبارت دیگر تنها ۷/۴ درصد آبادی‌های کشور از امکانات ورزشی مانند زمین و سالن ورزشی برخوردار هستند. در این ارتباط، بیش‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات ورزشی مربوط به استان‌های مازندران با مقدار ۱۸/۷ درصد، تهران با مقدار ۱۸/۴ درصد و گلستان با مقدار ۱۷/۵ درصد است. در حالی که کم‌ترین مقدار شاخص امکانات ورزشی در استان‌های سیستان و بلوچستان و لرستان هر یک با مقدار ۱/۹ درصد است.

۳-۳-۶-۴- شاخص امکانات مذهبی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، وجود مسجد، امام‌زاده و سایر اماکن مذهبی مسلمانان و اماکن مذهبی سایر ادیان به عنوان امکانات مذهبی مورد بررسی قرار گرفتند و به عنوان معرف شاخص امکانات فرهنگی استفاده شدند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط ۵۶/۶ درصد آبادی‌های کشور دارای مسجد، ۱۳/۱ درصد دارای امام‌زاده، ۹/۴ درصد دارای سایر اماکن مذهبی مسلمانان و ۰/۳ درصد دارای اماکن مذهبی سایر ادیان هستند. این در حالی است که استان‌های گلستان با نسبت ۹۳ درصد، همدان با نسبت ۸۸/۸ درصد، کردستان با نسبت ۸۸/۴ درصد و زنجان با نسبت ۸۶/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مسجد در کشور هستند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۱۷/۳ درصد، لرستان با نسبت ۲۴/۱ درصد و کرمان با نسبت ۲۸/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای مسجد بودند. همچنین استان‌های بوشهر با نسبت ۳۵/۳ درصد،

مازندران با نسبت ۳۱/۷ درصد و گیلان با نسبت ۲۸/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای امام‌زاده در کشور هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۱/۶ درصد، کرمان و یزد هر کدام با نسبت ۵/۱ درصد و ایلام با نسبت ۵/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای امام‌زاده بودند. علاوه بر آن، استان مازندران با نسبت ۳۰/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سایر اماکن مذهبی مسلمانان در کشور بود و استان کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۰/۸ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سایر اماکن مذهبی مسلمانان در کشور بود. همچنین استان آذربایجان غربی با نسبت ۲/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای اماکن مذهبی سایر ادیان در کشور بود و استان‌های چهارمحال و بختیاری و قم فاقد آبادی‌های دارای اماکن مذهبی سایر ادیان در کشور بودند. در سال ۱۳۹۰، علاوه بر اقلام پرسشنامه در سال ۱۳۸۵، اقلام مدرسه‌ی علمیه، امام جماعت راتب و خانه‌ی عالم مورد پرسش قرار گرفتند که به‌طور متوسط از میان آبادی‌های دارای سکنه ۶۳ درصد دارای مسجد، ۱۲/۶ درصد دارای امام‌زاده، ۹/۸ درصد دارای سایر اماکن مذهبی مسلمانان و ۰/۳ درصد دارای اماکن مذهبی سایر ادیان، ۱ درصد دارای مدرسه‌ی علمیه، ۷/۳ درصد دارای امام‌جماعت راتب و ۷/۱ درصد دارای خانه‌ی عالم هستند. استان‌های همدان با نسبت ۹۲/۵ درصد، آذربایجان شرقی با نسبت ۸۷ درصد و خراسان شمالی با نسبت ۸۶/۶ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مسجد در کشور هستند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۲۶/۷ درصد و لرستان با نسبت ۳۱/۷ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مسجد هستند. همچنین استان‌های بوشهر با نسبت ۳۹/۱ درصد، مازندران با نسبت ۳۵/۳ درصد و گیلان با نسبت ۲۹/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای امام‌زاده در کشور هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۶ درصد، کرمان با نسبت ۴ درصد و لرستان با نسبت ۴/۸ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای امام‌زاده هستند. علاوه بر آن، استان‌های بوشهر با نسبت ۳۲/۴ درصد و مازندران با نسبت ۲۹/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سایر اماکن مذهبی مسلمانان در کشور هستند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۱/۲ درصد و سیستان و بلوچستان با نسبت ۱/۴ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سایر اماکن مذهبی مسلمانان در کشور هستند. همچنین استان آذربایجان غربی با نسبت ۱/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای اماکن مذهبی سایر ادیان در کشور است و استان ایلام فاقد آبادی‌های دارای اماکن مذهبی سایر ادیان در کشور است. استان‌های گلستان با نسبت ۸/۹ درصد، سیستان و بلوچستان با نسبت ۵/۱ درصد و خراسان شمالی با نسبت ۳/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مدرسه‌ی علمیه در کشور هستند و استان‌های البرز، ایلام، قزوین، قم و همدان فاقد آبادی‌های دارای مدرسه‌ی علمیه هستند. همچنین استان‌های قم با نسبت ۱۸/۲ درصد و تهران با نسبت ۱۵/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای امام جماعت راتب در کشور هستند و استان‌های گیلان با نسبت ۲/۱ درصد و خوزستان با نسبت ۲/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای امام جماعت راتب هستند. علاوه بر آن، استان‌های قم با نسبت ۱۶/۳ درصد، خراسان رضوی با نسبت ۱۵/۶ درصد و تهران با نسبت ۱۵/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای خانه‌ی عالم هستند و استان‌های گیلان با نسبت ۱/۹ درصد و خوزستان با نسبت ۲/۸ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای خانه‌ی عالم هستند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات مذهبی آبادی‌های کشور ۱۹/۸ درصد بود که در این ارتباط، کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات مذهبی مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با مقدار ۷/۶ درصد و لرستان با مقدار ۷/۸ درصد بود. در حالی که بیش‌ترین امکانات مذهبی آبادی‌ها در استان‌های مازندران با مقدار ۳۴/۶ درصد و بوشهر با مقدار

۳۰/۱ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات مذهبی در آبادی‌ها ۱۴/۴ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با مقدار ۶/۶ درصد، لرستان با مقدار ۷/۵ درصد و کرمانشاه با مقدار ۸ درصد است و بیش‌ترین مقدارهای این شاخص مربوط به استان‌های بوشهر با مقدار ۲۳/۸ درصد، مازندران با مقدار ۲۳ درصد و گلستان با مقدار ۲۲/۸ درصد است.

۳-۶-۳-۵- شاخص امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، وجود شورای اسلامی روستا، مرکز خدمات جهاد کشاورزی و شرکت تعاونی روستایی به عنوان امکانات سیاسی و اداری مورد بررسی قرار گرفتند و به عنوان معرف شاخص امکانات سیاسی و اداری استفاده شدند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط ۲۹/۲ درصد آبادی‌های کشور دارای شورای اسلامی روستا، ۱/۹ درصد دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی و ۱۲/۶ درصد دارای شرکت تعاونی روستایی هستند. این در حالی است که استان‌های گلستان با نسبت ۹۰/۵ درصد، همدان با نسبت ۸۸/۲ درصد و کردستان با نسبت ۸۴/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای شورای اسلامی روستا در کشور هستند و استان‌های یزد با نسبت ۲۷/۸ درصد و کرمان با نسبت ۲۹/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای شورای اسلامی روستا بودند. همچنین استان‌های همدان و قم هر یک با نسبت ۴/۴ درصد و خوزستان و خراسان شمالی هر یک با نسبت ۳/۴ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی در کشور هستند و استان‌های خراسان جنوبی با نسبت ۰/۴ درصد، سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۶ درصد و هرمزگان با نسبت ۰/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی بودند. علاوه بر آن، استان‌های چهارمحال و بختیاری با نسبت ۳۵/۱ درصد و خراسان شمالی با نسبت ۲۵/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای شرکت تعاونی روستایی بودند و استان تهران با نسبت ۹/۷ درصد و نیز استان‌های خوزستان و اردبیل هر یک با نسبت ۹/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای شرکت تعاونی روستایی بودند. در سال ۱۳۹۰، علاوه بر اقلام پرسشنامه در سال ۱۳۸۵، اقلام دهیار، پاسگاه نیروی انتظامی، مروج کشاورزی و شورای حل اختلاف مورد پرسش قرار گرفتند که به‌طور متوسط از میان آبادی‌های دارای سکنه ۵۵/۸ درصد دارای شورای اسلامی روستا، ۳۸/۲ درصد دارای دهیار، ۳/۳ درصد دارای پاسگاه نیروی انتظامی، ۲/۱ درصد دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی، ۴/۳ درصد دارای مروج کشاورزی، ۸/۹ درصد دارای شورای حل اختلاف و ۱۳/۷ درصد دارای شرکت تعاونی روستایی هستند. استان‌های گلستان با نسبت ۸۷/۴ درصد، همدان با نسبت ۸۷/۲ درصد، کردستان با نسبت ۸۱/۷ و خراسان شمالی با نسبت ۸۱/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای شورای اسلامی روستا در کشور هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۳۲/۷ درصد، یزد با نسبت ۳۳/۲ و کرمان با نسبت ۳۴/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای شورای اسلامی روستا هستند. همچنین استان‌های گلستان با نسبت ۸۵ درصد، خراسان شمالی با نسبت ۷۶/۳ درصد و خراسان رضوی با نسبت ۶۰/۹ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دهیار هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۱۶/۶ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۱۸/۷ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای دهیار هستند. علاوه بر آن، استان‌های بوشهر با نسبت ۶/۷ درصد و خراسان شمالی با نسبت ۶/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای پاسگاه نیروی انتظامی هستند و استان‌های قزوین با نسبت ۱/۷ درصد و کرمان با نسبت ۱/۸ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای پاسگاه نیروی انتظامی هستند. همچنین

استان‌های همدان با نسبت ۴/۹ درصد و البرز با نسبت ۳/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۳ درصد، چهارمحال و بختیاری با نسبت ۰/۸ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۰/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مرکز خدمات جهاد کشاورزی هستند. استان خراسان رضوی با نسبت ۱۳/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مروج کشاورزی و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۱/۶ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای مروج کشاورزی هستند. همچنین استان‌های زنجان با نسبت ۴۹/۱ درصد و قزوین با نسبت ۲۳/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای شورای حل اختلاف هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۲/۳ درصد و خراسان جنوبی با نسبت ۳/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای شورای حل اختلاف هستند. علاوه بر آن، استان‌های همدان با نسبت ۲۹/۷ درصد، خراسان رضوی با نسبت ۲۴ درصد و چهارمحال و بختیاری با نسبت ۲۳/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای شرکت تعاونی روستایی هستند و استان‌های خوزستان با نسبت ۷/۵ درصد، اصفهان با نسبت ۸/۲ درصد و لرستان با نسبت ۹/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای شرکت تعاونی روستایی هستند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات سیاسی و اداری آبادی‌های کشور ۲۴/۱ درصد بود که در این ارتباط، کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات سیاسی و اداری مربوط به استان‌های کرمان و یزد هر کدام با مقدار ۱۴/۶ درصد بود. در حالی که بیش‌ترین امکانات سیاسی و اداری آبادی‌ها در استان‌های همدان با مقدار ۴۳/۳ درصد، گلستان با مقدار ۳۸/۴ درصد و خراسان شمالی با مقدار ۳۶/۱ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات سیاسی و اداری در آبادی‌ها ۱۸ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان با مقدار ۹/۶ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با مقدار ۱۱/۸ درصد است و بیش‌ترین مقدار این شاخص مربوط به استان‌های خراسان شمالی با مقدار ۳۰/۶ درصد و گلستان با مقدار ۳۰/۱ درصد است.

۳-۶-۳- شاخص امکانات انرژی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، برخورداری آبادی‌ها از نعمت برق، گاز و آب لوله‌کشی به عنوان معرف شاخص امکانات انرژی استفاده شده است که بر اساس نتایج به دست آمده، ۸۵/۲ درصد آبادی‌های کشور دارای برق، ۷/۱ درصد آبادی‌های کشور دارای گاز و ۶۱/۸ درصد آبادی‌های کشور دارای آب لوله‌کشی هستند. این در حالی است که آبادی‌های استان‌های گلستان با نسبت ۹۹/۲ درصد، کردستان با نسبت ۹۸/۷ درصد و همدان با نسبت ۹۸/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی دارای برق و استان‌های خراسان جنوبی با نسبت ۶۸/۳ درصد، سیستان و بلوچستان با نسبت ۷۰/۹ درصد و کرمان با نسبت ۷۲/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای برق بودند. همچنین استان‌های گلستان با نسبت ۲۷/۴ درصد و مازندران با نسبت ۲۳/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای گاز و استان‌های سیستان و بلوچستان و ایلام فاقد آبادی دارای گاز هستند. استان‌های قزوین با نسبت ۸۵ درصد، مرکزی با ۳۰/۸۴ درصد و کردستان با نسبت ۸۴/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۳۷/۲ درصد و کرمانشاه با نسبت ۳۹/۶ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی هستند. در سال ۱۳۹۰، دارای برق بودن آبادی در قالب ۳ پرسش شبکه‌ی سراسری، موتور برق دیزلی و انرژی نو مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس نتایج به دست آمده، ۸۸/۵ درصد آبادی‌های کشور دارای شبکه‌ی سراسری برق، ۰/۷ درصد آبادی‌های کشور دارای موتور برق دیزلی،

۰/۱ درصد آبادی‌های کشور دارای انرژی نو، ۱۸/۳ درصد آبادی‌های کشور دارای گاز و ۶۹/۳ درصد آبادی‌های کشور دارای آب لوله‌کشی هستند. این در حالی است که آبادی‌های استان‌های کشور به جز استان‌های خوزستان با نسبت ۷۸/۸ درصد، سیستان و بلوچستان با نسبت ۷۱/۶ درصد و کرمان با نسبت ۷۹/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی دارای شبکه‌ی سراسری برق هستند. همچنین به جز استان یزد با نسبت ۲/۴ درصد و تهران با ۲/۲ درصد آبادی‌ها سایر استان‌های کشور با نسبتی کم‌تر از ۱/۵ درصد دارای آبادی‌های دارای موتور برق دیزلی هستند و نیز به جز استان‌های اردبیل و بوشهر هر یک با نسبت ۰/۳ درصد سایر استان‌ها دارای نسبتی کم‌تر از ۰/۲ از آبادی‌های دارای انرژی نو هستند. همچنین استان‌های تهران با نسبت ۵۴/۲ درصد، گلستان با نسبت ۵۳/۸ درصد و قم با نسبت ۵۲/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای گاز و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۱ درصد و هرمزگان با نسبت ۰/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای گاز هستند. استان‌های گلستان با نسبت ۹۱/۱ درصد، مازندران با ۹۰/۶ درصد و قزوین با نسبت ۸۹/۴ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۳۲/۴ درصد و کرمان با نسبت ۵۹/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای آب لوله‌کشی هستند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات انرژی در آبادی‌ها کشور ۵۱/۴ درصد بود که در این ارتباط، بیش‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات انرژی مربوط به استان‌های گلستان با مقدار ۷۰/۲ درصد و مازندران با مقدار ۶۵/۹ درصد بود. در حالی که کم‌ترین امکانات انرژی در استان‌های سیستان و بلوچستان با مقدار ۳۶ درصد و خراسان جنوبی با مقدار ۳۶/۳ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات انرژی در آبادی‌ها ۳۵/۴ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان با مقدار ۲۱ درصد و خراسان جنوبی با مقدار ۲۹/۶ درصد است و بیش‌ترین مقدارهای این شاخص مربوط به استان‌های گلستان با مقدار ۴۸/۸ درصد و قم و همدان هر یک با مقدار ۴۷/۴ درصد است.

۳-۶-۳-۷- شاخص امکانات بهداشتی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، با بررسی شاخص امکانات بهداشتی آبادی‌ها مشاهده می‌شود ۱۰/۲ درصد آبادی‌ها دارای حمام عمومی، ۲۷/۱ درصد آبادی‌ها دارای خانه‌ی بهداشت، ۸/۴ درصد آبادی‌ها دارای بهداشتیاری و ۲۲/۶ درصد آبادی‌ها دارای بهورز هستند که بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای حمام عمومی در استان‌های همدان با نسبت ۴۳ درصد و خراسان رضوی با نسبت ۳۳/۸ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای حمام عمومی در استان‌های بوشهر با نسبت یک درصد و کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان هر یک با نسبت ۱/۲ درصد واقع شده‌اند. بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای خانه‌ی بهداشت در استان‌های گلستان با نسبت ۵۶/۳ درصد و همدان با نسبت ۵۱ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای خانه‌ی بهداشت در استان‌های کرمان با نسبت ۱۳/۸ درصد و خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان هر یک با نسبت ۱۵/۴ درصد واقع شده‌اند. بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بهداشتیاری در استان‌های همدان با نسبت ۱۷/۴ درصد و گلستان با نسبت ۱۶/۶ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بهداشتیاری در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۴/۳ درصد و کرمان با نسبت ۴/۴ درصد واقع شده‌اند. همچنین بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بهورز در استان‌های گلستان با نسبت ۵۲/۳ درصد و همدان با نسبت ۴۰/۲ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بهورز در استان‌های کرمان با نسبت ۹/۱ درصد، البرز با نسبت ۱۳/۲ درصد و یزد با نسبت ۱۳/۸ درصد واقع شده‌اند. در سال ۱۳۹۰، اقلام

حمام عمومی، خانه‌ی بهداشت، پایگاه بهداشت روستایی، بهورز، غسالخانه و سامانه‌ی جمع‌آوری زباله مورد بررسی مورد پرسش قرار گرفتند. بر اساس این نتایج، ۶/۴ درصد آبادی‌ها دارای حمام عمومی، ۳۰/۲ درصد آبادی‌ها دارای خانه‌ی بهداشت، ۳/۶ درصد آبادی‌ها دارای پایگاه بهداشت روستایی، ۲۷/۳ درصد آبادی‌ها دارای بهورز، ۲۰/۹ درصد آبادی‌ها دارای غسالخانه و ۱۸/۶ درصد آبادی‌ها دارای سامانه‌ی جمع‌آوری زباله هستند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای حمام عمومی در استان‌های خراسان رضوی با نسبت ۳۰ درصد و خراسان جنوبی با نسبت ۲۴/۵ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای حمام عمومی در استان‌های بوشهر با نسبت ۰/۳ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۰/۵ درصد قرار دارند. همچنین بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای خانه‌ی بهداشت در استان‌های گلستان با نسبت ۵۷/۷ درصد و همدان با نسبت ۵۷/۴ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای خانه‌ی بهداشت در استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۱۵/۴ درصد و خراسان جنوبی با نسبت ۱۷ درصد قرار دارند. بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای پایگاه بهداشت روستایی در استان‌های تهران با نسبت ۱۰/۳ درصد و قزوین با نسبت ۸/۶ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای پایگاه بهداشت روستایی در استان‌های قم با نسبت ۰/۵ درصد و سیستان و بلوچستان با نسبت ۱/۲ درصد قرار دارند. همچنین بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بهورز در استان‌های گلستان با نسبت ۵۸/۸ درصد و همدان با نسبت ۴۹/۵ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بهورز در استان‌های کرمان با نسبت ۱۳/۷ درصد و سیستان و بلوچستان با نسبت ۱۴/۵ درصد قرار دارند. علاوه بر آن، بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای غسالخانه در استان‌های همدان با نسبت ۶۰/۷ درصد و مرکزی با نسبت ۵۰/۷ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای غسالخانه در استان‌های ایلام با نسبت ۳/۱ درصد و خوزستان با نسبت ۳/۲ درصد قرار دارند. بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سامانه‌ی جمع‌آوری زباله در استان‌های گلستان با نسبت ۵۶/۶ درصد و البرز با نسبت ۴۳/۷ درصد و کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سامانه‌ی جمع‌آوری زباله در استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۳/۲ درصد و کرمانشاه با نسبت ۶/۳ درصد واقع شده‌اند. در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات بهداشتی آبادی‌ها ۱۷/۱ درصد بود که در این ارتباط، بیش‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات بهداشتی مربوط به استان‌های همدان با مقدار ۳۷/۹ درصد و گلستان با مقدار ۳۵/۵ درصد و کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات بهداشتی مربوط به استان‌های کرمان با مقدار ۷/۶ درصد، سیستان و بلوچستان با مقدار ۸/۸ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با مقدار ۹/۷ درصد بود. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات بهداشتی در آبادی‌ها ۱۷/۸ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان با مقدار ۶/۸ درصد و کرمان و کهگیلویه و بویراحمد هر کدام با مقدار ۹/۲ درصد و بیش‌ترین مقدارهای این شاخص مربوط به استان‌های گلستان با مقدار ۳۵/۲ درصد و همدان با مقدار ۳۷/۵ درصد است.

۳-۶-۳-۸- شاخص امکانات درمانی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، وجود مرکز بهداشتی درمانی، داروخانه، مرکز تسهیلات زایمان، بهیار یا مامای روستایی، پزشک، دندانپزشک و دندانپزشک تجربی به عنوان امکانات درمانی مورد بررسی قرار گرفتند و به عنوان معرف شاخص امکانات درمانی استفاده شدند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط ۶/۷ درصد آبادی‌های کشور دارای مرکز بهداشتی درمانی، ۴/۲ درصد دارای داروخانه، ۰/۷ درصد دارای مرکز تسهیلات زایمان، ۶/۹

درصد دارای بهیار یا مامای روستایی، ۹/۴ درصد دارای پزشک، ۱/۶ درصد دارای دندانپزشک و ۰/۸ درصد دارای دندانپزشک تجربی هستند. این در حالی است که استان قم با نسبت ۱۶/۶ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای مرکز بهداشتی درمانی و استان کرمانشاه با نسبت ۲/۷ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای مرکز بهداشتی درمانی است. همچنین استان‌های گلستان با نسبت ۹/۵ درصد و اصفهان با نسبت ۹/۲ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای داروخانه در کشور هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۱/۶ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای داروخانه بود. استان زنجان با نسبت ۲/۵ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای مرکز تسهیلات زایمان و استان کرمانشاه با نسبت ۰/۱ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای مرکز تسهیلات زایمان بود. همچنین استان گلستان با نسبت ۲۰/۹ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای بهیار یا مامای روستایی و استان کرمانشاه با نسبت ۲/۳ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای بهیار یا مامای روستایی بود. استان‌های گلستان با نسبت ۲۰/۵ درصد و آذربایجان شرقی و زنجان هر یک با نسبت ۱۹/۳ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای پزشک و استان‌های کرمان و کهگیلویه و بویراحمد هر یک با نسبت ۳/۴ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای پزشک بودند. همچنین استان تهران با نسبت ۵/۷ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای دندانپزشک و استان کرمانشاه فاقد آبادی دارای دندانپزشک بود. علاوه بر آن، استان تهران با نسبت ۳/۲ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای دندانپزشک تجربی در کشور و استان ایلام با نسبت ۰/۱ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای دندانپزشک تجربی بود. در سال ۱۳۹۰، وجود مرکز بهداشتی درمانی، داروخانه، مرکز تسهیلات زایمان، پزشک خانواده، پزشک، دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان، دندانپزشک تجربی یا دندان‌ساز، بهیار یا مامای روستایی و آزمایشگاه و رادیولوژی مورد پرسش قرار گرفتند که به‌طور متوسط، ۸/۸ درصد دارای مرکز بهداشتی درمانی، ۴/۴ درصد دارای داروخانه، ۰/۸ درصد دارای مرکز تسهیلات زایمان، ۸/۷ درصد دارای پزشک خانواده، ۸/۹ درصد دارای پزشک، ۱/۳ درصد دارای دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان، ۰/۷ درصد دارای دندانپزشک تجربی یا دندان‌ساز، ۷/۵ درصد دارای بهیار یا مامای روستایی و ۰/۵ درصد دارای آزمایشگاه و رادیولوژی هستند. استان‌های تهران با نسبت ۲۶ درصد و البرز با نسبت ۲۱ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای مرکز بهداشتی درمانی هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۳/۴ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای مرکز بهداشتی درمانی است. همچنین استان‌های اصفهان با نسبت ۱۱/۳ درصد و تهران با نسبت ۱۱/۲ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای داروخانه هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۱/۶ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای داروخانه است. علاوه بر آن، استان زنجان با نسبت ۲/۸ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای مرکز تسهیلات زایمان و استان خراسان جنوبی با نسبت ۰/۳ درصد دارای کمترین تعداد آبادی دارای مرکز تسهیلات زایمان است. همچنین استان‌های بوشهر با نسبت ۹۷/۱ درصد و چهارمحال و بختیاری با نسبت ۲۰/۶ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای پزشک خانواده هستند و استان هرمزگان با نسبت ۳/۴ درصد دارای کمترین تعداد آبادی‌های دارای پزشک خانواده است. استان‌های تهران با نسبت ۲۵/۶ درصد و اصفهان با نسبت ۲۲/۲ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای پزشک و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۲/۲ درصد دارای کمترین تعداد آبادی‌های دارای پزشک هستند. همچنین استان‌های تهران با نسبت ۶/۵ درصد و اصفهان با نسبت ۳/۴ درصد دارای بیشترین تعداد آبادی‌های دارای دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۲

درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان است. علاوه بر آن، استان‌های تهران با نسبت ۵/۴ درصد و مازندران با نسبت ۲/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دندانپزشک تجربی یا دندان‌ساز هستند و استان‌های ایلام و قم فاقد آبادی دارای دندانپزشک تجربی یا دندان‌ساز هستند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات درمانی آبادی‌های کشور ۴/۳ درصد بود که در این ارتباط، کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات درمانی مربوط به استان کرمانشاه با مقدار ۱/۵ درصد بود. در حالی که بیش‌ترین امکانات درمانی آبادی‌ها در استان گلستان با مقدار ۱۰ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات درمانی در آبادی‌ها ۴/۶ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۱/۵ درصد و بیش‌ترین مقدار این شاخص مربوط به استان‌های بوشهر با مقدار ۱۷/۳ درصد و تهران با مقدار ۱۱/۲ درصد است.

۳-۶-۳-۹- شاخص امکانات بهداشت دام آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، وجود دام‌پزشک و تکنسین دام‌پزشکی به عنوان امکانات بهداشت دام مورد بررسی قرار گرفتند و به عنوان معرف شاخص امکانات بهداشت دام استفاده شدند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط، ۲۲/۶ درصد آبادی‌های کشور دارای دام‌پزشک و ۲/۱ درصد دارای تکنسین دام‌پزشکی هستند. این در حالی است که استان‌های گلستان با نسبت ۵۲/۳ درصد و همدان با نسبت ۴۰/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دام‌پزشک هستند و استان‌های البرز و تهران به ترتیب با نسبت‌های ۴/۳ درصد و ۲/۶ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای دام‌پزشک بودند. همچنین استان‌های قزوین با نسبت ۵/۴ درصد و آذربایجان شرقی با نسبت ۴/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای تکنسین دام‌پزشکی هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۴ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای تکنسین دام‌پزشکی بود. در سال ۱۳۹۰، به‌طور متوسط، ۱/۹ درصد آبادی‌های کشور دارای دام‌پزشک و ۰/۹ درصد دارای تکنسین دام‌پزشکی هستند. این در حالی است که استان‌های البرز با نسبت ۵/۴ درصد و زنجان با نسبت ۴/۶ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دام‌پزشک هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۱ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای دام‌پزشک است. همچنین استان‌های اصفهان با نسبت ۳/۳ درصد و گلستان با نسبت ۲/۹ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای تکنسین دام‌پزشکی هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۰/۱ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای تکنسین دام‌پزشکی بود. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات بهداشت دام ۱۲/۴ درصد بود که در این ارتباط، کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات بهداشت دام مربوط به استان‌های البرز و تهران به ترتیب با مقدارهای ۳/۱ درصد و ۲/۳ درصد بود. در حالی که بیش‌ترین امکانات بهداشت دام در استان گلستان با مقدار ۲۷/۵ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات بهداشت دام در آبادی‌ها ۱/۴ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۰/۱ درصد و بیش‌ترین مقدار این شاخص مربوط به استان‌های البرز با مقدار ۳/۸ درصد و اصفهان با مقدار ۳/۶ درصد است.

۳-۶-۳-۱۰- شاخص امکانات زیرساخت‌های ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، وجود راه زمینی شامل جاده‌ی آسفalte، جاده‌ی شوسه، جاده‌ی خاکی و مالرو، و راه‌آهن و راه آبی

به عنوان امکانات زیرساخت‌های ارتباطی مورد بررسی قرار گرفتند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط ۴۳/۸ درصد آبادی‌های کشور دارای جاده‌ی آسفalte، ۱۴/۵ درصد دارای جاده‌ی شوسه، ۳۷/۳ درصد دارای جاده‌ی خاکی، ۴/۲ درصد دارای مالرو، ۰/۲ درصد دارای راه‌آهن و ۰/۲ درصد دارای راه آبی هستند. این در حالی است که استان‌های قم با نسبت ۷۱/۶ درصد و ایلام با نسبت ۷۰/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جاده‌ی آسفalte هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۱۸/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای جاده‌ی آسفalte است. همچنین استان‌های کردستان با نسبت ۳۲/۱ درصد و کرمانشاه با نسبت ۲۸/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جاده‌ی شوسه در کشور هستند و استان خراسان جنوبی با نسبت ۳/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای جاده‌ی شوسه بود. استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۶۵/۴ درصد و کرمان با نسبت ۶۱/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جاده‌ی خاکی و استان گلستان با نسبت ۷/۶ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای جاده‌ی خاکی بود. همچنین استان خوزستان با نسبت ۱۵/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای راه زمینی مالرو و استان‌های گلستان و قم فاقد آبادی دارای راه زمینی مالرو هستند. استان‌های تهران با نسبت ۳/۸ درصد و قم با نسبت ۰/۹ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای راه‌آهن هستند و استان‌های البرز، سیستان و بلوچستان، گیلان، کرمانشاه، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، همدان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و بوشهر فاقد آبادی دارای راه‌آهن بودند. همچنین استان‌های بوشهر با نسبت ۲/۸ درصد و هرمزگان با نسبت ۱/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای راه آبی هستند و استان‌های کرمان، فارس، خراسان رضوی، کرمانشاه، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، یزد، مرکزی، تهران، همدان، البرز، زنجان، قزوین، خراسان شمالی، سمنان، ایلام و قم فاقد آبادی دارای راه آبی هستند. در سال ۱۳۹۰، به‌طور متوسط، ۵۸ درصد دارای جاده‌ی آسفalte، ۹/۸ درصد دارای جاده‌ی شوسه، ۳۰/۲ درصد دارای جاده‌ی خاکی، ۲ درصد دارای راه زمینی مالرو، ۰/۲ درصد دارای راه‌آهن و ۰/۱ درصد دارای راه آبی هستند. همچنین استان‌های قم با نسبت ۸۹/۲ درصد و گلستان با نسبت ۸۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جاده‌ی آسفalte هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۲۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای جاده‌ی آسفalte است. علاوه بر آن، استان اردبیل با نسبت ۱۹/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جاده‌ی شوسه و استان اصفهان با نسبت ۲/۸ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای جاده‌ی شوسه است. همچنین استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۶۰ درصد و کرمان با نسبت ۵۵/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جاده‌ی خاکی هستند و استان ایلام با نسبت ۹/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جاده‌ی خاکی است. استان خوزستان با نسبت ۹/۶ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای راه زمینی مالرو و استان‌های البرز، خراسان رضوی، قم، مرکزی و یزد فاقد آبادی دارای راه زمینی مالرو هستند. همچنین استان تهران با نسبت ۰/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای راه‌آهن است و استان‌های اردبیل، البرز، زنجان، قزوین، قم، گلستان، گیلان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، همدان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و بوشهر فاقد آبادی دارای راه‌آهن هستند. همچنین استان بوشهر با نسبت ۵۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای راه آبی است و استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، سیستان و بلوچستان، لرستان، خراسان رضوی، کرمان، فارس، خراسان رضوی، کرمانشاه، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، یزد، مرکزی، تهران، همدان، البرز، زنجان، قزوین، خراسان شمالی، سمنان، ایلام و قم فاقد آبادی دارای راه آبی هستند. لازم به ذکر است که در

سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، شاخص کل زیرساخت‌های ارتباطی در آبادی‌ها ۱۶/۷ درصد است.

۳-۶-۱۱- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، وجود فروشگاه تعاونی، بقالی، نانوايي، گوشت‌فروشی، قهوه‌خانه و تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی به عنوان امکانات بازرگانی و خدمات مورد بررسی قرار گرفتند و به عنوان معرف شاخص امکانات بازرگانی و خدمات استفاده شدند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط ۱۱/۷ درصد آبادی‌های کشور دارای فروشگاه تعاونی، ۴۰/۴ درصد دارای بقالی، ۲۰/۵ درصد دارای نانوايي، ۹/۱ درصد دارای گوشت‌فروشی، ۵/۸ درصد دارای قهوه‌خانه، ۴/۱ درصد دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی هستند. این در حالی است که استان‌های همدان با نسبت ۲۴/۸ درصد و اصفهان با نسبت ۲۱/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای فروشگاه تعاونی هستند و استان کرمان با نسبت ۵/۸ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای فروشگاه تعاونی بود. همچنین استان‌های گلستان با نسبت ۸۳/۲ درصد و همدان با نسبت ۷۲/۲ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بقالی در کشور هستند و استان کرمان با نسبت ۱۶/۴ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای بقالی بود. استان‌های گلستان با نسبت ۶۵ درصد و خراسان شمالی با نسبت ۶۳/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای نانوايي و استان کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۴/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای نانوايي بود. همچنین استان همدان با نسبت ۲۸/۶ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای گوشت‌فروشی و استان‌های کرمان با نسبت ۲/۳ درصد و خراسان جنوبی با نسبت ۲/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای گوشت‌فروشی بودند. استان گیلان با نسبت ۴۵/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای قهوه‌خانه و استان‌های خراسان جنوبی ۵/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای قهوه‌خانه بود. همچنین استان مازندران با نسبت ۱۳/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۳/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی بود. در سال ۱۳۹۰، علاوه بر اقلام مورد بررسی در سال ۱۳۸۵ وجود اقلام پایگاه آتش‌نشانی، نمایندگی پخش نفت سفید، نمایندگی پخش سیلندر گاز، تعمیرگاه ماشین‌آلات غیرکشاورزی و جایگاه سوخت مورد پرسش قرار گرفتند که به‌طور متوسط، ۸/۰ درصد دارای پایگاه آتش‌نشانی، ۱۸/۲ درصد دارای نمایندگی پخش نفت سفید، ۹/۸ درصد دارای نمایندگی پخش سیلندر گاز، ۱۱ درصد دارای فروشگاه تعاونی، ۴۴/۲ درصد دارای بقالی، ۲۱/۱ درصد دارای نانوايي، ۷/۹ درصد دارای گوشت‌فروشی، ۵/۹ درصد دارای قهوه‌خانه، ۴/۳ درصد دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی، ۵/۲ درصد دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات غیرکشاورزی و ۱/۹ درصد دارای جایگاه سوخت هستند. استان‌های تهران با نسبت ۳/۴ درصد و قم با نسبت ۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای پایگاه آتش‌نشانی هستند و استان سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۲/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای پایگاه آتش‌نشانی است. همچنین استان‌های همدان با نسبت ۴۸/۹ درصد و قزوین با نسبت ۳۵/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای نمایندگی پخش نفت سفید هستند و استان خوزستان با نسبت ۲/۹ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای نمایندگی پخش نفت سفید است. علاوه بر آن، استان زنجان با نسبت ۲۲/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای نمایندگی پخش سیلندر گاز و استان خراسان جنوبی با نسبت ۳/۴ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای نمایندگی پخش سیلندر گاز است. همچنین استان‌های همدان با نسبت ۲۳/۸ درصد، خراسان رضوی با نسبت ۲۱/۷ درصد و

اصفهان با نسبت ۲۱/۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای فروشگاه تعاونی و استان‌های اردبیل و کرمان هر یک با نسبت ۶/۴ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای فروشگاه تعاونی هستند. استان‌های گلستان با نسبت ۸۶/۵ درصد و خراسان شمالی با نسبت ۷۲/۸ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بقالی و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۲۰/۶ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای بقالی هستند. همچنین استان خراسان شمالی با نسبت ۶۰/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای نانوايي و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۵/۳ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای نانوايي است. علاوه بر آن، استان تهران با نسبت ۲۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای گوشت‌فروشی و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۵/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای گوشت‌فروشی هستند. همچنین استان گیلان با نسبت ۴۶/۶ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای قهوه‌خانه و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۲/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای قهوه‌خانه هستند. استان‌های مازندران با نسبت ۱۵/۳ درصد و گلستان با نسبت ۱۲/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۴/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی هستند. همچنین استان‌های تهران با نسبت ۱۷/۲ درصد و گلستان با نسبت ۱۴/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات غیرکشاورزی و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۹/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای تعمیرگاه ماشین‌آلات غیرکشاورزی است. علاوه بر آن، استان تهران با نسبت ۵/۹ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جایگاه سوخت و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۵/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای جایگاه سوخت هستند. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌های کشور ۱۵/۳ درصد بود که در این ارتباط، کم‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات درمانی مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۵/۲ درصد بود. در حالی که بیش‌ترین امکانات بازرگانی و خدمات آبادی‌ها در استان گلستان با مقدار ۳۳/۷ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات بازرگانی و خدمات در آبادی‌ها ۱۱/۸ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۴/۲ درصد و بیش‌ترین مقدار این شاخص مربوط به استان‌های گلستان با مقدار ۲۲/۷ درصد و همدان با مقدار ۲۲/۵ درصد است.

۳-۶-۱۲- شاخص امکانات ارتباطی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، وجود صندوق پست، دفتر پست، دفتر مخابرات و وسایل نقلیه عمومی به عنوان امکانات ارتباطی مورد بررسی قرار گرفتند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط، ۳/۶ درصد آبادی‌های کشور دارای صندوق پست، ۲ درصد دارای دفتر پست، ۱۸/۳ درصد دارای دفتر مخابرات و ۱۶/۳ درصد دارای وسایل نقلیه عمومی هستند. این در حالی است که استان‌های سمنان با نسبت ۲۳/۳ درصد و قم با نسبت ۲۲/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای صندوق پست هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۱/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای صندوق پست بود. همچنین استان‌های سمنان با نسبت ۱۹ درصد و گلستان با نسبت ۱۸/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر پست هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت یک درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای دفتر پست بود. استان کرمانشاه با نسبت ۸۱/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر مخابرات و استان لرستان با نسبت ۱۸/۲ درصد دارای

کم‌ترین تعداد آبادی دارای دفتر مخابرات بود. همچنین استان‌های همدان با نسبت ۶۰/۴ درصد و کردستان با نسبت ۵۸/۴ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای وسایل نقلیه عمومی و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۱۷/۴ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای وسایل نقلیه عمومی بود. در سال ۱۳۹۰، علاوه بر اقلام مورد بررسی در سال ۱۳۸۵، وجود اقلام دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی و دسترسی به ایستگاه راه‌آهن مورد پرسش قرار گرفتند که به‌طور متوسط، ۱۲/۶ درصد آبادی‌ها دارای صندوق پست، ۱۱/۵ درصد دارای دفتر پست، ۲۲/۵ درصد دارای دفتر مخابرات، ۱۰/۲ درصد دارای دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی، ۴۰/۵ درصد دارای دسترسی به وسیله نقلیه عمومی و ۱/۴ درصد دارای دسترسی به ایستگاه راه‌آهن هستند. استان‌های البرز با نسبت ۴۴/۲ درصد و تهران با نسبت ۳۴/۹ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای صندوق پست هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۲/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای صندوق پست است. همچنین استان‌های البرز با نسبت ۳۴/۴ درصد و همدان با نسبت ۳۳/۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر پست هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۲/۱ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر پست است. علاوه بر آن، استان خراسان رضوی با نسبت ۶۹/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر مخابرات و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۹/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر مخابرات است. همچنین استان‌های گلستان با نسبت ۳۷/۶ درصد و همدان با نسبت ۲۲/۷ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۲/۵ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی است. استان‌های چهارمحال و بختیاری با نسبت ۸۸/۱ درصد و گیلان با نسبت ۶۶ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های با دسترسی به وسیله نقلیه عمومی و استان کرمان با نسبت ۱۵/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های با دسترسی به وسیله نقلیه عمومی هستند. همچنین استان‌های سمنان با نسبت ۱۲/۴ درصد و قم با نسبت ۵/۹ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های با دسترسی به ایستگاه راه‌آهن هستند و استان‌های ایلام و کردستان فاقد آبادی با دسترسی به ایستگاه راه‌آهن است. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات ارتباطی آبادی‌های کشور ۲۰/۶ درصد بود که در این ارتباط، بیش‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات ارتباطی مربوط به استان‌های همدان با مقدار ۴۱/۲ درصد بود. در حالی که کم‌ترین امکانات ارتباطی آبادی‌ها در استان کرمان با مقدار ۱۰ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات ارتباطی در آبادی‌ها ۱۶/۵ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۵/۷ درصد و بیش‌ترین مقدار این شاخص مربوط به استان همدان با مقدار ۳۴/۹ درصد است.

۳-۶-۳-۱۳- شاخص امکانات اطلاع‌رسانی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، دو مورد دسترسی به اینترنت و دسترسی به روزنامه و مجله به عنوان امکانات اطلاع‌رسانی مورد بررسی قرار گرفتند که بر اساس نتایج به دست آمده، به‌طور متوسط، ۲/۹ درصد آبادی‌های کشور به اینترنت و ۲/۳ آن‌ها به روزنامه و مجله دسترسی دارند که در این میان، استان‌های گلستان با نسبت ۱۱/۵ درصد، سمنان با نسبت ۷/۹ درصد، تهران یا نسبت ۷/۸ درصد و اصفهان با نسبت ۷/۶ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های با دسترسی به اینترنت هستند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۰/۴ درصد و سیستان و

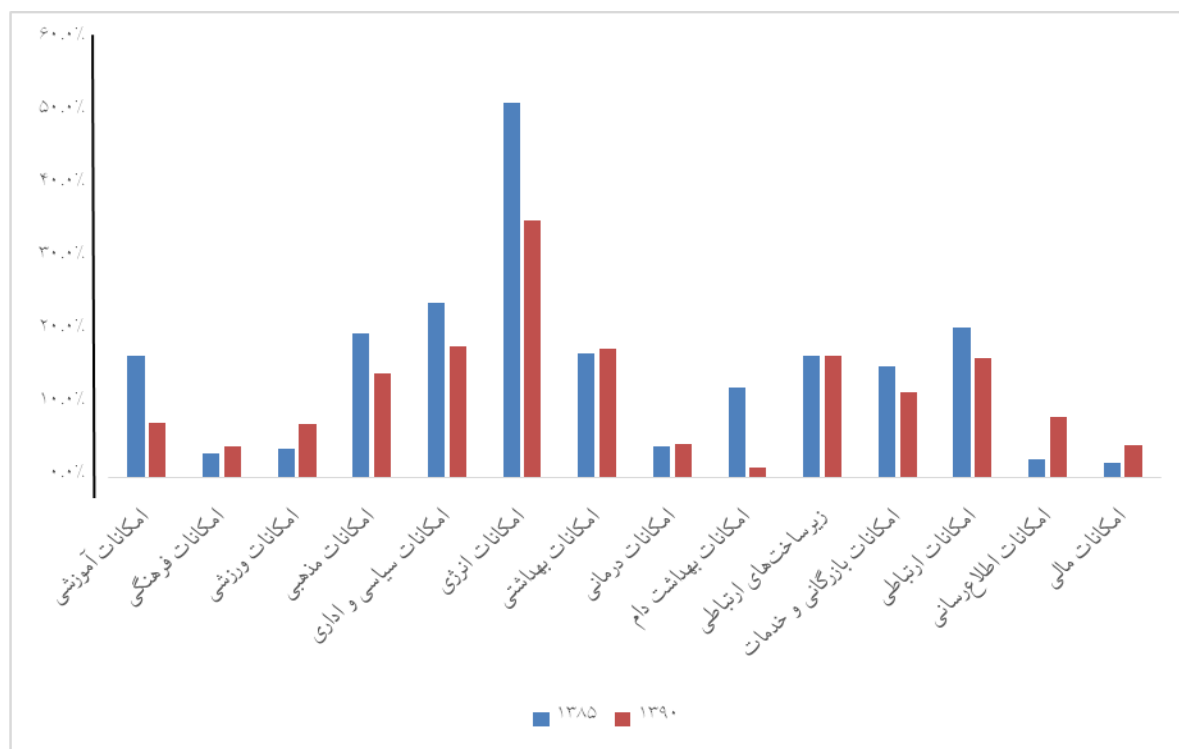
بلوچستان با نسبت ۵/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی با دسترسی به اینترنت بودند. همچنین استان‌های تهران با نسبت ۷/۴ درصد و بوشهر با نسبت ۵ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های با دسترسی به روزنامه و مجله هستند و استان‌های سیستان و بلوچستان و اردبیل به ترتیب با نسبت ۴/۰ درصد و ۹/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی با دسترسی به روزنامه و مجله بودند. در سال ۱۳۹۰، به‌طور متوسط، ۱۴/۱ درصد آبادی‌ها به اینترنت و ۲/۸ درصد به روزنامه و مجله دسترسی دارند که در این بین، استان‌های گلستان با نسبت ۴۱/۵ درصد و قم با نسبت ۳۳ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های با دسترسی به اینترنت هستند و استان سیستان و بلوچستان با نسبت ۳/۲ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی با دسترسی به اینترنت است. همچنین استان‌های تهران با نسبت ۱۱/۵ درصد و البرز با نسبت ۱۰/۴ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی با دسترسی به روزنامه و مجله و استان‌های سیستان و بلوچستان با نسبت ۳/۰ درصد و کردستان با نسبت ۸/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی با دسترسی به روزنامه و مجله است. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۵، شاخص کل امکانات اطلاع‌رسانی آبادی‌های کشور ۲/۶ درصد بود که در این ارتباط، بیش‌ترین میزان شاخص کل برخورداری از امکانات اطلاع‌رسانی مربوط به استان گلستان با مقدار ۷/۱ درصد بود. در حالی که کم‌ترین امکانات اطلاع‌رسانی آبادی‌ها در استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۵/۰ درصد مستقر است. در سال ۱۳۹۰، شاخص کل امکانات اطلاع‌رسانی در آبادی‌ها ۸/۴ درصد است که کم‌ترین میزان مربوط به استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۱/۷ درصد و بیش‌ترین مقدار این شاخص مربوط به استان تهران با مقدار ۲۰/۳ درصد است.

۳-۶-۳-۱۴- شاخص امکانات مالی آبادی‌های دارای سکنه در کشور

در سال ۱۳۸۵، به‌طور متوسط، ۲/۱ درصد آبادی‌های کشور دارای بانک هستند که در این میان، استان‌های تهران با نسبت ۵/۹ درصد و سمنان با نسبت ۵/۴ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی دارای بانک و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با نسبت ۴/۰ درصد و سیستان و بلوچستان با نسبت ۳/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای بانک هستند. در سال ۱۳۹۰، به‌طور متوسط، ۴/۵ درصد آبادی‌های کشور دارای بانک هستند که در این بین، استان‌های بوشهر با نسبت ۱۷ درصد، گلستان با نسبت ۱۳/۸ درصد و تهران با نسبت ۱۳/۱ درصد دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌ها دارای بانک و استان سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با نسبت ۳/۰ درصد و ۷/۰ درصد دارای کم‌ترین تعداد آبادی دارای بانک هستند.

شکل ۳-۴۴ میزان تغییرات شاخص‌های مذکور در کل کشور را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان

می‌دهد.



شکل ۳-۴- مقایسه شاخص‌های امکانات زندگی آبادی‌ها در کل کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

فصل ۴

نتیجه‌گیری

۴-۱- نتیجه‌گیری

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۹۶۵۴۹ آبادی در کل کشور وجود داشته است که این تعداد در مقایسه با سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. این در حالی است که در همین مدت، تعداد آبادی‌های آبادی‌های دارای سکنه در کاهش یافته است. توزیع استانی آبادی‌های نشان می‌دهد:

- در سال ۱۳۹۰ نیز همانند سال ۱۳۸۵ بیش‌ترین آبادی‌های در استان کرمان و کم‌ترین آن‌ها در استان قم قرار داشته‌اند.

- استان سیستان و بلوچستان دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی و استان‌های قم و البرز دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های دارای سکنه‌ی دائمی هستند.

- در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، استان کرمان دارای بیش‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی کشور است و استان‌های گلستان، البرز و قم دارای کم‌ترین تعداد آبادی‌های خالی از سکنه‌ی موسمی در کشور هستند.

یکی از مفروضات اساسی در ادبیات مهاجرت (مهاجرت روستا به شهر) ضعف امکانات در آبادی‌ها است. بررسی‌های صورت گرفته حاکی از رابطه معکوس متوسط بین وجود امکانات در آبادی‌ها و سهم آبادی‌های خالی از سکنه است. به عبارتی دیگر، در کل می‌توان گفت بین وجود امکانات آبادی‌ها و خالی از سکنه شدن آن‌ها همبستگی در حد متوسط وجود دارد و با وجود استقرار امکانات در آبادی‌ها شانس خالی از سکنه شدن آبادی‌ها کاهش می‌یابد.

با توجه به افزایش تعداد آبادی‌ها در سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال ۱۳۸۵، درصد آبادی‌های دشتی افزایش، درصد آبادی‌های جنگلی واقع در دشت، درصد آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه و درصد آبادی‌های کوهستانی، دره‌ای یا تپه‌ای کاهش یافته‌اند. با این اوصاف، توزیع آبادی‌ها بر حسب وضع سکونت و نیز بر حسب وضع طبیعی در این سال‌ها تغییرات عمده‌ای نداشته است. همچنین، توزیع استانی آبادی‌ها بر حسب وضع طبیعی محل استقرارشان در سال ۱۳۹۰ حاکی از آن است که:

- استان سیستان و بلوچستان دارای بیش‌ترین و استان چهارمحال و بختیاری دارای کم‌ترین آبادی‌های دشتی

هستند.

- استان مازندران دارای بیش‌ترین آبادی‌های جنگلی واقع در دشت بوده و استان‌های قم، مرکزی و یزد فاقد این گونه از آبادی‌ها هستند.

- استان کرمان بیش‌ترین و استان قم کم‌ترین آبادی‌های کوهستانی، تپه‌ای یا دره‌ای کشور را دارا هستند.

- استان مازندران و استان قم به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین آبادی‌های جنگلی واقع در کوهستان یا تپه را به خود اختصاص داده‌اند.

به لحاظ تحلیلی بین سهم آبادی‌های خالی از سکنه و سهم آبادی‌های دشتی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. به عبارتی، هر چه سهم آبادی‌های دشتی در یک استان بیش‌تر باشد، آبادی‌های خالی از سکنه بیش‌تری نیز در آن استان وجود دارد. بنابراین از این حیث، آبادی‌ها بیش‌تر در معرض تخلیه قرار دارد و این امر می‌تواند توجیهی مستدل برای استان‌های دشتی، کویری و بیابانی باشد که سهم آبادی‌های خالی از سکنه در آن‌ها بالا است. هر چند بین دیگر وضعیت‌های طبیعی آبادی‌ها و سهم خالی از سکنه شدن آبادی‌های آن‌ها همبستگی معکوس وجود دارد، اما این همبستگی‌ها فقط در مورد آبادی‌های دره‌ای و جنگلی واقع در تپه یا کوهستان معنی‌دار است. به عبارتی دو گونه اخیر به لحاظ طبیعی کمتر در معرض تخلیه قرار دارند.

مقایسه‌ی نتایج دو سرشماری از حیث شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی نشان می‌دهد جمعیت آبادی‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ روندی کاهشی داشته و ۳/۱ درصد کاهش یافته است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلایل این کاهش خالی از سکنه شدن آبادی‌ها، تبدیل و جذب آبادی‌ها به نقاط شهری و مهاجرت از آبادی‌ها به شهرها باشد. بررسی بیش‌تر نشان می‌دهد با وجود کاهش جمعیت آبادی‌ها، تعداد خانوارها در مقایسه با سرشماری قبلی افزایش یافته است. کاهش بعد خانوار در آبادی‌ها در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ به مقدار ۰/۷ درصد، حکایت از شکسته شدن خانوارهای ساکن در آبادی‌ها و میل به هسته‌ای شدن خانوار در بین ساکنین آبادی‌ها دارد.

نسبت جنسی جمعیت آبادی‌ها در سال ۱۳۹۰، عدد ۱۰۲ به دست آمده است که در مقایسه با سال ۱۳۸۵ یک درصد کاهش یافته است. همچنین، مطالعه جمعیت آبادی‌ها در سرشماری ۱۳۹۰ نشان می‌دهد شاخص سالخوردگی جمعیت مذکور ۰/۶ درصد بیش‌تر شده و به ۶/۵ درصد رسیده است. به نظر می‌رسد مهاجرت روستا به شهری که در کشور با دو صفت مردانگی و جوانی شناخته می‌شود، یکی از عوامل اصلی تبیین‌کننده این وضعیت باشد.

همچنین، نتایج حاکی از کاهش جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر آبادی‌های کشور در سرشماری ۱۳۹۰ نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ است. این کاهش جمعیت عمومی داشته و هر دو جمعیت شاغل و بیکار را در برمی‌گیرد. به گونه‌ای که کاهش جمعیت فعال عامل عمده کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری در آبادی‌ها در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ بوده است. در سال ۱۳۹۰ نرخ مشارکت اقتصادی به دست آمده برای آبادی‌های کشور ۳۹/۵ درصد بوده است که نسبت به سرشماری ۱۳۸۵ به اندازه ۱/۴ درصد کاهش داشته است. با اینحال، نرخ بیکاری در سرشماری ۱۳۹۰ رقمی معادل ۱۲/۶ درصد است که نسبت به سرشماری ۱۳۸۵، ۲/۲ درصد کاهش یافته است.

از حیث شاخص‌های امکانات آبادی‌ها تغییرات میزان برخورداری ساکنین آبادی‌ها از مجموعه شاخص‌های مرتبط در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ به شرح زیر است:

- شاخص امکانات فرهنگی با ۱ درصد افزایش به ۴/۴ رسیده است.
- شاخص امکانات ورزشی با ۳/۳ درصد افزایش به ۷/۴ رسیده است.
- شاخص امکانات بهداشتی با ۰/۷ درصد افزایش به ۱۷/۸ رسیده است.
- شاخص امکانات درمانی با ۰/۳ درصد افزایش به ۴/۶ رسیده است.
- شاخص امکانات اطلاع رسانی با ۵/۸ درصد افزایش به ۸/۴ رسیده است.
- شاخص امکانات مالی (بانک) با ۲/۱ درصد افزایش به ۴/۵ رسیده است.
- شاخص امکانات زیرساخت‌های ارتباطی با ۱۶/۷ بدون تغییر مانده است.
- شاخص امکانات آموزشی با ۵/۲ درصد کاهش به ۱۶/۷ رسیده است.
- شاخص امکانات سیاسی و اداری با ۶/۱ درصد کاهش به ۱۸/۰ رسیده است.
- شاخص امکانات انرژی با ۱۶/۰ درصد کاهش به ۳۵/۴ رسیده است.
- شاخص امکانات بهداشت دام با ۱/۴ درصد کاهش به ۱۱/۰ رسیده است.
- شاخص امکانات بازرگانی و خدمات با ۳/۲۵ درصد کاهش به ۱۱/۷۸ رسیده است.
- شاخص امکانات ارتباطی با ۴/۱ درصد کاهش به ۱۶/۵ رسیده است.

لازم به ذکر است، علت افت شاخص این ناشی از استقرار برخی امکانات در آبادی‌های محدودی بوده که منجر با کاهش میانگین نمره استقرار امکانات زندگی در آبادی‌ها شده است. به عبارتی، بدیهی است امکانات سال ۱۳۸۵ در آبادی‌ها استقرار داشته، ولیکن چون برخی امکانات در روستاهای محدودی استقرار یافته است، میانگین کل (حسابی) امکانات کاهش یافته است. این وضعیت در مورد برخی خرده شاخص‌های امکانات آبادی‌ها نیز صادق است. در کل استقرار امکانات در آبادی‌ها در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. چه در شاخص‌های که میانگین نمره شاخص افزایش یوده است و چه کاهشی. همانطوری که ملاحظه شد، فقط در شاخص زیرساخت‌های ارتباطی طی مدت مذکور برخورداری ساکنین آبادی‌ها تغییری نداشته است.

۴-۲- پیشنهادها

۱- یکی از مفروضات اساسی در ادبیات مهاجرت (مهاجرت روستا به شهر) ضعف امکانات در نقاط روستایی است. باتوجه به مبانی نظری و دقت در اطلاعات شاخص‌های تحقیق به تفکیک استان به نظر مررسد بین وجود امکانات در آبادی‌ها و سهم آبادی‌های خالی از سکنه رابطه معکوس وجود دارد. به عبارتی دیگر، در کل می‌توان گفت بین وجود امکانات آبادی‌ها و خالی از سکنه شدن آن‌ها همبستگی وجود دارد و با وجود استقرار امکانات در آبادی‌ها شانس خالی از سکنه شدن روستاها کاهش می‌یابد. این امر تمرکز بیش‌تر مسئولین بر توزیع عادلانه امکانات در آبادی‌ها را می‌طلبد.

۲- بررسی ساختار سنی در آبادی‌ها کشور نشان می‌دهد که جمعیت آبادی‌ها نیز همانند نقاط شهری وارد مرحله‌ی پنجره‌ی جمعیتی شده است. جمعیت شناسان و اقتصاددانان این وضعیت را موهبتی جمعیتی می‌دانند که در تاریخ جمعیتی هر کشور یا منطقه یک‌بار اتفاق می‌افتد و فرصتی طلایی برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی است. از آنجایی که آبادی‌ها سهم قابل توجهی در اقتصاد کشور مخصوصاً تولید محصولات کشاورزی و دامی دارند، در این خصوص برنامه‌ریزی به منظور رشد، بالندگی و نشاط اقتصادی و اجتماعی

در است.

۳- بررسی‌های صورت گرفته دال بر این است که عواملی همانند آب و هوا، اقلیم، وسعت و پراکندگی استان و شرایط جغرافیایی از طریق تاثیرگذاری بر ساختار اجتماعی- اقتصادی بر وضعیت سکونت آبادی مؤثر است. به عنوان مثال استان‌های کویری از جمله کرمان و خراسان جنوبی درصد بیش‌تر از آبادی‌هایشان خالی از سکنه است.

۴- با توجه به اینکه فراوانی آبادی‌های دشتی و کوهستانی یا تپه‌ای بیش‌تر از گونه‌ای دیگر است، چنانچه روند خالی از سکنه شدت آبادی‌ها ادامه یابد، این روند در دوگونه اخیر شدیدتر خواهد بود.

۵- از بعد اجتماعی؛ با تغییرات اتفاق افتاده و در شرف وقوع در آبادی‌ها از جمله کاهش بعد و هسته‌ای شدن خانوار، افزایش سن ازدواج و کاهش عمومیت ازدواج، باسواد جمعیت و غیره انجام هرگونه برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی برای آبادی‌ها بایستی با لحاظ کردن این تغییرات ساختاری باشد.

۶- یکی از مولفه‌های مهم بازار کار نرخ مشارکت اقتصادی است. کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری آبادی‌ها با هم نشان دهند از دست رفتن فرصت‌های شغلی از یک سو و عدم تمایل به ورود به بازار کار توسط غیرشاغلین به علت نبود فرصت‌های شغلی مناسب با توان و مهارت آنان است. ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به بخش کشاورزی در آبادی می‌تواند ضمن افزایش نرخ مشارکت اقتصادی، رونق اقتصادی آنان را به دنبال بیاورد.

۷- بررسی‌های آماری حاکی از همبستگی قابل توجه بین امکانات مختلف آبادی‌ها دارد. این بدان معنی است که ترافیک امکانات در برخی آبادی‌ها بالا و در برخی دیگر این چنین نیست. به نظر می‌رسد که وجود یک امکان در یک آبادی خاص زمینه‌ی برخورداری آن آبادی از امکانات دیگر را به دنبال آورده است. به نظر می‌رسد که این استراتژی روش مناسب و بازدارنده‌ای برای مهاجرت‌های روستا به شهر نبوده است و نیازمند طرحی دگر است. مقدار بالای ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص برخورداری آبادی‌های و سهم آبادی‌های داری سکنه، تایید کننده این ادعا است. شاخص‌های طرح هادی ۸۰، امکانات آموزشی ۵۰، فرهنگی ۷۰، مذهبی ۸۷، ورزشی ۸۶، سیاسی ۸۰، انرژی ۸۷، بهداشت ۹۳، درمان ۷۷، بهداشت دام ۷۲۴، بازرگانی ۹۰، ارتباطات ۹۲، اطلاعات ۹۲ و بانک ۸۶ با سهم آبادی‌های دارای سکنه (در سطح استان) همبستگی دارند.

پیوست‌ها

پیوست آ- فرم شناسنامه آبادی‌ها در سرشماری ۱۳۹۰

شماره حوزه: کد آبادی:

نام آبادی:

اگر آبادی نام یا نشانه‌ای دیگری دارد، آن‌ها را بنویسید:

۱-

۲-

۳-

۱- وضعیت طبیعی آبادی:

دشتی ☐ جنگلی واقع در دشت ☐ جنگلی واقع در کوهستان یا تپه ☐

۲- نوع راه آبادی:

راه یا راه‌هایی را که به آبادی منتهی می‌شود یا از آن می‌گذرد با علامت مشخص کنید.

الف - راه زمینی (بجز راه آهن):

جاده آسفته ☐ جاده شوسه (شن‌ریزی شده) ☐ جاده خاکی ☐ مارو ☐

ب - راه آهن (ایستگاه) ☐

ج - راه آبی ☐

۳- وضعیت آبادی از نظر سکونت:

دائمی یا موسمی بودن وضع سکونت در آبادی را با علامت مشخص کنید

دائمی ☐ موسمی ☐

دارای سکنه دائمی ☐ دارای سکنه موسمی ☐

برای مربع‌های ۱ و ۲:

ماه شروع سکونت در آبادی ماه خاتمه سکونت در آبادی

برای آبادی‌های خالی از سکنه (مربع‌های ۳ و ۴) که در بخش ۳ دارای علامت X هستند بخش‌های ۱ تا ۴ تکمیل نمی‌شود.

۴- طرح هادی:

اجرا شده است ☐ در حال اجرا است ☐ ندارد ☐

۵- محل خرید مایحتاج ساکنان آبادی:

۱- آیا اکثر ساکنان آبادی، مایحتاج اولیه خود را از این آبادی خریداری می‌کنند؟

۱-۱- آیا از آبادی یا آبادی‌های دیگر هم برای خرید مایحتاج اولیه به این آبادی مراجعه می‌شود؟

۲- آیا ساکنان آبادی برای خرید مایحتاج خود به شهر یا شهرهایی مراجعه می‌کنند؟

حداکثر نام دو شهر را بنویسید:

نام شهر ۱:

نام شهر ۲:

نام شهرستان:

نام دهستان:

۰

نام و نام خانوادگی مأمور سرشماری:

نام و نام خانوادگی کارشناس گروه:

نام و نام خانوادگی کارشناس بارش فنی:

نام و نام خانوادگی کارشناس سرشماری:

نام و نام خانوادگی کارشناس مسئول فنی و اجرایی:

تاریخ تکمیل فرم: ۱۳۹۰/۰۸/۰۱

شماره تلفن:

شماره تلفن:

شماره تلفن:

وزنه بارش فنی:

۱- برق، گاز و آب:

۱- برق: دارد ☐ ندارد ☐

۱-۱- شبکه سراسری: دارد ☐ ندارد ☐

۱-۲- موتور برق دیوایی: دارد ☐ ندارد ☐

۱-۳- انرژی بوم‌آخورشیدی یا انرژی بادی: دارد ☐ ندارد ☐

۲- گاز لوله کشی: دارد ☐ ندارد ☐

۲-۱- آب لوله کشی: دارد ☐ ندارد ☐

۲-۲- سازه‌های فاضلاب: دارد ☐ ندارد ☐

۱۱- بهداشتی و درمانی:

۱- حمام عمومی: دارد ☐ ندارد ☐

۲- مرکز بهداشتی درمانی: دارد ☐ ندارد ☐

۳- داروخانه: دارد ☐ ندارد ☐

۴- خانه بهداشت: دارد ☐ ندارد ☐

۵- پایگاه بهداشت روستایی: دارد ☐ ندارد ☐

۶- مرکز تسهیلات زایشان: دارد ☐ ندارد ☐

۷- پرستک خانواده: دارد ☐ ندارد ☐

۸- پرستک: دارد ☐ ندارد ☐

۹- دندانپزشکی، بهداشت کار دندان و دندانپزشکی: دارد ☐ ندارد ☐

۱۰- دندانپزشکی تجویز یا دندان‌ساز: دارد ☐ ندارد ☐

۱۱- چهار یا هفتاد روستایی: دارد ☐ ندارد ☐

۱۲- روزبر: دارد ☐ ندارد ☐

۱۳- دامپرستک: دارد ☐ ندارد ☐

۱۴- کمپس دامپرستک: دارد ☐ ندارد ☐

۱۵- آزمایشگاه و رادیولوژی: دارد ☐ ندارد ☐

۱۶- عیالخانه: دارد ☐ ندارد ☐

۱۷- سامانه جمع‌آوری زباله: دارد ☐ ندارد ☐

۱۲- بازرگانی و خدمات:

۱- پایگاه آتش‌نشانی: دارد ☐ ندارد ☐

۲- نمایندگی بخش نفت سفید: دارد ☐ ندارد ☐

۳- نمایندگی بخش سیمان: دارد ☐ ندارد ☐

۴- فروشگاه تعاونی: دارد ☐ ندارد ☐

۵- قالی: دارد ☐ ندارد ☐

۶- نانوا: دارد ☐ ندارد ☐

۷- گوشت فروشی: دارد ☐ ندارد ☐

۸- نهود خانه: دارد ☐ ندارد ☐

۹- بانک: دارد ☐ ندارد ☐

۱۰- تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی: دارد ☐ ندارد ☐

۱۱- تعمیرگاه ماشین آلات غیر کشاورزی: دارد ☐ ندارد ☐

۱۲- جایگاه سوخت: دارد ☐ ندارد ☐

۹- سیاسی و اداری:

۱- شورای اسلامی روستا: دارد ☐ ندارد ☐

۲- دهیار: دارد ☐ ندارد ☐

۳- باشگاه نیروی انتظامی: دارد ☐ ندارد ☐

۴- مرکز خدمات جهاد کشاورزی: دارد ☐ ندارد ☐

۵- مروج کشاورزی: دارد ☐ ندارد ☐

۶- شورای حل اختلاف: دارد ☐ ندارد ☐

۷- شرکت تعاونی روستایی: دارد ☐ ندارد ☐

پیوست ب- فرم شناسنامه آبادی‌ها در سرشماری ۱۳۸۵

جمهوری اسلامی ایران
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
مرکز آمار ایران
سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵
فرم ۵- شناسنامه آبادی

نام شهرستان: _____
نام دهستان: _____
نام آبادی: _____

شماره ی حوزه: _____
کد آبادی: _____

نام آبادی: _____

۱- نام آبادی نام یا نام‌های دیگری دارد، آن‌ها را بنویسید: _____

۲- _____

۱- وضعیت طبیعی آبادی:

دشتی _____
کوهستانی یا تپه ای _____
جنگلی واقع در دشت _____
جنگلی واقع در کوهستان یا تپه _____
دره ای _____

۲- نوع راه آبادی:

راه یا راه‌هایی را که به آبادی منتهی می‌شود یا از آن می‌گذرد با علامت مشخص کنید.

الف- راه زمینی (بجای راه آهن)

جاده ی آسفالت _____
جاده ی شوسه (شن ریزی شده) _____
جاده ی خاکی _____
مارگرد _____

ب- راه آهن (ایستگاه) _____
ج- راه آبی _____

۳- وضعیت آبادی از نظر سکونت:

دائمی یا موسمی بودن وضع سکونت در آبادی را با علامت مشخص کنید.

دارای سگ _____
خالی از سگ _____
دائمی موسمی _____
دائمی موسمی _____

برای مربع های ۲ و ۴:

ماه شروع سکونت: _____
ماه خاتمه ی سکونت: _____
در آبادی _____
در آبادی _____

برای آبادی های خالی از سگ (مربع های ۲ و ۴) که در بخش "دارای علامت" هستند، بخش های ۴ و ۵ تکمیل نمی‌شود.

۴- محل خرید مایحتاج ساکنان آبادی:

۱- آیا اکثر ساکنان آبادی مایحتاج اولیه ی خود را از این آبادی خریداری می‌کنند؟

۱- آری _____
۲- آری از آبادی یا آبادی های دیگر هم برای خرید مایحتاج اولیه به این آبادی مراجعه می‌شود _____
۳- آری _____
۴- آری _____
۵- آری _____
۶- آری _____

۲- آیا ساکنان آبادی برای خرید مایحتاج خود به شهر یا شهرهای مراجعه می‌کنند؟

حاکم نام در شهر را بنویسید: _____
نام شهر: _____

۵- امکانات آبادی:

در مورد هر یک از تاسیسات، نهیلات و افراد زیر بزرگ بر حسب مورد در مربع مربوط علامت بگذارید.

۵-۱- بهداشتی و درمانی:

وجود دارد وجود ندارد

۱- حمام عمومی _____
۲- مرکز بهداشتی درمانی _____
۳- داروخانه _____
۴- خانه ی بهداشت _____
۵- مرکز نهیلات زایمانی _____
۶- پزشک _____
۷- دندانپزشک _____
۸- دندانپزشک تجربی یا دندانکار _____
۹- بیمار یا دامپای روستایی _____
۱۰- بهداشتکار _____
۱۱- پیروز _____
۱۲- دامپزشک _____
۱۳- تکبیس دامپزشکی _____

۵-۲- آموزشی، فرهنگی و ورزشی:

وجود دارد وجود ندارد

۱- دبستان _____
۲- مدرسه ی راهنمایی پسرانه _____
۳- مدرسه ی راهنمایی دخترانه _____
۴- مدرسه ی راهنمایی مختلط _____
۵- دبیرستان پسرانه _____
۶- دبیرستان دخترانه _____
۷- کتبخانه ی عمومی _____
۸- مکان ورزشی _____

۵-۳- مذهبی:

وجود دارد وجود ندارد

۱- مسجد _____
۲- امامزاده _____
۳- سایر اماکن مذهبی مسلمانان _____
۴- اماکن مذهبی سایر ادیان _____

۵-۴- سیاسی و اداری:

وجود دارد وجود ندارد

۱- شورای اسلامی روستا _____
۲- مرکز خدمات جهاد کشاورزی _____
۳- شرکت تعاونی روستایی _____

۵-۵- بازرگانی و خدمات:

وجود دارد وجود ندارد

۱- فروشگاه تعاونی _____
۲- بقای _____
۳- تالابی _____
۴- گشت فروشی _____
۵- قهوه خانه _____
۶- بانک _____
۷- تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی _____

۵-۶- مخابرات و ارتباطات:

وجود دارد وجود ندارد

۱- صندوق پست _____
۲- دفتر پست _____
۳- دفتر مخابرات _____
۴- دسترسی عمومی به اینترنت _____
۵- دسترسی به وسیله ی نقلیه ی عمومی _____
۶- دسترسی به روزنامه و مجله _____

۵-۷- بازیافتی و خدمات:

وجود دارد وجود ندارد

۱- فروشگاه تعاونی _____
۲- بقای _____
۳- تالابی _____
۴- گشت فروشی _____
۵- قهوه خانه _____
۶- بانک _____
۷- تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی _____

۵-۸- برق، گاز و آب:

وجود دارد وجود ندارد

۱- برق _____
۲- گاز لوله کشی _____
۳- آب لوله کشی _____
۴- سیستم تصفیه ی آب _____

نام و نام خانوادگی پاسخگو: _____
نام و نام خانوادگی مأمور سرشماری: _____
کد شناسایی: _____
تاریخ: _____

نام و نام خانوادگی کارشناس گروه: _____
کد شناسایی: _____
تاریخ: _____

نام و نام خانوادگی کارشناس بازرسی: _____
کد شناسایی: _____
تاریخ: _____

نام و نام خانوادگی کارشناس بازرسی: _____
کد شناسایی: _____
تاریخ: _____

ویژه ی بازرسی: _____

۵

مرجع‌ها

آسایش، ح. (۱۳۷۷)، «حرکات داخلی جمعیت ایران و مساله مهاجرت روستایی»، مجله‌ی جهاد کشاورزی، شماره‌ی ۲۱۱-۲۱۰.

باتامور، تی.بی (۲۵۳۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلچاهی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

بخشوده، محمد (۱۳۸۵)، «روند توسعه‌ی انسانی در ایران»، توسعه و بهره‌وری، سال اول، شماره‌ی ۲، صص ۲-۹.

بهنام، جمشید (۱۳۵۲)، ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

دامن‌کشیده، مرجان؛ هرندي، فاطمه؛ باقري، فريده (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر رشد جمعیت بر مهاجرت و وضعیت مسکن، پژوهشکده‌ی آمار.

حیدری، خلیل؛ کاوند، حسین؛ نایینی، عذرا (۱۳۸۷)، بررسی رابطه‌ی بین مهاجرت و سطح توسعه‌ی اقتصادی استان‌های کشور بر پایه سرشماری جمعیت سال ۱۳۸۵، مجموعه مقالات کنفرانس تحلیل‌های سرشماری ۱۳۸۵، صص ۷۹-۹۰.

خراسانی، محمدامین، رضوانی؛ محمدرضا، مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۱)، سنجش و ارزیابی زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری (مطالعه‌ی موردی: شهرستان ورامین)، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره‌ی چهارم، صص ۷۹-۱۰۴.

سازمان حفاظت محیط زیست (۱۳۸۱)، «گزارش اجلاس جهانی توسعه‌ی پایدار ژوهانسبورگ»، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

شیروانیان، عبدالرسول؛ بخشوده، محمد (۱۳۹۱)، فقر مسکن روستایی و استراتژی‌های مقابله با آن در ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۰، صص ۱۱۱۴-۱۰۱.

فراهانی، احمد؛ فال‌سلیمان، محمود؛ حجت‌پور، محمد؛ حق‌دوست، ناهید؛ فلزی، مرتضی (۱۳۹۱)، اثرات

گسترش فناوری اطلاعات در توسعه‌ی روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستاهای استان خراسان جنوبی)، اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی، سال یکم، شماره ۲، پیاپی ۲، صص ۹۴-۷۹.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۹)، روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

کریم، محمدحسین و هاشمی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، «نظرسنجی از روستاییان در مورد چالش‌های توسعه‌ی پایدار روستایی: مطالعه‌ی موردی دهستان ساروق، شهرستان اراک»، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره‌ی ۲، صص ۱۷۸-۱۵۵.

عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، «مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت»، مدیریت شهری، شماره ۱۰.

غفاری مقدم، زهرا و صبوچی، محمود (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت از روستا به شهر در ایران»،

ماهر، ف. (۱۳۷۵)، «آثار سواد بر مهاجرت‌های روستا به شهر»، فصلنامه‌ی اقتصاد و توسعه، شماره ۶.

محمودی، محمد جواد (۱۳۸۸)، «محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی کشور، استان تهران و شهرستان‌های آن»، فصلنامه‌ی جمعیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره‌ی ۶۷/۶۸، صص ۸۱-۱۱۸.

مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، «تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران»، فصلنامه‌ی تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، سال چهارم، شماره‌ی یازدهم، صص ۵۴-۴۱.

موسوی، سیده نساء؛ رجبی، مصطفی (۱۳۹۱)، کاربرد الگوی پروبیت رتبه‌ای در تحلیل عوامل مؤثر بر تمایل به پرداخت گردشگران روستاس ابیانه، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره‌ی چهارم، صص ۵۲-۲۵.

مشفق، محمود و میرزایی، محمد (۱۳۸۹)، «انتقال سنی در ایران: تحولات سنی جمعیت و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی-جمعیتی»، فصلنامه‌ی جمعیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره‌ی ۷۲/۷۱، صص ۲۲-۱.

مقصودی، منیژه (۱۳۸۶)، انسان شناسی خانواده و خویشاوندی، تهران، شیرازه

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، چکیده‌ی نتایج آمارگیری نیروی کار تابستان ۱۳۹۱، تهران: مرکز آمار ایران. مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، نماگرهای جمعیتی، سال‌های ۷۵-۱۳۳۵. تهران: مرکز آمار ایران

مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵. تهران: مرکز آمار ایران

مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، نتایج آمارگیری از نیروی کار بهار ۱۳۸۶. تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، راهنمای مامور آمارگیر سرشماری، تهران: مرکز آمار ایران.

نصیری، حسین (۱۳۷۹)، «توسعه‌ی پایدار، چشم‌انداز جهان سوم»، تهران: فرهنگ و اندیشه.

نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۶)، «موانع اشتغال جوانان و راهبرد تعادل بازار کار در ایران»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۶)، ارائه و تحلیل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آبادی‌های کشور بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵. تهران، پژوهشکده‌ی آمار.

و ثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات خردمند.

Web, A. R. (۲۰۰۲), Statistical Pattern Recognition, John Wiley & Sons.

Kovács, F., Legány, C. and Babos, A. (۲۰۰۳), “Cluster Validity Measurement Techniques”, Budapest, University of Technology and Economics. Available at: <http://fa.wikipedia.org/wiki/>

Ranis, G. (۱۹۹۷), “Rural-urban migration, surplus of labour”, Discussion paper, No ۷۷۲, Yale university.

Terry L. and Roe. Sirin, S. (۲۰۰۴), “Rural-urban Migration and Economic Growth in Developing Countries”, Available at: <http://ideas.repec.org/p/red/sed۲۴۱/۰۰۴.htm>

Huang, X., Acero, A. and Hon, H. W. (2000), “Spoken Language Processing”, Printice Hall, Available at: www.pajoohe.com.